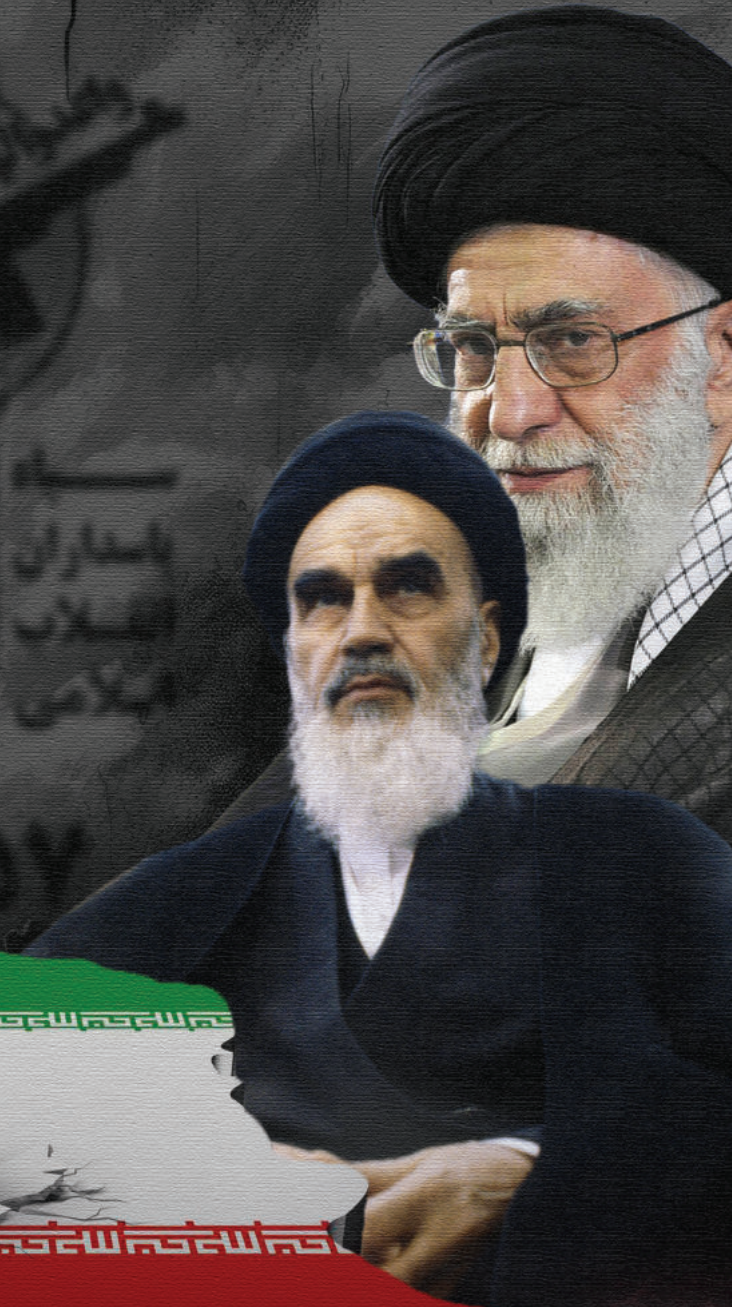


۴۷۲

# کیمهان

KAYHAN.LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده  
جمعه ۵ تا ۱۱ مرداد ۱۴۰۳ خورشیدی  
سال چهل و یکم - شماره ۱۹۳۸



# جنایت علیه بشریت



**خرید سالنامه مهسا**



قیمت: ۵۰ (پنجاه) پوند  
تعداد صفحات: ۱۴۳۶

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت  
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید

**خرید کتاب سقوط بهشت**



قیمت: ۱۵ (پانزده) پوند  
تعداد صفحات: ۷۵۲

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت  
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل  
برای خرید سالنامه به سایت **کیهان لندن** مراجعه فرمایید



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح‌زاده

\*\*\*\*\*

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

**کیهان شما، کیهان لندن**

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- [https://t.me/kayhan\\_london](https://t.me/kayhan_london)

\*\*\*\*\*

10 New Square-Lincoln's Inn  
London WC2A 3QG  
Tel: 0044 (0)20 3633 3684  
e-mail:  
info@kayhan.london  
ads@kayhan.london  
editorial@kayhan.london  
www.kayhan.london  
www.kayhanlife.com

\*\*\*\*\*

سال چهل و یکم  
کیهان شماره ۱۹۳۸ (۴۷۲)

جمعه ۵ تا ۱۱ مرداد ۱۴۰۳  
۲۶ ژوئیه تا ۱ اوت ۲۰۲۴



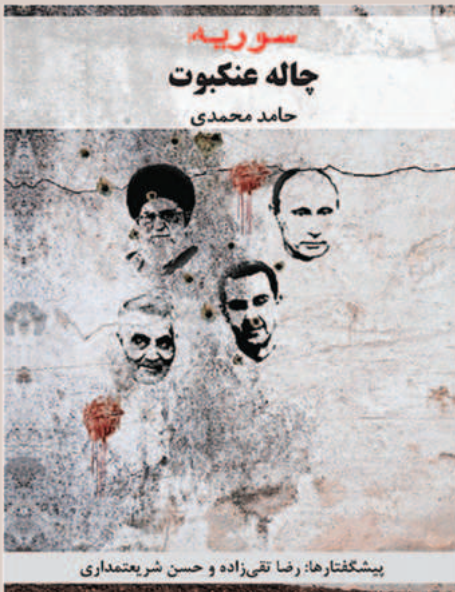
**آگهی در کیهان آگاهی می‌آورد**

نشانی سایت:  
[www.kayhan.london](http://www.kayhan.london)  
روابط عمومی:  
[info@kayhan.london](mailto:info@kayhan.london)  
آگهی و تبلیغات:  
[ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london)  
سر دبیری:  
[editorial@kayhan.london](mailto:editorial@kayhan.london)

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

**KAYHANLIFE**  
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY  
[www.kayhanlife.com](http://www.kayhanlife.com)

**کیهان لندن منتشر کرد:**



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت  
به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن [ads@kayhan.london](mailto:ads@kayhan.london) یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

- Satrap Publishing: Email: [satrap@btconnect.com](mailto:satrap@btconnect.com)  
[www.satrap.co.uk](http://www.satrap.co.uk)
- Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
- Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
- Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
- UTOPIRAN, 89 Rue du Rousseau, 75018 Paris, FRANCE
- Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

پیشگفتارها: رضا تقی‌زاده و حسن شریعتمداری

# کیهان

## \*\* فهرست مطالب \*\*

۴ ..... مقاله - دولت بعدی مستعجل تر از دولت فعلی!! / الاهی بقرات

۴-۵ ..... تیر هفته - جنایت علیه بشریت / .....

۶ ..... انصراف جو بایدن از رقابت در انتخابات ۲۰۲۴ و اختلاف دموکرات‌ها بر سر نامزد جدید... / .....

۷ ..... خودداری رئیس سرویس مخفی آمریکا از پاسخ به پرسش‌های اساسی در مورد سوء قصد... / .....

۸ ..... سخنرانی بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا؛ جمهوری اسلامی پشت ترور بسم و کشتار هاست... / .....

۹ ..... دانیال ایلخانی پور: بستن «مرکز اسلامی هامبورگ» یک اقدام بسیار مهم... / .....

۹ ..... طرح سناتور گر آهام علیه خریداران نفت ایران: «آنهايي که به ترور بسم و آیت الله... / .....

۱۰-۱۱ ..... گزارش رویترز درباره یک واقعت قدیمی و آشکار: «مهندسی انتخابات» توسط... / .....

۱۱ ..... کیمیاي سعادت... / خیر اندیش (احمد/حرار).....

۱۲-۱۴ ..... توفیق، چرا توقیف شد؟ - نقدی بر کتاب «معمای هویدا» نوشته دکتر عباس میلانی... / .....

۱۵ ..... ژنرال واکر فرمانده ارتش بریتانیا: باید ظرف سه سال برای جنگ علیه چهار دولت... / .....

۱۶-۱۷ ..... نشریه «مسائل خارجه» در صورت وقوع جنگ در خاور میانه، روسیه تمایلی برای... / .....

۱۷ ..... ادعای وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی: «داعشی‌های سرگردان» را در ایران... / .....

۱۸ ..... آنتونی بلینکن: جمهوری اسلامی «یک یاد و هفته» با تولید مواد لازم برای ساخت... / .....

۱۹ ..... سی و سومین بازی‌های المپیک در پاریس... / احمدرافت.....

۲۰-۲۲ ..... بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران (بخش پایانی)... / الاهی بقرات.....

۲۲ ..... رویترز: بز خورد کشتی حامل دو میلیون بشکه نفت ایران بایک کشتی سنگاپوری!... / .....

۲۳ ..... توقیف یک نفتکش اماراتی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی بندر بوشهر... / .....

۲۳ ..... «رزمایش مشترک» ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای کاسپین با... / .....

۲۴-۲۵ ..... ممنوع شدن فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ و بازتاب آن در... / حنیف حیدر نژاد.....

۲۶-۲۷ ..... باگذشت نیم قرن، «مدل فیر سی» تر کیه همچنان خطرناک است... / .....

۲۷ ..... اختلال جهانی در شبکه فناوری اطلاعات: فعالیت چندین بانک، فرو رگناه... / .....

۲۸-۲۹ ..... گمانه زنی ها و هشدار هادر باره کابینه چهاردهم... / .....

۲۹ ..... هجوم پلیس آلمان به «مرکز اسلامی هامبورگ» و ۵۳ نمایندگی آن... / .....

۳۰ ..... روند رو به رشد زن کش در سه ماهه نخست ۱۴۰۳... / .....

۳۱ ..... موج تازه وی بی پایان خود کشتی زندانیان سیاسی... / .....

۳۲ ..... یک کشته و چند زخمی در حمله حوثی ها به تل آویو با «پهپاد ساخت... / .....

۳۲-۳۳ ..... اورشلیم بست: حمله هوایی به الحدیده نشان داد دست اسرانیل به... / .....

۳۳ ..... حمله تلافی جو بانه اسرانیل به پالایسگاه نفت حوثی ها... / .....

۳۴-۳۵ ..... هیچکس به اندازه این شاهزاده «لال» شفاف سخن نگفته است... / الاهی بقرات.....

۳۵ ..... وحدت ملی؟! کدام وحدت ملی است؟... / بهنام محمدی.....

۳۶-۳۷ ..... «نسل کشی» و «جنایت علیه بشریت» در دهه ۶۰... / .....

۳۷ ..... شرکت دولتی «بوزنان» لیبستان متهم به فروش قطعات ساخت پهپاد های انتحاری... / .....

۳۸ ..... لزوم همکاری و تبادل نظر اپوزیسیون بهر هبری شاهزاده رضا پهلوی با... / بهرام فرخی.....

۳۹ ..... آیا بازگشت احتمالی ترامپ به کاخ سفید بر ایران تاثیری خواهد داشت؟... / اعلی خسروی.....

۴۰-۴۱ ..... مز دوران و پروژ و دیگران در لباس اپوزیسیون... / اکاوه اردلان.....

۴۲-۴۳ ..... نقش میانجی هادر حل مناقشات و تخفیف تنش ها... / .....

۴۴-۴۵ ..... جبهه بندی موافقان و مخالفان عزل علیرضا زاکانی در شورای اسلامی شهر تهران... / .....

۴۵-۴۶ ..... هر ماه ۲۰۰ ستار بار سفر می بندند... / .....

۴۶-۴۷ ..... رئیس پلیس راهور ناجا: بسیاری از جاده های کشور از نظر فنی معیوب و... / .....

۴۸ ..... خطاب به دولت های خارجه: دیدگاه خود را درباره «اصلاح رژیم»... / مریم اصلانی.....

۴۹ ..... صدور کفرخواست بر ای علی اکبر رائفی پور... / .....

۵۰ ..... دورویی به شیوه اصلاح طلبان؛ از کاپشن احمدی نژاد تا کاپشن پزشکیان!... / .....

۵۱ ..... هشدار در مورد حمله «نیابتی های جمهوری اسلامی» به ورزشکاران اسرانیلی در... / .....

۵۲ ..... ریزش معدن در روستای «آزادپر» و محبوس شدن چهار نفر زیر آوار... / .....

۵۳ ..... بحر آن کمبود شیر خشک ادامه دارد: روند تخصیص ارز غیر شفاف است... / .....

۵۴-۵۵ ..... یخچک ۳۳ هزار ساختمان ناایمن و ۷۱ ساختمان بحرانی بر روی پایتخت... / .....

۵۵ ..... سعیدراد باز یگر سینما در گذشت... / .....

۵۶ ..... شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۲۴؛ ایران در انتهای جدول کشورهای خاور میانه... / .....

۵۷ ..... جلسه اضطراری وزارت نیرو در پی بحران کمبود برق... / .....

۵۸ ..... مدیر حوزه های علمیه در مورد پزشکیان به روس ها اطمینان خاطر داد... / .....

۵۹ ..... «مهندسی زمان» برای تولید «بمب» در «طرح B»... / .....

۶۰ ..... ۸۰ صد شاغلان در ایران مرد هستند؛ مشارکت پایین اقتصادی زنان در... / .....

۶۱ ..... سه اقدام به خودکشی در ایلام؛ زندگی فلاکت بار و بدون امید خانوار های کارگری... / .....

۶۲-۶۳ ..... اطلاعات ضد و نقیض وزارت بهداشت در مورد تب دنگی... / .....

۶۳-۶۴ ..... کمبود متخصصان عفونی و بحران درمان بیماری های عفونی در ایران... / .....

۶۴-۶۵ ..... مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی: ارتباط مستقیم محدودیت در فضای... / .....

۶۶-۶۷ ..... هشدار درباره افزایش جمعیت زیر خط فقر در ایران... / .....

۶۷ ..... شش ماه و یک روز زندان برای آموزگاری که درباره مسموم ساختن دانش آموزان... / .....

۶۸-۶۹ ..... خبر های کوتاه... / .....

۷۰ ..... پشت جلد - عکس هفته / فعالیت «مرکز اسلامی هامبورگ» در یک اقدام بی سابقه ممنوع اعلام شد

بازنشر

بازنشر

بازنشر





## جنایت علیه بشریت

## دولت بعدی مستعجل تر از دولت فعلی!

شرایط جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر در داخل به شدت حاد و خراب بوده و این را از یکسو از میزان سرکوب و دست‌چاچی برای «جمع کردن» اعتراضات خیزش ملی ۴۰۱ و به راه انداختن «جهاد تبیین» و از سوی دیگر در تلاش برای روی کار آوردن مجلس و دولت «یکدست» در ۱۴۰۰ و بعد بازی گرفتن اصلاح‌طلبان با مجلس و دولت «دو دست» در ۱۴۰۳ می‌توان دید.

در خارج نیز اوضاع بهتر از داخل نیست. گذشته از اینکه



توافق اتمی در همان دولت دوم روحانی به بن‌بست رسید و بعد با مصادف شدن دولت رئیسی «تندرو» و بایدن «مماشاتگر» باز هم گره تحریم‌ها بسته ماند، تجاوز نظامی روسیه به خاک اوکراین هم اضافه شد و توافق اتمی را اساسا به این دلیل منتفی کرد که جمهوری اسلامی برگ بازی روسیه بود.

به نظر می‌رسد با حمله هفتم اکتبر ۲۰۲۳ گروه تروریستی حماس به خاک اسرائیل هم‌زمان با شتاب در پیشبرد برنامه‌ی اتمی توسط رژیم با وجود مذاکرات پیدا و پنهان، سرانجام کشورهای غربی به نتیجه‌ی رسیدن که سال‌ها پیش باید می‌رسیدند و مردم ایران نیز مدت‌هاست به آن رسیده‌اند؛ این رژیم اصلاح‌ناپذیر است و رفتارش را نمی‌توان تغییر داد! نه تنها این، بلکه اگرچه جمهوری اسلامی در داخل فقط با سرکوب مانده، اما با چند دهه مماشات دموکراسی‌ها توانسته در منطقه و فراتر از آن بازوهای نیابتی را چنان پرورش دهد که با کارت آنها در مقابل غرب بازی کند.

اما آنچه این اواخر در کشورهای غربی دیده می‌شود هیچ پیام خوبی برای رژیم ایران ندارد؛ از اخراج مقامات نظام و تروریستی اعلام کردن سپاه توسط کانادا و پافشاری آلمان برای اقدام مشابه در اتحادیه اروپا، یا کنار گذاشتن بایدن و احتمال روی کار آمدن ترامپ، و همچنین تحریم انتخابات خود رژیم در تیرماه که هرچه هم آمار دروغ اعلام شود اما همه می‌دانند که اکثریت قاطع به آن «نه» گفتند، تا مواضع چین و روسیه که از جمهوری اسلامی فقط به عنوان «لولو» استفاده می‌کنند.

در صدر همه این شواهد و داده‌ها ممنوعیت «مرکز اسلامی هامبورگ» و توقیف اموال آن قرار دارد که در اقدامی بی‌سابقه توسط وزارت کشور آلمان روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ انجام شد. گسترش تحرکات مبنی بر دفاع از گروه تروریستی حماس را که در این کشور ممنوع است نمی‌توان در این تصمیم بی‌اثر دانست. چنین است که به نظر می‌رسد دولت مسعود پزشکیان که محمدجواد ظریف از سوی علی خامنه‌ای میداندار تعیین اعضای کابینه‌ی وی شده، هنوز نیامده، مستعجل‌تر از دولت رئیسی خواهد بود که حتا چهار ساله هم نشد و در سقوط مشکوک هلی‌کوپتر جان‌اش را در پیمودن مراجع ترقی از «قاضی مرگ» و «قصاب تهران» به ریاست قوه قضاییه و بعد ریاست قوه مجریه و طمع رسیدن به «رهبری» از دست داد.

اینهمه در حالیست که هیچ دولت جمهوری اسلامی از همان ۵۷، به قول حافظ، هرگز چون «خاتم فیروزه» نه خوش درخشید و نه «بیک خرامان» بود که حالا حیف و حسرتی در کار باشد که چرا دولت آن یکی یا این یکی «ز سرپنجه‌ی شاهین قضا غافل بود!»



● **با پایان مأموریت جاوید رحمان، مای ساتو حقوقدان، جامعه‌شناس و جرم‌شناس ژاپنی از ماه اوت ۲۰۲۴ جانشین او می‌شود و آخرین گزارش گزارشگر سابق که جمهوری اسلامی در آن به «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» متهم شده، مبنای معتبری برای تحقیقات این حقوقدان به شمار می‌رود.**

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق حقوق بشر در جمهوری اسلامی، رفتار این کشور در ۴۵ سال گذشته با زندانیان و مخالفان سیاسی و اقلیت‌های دینی و قومی را «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» خوانده و خواستار تحقیقات بین‌المللی در این زمینه شده است.

جاوید رحمان استاد پاکستانی‌تبار دانشگاه برنل در لندن که آخر ماه ژوئیه ۲۰۲۴ مأموریت‌اش به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد برای بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی پس از ۶ سال به پایان خواهد رسید، آخرین گزارش خود را که اول امرداد منتشر شد، به جنایات جمهوری اسلامی و اعدام‌های گروهی در دهه ۶۰ خورشیدی اختصاص داده است.

## جنایت‌های بی‌رحمانه

جاوید رحمان در این گزارش به اعدام هزاران مخالف سیاسی محبوس در زندان‌های ایران اشاره کرده و از آنها بعنوان مصداق جنایت علیه بشریت نام می‌برد. این گزارشگر ویژه در این گزارش یادآوری می‌کند «جنایت‌های بی‌رحمانه‌ای» در دهه شصت خورشیدی در سراسر ایران رخ داده‌اند، نمایانگر «بدترین و فاحش‌ترین شکل نقض حقوق بشر که مقام‌های عالی‌رتبه یک حکومت علیه مردم خود مرتکب شده‌اند.» وی در این گزارش نتیجه گرفته است که این رژیم ایران و رهبران آن نباید از عواقب جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی بگریزند. به گفته این حقوقدان و استاد دانشگاه، این «جنایت‌های وحشیانه شامل اعدام‌های خودسرانه و فراقانونی در سال‌های ۱۹۸۱-۱۹۸۲ و جنایات وحشیانه سال ۱۹۸۸ شامل جنایت علیه بشریت، قتل و کشتار و همچنین نسل‌کشی است.»

در این گزارش همچنین به بُعد دیگری از جنایات جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ خورشیدی اشاره شده است. جاوید رحمان در گزارش خود می‌نویسد «در میان اعدامی‌ها زنانی

وجود داشتند که برخی از آنها پیش از اعدام مورد تجاوز جنسی قرار گرفته بودند و بسیاری از اعدام‌شدگان نیز کودکان بودند.»

این حقوقدان بریتانیایی - پاکستانی خواستار تحقیقات شفاف و بی‌طرفانه در این زمینه تحت حمایت حقوق بین‌الملل شده است. اگرچه کارشناسان ویژه به نمایندگی از سازمان ملل متحد سخن نمی‌گویند، ولی جامعه جهانی نمی‌تواند این نظرات را نادیده گرفته و با سکوت از کنار آنها رد شود. جاوید رحمان قبل از اینکه ابراهیم رئیسی، یکی از اعضای «هیئت مرگ»، به ریاست جمهوری اسلامی منصوب شود، این تحقیقات را در رابطه با جنایات رژیم در دهه ۶۰ خورشیدی آغاز کرده بود و در طول سال‌های گذشته شهادت شاهدان و مدارک مرتبط با این اعدام‌ها را جمع‌آوری کرده و بارها گفته بود که اگر شورای حقوق بشر سازمان ملل یا سایر نهادها بین‌المللی بخواهند تحقیقات مستقلاً را در این زمینه آغاز کنند، آماده است تا این شواهد و مدارک را در اختیار آنها بگذارد.

## اتهاماتی که تازگی ندارد

جمهوری اسلامی در ماه‌های گذشته از سوی کمیته حقیقت‌یابی که پس از خیزش مردمی «زن، زندگی، آزادی» از سوی شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد تشکیل شده بود نیز به ارتکاب جنایت علیه بشریت متهم شده بود. برخی از نتایج تحقیقات اخیر جاوید رحمان، در گذشته بارها و بارها از سوی سازمان‌های حقوق بشری ایرانی مطرح شده بودند و برای ایرانیان تازگی ندارند. کافی است اشاره شود که شاهزاده رضا پهلوی نیز در سال ۲۰۱۲ میلادی در سفری به لاهه و در ملاقات با دادستان دیوان کیفری بین‌المللی شکایتی را علیه علی خامنه‌ای به اتهام «جنایت علیه شهروندان ایرانی» بر مبنای ماده ۱۵ اساسنامه رم ثبت کرده است.

دیوان کیفری بین‌المللی که مقر آن در شهر هلندی ←

→ لاهه است، نخستین نهاد قضائی بین‌المللی دائمی است که برای رسیدگی به جرایمی چون نسل‌کشی، جنایت علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز تشکیل شده

رحمان تنها آغاز روند قتل مخالفان و منتقدان جمهوری اسلامی و آزار و اذیت خانواده‌های قربانیان بوده و راه و روشی را تعیین کرده است که همچنان ادامه دارد.

### بی‌تردید ورق بر می‌گردد

این گزارش و گزارش‌های مشابه شاید در نگاه اول بی‌تأثیر به حساب بیایند چون ماموران و مقامات جمهوری اسلامی



بابت ارتکاب این جنایات پاسخگو نمی‌شوند و تحت پیگرد حقوقی قرار نمی‌گیرند و بطور پیوسته به رفتار خود ادامه هم می‌دهند؛ ولی چنین نیست. جمهوری اسلامی از معدود دولت‌هایی است که به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت متهم شده است. در میان حکومت‌هایی که متهم به جنایت علیه بشریت شده‌اند و پرونده آنها هنوز مورد بررسی دیوان بین‌المللی کیفری در لاهه قرار نگرفته است، پرونده جمهوری اسلامی با توجه به این گزارش کامل و گسترده بسیار سنگین‌تر از دیگران است. پرونده‌ای که اگر امروز به دلایل مختلف از جمله مداخلات برخی کشورهای قدرتمند در دستور کار قرار داده نمی‌شود، اما تردیدی نیست که دیر یا زود مطرح خواهد شد و به جریان خواهد افتاد.

این در حالیست که پرونده جنایت علیه بشریت جمهوری اسلامی با تداوم این نظام و ادامه سرکوب و اعدام‌ها (تنها در یک هفته دو زن مخالف نظام، یک فعال کارگری و یک روزنامه‌نگار به اعدام محکوم شدند) سنگین‌تر نیز می‌شود و آمران و عاملان این جنایات روزی اگر نه در ایران پس از پایان کابوس جمهوری اسلامی، در هنگام سفر به خارج و حتا با هویت جعلی نیز بازداشت خواهند شد و بر مبنای اصل صلاحیت قضایی جهانی به محاکمه کشیده می‌شوند. چنانکه برای حمید نوری اتفاق افتاد و به اتهام دست داشتن در اعدام‌های تابستان ۶۷ به حبس ابد محکوم شد. اگرچه دولت سوئد او را در ازای آزادی دو نفر که در ایران به گروگان گرفته شده بودند آزاد کرد و به تهران فرستاد اما مهربانیت و حکم یک دادگاه معتبر بر پیشانی او خورده است. حالا با انتصاب مسعود پزشکیان جمهوری اسلامی سعی دارد روابط خود را با کشورهای اروپایی ترمیم کند و تنش‌ها را کاهش دهد. ولی به نظر نمی‌رسد که این کار ساده باشد. ممنوعیت فعالیت «مرکز اسلامی هامبورگ» و سازمان‌های وابسته به آن در سراسر آلمان که چهارشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ انجام شد، نشان می‌دهد که غرب بدون تغییرات جدی در سیاست‌های جمهوری اسلامی به ویژه در حمایت از گروه‌های تروریستی در منطقه، پشتیبانی از بنیادگرایی اسلامی در غرب و نقض فاحش حقوق بشر در داخل کشور، حاضر نیست مانند گذشته تمام جنایات این نظام را نادیده بگیرد و بی‌تفاوت از کنار آنها رد شود.

گزارشگر ویژه بررسی وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد یادآوری می‌کند که مصونیت جنایتکاران در جمهوری اسلامی و عدم پاسخگویی از سوی آنها همچنان ادامه دارد و حکومت ایران نه تنها اقدامی برای جبران خسارات و تسکین رنج قربانیان انجام نداده بلکه هنوز از ابزارهایی همچون دستگیری، زندان و شکنجه برای سرکوب بازماندگان آنها استفاده می‌کند. جاوید رحمان به واقعیت تلخ دیگری نیز در گزارش خود اشاره کرد و می‌نویسد «با وجود شواهد فراوان، افرادی که مسئول این جنایات هستند، همچنان در مناصب قدرت در حکومت، اعم از دولت، مجلس و قوه قضاییه حضور دارند».

این گزارشگر ویژه عدم مجازات جنایتکاران و بقای آنها در حکومت را ناشی از ناتوانی جامعه بین‌المللی در محاکمه این افراد دانسته و به درستی یادآوری می‌کند که این فرهنگ مصونیت از مجازات، جنایات دولتی را در جمهوری اسلامی نهادینه کرده است. وی خطاب به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد از کشورهای عضو می‌خواهد به این وضعیت خاتمه دهند. او خواستار استفاده از قضات بین‌المللی و جهانی برای تحقیق و محاکمه افرادی که مسئول جنایات وحشیانه در ایران هستند شده و خواسته است منابع کافی مالی برای حمایت از این تحقیقات اختصاص یابد. جاوید رحمان معتقد است «دستورهای بازداشت بین‌المللی مظنونان در جایی که شواهد کافی وجود دارد، باید برای رسیدن به این هدف، یعنی مبارزه با بی‌کیفر ماندن و مصونیت جنایی صادر شود».

با پایان مأموریت جاوید رحمان، مای ساتو حقوقدان، جامعه‌شناس و جرم‌شناس ژاپنی از ماه اوت ۲۰۲۴ جانشین او می‌شود. ساتو هفتمین گزارشگر ویژه سازمان ملل برای بررسی وضعیت حقوق بشر در ایران خواهد بود. او که به عنوان پژوهشگر ارشد جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی شناخته شده است، یکی از پژوهشگران برتر نقض حقوق بشر در آسیاست و آخرین گزارش جاوید رحمان که جمهوری اسلامی در آن به «جنایت علیه بشریت» و «نسل‌کشی» متهم شده، مبنای معتبری برای تحقیقات این حقوقدان به شمار می‌رود.

است. این دادگاه به جرایمی رسیدگی می‌کند که پس از تاریخ تاسیس آن در اول ژوئیه ۲۰۰۲ میلادی اتفاق افتاده باشند. در حال حاضر ۱۲۴ کشور این دادگاه را به رسمیت شناخته‌اند. اساسنامه این دادگاه در ژوئیه ۱۹۹۸ در ژنوا در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ با رای نمایندگان ۱۲۰ کشور به تصویب رسید. کشورهای چین، آمریکا، اسرائیل، عراق، لیبی، قطر و یمن به این اساسنامه رای مخالف دادند و هنوز نیز این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسند. ۳۱ دولت دیگر، از جمله جمهوری اسلامی، اگرچه به اساسنامه تشکیل این دادگاه رای مثبت دادند، ولی از به رسمیت شناختن آن طفره رفتند. برای بررسی پرونده افرادی که مرتکب این جنایات شده باشند ولی کشورشان این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسد تنها از طریق ارجاع پرونده از سوی شورای امنیت امکان پیگرد حقوقی وجود دارد.

دقیقا با توجه به اینکه قابل تصور نیست که با حق وتوی چین و روسیه در شورای امنیت سازمان ملل متحد این نهاد پرونده جنایات جمهوری اسلامی را به دیوان کیفری بین‌المللی ارجاع کند، جاوید رحمان در گزارش آخر خود خواستار تعقیب مظنونان و متهمان، تضمین عدالت برای قربانیان و در نهایت محاکمه مرتکبان این جنایات در جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ و در سال ۱۴۰۱ از طریق «ایجاد یک مکانیزم بین‌المللی تحقیق و پاسخگویی، همراه با استفاده از قضات جهانی، برای دستیابی به این اهداف و پرداخت به رنج طولانی مدت قربانیان و خانواده‌های‌شان» شده است.

### جنایاتی که ادامه دارد

گزارش اخیر جاوید رحمان را می‌توان مهم‌ترین گزارش درباره اعدام‌های دهه ۶۰ و تابستان ۶۷ در زندان‌های ایران خواند. این گزارشگر ویژه در گزارش خود به شورای حقوق بشر در سیستماتیک بودن جنایات در این سال‌ها به فتوای روح‌الله خمینی به عنوان رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی تأکید دارد و معتقد است که می‌توان از عنوانی غیر از جنایت علیه بشریت درباره این اقدامات استفاده کرد و در بیان این واقعیت نباید از عبارات دیگری که از وزن این جنایات می‌کاهد استفاده کرد. جنایاتی که به گفته جاوید



# انصراف جو بایدن از رقابت در انتخابات ۲۰۲۴ و اختلاف دموکرات‌ها بر سر نامزد جدید؛ ترامپ؛ بایدن کلاهبردار بدترین رئیس جمهوری تاریخ ملت ماست!



رؤسای جمهور ایالات متحده آمریکا

او هرچه ممکن بود انجام داد تا کشور ما را نابود کند؛ از مرزهای جنوبی کشور تا برتری ما در مسئله انرژی، امنیت ملی و وجهه بین‌المللی و خیلی چیزهای دیگر».

مایک جانسون رئیس جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا در «ایکس» نوشت: «اگر جو بایدن صلاحیت نامزدی در انتخابات ریاست جمهوری را ندارد، صلاحیت انجام وظایف ریاست جمهوری را نیز ندارد. او باید بلافاصله استعفا دهد.» وی تأکید کرد، «چشم‌انداز حزب [دموکرات] اکنون با کامالا هریس که وارث شکست‌های سیاست فاجعه‌بار دولت بایدن است، بهتر نیست.»

جو بایدن قرار بود در مجمع سراسری حزب دموکرات که برای اواسط ماه اوت برنامه‌ریزی شده بود به عنوان نامزد دموکرات‌ها معرفی شود. ماریان ویلیامسون یکی از داوطلبان نامزدی حزب دموکرات در انتقاد به حمایت بایدن از کامالا هریس در مصاحبه با «ای‌بی‌سی نیوز» گفته «اولین اصل اساسی حزب ما دموکراسی است، نمی‌شود به این راحتی دست روی یکی گذاشت و گفت که نامزد اوست؛ حرف همه داوطلبان باید شنیده شود... من مشتاقانه منتظرم که پیام خود را به مردم آمریکا برسانم و نمایندگان دموکرات را متقاعد کنم که بهترین گزینه برای پیروزی در انتخابات هستم.»

باراک اوباما رئیس جمهوری پیشین آمریکا در بیانیه‌ای از جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا به خاطر چندین دهه خدمت در دستگاه سیاسی و دولتی ایالت متحده و تصمیم وی برای کنار رفتن از رقابت ۲۰۲۴ تمجید کرد. او در این بیانیه اشاره‌ای به جایگزینی کامالا هریس نکرد. حدود ۱۰۰ روز مانده به انتخابات آمریکا به نظر می‌رسد حزب دموکرات هفته‌های سختی برای تعیین جانشینی بایدن داشته باشد زیرا مدعی برای رقابت با ترامپ و شکست دادن وی زیاد است.

این حال به نظر نمی‌رسد که قصد کناره رفتن داشته باشد. اما چندی پیش گفت، تنها در صورت ابتلا به بیماری و یا تشخیص پزشکان از رقابت کنار خواهد رفت. در نهایت هم اعلام شد به «کرونا» مبتلا شده و پس از مدت کوتاهی انصراف خود را از نامزدی برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ اعلام کرد. او در پیام کناره‌گیری خود تصریح کرده است: «فکر می‌کنم این اقدام در راستای منافع حزب و کشور من است و از این پس تنها بر انجام وظایف ریاست جمهوری تا پایان دوره خود متمرکز خواهم شد.»

بایدن همچنین ضمن حمایت از نامزدی کامالا هریس معاون اول خود برای رقابت در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ اعلام کرد که «اواخر این هفته» با مردم کشورش سخن خواهد گفت. برخی کارشناسان می‌گویند در حزب دموکرات آمریکا بر سر اینکه هریس نامزد انتخابات باشد اختلاف زیاد است. بایدن در حمایت از هریس نوشت، «تصمیم گرفته‌ام که از نامزدی کنار روم و تمام انرژی خود را بر روی وظایف خود به عنوان رئیس جمهور برای زمان باقیمانده‌ی دوره خود متمرکز کنم. اولین تصمیم من به عنوان نامزد حزب در سال ۲۰۲۰ انتخاب کامالا هریس به عنوان معاون رئیس جمهور بود و این بهترین تصمیمی بود که گرفتیم. امروز می‌خواهم پشتیبانی و حمایت کامل خود را از کامالا به عنوان نامزد حزب ما در سال جاری اعلام کنم. دموکرات‌ها، وقت آن است که دور هم جمع شویم و ترامپ را شکست دهیم. بیایید این کار را پیش ببریم.»

دونالد ترامپ رئیس جمهوری پیشین آمریکا و نامزد کنونی حزب جمهوریخواه برای ریاست جمهوری در واکنش به کناره‌گیری بایدن در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «جو بایدن کلاهبردار بدترین رئیس جمهوری تاریخ ملت ماست.

● سرانجام پس از هفته‌ها فشار از سوی مقامات ارشد حزب دموکرات، جو بایدن ۸۱ ساله با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» رسماً از رقابت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کنار رفت.

● او در پیام کناره‌گیری خود تصریح کرد: «فکر می‌کنم این اقدام در راستای منافع حزب و کشور من است و از این پس تنها بر انجام وظایف ریاست جمهوری تا پایان دوره خود متمرکز خواهم شد.»

● بایدن همچنین ضمن حمایت از نامزدی کامالا هریس معاون اول خود برای رقابت در انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ اعلام کرد که «اواخر این هفته» با مردم کشورش سخن خواهد گفت. برخی کارشناسان می‌گویند در حزب دموکرات آمریکا بر سر اینکه هریس نامزد انتخابات باشد اختلاف زیاد است. ● دونالد ترامپ رئیس جمهوری پیشین آمریکا و نامزد حزب جمهوریخواه در واکنش به کناره‌گیری بایدن در شبکه اجتماعی «تروث» نوشت: «جو بایدن کلاهبردار بدترین رئیس جمهوری تاریخ ملت ماست. او هرچه ممکن بود انجام داد تا کشور ما را نابود کند؛ از مرزهای جنوبی کشور تا برتری ما در مسئله انرژی، امنیت ملی و وجهه بین‌المللی و خیلی چیزهای دیگر.»

سرانجام پس از هفته‌ها فشار از سوی مقامات ارشد حزب دموکرات، جو بایدن ۸۱ ساله با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی «ایکس» روز یکشنبه ۲۱ ژوئیه (۳۱ تیرماه) رسماً از رقابت در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا کنار رفت. ضعف جسمی و حرکات عجیب و غریب و پریشان‌گویی‌ها و لکنت زبان بایدن در مراسم مختلف و همچنین مناظره انتخاباتی با ترامپ آنقدر زیاد شده بود که حتا در حرکت ساده و بیان جملات معمولی هم مشکل پیدا کرده بود. با

# خودداری رئیس سرویس مخفی آمریکا از پاسخ به پرسش‌های اساسی در مورد سوء قصد علیه دونالد ترامپ!



کیمبرلی چیتل رئیس سرویس مخفی آمریکا

از جمله اظهارات تند مایک ترنر نماینده جمهوریخواه که ریاست «کمیته اطلاعات» مجلس نمایندگان را نیز بر عهده دارد. ترنر خطاب به چیتل گفت: «از آنجا که دونالد ترامپ زنده است و خدا را شکر که او زنده است، به نظر می‌رسد بی‌کفایت هستید... او افزود، «اگر ترامپ کشته می‌شد، شما مقصر می‌بودید... نه تنها باید استعفا دهید، بلکه اگر از این کار خودداری کنید، پرزیدنت بایدن باید شما را اخراج کند.»

در جریان این جلسه ناسی میس نماینده جمهوریخواه کارولینای جنوبی با کیمبرلی چیتل درگیری لفظی پیدا کرد. او از چیتل خواست استعفا دهد که رئیس سرویس مخفی آمریکا پاسخ داد: «نه خیلی ممنون!» همزمان چند نماینده دموکرات و جمهوریخواه با عصبانیت از چیتل خواستند استعفا دهد. عدم پاسخ درست به پرسش‌ها آنها را خشمگین‌تر کرده بود تا اینکه ناسی میس آشکارا چیتل را به «دروغگویی» و طفره رفتن از پاسخ به پرسش‌ها متهم کرد و به نوشته «آسوشیتدپرس» به چیتل دشنام داد که باعث شد بازپرس این نشست اعضای جلسه را به آرامش دعوت کند.

فشارهای سیاسی به کل سازمان سرویس مخفی آمریکا بسیار زیاد شده و افکار عمومی به شدت علیه آنها موضع گرفته‌اند. حتا برخی اطرافیان ترامپ پیدا و پنهان صحبت از توطئه می‌کنند و خواستار پیگیری دقیق موضوع هستند. دونالد ترامپ نامزد جمهوریخواه انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده که قرار است نوامبر ۲۰۲۴ برگزار شود، شنبه ۱۳ ژوئیه در جریان یک سخنرانی انتخاباتی در شهر باتلر واقع در ایالت پنسیلوانیا هدف سوء قصد قرار گرفت اما جان سالم به در برد.

او بسیار زیاد است و بعید نیست مجبور شود از سمت خود کناره‌گیری کند.

چیتل اذعان کرد که دو تا پنج بار قبل از تیراندازی در تجمع باتلر در پنسیلوانیا، به سرویس مخفی درباره حضور یک فرد مشکوک در اطراف محل برگزاری آن تجمع هشدار داده شده است. او همچنین فاش کرد: «پشت بام محلی که توماس ماتیو کروکس از آنجا به سمت ترامپ شلیک کرد، چند روز قبل از تجمع به عنوان یک نقطه آسیب‌پذیری احتمالی شناسایی شده بود.» چیتل همچنین گفت که پس از سوء قصد در یک تماس تلفنی از ترامپ عذرخواهی کرده است.

چیتل به نمایندگان گفت، نتیجه بررسی‌های درون سازمانی در مورد ناتوانی در حفاظت از ترامپ تا حدود ۵۰ روز دیگر در دسترس نیست. او بارها با استناد به اینکه تحقیقات داخلی هنوز ادامه دارد، از پاسخ دادن به پرسش‌های نمایندگان خودداری کرد.

کیمبرلی چیتل به چند پرسش اساسی پاسخ نداد از جمله: چگونه توماس ماتیو کروکس به عنوان یک مرد مسلح توانست از پشت بام ساختمان مجاور تجمع ترامپ بالا برود بدون اینکه کسی مانع وی شود؟ چرا مأموران سرویس مخفی در آن ساختمان حضور نداشتند؟ یا چرا مراسم انتخاباتی ترامپ پس از آنکه کروکس خیلی قبل‌تر از حضور ترامپ بر روی صحنه به عنوان یک فرد مشکوک شناسایی شد، متوقف نشد؟

وی در پاسخ به این پرسش‌ها فقط گفت «اینها دقیقا سؤالاتی هستند که ما باید به آنها پاسخ دهیم.» رئیس سرویس مخفی آمریکا در این نشست سنگین‌ترین حرف‌ها را به عنوان رئیس یک سازمان حفاظتی شنید.

● رئیس سرویس مخفی آمریکا که مسئول حفاظت از رئیس جمهوری و همچنین رؤسای جمهوری پیشین آمریکا را برعهده دارد، در جلسه با قانونگذاران کنگره که دوشنبه ۲۲ ژوئیه (اول امداد) برگزار شد ضعف تیم حفاظتی در جریان سوء قصد به دونالد ترامپ را پذیرفت و آن را «عمده‌ترین شکست عملیاتی» خواند.

● کیمبرلی چیتل در حضور نمایندگان اعتراف کرد که «ما شکست خوردیم.» او گفت: «من به عنوان رئیس سرویس مخفی ایالات متحده، مسئولیت کامل هرگونه نقص امنیتی آژانس خود را بر عهده می‌گیرم.»

● آسوشیتدپرس در گزارش خود می‌نویسد، «چیتل ساعت‌ها توسط جمهوریخواهان و دموکرات‌ها مورد سرزنش قرار گرفت و بارها با طفره رفتن از پرسش‌های مربوط به تحقیقات در اولین جلسه رسیدگی به سوء قصد دادستان‌ها را عصبانی کرد.»

● کیمبرلی چیتل به چند پرسش اساسی پاسخ نداد از جمله: چگونه آن توماس ماتیو کروکس به عنوان یک مرد مسلح توانست از پشت بام ساختمان مجاور تجمع ترامپ بالا برود بدون اینکه کسی مانع وی شود؟ چرا مأموران سرویس مخفی در آن ساختمان حضور نداشتند؟ یا چرا مراسم انتخاباتی ترامپ پس از آنکه کروکس خیلی قبل‌تر از حضور ترامپ بر روی صحنه به عنوان یک فرد مشکوک شناسایی شد، متوقف نشد؟

● چند نماینده دموکرات و جمهوریخواه با عصبانیت از چیتل خواستند استعفا دهد. عدم پاسخ درست به پرسش‌ها آنها را خشمگین‌تر کرده بود تا اینکه ناسی میس آشکارا چیتل را به «دروغگویی» و طفره رفتن از پاسخ به پرسش‌ها متهم کرد و به نوشته «آسوشیتدپرس» به چیتل دشنام داد که باعث شد بازپرس این نشست اعضای جلسه را به آرامش دعوت کند.

رئیس سرویس مخفی آمریکا که مسئول حفاظت از رئیس جمهوری و همچنین رؤسای جمهوری پیشین آمریکا را بر عهده دارد، در جلسه با قانونگذاران کنگره که دوشنبه ۲۲ ژوئیه (اول امداد) برگزار شد، ضعف تیم حفاظتی در جریان سوء قصد به دونالد ترامپ را پذیرفت و آن را «عمده‌ترین شکست عملیاتی» خواند.

کیمبرلی چیتل در حضور نمایندگان اعتراف کرد که «ما شکست خوردیم.» او گفت: «من به عنوان رئیس سرویس مخفی ایالات متحده، مسئولیت کامل هرگونه نقص امنیتی آژانس خود را بر عهده می‌گیرم.»

این جلسه پس از آن برگزار شد که ترامپ در جریان سخنرانی انتخاباتی خود در میلواکی هدف حمله یک جوان ۲۰ ساله قرار گرفت اما گلوله از بیخ گوش او گذشت! در این حمله یک تن کشته و دو نفر زخمی شدند.

آسوشیتدپرس در گزارش خود می‌نویسد، «چیتل ساعت‌ها توسط جمهوریخواهان و دموکرات‌ها مورد سرزنش قرار گرفت و بارها با طفره رفتن از پرسش‌های مربوط به تحقیقات در اولین جلسه رسیدگی به سوء قصد دادستان‌ها را عصبانی کرد.»

رئیس سرویس مخفی آمریکا به نمایندگان وعده داد هر کاری لازم است می‌کند تا مطمئن شود واقعه‌ای مانند شلیک به ترامپ دیگر تکرار نشود، هرچند فشارها برای استعفای



# سخنرانی بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا جمهوری اسلامی پشت تروریسم و کشتارهاست؛ جنگ ما با رژیم ایران است



سخنرانی بنیامین نتانیاهو در کنگره آمریکا (ژوئیه ۲۰۲۴)

نتانیاهو در صحبت‌هایش تلاش کرد با مواضع دو حزبی به طرح مسائل بپردازد تا حمایت حداکثری در ایالات متحده را داشته باشد بنابراین از تلاش‌های هر دو حزب و همچنین پشتیبانی‌های دونالد ترامپ و جو بایدن تقدیر کرد.

او پیشنهاد داد تا به رهبری آمریکا و اسرائیل یک ائتلاف علیه جمهوری اسلامی در خاورمیانه تشکیل شود. آنهایی که بیرون از کنگره علیه نتانیاهو دست به اعتراض زدند، پرچم فلسطین به دست داشتند و پرچم آمریکا را به آتش کشیدند. آنها شعارهای ضدیهودی سر دادند و با پلیس درگیر شدند و روی مجسمه‌ها در حمایت از حماس شعار نوشتند.

عدم حضور کامالا هریس معاون جو بایدن در کنگره برای شنیدن صحبت‌های نتانیاهو با انتقادات زیادی روبرو شد. به ویژه آنکه بایدن و هریس هیچکدام به استقبال نتانیاهو نرفتند. در مقابل نخست وزیر اسرائیل و همسرش به منزل ترامپ دعوت شدند.

شماری از دموکرات‌ها مواضع تندی علیه نتانیاهو گرفتند. برنی سندرز سناتور چپ‌گرای دموکرات با اشاره به اینکه «دیوان کفیری بین‌المللی احتمالاً به زودی حکم بازداشت نتانیاهو را صادر می‌کند» تأکید کرد که دعوت از نخست وزیر اسرائیل برای سخنرانی در کنگره آمریکا مایه شرمساری است و با تأسف به آن نگرسته خواهد شد.

نانسی پلوسی رئیس پیشین مجلس نمایندگان آمریکا که از مخالفان سرسخت ترامپ است با انتقاد از نتانیاهو، سخنرانی او را «بدترین سخنرانی یک مقام خارجی» توصیف کرد که «افتخار حضور در کنگره آمریکا را پیدا کرده است.»

تحلیلگران معتقدند از سخنرانی نتانیاهو چنین برداشتی ندارند که او به دنبال توافق با حماس باشد هرچند فشارها روی او و کابینه‌اش برای این توافق بسیار زیاد است.

می‌بازند. من آمدم تا به شما اطمینان دهم اگر ابزار لازم را بدهید، ما برنده خواهیم شد.»

نتانیاهو در جایی دیگر از صحبت‌هایش گفت: «اسرائیل تا زمانی که توانایی‌های نظامی حماس را نبود کند، به حکومت آن در غزه را پایان دهد و تمام گروهان‌های ما را به خانه بازگرداند، خواهد جنگید». وی همچنین تأکید کرد: «سرزمین اسرائیل در طول چهار هزار سال میهن قوم یهود بوده، اینجا همیشه خانه ما بوده و تا ابد خواهد بود.»

بخشی از صحبت‌های نخست وزیر اسرائیل مستقیم درباره حمایت‌های جمهوری اسلامی از تروریسم بود. وی گفت: «رژیم ایران عملاً پشت همه تروریسم، همه آشفتگی‌ها، همه هرج و مرج‌ها، همه کشتارهاست. وقتی حماس مبارزه می‌کند، در واقع با رژیم ایران می‌جنگد. وقتی با حزب‌الله مبارزه می‌کنیم، با رژیم ایران می‌جنگیم. وقتی با حوثی‌ها مبارزه می‌کنیم، با رژیم ایران می‌جنگیم. و وقتی با رژیم ایران مبارزه می‌کنیم، با رادیکال‌ترین و مرگبارترین دشمن ایالات متحده آمریکا می‌جنگیم.»

نتانیاهو خطاب به حاضران در کنگره تأکید کرد، «محور ترور [رژیم] ایران در تقابل با آمریکا، اسرائیل و دوستان عرب ما است. این برخورد تمدن‌ها نیست، بلکه برخوردی بین تمدن و بربریت است.»

در بیرون از کنگره شماری از حامیان آرمان‌های فلسطین و دانشجویان چپ‌گرا تجمع کرده بودند و علیه نخست وزیر اسرائیل شعار می‌دادند. نتانیاهو در بخشی از سخنرانی خود خطاب به معترضان طرفدار حماس در آمریکا گفت: وقتی ظالمان تهران که همجنس‌گرایان را دار می‌زنند و زنان را به خاطر نپوشاندن موهایشان به قتل می‌رسانند، از شما تعریف و تمجید و به شما کمک مالی می‌کنند، رسماً تبدیل به «احمق‌های مفید» رژیم ایران شده‌اید.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه (سوم مرداد) برای اولین بار پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس، در کنگره آمریکا در شهر واشنگتن سخنرانی کرد.

او در صحبت‌های خود خطاب به کنگره گفت، «جنگ ما، جنگ میان بربریت و تمدن است... آمریکا و اسرائیل باید در کنار هم بایستند، زیرا وقتی ما در کنار هم می‌ایستیم، یک اتفاق بسیار ساده می‌افتد، ما برنده می‌شویم، آنها می‌بازند. من آمدم تا به شما اطمینان دهم اگر ابزار لازم را بدهید، ما برنده خواهیم شد.»

بخشی از صحبت‌های نخست وزیر اسرائیل مستقیم در باره حمایت‌های جمهوری اسلامی از تروریسم بود. وی گفت: «رژیم ایران عملاً پشت همه تروریسم، همه آشفتگی‌ها، همه هرج و مرج‌ها، همه کشتارهاست. وقتی اسرائیل با حماس مبارزه می‌کند، در واقع با رژیم ایران می‌جنگد. وقتی با حزب‌الله مبارزه می‌کنیم، با رژیم ایران می‌جنگیم. وقتی با حوثی‌ها مبارزه می‌کنیم، با رژیم ایران می‌جنگیم. و وقتی با رژیم ایران مبارزه می‌کنیم، با رادیکال‌ترین و مرگبارترین دشمن ایالات متحده آمریکا می‌جنگیم.»

نتانیاهو خطاب به حاضران در کنگره تأکید کرد، «محور ترور [رژیم] ایران در تقابل با آمریکا، اسرائیل و دوستان عرب ما است. این برخورد تمدن‌ها نیست، بلکه برخوردی بین تمدن و بربریت است.»

وی در بخشی از سخنرانی خود خطاب به معترضان طرفدار حماس در آمریکا گفت: وقتی ظالمان تهران که همجنس‌گرایان را دار می‌زنند و زنان را به خاطر نپوشاندن موهایشان به قتل می‌رسانند، از شما تعریف و تمجید و به شما کمک مالی می‌کنند، رسماً تبدیل به «احمق‌های مفید» رژیم ایران شده‌اید.

بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه (سوم مرداد) برای اولین بار پس از حمله تروریستی «هفت اکتبر» حماس، در کنگره آمریکا در شهر واشنگتن سخنرانی کرد.

منابع اسرائیلی از جمله شبکه «کان» تخمین زدند بیش از ۸۰ سیاستمدار از بین دموکرات‌ها برای شنیدن صحبت‌های نتانیاهو در جلسه کنگره حاضر نشدند. آسوشیئدپرس نیز گزارش داد بیش از ۶۰ دموکرات از جمله برنی سندرز سخنرانی نتانیاهو را تحریم کردند. کامالا هریس نیز به بهانه سفر از حضور در این نشست خودداری کرد.

سخنرانی نخست وزیر اسرائیل حدود ۴۵ دقیقه طول کشید که بخش عمده آن به جنگ غزه و هدف اصلی اسرائیل یعنی نابودی کامل حماس اختصاص داشت. وی وعده داد گروهان‌های اسیر در غزه را به خانه بازگرداند و از دموکرات‌ها و جمهوریخواهان برای حمایت‌شان از اسرائیل تشکر کرد و در مقابل به شدت علیه جمهوری اسلامی ایران موضع گرفت.

او در صحبت‌های خود خطاب به کنگره گفت، «جنگ ما، جنگ میان بربریت و تمدن است... آمریکا و اسرائیل باید در کنار هم بایستند، زیرا وقتی ما در کنار هم می‌ایستیم، یک اتفاق بسیار ساده می‌افتد، ما برنده می‌شویم، آنها



دانیال ایلخانی پور نماینده پارلمان ایالتی هامبورگ:

## بستن «مرکز اسلامی هامبورگ» یک اقدام بسیار مهم توسط آلمان در مقابل جمهوری اسلامی است



ویدیو

اقدام جدی و بی‌سابقه دولت آلمان در بستن «مرکز اسلامی هامبورگ» و بیش از پنجاه مرکز اسلامی و ممنوعیت فعالیت آنها در این کشور، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها و جامعه آلمان و همچنین در میان ایرانیان تبعیدی و مهاجر داشت. ایرانیانی که سال‌هاست به دلیل نقش این مسجد در جاسوسی نیروهای اپوزیسیون، گسترش اسلامگرایی، تروریسم و تلاش در جهت پیشبرد اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی در آلمان و اروپا بارها در مقابل آن تظاهرات کردند و از مقامات آلمان خواستند تا این مراکز را تعطیل کنند.

این مسجد که در سال ۱۹۶۳ ساخته شد و به بزرگترین مسجد شیعیان جهان در اروپا معروف است تا پیش از انقلاب اسلامی فقط مرکز تجمع شیعیان برای برگزاری مراسم دینی بود اما پس از انقلاب ۵۷ رفته رفته به مرکزی برای توسعه اهداف جمهوری اسلامی در آلمان و اروپا تبدیل شد.

به دنبال تلاش مقامات هامبورگ و اعتراضات ایرانیان اقدامات خود این مراکز، سرانجام در نوامبر ۲۰۲۳ پلیس به «مرکز اسلامی هامبورگ» هجوم برد و اسناد و مدارک بسیاری را ضبط کرد و پس از چندین ماه بررسی، دادگاه تشخیص داد که فعالیت‌های این مرکز برخلاف قانون اساسی این کشور و ضد دموکراسی و حقوق بشر است. وزارت کشور آلمان در بیانیه‌ای شدید و قاطعانه ممنوعیت فعالیت این مراکز را در ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ اعلام و تمامی مدارک و اموال آنها را ضبط کرد. نانسی فزر وزیر کشور سوسیال دموکرات دولت ائتلافی آلمان اعلام کرد که به مدارکی دست یافته‌اند که نشان می‌دهد «این مرکز یک سازمان اسلامگرایی افراطی است که اهداف خلاف قانون اساسی [آلمان] را دنبال می‌کند».

در همین ارتباط اختر قاسمی با دانیال ایلخانی پور نماینده ایرانی تبار پارلمان ایالتی هامبورگ گفتگو کرده است. ایلخانی پور از جمله معتقد است که این اقدام بسیار مهم دولت آلمان بیانگر این است که این کشور دیگر اعتمادی به آینده جمهوری اسلامی ندارند و ایرانیان می‌بایست تلاش خود را بیش از پیش با اتحاد و همبستگی افزایش دهند و با هم راه خود را فعالانه ادامه دهند تا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز توسط اتحادیه اروپا در لیست تروریسم بین‌المللی قرار بگیرد.

## طرح سناتور گراهام علیه خریداران نفت ایران؛

«آنهايي که به تروریسم و آیت‌الله قدرت می‌بخشند باید هزینه بپردازند»



سناتور لیندسی گراهام

تروریستی را تقویت می‌کنند باید هزینه آن را بپردازند و هیچ راهی بهتر از اعمال تعرفه بر محصولاتی که وارد ایالات متحده می‌شود وجود ندارد. در روز اول، پرزیدنت ترامپ فشار حداکثری را دوباره بر ایران اعمال خواهد کرد. تعرفه بر کشورهایی که به تروریسم و آیت‌الله قدرت می‌بخشند، نقطه خوبی برای شروع است.»

در بیانیه گراهام همچنین آمده «جمهوری اسلامی ایران از زمان انقلاب در سال ۱۹۷۹ دست به اقدامات تروریستی بین‌المللی زده و بطور مستمر آمریکا، اسرائیل و سایر متحدان و شرکای ایالات متحده را تهدید کرده است. [رژیم] ایران از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۴ به عنوان کشور حامی تروریسم بر اساس قوانین ایالات متحده شناخته شده است.»

گراهام در ادامه عنوان کرد، «تا امروز، تحریم‌های نفتی در بازدارندگی از فعالیت بد آیت‌الله بی‌اثر بوده است. رژیم ایران میلیاردها دلار از سود نفت را برای تأمین مالی نمایندگانمانند حماس و حزب‌الله استفاده می‌کند. آیت‌الله نیز به سمت مپب هسته‌ای می‌شتابد. اخیراً، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا گفته است که ایران زمان شکست هسته‌ای خود را (مدت زمانی که برای تولید اورانیوم با درجه تسلیحات کافی برای ساخت مپب هسته‌ای لازم است) به تقریباً یک تا دو هفته کاهش داده است.»

گراهام با اشاره به افزایش تعداد ساترفیوژها در تأسیسات غنی‌سازی فردو افزود، «گزارش‌های اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نشان می‌دهد که ایران غنی‌سازی اورانیوم خود تسریع کرده است.»

رهبان ارشد حزب جمهوریخواه امیدوارند در صورت پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۴ کارزار فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی بار دیگر از سر گرفته شود هرچند که دموکرات‌ها پس از کنار رفتن جو بایدن امیدوارند بتوانند کاملاً هریس را جایگزین وی کنند.

● **لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه (سوم امرداد) طرح یک قانون را ارائه داد که در صورت تصویب، کشورهایی را که با خرید نفت و میعانات نفتی از جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند، پاسخگو می‌کند.**

● **در بخشی از بیانیه گراهام تأکید شده، «قانون تعرفه‌های تروریسم ۲۰۲۴ ریاست جمهوری را ملزم می‌کند تا برای کشورهایی که نفت خام یا فرآورده‌های نفتی را از ایران خریداری، معامله، مصرف یا وارد می‌کنند، متعاقباً بر محصولات وارداتی از این کشورها به آمریکا تعرفه وضع شود.»**

لیندسی گراهام سناتور جمهوریخواه روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه (سوم امرداد) طرح یک قانون را ارائه داد که در صورت تصویب، کشورهایی را که با خرید نفت و میعانات نفتی از جمهوری اسلامی پشتیبانی می‌کنند پاسخگو می‌کند. در این بیانیه آمده، «در دوره ریاست جمهوری ترامپ، صادرات نفت خام ایران به ۳۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت. اما بر اساس گزارش اتحاد علیه ایران هسته‌ای، در دولت بایدن، ایران فقط در ماه اکتبر ۲۰۲۳ روزانه نزدیک به ۱.۴ میلیون بشکه نفت صادر کرده است.»

در بخشی از بیانیه گراهام تأکید شده، «قانون تعرفه‌های تروریسم ۲۰۲۴ ریاست جمهوری را ملزم می‌کند تا برای کشورهایی که نفت خام یا فرآورده‌های نفتی را از ایران خریداری، معامله، مصرف یا وارد می‌کنند، متعاقباً بر محصولات وارداتی از این کشورها به آمریکا تعرفه وضع شود.»

سناتور گراهام در ادامه گفت: «پس از بحث‌های فراوان با رئیس‌جمهور ترامپ، من قوانینی را برای اعمال تعرفه برای کشورهایی که فرآورده‌های نفتی از ایران خریداری می‌کنند، معرفی می‌کنم... زمان زیادی گذشته و کسانی که این رژیم

## گزارش رویترز درباره یک واقعیت قدیمی و آشکار: «مهندسی انتخابات» توسط علی خامنه‌ای از هراس «مشارکت ۱۳ درصدی» اینبار به نفع پزشک‌ها «مورد اعتماد»!



مسعود پزشک‌ها در کنار علی خامنه‌ای در مراسم عزاداری ماه محرم / تیرماه ۱۴۰۳

اهداف رهبر جمهوری اسلامی در جلسات بودند: «هدف خامنه‌ای، افزایش تنش‌ها با غرب و اسرائیل بر سر غزه بود، که با دخالت متحدها تهران، حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن، تشدید شده است.»

یکی از افراد مطلع می‌گوید، «خامنه‌ای معتقد بود ایران به رئیس جمهوری نیاز دارد که بتواند برای لایه‌های مختلف جامعه جذابیت داشته باشد، اما نظام حاکم شیعه را به چالش نکشد.»

بر اساس این گزارش، در جلسه دوم چندین نام مطرح شد. خامنه‌ای پیشنهاد کرد که پزشک‌ها به عنوان فردی که می‌تواند وحدت بین کسانی را که در قدرت هستند تقویت کند و همچنین فاصله بین نظام روحانیت و مردم را کاهش دهد و روند انتخاب رهبر بعدی را هموار سازد، معرفی شود. سعید لیلان تحلیلگر طرفداران «اصلاحات» نزدیک به باند اکبر هاشمی رفسنجانی به رویترز گفته، «این یک طرح بی‌عیب و نقص از سوی رهبری بود... که بقای جمهوری اسلامی را تضمین کرد. پزشک‌ها از هر بحرانی در داخل کشور، چه با ملت و چه با حاکمیت اجتناب خواهد کرد. این به رهبران ارشد این امکان را می‌دهد که در مورد جانشینی تصمیم بگیرند و آن را در یک فضای آرام برنامه‌ریزی کنند.» رویترز می‌نویسد، دفتر خامنه‌ای، دفتر روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دفتر پزشک‌ها برای اظهار نظر در دسترس نبودند و دفتر ولایتی از اظهار نظر خودداری کرد.

### مهندسی انتخابات؟

رویترز در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد،

خواهد بود.»

به گفته پنج منبع آگاه از آن زمان خامنه‌ای تصمیم گرفت یک انتخابات کاملاً سازماندهی شده را برنامه‌ریزی کند و زمینه را برای ریاست جمهوری مسعود پزشک‌ها، شخص «میان‌رو» و کمتر شناخته شده اما «مورد اعتماد» خودش را فراهم کرد تا در رقابتی که در ابتدا تحت سلطه تندروها بود، به ریاست جمهوری برسد.

منابع رویترز که به آنها اشاره کرده است، شامل «دو نفر تندرو، یک مقام ارشد امنیتی و دو خودی هستند» که گفته‌اند «خامنه‌ای در اوایل ماه خرداد در محل اقامت‌اش در یک مجتمع حفاظت شده در تهران، تعداد انگشت‌شماری از مورد اعتمادترین مشاوران خود را جمع کرد و حداقل در سه جلسه درباره طرح خود صحبت کردند. یکی از این افراد که در جریان جلسات قرار گرفته است گفته که رهبری نگران بود که مشارکت پایین مردم به اعتبار نظام لطمه دارد کند و به حاضران دستور داد راهی برای هدایت انتخابات بیابند.»

رویترز می‌نویسد مرگ ابراهیم رئیسی در سانحه سقوط هلی‌کوپتر برنامه‌های بسیاری از هم‌پیمانان تندرو را که از او می‌خواستند جانشین خامنه‌ای ۸۵ ساله شود، بهم زد و باعث ایجاد رقابت بین تندروها برای تأثیرگذاری بر انتخاب رهبر بعدی نظام شد.

ملاقات‌هایی که در اقامتگاه خامنه‌ای انجام شد، شامل گروه کوچکی از مقامات ارشد و کارگزاران امنیتی و متحد نزدیک و مشاور وی علی‌اکبر ولایتی و همچنین دو فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود.

به گفته پنج نفری که بطور دقیق در جریان برنامه و

خبرگزاری رویترز در گزارشی که ۱۸ ژوئیه (۲۸ تیرماه) ۱۴۰۳ منتشر شد به نقل از پنج «منبع آگاه» نوشت که رسیدن مسعود پزشک‌ها به ریاست جمهوری با «دستکاری مستقیم علی خامنه‌ای» در روند انتخابات حاصل شده زیرا رهبر جمهوری اسلامی معتقد است پزشک‌ها هیچ چالشی برای نظام ایجاد نمی‌کند.

در این گزارش آمده، «مقامات اطلاعاتی» جمهوری اسلامی پیش از برگزاری انتخابات زودهنگام به علی خامنه‌ای اطلاع دادند که «اکثر ایرانیان که به دلیل مشکلات اقتصادی و سرکوب آزادی‌های اجتماعی خشمگین هستند، قصد تحریم انتخابات را دارند بنابراین مشارکت تنها حدود ۱۳ درصد خواهد بود.»

به گفته پنج نفری که بطور دقیق در جریان برنامه و اهداف رهبر جمهوری اسلامی در جلسات بودند: «هدف خامنه‌ای، حفظ جمهوری اسلامی در میان نارضایتی‌های داخلی و افزایش تنش‌ها با غرب و اسرائیل بر سر غزه بود، که با دخالت متحدها تهران، حزب‌الله در لبنان و حوثی‌ها در یمن، تشدید شده است.»

رویترز در بخش دیگری از این گزارش می‌نویسد، انتظار نمی‌رود پزشک‌ها تغییر عمده‌ای در سیاست هسته‌ای یا خارجی ایران، یا حمایت از شبه‌نظامیان در منطقه ایجاد کند، اما او از نزدیک در انتخاب جانشین خامنه‌ای که به مسائل مهم دولتی مربوط است، مشارکت خواهد داشت.

رویترز می‌نویسد، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری چهاردهم در ایران در حالی برگزار شد که با وجود تلاش حکومت برای بالا بردن میزان مشارکت، بیش از پنجاه درصد جامعه در انتخابات شرکت نکردند. در دور اول حدود چهل درصد و در دور دوم کمی کمتر از پنجاه درصد در انتخابات شرکت کردند. تکرار آمار جمهوری اسلامی توسط گزارشگر رویترز در حالیست که بر اساس شواهد عینی، بیش از ۸۰ درصد در نمایش انتخابات تیرماه شرکت نکردند و بر اساس همین گزارش نیز هراس خامنه‌ای از مشارکت ۱۳ درصدی بوده است!

خبرگزاری رویترز در گزارشی که ۱۸ ژوئیه (۲۸ تیرماه) ۱۴۰۳ منتشر شد به نقل از پنج «منبع آگاه» نوشت که رسیدن مسعود پزشک‌ها به ریاست جمهوری با «دستکاری مستقیم علی خامنه‌ای» در روند انتخابات حاصل شده زیرا رهبر جمهوری اسلامی معتقد است پزشک‌ها هیچ چالشی برای نظام ایجاد نمی‌کند.

نویسنده گزارش پریسا حافظی که در کارنامه‌ی وی می‌توان مطالب همسو با سیاست‌های جمهوری اسلامی را به ویژه در زمینه سیاست خارجی یافت، در مقدمه این گزارش می‌نویسد «مقامات اطلاعاتی» جمهوری اسلامی پیش از برگزاری انتخابات زودهنگام به علی خامنه‌ای اطلاع دادند که «اکثر ایرانیان که به دلیل مشکلات اقتصادی و سرکوب آزادی‌های اجتماعی خشمگین هستند، قصد تحریم انتخابات را دارند بنابراین مشارکت تنها حدود ۱۳ درصد



# کیمیای سعادت

خیراندیشی (احمد احرار)



و امور جهان (مخصوصاً ایران) را سهل می‌گرفت. به همین دلیل ۸۹ سال عمر کرد. از میرزا محمودخان حکایتی هم درباره شرط ترقی در ایران نقل شده است. او می‌گوید در زمانی که مدیر کل تلگرافخانه بودم تلگرافهای شاهزاده فرهاد میرزا (معمت‌الدوله) عمومی شاه را شخصاً برای او می‌پردم تا از محضرش نیز استفاده کنم. بین معتمدالدوله و سپهسالار (صدر اعظم) روابط خوبی وجود نداشت و در مجلس معتمدالدوله مخالفان سپهسالار جمع می‌شدند و از او بدگویی می‌کردند. شبی در منزل معتمدالدوله از همین مقوله صحبت بود. همه صحبت کردند جز آصف‌الدوله (دولو) که ساکت بود. معتمدالدوله به او گفت خان عمو، شما چیزی نمی‌گویید. گفت من فکر می‌کنم که انسان احتیاجات زیاد دارد. پول می‌خواهد. خانه می‌خواهد. اسب و مهتر و نوکر می‌خواهد. عزت و احترام می‌خواهد. مزاج سالم و خواب راحت لازم دارد. من برای آن که انسان به همه اینها نائل شود اکسیری می‌شناسم که اگر انسان آن را به‌دست بیاورد همه چیز از پی آن خواهد آمد.

بعد از این مقدمات، که توجه اهل مجلس جلب شد، آصف‌الدوله گفت آن کیمیای سعادت قدری خریب است تا سپهسالار از ناحیه آدمیزاد مطمئن شود که آدم خری است و شیطنت نمی‌کند و حکومتی به انسان دهد و آن وقت همه این نعمات به‌دنبال می‌آید.

از این قضایا نزدیک به صد و پنجاه سال می‌گذرد و چنان که می‌بینیم نسخه عوض نشده است. محمود احمدی‌نژاد به‌مدد همان اکسیر اعظم، فرمان ریاست جمهوری از «مقام معظم رهبری» دریافت می‌کند و بر مسند اقتدار می‌نشیند. بعد هم برای سپردن مشاغل عالی مملکتی از قبیل وزارت و سفارت و امارت سه شرط قرار می‌دهد:

اول، بهره‌مندی از همان کیمیای سعادت؛ دوم، سابقه خدمت در سپاه پاسداران یا شهرداری تهران در دوره ریاست جناب ایشان؛ سوم، سابقه تحصیل در مدرسه عالی ونک که افتخار پرورش دادن استعدادها نرفته در وجود نوابغی مثل ایشان را داشته است.

اعتقاد به معجزه چاه چمرکان، التزام به ولایت مطلقه فقیه، ارتباط با درگاه حضرت آیت‌الله عظمی شیخ محمدتقی مصباح یزدی، امساک در رفتن به حمام و پوشیدن لباس تمیز و مرتب، افراط در پرت و پلاگویی نیز البته امتیازاتی است که جزو شروط ضمنی ارتقاء به مقامات عالی به حساب می‌آید.

شاید شنیده باشید که وطن عزیز ما، ایران، در آسمان یک ستاره دارد به نام ستاره محمودی.

روایت است که میرزا محمودخان قمی زمانی که در فرانسه درس نجوم می‌خواند ستاره‌های کشف کرد و این ستاره به افتخار کاشف آن «ستاره محمودی» نام گرفت. ستاره محمودی را، اگر همچنان وجود داشته باشد، در آسمان بگذاریم و برگردیم به زمین.

این میرزا محمودخان که بعدها مشیرالوزاره و مشاورالملک لقب گرفت یکی از محصلین ایرانی بود که در اوایل سلطنت ناصرالدین‌شاه برای تحصیل به فرنگ اعزام شدند. پس از تکمیل تحصیلات ریاضی و نجوم در بروکسل و پاریس، مدت چهار سال در رصدخانه پاریس کار کرد و هنگامی که دیپلم گرفت و عازم بازگشت بود مسیو لوریه شرحی به اعتضادالسلطنه وزیر علوم نوشت و متذکر شد که ما با تربیت میرزا محمودخان قسمتی از بدهی علمی خود را به مشرق زمین ادا کردیم.

میرزا محمودخان می‌گوید وقتی عازم ایران بودم دو سخن حکیمانه از دو کس شنیدم. یکی از محمودخان ناصرالملک وزیر مختار ایران در لندن که مرا اندرز داد و گفت حالا که تصمیم گرفته‌ای به ایران برگردی سعی کن به درویشی و وارستگی بگریایی. علت پرسیدم. گفت تو دوازده سال در فرنگستان بوده‌ای و به حال و هوا و آداب و رسوم اینجا عادت کرده‌ای، اگر حالت وارستگی و بی‌قیدی نداشته باشی از مشاهده اوضاع ایران خیلی زود دق خواهی کرد. (دق کردن همان است که امروزه Depression می‌نامند و به آثار ویرانگر آن در روح و جسم انسان هر روز بیشتر پی می‌برند).

یکی هم میرزا ملکم خان وزیر مختار ایران در پاریس که به من گفت وقتی به ایران بازگشتی تو را به کاری خواهند گماشت که درس آن را نخوانده‌ای. همینطور هم شد. ابتدا ناصرالدین شاه ابراز تمایل کرد که رصدخانه‌ای بنا کند و من رئیس آن بشوم ولی این کار صورت نگرفت و به‌خواهش اعتضادالسلطنه مرا مدیر کل تلگراف کردند. ده سال در تلگرافخانه بودم تا آن که تلگرافخانه را به علیقلی خان مخبرالدوله دادند و او به‌مجرد آن که منصوب شد مرا معزول کرد. آن وقت میرزا حسین خان سپهسالار بر اثر وساطت استاد غلامرضا شیشه‌گر (مرشد سپهسالار) مرا در وزارت امور خارجه استخدام کرد و به‌عنوان بالیوز (ژنرال کنسول) به بغداد فرستاد. میرزا محمودخان ضمناً توصیه ناصرالملک را به کار بست و در مراجعت به ایران به راه طریقت قدم نهاد و درویش شد

انتظار نمی‌رود پزشک‌های تغییر عمده‌ای در سیاست هسته‌ای یا خارجی ایران، یا حمایت از شبه‌نظامیان در منطقه ایجاد کند، اما او از نزدیک در انتخاب جانشین خامنه‌ای، که به مسائل مهم دولتی مربوط است، مشارکت خواهد داشت.

همین منابع آگاه گفته‌اند، «روحیه ملایم پزشک‌های باعث آرامش ایرانیان ناراضی خواهد شد، ثبات داخلی را در میان فشارهای خارجی افزایش می‌دهد و به خامنه‌ای یک متحد مورد اعتماد در فرایند جانشینی می‌دهد.»

یک منبع منطقه‌ای نزدیک به محافل قدرت در ایران گفته که انتخابات پزشک‌های «مهندسی» شده بود تا تنش‌ها را پس از موج اعتراضات ضدحکومتی پس از مرگ مهسا امینی در سال ۱۴۰۱ و محدودیت‌های سختگیرانه‌تر بر آزادی‌های اجتماعی که توسط رئیس‌جمهوری اعمال شده بود، کاهش دهد.

رویتز به نقل از دو منبع خود نوشت، «مرحله اولیه طرح خامنه‌ای زمانی آغاز شد که پزشک‌های، که در آن زمان نماینده مجلس بود، توسط آن مقامات سابق که با دفتر رهبر ارتباط داشتند، تشویق شد تا برود و برای انتخابات ریاست جمهوری چهاردهم ثبت‌نام کند.»

این منابع همچنین گفته‌اند که «پزشک‌های از تصمیمات پشت پرده بی‌خبر بود. یک منبع نزدیک به او گفت که حتی انتظار نداشت توسط شورای نگهبان تأیید شود.»

به گفته پنج نفری که با این موضوع آشنا هستند، برنامه خامنه‌ای طوری طراحی شده بود که منصفانه و دموکراتیک به نظر برسد، بنابراین دو نامزد برجسته تندرو، سعید جلیلی مذاکره‌کننده سابق هسته‌ای و محمدباقر قالیباف رئیس مجلس توسط شورای نگهبان تأیید شدند. این بدان معنا بود که آرای تندرورها احتمالاً بین آنها تقسیم می‌شود و این باعث می‌شود هر دو آنها به سختی بتوانند به دور دوم راه پیدا کنند.

گزارشگر رویتز بر اساس آمار دستکاری شده و غیرواقعی حکومتی می‌نویسد، انتخابات زودهنگام ریاست جمهوری چهاردهم در ایران در حالی برگزار شد که با وجود تلاش حکومت برای بالا بردن میزان مشارکت، بیش از پنجاه درصد جامعه در انتخابات شرکت نکردند. در دور اول حدود چهل درصد و در دور دوم کمی کمتر از پنجاه درصد در انتخابات شرکت کردند.

تکرار آمار جمهوری اسلامی توسط گزارشگر رویتز در حالیست که بر اساس شواهد عینی، بیش از ۸۰ درصد در نمایش انتخابات تیرماه شرکت نکردند و بر اساس همین گزارش نیز هراس خامنه‌ای از مشارکت ۱۳ درصدی بوده است!

نورالدین پیرموزن نماینده سابق مجلس شورای اسلامی وابسته به جریان «اصلاح طلب» به رویتز گفت جلیلی به اردوگاه تندرهای افراطی «جبهه پایداری» تعلق دارد که از محدودیت‌های اجتماعی سخت‌تر، انسداد بیشتر و سیاست خارجی جنگ‌طلبانه حمایت می‌کند و گمان می‌رود قبلاً نامزد خود را برای جانشینی خامنه‌ای انتخاب کرده است.

سه تحلیلگر و دو دیپلمات به رویتز گفتند که پیروزی جلیلی که مخالف برجام بود، یک پیام منفی به غرب به شمار می‌رفت، زیرا این توافق به تهران به دلیل برنامه غنی‌سازی اورانیوم که به سرعت در حال پیشرفت است فشار می‌آورد.

یکی از دیپلمات‌های غربی در منطقه گفت: «با افزایش احتمال بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید... جمهوری اسلامی به یک شخصیت معتدل برای باز نگه داشتن گفتگو با غرب و کاهش تنش‌ها نیاز داشت.»

## نقدی بر کتاب «معمای هویدا» نوشته دکتر عباس میلانی

### توفیق، چرا توقیف شد؟

(تاریخ نشر در کیهان لندن: فروردین ماه ۱۳۸۱ - شماره ۸۹۸)

فکاهی دولتی درآوردید مردم می‌فهمند که می‌شود روزنامه فکاهی نوکر دولت هم درآورد... و آن وقت قدر ما را بیشتر خواهند دانست.»

ما در این حرف خود صادق بودیم، ولی هویدا تصور کرد «بلوف» می‌زنیم. حرف ما را باور نکرد و با بودجه محرمانه نخست‌وزیری مجله پر زرق و برق و رنگین «کاریکاتور» را درآورد و مدیر آن را از ورامین وکیل مجلس کرد و عده زیادی از کاریکاتوریستها و شعرا و نویسندگان توفیق را هم با وعده پول بیشتر به آنجا کشاند.

با همه سخت‌گیریها و فشارهای ناروای بیشتری که دولت پس از انتشار مجله فکاهی «کاریکاتور» بر روی «توفیق» بعمل آورد همانطور که پیش‌بینی کرده بودیم و به هویدا گفته بودیم انتشار مجله فکاهی دولتی سبب شد محبوبیت و تیراژ «توفیق» بسیار بالاتر برود بطوری که در برخی شهرها به چند برابر رسید و بقول «مولانا»: «از قضا سر کنگبین صفرافزود!»

در این موقع هویدا که آن برنامه‌اش نیز با شکست مواجه شده و نقشه‌اش نقش بر آب شده بود به حربه دیگری متوسل شد. او پیغام داد:

«به توفیق بگوئید که همه این مقاومتها را به خاطر روزنامه توفیق می‌کنند. اگر ما توفیق را توقیف کنیم آنها همه شرایط ما را می‌پذیرند.»

جواب ما این بود که:

«از «توفیق» عزیزتر برای ما چیز دیگری است که اگر ادامه انتشار توفیق با آن مبنایت پیدا کند، آن را که فدا می‌کنیم «توفیق» است.»

چند روز بعد هویدا گفت:

«از توفیق‌ها بپرسید آن چیست؟...»

گفتیم:

«آن تتمه شرفی است که فکر می‌کنیم داریم...»

و اضافه کردیم:

«... و به آقای هویدا بگوئید که اگر «توفیق» را توقیف کنید آن وقت ما بجایش «توفیق شفاهی» را در می‌آوریم که از «توفیق کتبی» صد درجه بدتر است.»

باز پرسید:

«چرا؟»

گفتیم:

«بخاطر اینکه سانسورش نمی‌توانید بکنید!»

#### آخرین حربه هویدا: توقیف توفیق

هویدا که «تهدید به توقیف و تعطیل توفیق» اش هم برای به اطاعت درآوردن ما کارگر نیفتاده بود تصمیم به اجرای تهدیدش گرفت. ولی در این موقع روزنامه توفیق با حدود نیم قرن انتشار، کهنسالترین، پرخواننده‌ترین و پرنفوذترین روزنامه کشور بود و به علت استقلالش از تمام مراکز قدرت، و با حسن استفاده فراوان از زبان شیرین طنزآمیز دوپهلوی و گاه چند پهلوی، و شعار معروفش: «چو حق تلخ است با شیرین‌زبانی - حکایت سرکنم آن سان که دانی»، همانطور که در کتاب «معمای هویدا» نوشته شده: «خیلی از مسائل سیاسی را با وجود تمام محدودیتها و سانسوری که

شهرت بیشتر داشت، و نه خوشش می‌آمد که در «توفیق» کاریکاتوری یا شعری یا مقاله‌ای انتقادآمیز درباره او نوشته شود و «کاکا توفیق» یک لاقبا «صدراعظم ابد مدت» را دست بیندازد. در نتیجه هویدا تصمیم گرفت روزنامه توفیق را هم مانند مطبوعات دیگر به انقیاد خود درآورد.

#### سانسور در زمان هویدا

قبل از نقشه هویدا علیه توفیق، همانطور که در صفحه ۲۹۵ کتاب معمای هویدا نوشته شده: هویدا به‌همراه «ساواک» مخفیانه «روزنامه آیندگان» را راه انداخته بود و برای اینکه روزنامه آیندگان را در کنترل خود داشته باشد، آن



را به صورت یک شرکت سهامی که ۵۱٪ سهامش متعلق به دولت بود درآورد.

هویدا در تعدادی دیگر از روزنامه‌ها، در دفاتر هیأت تحریریه و یا در چاپخانه‌هایشان، «سانسورچی حضور» گذاشته بود، تا آنچه نمی‌خواهد در آن روزنامه‌ها نوشته نشود. و در روزنامه‌ها و مجلات مهمتر مثل کیهان و خواندنیها و غیره، برای سانسور کاملتر آنها، به زور «سردبیران فرمایشی» خود را نصب کرده بود که علاوه بر این که آنچه نمی‌خواهد در آنها نوشته نشود، آنچه را هم که می‌خواهد حتماً در آنها به بهترین وجهی نوشته شود.

هویدا در مورد «توفیق» ابتدا از در تحییب و تطمیع درآمد و وقتی موفق نشد تهدید را آغاز کرد. هویدا تصور می‌کرد «توفیق» دکان ماست!... و چون «توفیق» تا آن موقع تنها روزنامه فکاهی کشور بود ما را تهدید کرد که:

«اگر دست از شیطنت‌تان برندارید و با ما همکاری نکنید دکان جلوی دکان‌تان باز خواهیم کرد!»

جواب ما این بود که:

«اگر شما این کار را بکنید ما بسیار خوشحال خواهیم شد چون الان مردم تصور می‌کنند روزنامه فکاهی جز درافتادن با دولت کار دیگری نمی‌تواند بکند. ولی وقتی شما روزنامه

در سال گذشته در آمریکا کتابی به زبان انگلیسی درباره امیر عباس هویدا منتشر شد که به قلم دکتر عباس میلانی بود و به نام:

"The Persian Sphynx: Amir Abbas Hoveyda"

این کتاب راجع به زندگی هویدا و بخصوص کارهای او در دوران ۱۳ ساله نخست‌وزیری‌اش است. نویسنده برای نگارش این کتاب زحمات بسیاری کشیده است. یکی از کارهای بسیار ارزنده او مراجعه به وزارت خارجه آمریکا و دست یافتن به اسناد و مدارک محرمانه جدیداً از طبقه‌بندی محرمانه خارج شده آن وزارتخانه است. کار پرزحمت دیگر نویسنده، مصاحبه با بیش از ۱۳۰ نفر از مقامات و اشخاص خارجی و داخلی است که اکثر آنها از دوستان، بستگان، محارم، زبردستان، وزرا و رفقای هویدا هستند.

از کتاب انگلیسی مذکور دو ترجمه به زبان فارسی در تهران منتشر شده است که یکی به نام «معمای هویدا» ترجمه نویسنده اصلی کتاب به زبان انگلیسی: دکتر عباس میلانی - است و دیگری به نام «امیرعباس هویدا: ابوالهول ایرانی» ترجمه دکتر عبدالرضا هوشنگ مهدوی.

مزیت کتاب «معمای هویدا» نسبت به کتاب «ابوالهول ایرانی» این است که برخی اغلاط و اشتباهات کتاب انگلیسی (از جمله در مورد «توفیق» و مدیران توفیق و همچنین در مورد زین‌العابدین رهنما) با تذکرات بعضی از منتقدان و با دستیابی نویسنده به اسناد جدید اصلاح شده است. حال آنکه آن اغلاط و اشتباهات در کتاب «ابوالهول ایرانی» همچنان باقی است.

#### علت نگارش این نقد

طی یک سال و چندی که از انتشار این سه کتاب می‌گذرد عده زیادی از خوانندگان و علاقمندان روزنامه «توفیق» از من خواسته‌اند بالاخره پس از ۳۰ سال که از توقیف و تعطیل «توفیق» می‌گذرد، برای روشن شدن افکار عمومی نظرم را در مورد این بخش از این سه کتاب و ماجرای آخرین توقیف «توفیق» بنویسم و توضیح بدهم که حقیقت امر از چه قرار بوده است.

تا قبل از هویدا نخست وزیران ایران از بین رجال استخوان‌دار مشهور و با سابقه که سالیان دراز در ایران پستهای وزارت و وکالت داشتند، انتخاب می‌شدند. ولی موقعیت هویدا با نخست‌وزیران دیگر فرق بسیار داشت. او تا قبل از نخست‌وزیری (و وزارت کوتاه مدت دارائی) کمترین بهره‌ای از شهرت و قدرت نداشت. هنگامی که او نخست‌وزیر ایران شد، گمنام‌ترین کسی بود که به این مقام رسید چه بسیاری از ایرانیان حتی اسم او را نمی‌دانستند. لذا بدیهی بود که او عاشق بی‌قرار دو چیز باشد: شهرت - و قدرت. هویدا بخش بزرگی از شهرت و معروفیت خود را مرهون کاریکاتورها، اشعار و مقالاتی شد که هر هفته در روزنامه توفیق درباره او چاپ می‌شد و او بخاطر کسب شهرت آنها را تحمل می‌کرد.

پس از چند سال نخست‌وزیری، موقعی که هویدا از طرفی به شهرت کامل رسید و از طرف دیگر جای خود را در صندلی صدارت محکم کرد و می‌خواهیش را کوبید، دیگر نه نیازی به



آزاد خواهید کرد ما با این پیشنهاد شما موافقت کردیم و شرکت با حضرت عباس (ع) تشکیل دادیم. امیدواریم حالا که ما شرکت تشکیل داده‌ایم همانطور که قول داده‌اید ۲۴ ساعته «توفیق» را آزاد کنید. که داد و فریاد وزارت اطلاعات درآمد و ما را تلفن پیچ کردند که:

– بابا «شرکت با حضرت عباس (ع)» یعنی چی... منظور ما اینه که شما با نخست‌وزیر آقای امیرعباس هویدا شریک بشوید.

گفتیم:

– نه، ما با حضرت عباس (ع) حاضریم شریک بشویم، ولی با امیرعباس نه!

ماده ۳۸ قانون مطبوعات زمان شاه می‌گفت:

«هیچ روزنامه یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف یا تعطیل کرد.»

هیچ دادگاهی هم هیچ حکمی علیه «توفیق» صادر نکرده بود. لذا هم توقیف و هم تعطیل «توفیق» غیرقانونی و عملی مجرمانه بود. در نتیجه ما در تاریخ ۱۳۵۰/۱۰/۵ با مشکلات فراوان از دولت بخاطر توقیف و تعطیل غیرقانونی توقیف به دادگستری رژیم گذشته شکایت کردیم.

این گستاخی ما خشم هویدا را علیه «توفیق» و ما تشدید کرد. ما را تهدید کرد که اگر شکایت قانونی مان را علیه این توقیف غیرقانونی پس نگیریم عواقب وخیم‌تری در انتظارمان خواهد بود – و چون شکایت مان را پس نگرقتیم هویدا طی ماهها و سالهای بعد، یکی پس از دیگری کلیه نشریات متعدد و متنوع و پرتیراژ دیگر «مؤسسه مطبوعاتی بزرگ نیم قرن توفیق» یعنی مجله ماهانه «توفیق فکاهی» که اصلاً امتیاز جداگانه‌ای داشت، و «سالنامه توفیق»، و ۱۴ کتاب مختلف منتشره «کتاب توفیق» که پرفروش‌ترین کتابهای ایران (BEST SELLERS) بود، و غیره و غیره را، که هیچکدام ابدأ سیاسی هم نبود، برخلاف قانون در سراسر کشور توقیف، جمع‌آوری و مقوا کرد... و دهها کارگر و کارمند و بیش از یکصد نفر شاعر و نویسنده و کاریکاتوریست هنرمند را بیکار کرد.

این پاداش روزنامه‌ای بود که زبان مردم شد، زیر بار زور نرفت، حقایق را نوشت و از آزادی، مردم سالاری، عدالت و حقوق مردم دفاع کرد.

### لاک و مهر چاپخانه توفیق

چون ما باز هم تسلیم نشدیم هویدا به همانقدر هم اکتفا نکرد. او کینه‌توزانه برای اینکه بطور کامل تیشه به ریشه ما بزند و بکل ما را خلع سلاح و ورشکست کند، در سال بعد حتی چاپخانه توفیق را هم که شخصیت حقوقی مستقلی داشت، با یک یورش پلیسی برخلاف قانون توقیف، تعطیل و کلیه درهای آن را لاک و مهر کرد و دهها کارمند و کارگر بیگناه چاپخانه را هم بیکار و سرگردان کرد.

هویدا به خشونت باز هم بیشتری دست زد. به دستور او دکتر عبدالمجید مجیدی وزیر، رفیق و یکی از محارم بسیار نزدیکش که در آن زمان رئیس سازمان برنامه بود طی حکم شماره ۲۱۹۳۹ مورخ ۱۳۵۲/۹/۲۷ که فتوکپی آن پیوست است، مرا با درجه دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه پاریس، به عنوان عضو زائد از سازمان برنامه اخراج و در اختیار کارگزینی گذاشت. دکتر مجیدی نه تنها به دستور هویدا مرا از سازمان برنامه اخراج کرد، بلکه حتی موقعی که پروفیسور مهران رئیس «مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی» در یک سال بعد طی نامه شماره ۳/۱۸۷ مورخ ۱۳۵۲/۸/۸ به سازمان برنامه نوشت به وجود من به عنوان دکتر جامعه‌شناسی در آن مؤسسه نیاز دارند و رسماً از سازمان برنامه تقاضای معرفی مرا به

توقیف توفیق «هدف» نبود بلکه «وسیله» بود. وسیله «به راه آوردن و کنترل توفیق».

همانطور که در صفحه ۲۹۴ این کتاب از قول داریوش همایون نوشته شده است:

«هویدا می‌خواست همه را بخرد. معتقد بود همه خریدنی‌اند. مهم فقط این است که قیمت مناسب هر کس را پیدا کنیم.» و تصور می‌کرد با توقیف توفیق، ما دست از مقاومت برمی‌داریم و همانطور که گفته بود «همه شرایط او را می‌پذیریم».

هویدا حتی در مخیله‌اش هم نمی‌گنجید که ما، ادامه انتشار پرخواننده‌ترین روزنامه مملکت را، آنهم پس از نیم قرن انتشار موفقیت‌آمیز، به خاطر حفظ عقیده و پرنسیپ و روش ملی و مردمی خود، و قولی که به خوانندگان خود داده بودیم، فدا کنیم. لذا وقتی ما، با وجود اینکه او توقیف را توقیف کرده بود، به دست و پا نیفتادیم به وزارت اطلاعات دستور داد ما را احضار کنند. در وزارت اطلاعات به ما گفتند: – آقای نخست‌وزیر پیشنهاد کرده‌اند که اگر برای روزنامه توفیق، مثل روزنامه آیندگان، شرکت سهامی درست کنید و ۵۱٪ سهام آن را به امیرعباس هویدا بفروشید، «توفیق»



را ۲۴ ساعته آزاد می‌کنند و آنقدر میلیون تومان هم بابت خرید ۵۱٪ سهام توفیق نیم‌قرنی به شما میدهند، ما هم هفته‌ای آنقدر هزار تومان به شما «آگهی نذار!» می‌دهیم. نقشه هویدا این بود که با خرید ۵۱٪ سهام شرکتی که برای روزنامه توفیق تأسیس می‌شد، دارای حقوق صاحب اکثریت سهام یعنی حق اداره شرکت شود و در نتیجه: هم قدرت کنترل مندرجات «توفیق» را داشته باشد، و هم ما را در کنار خود.

... و ما «توفیق خریداری شده او را!» هرطور که او می‌خواست برایش اداره کنیم!

به وزارت اطلاعات گفتیم در مورد این پیشنهاد فکر می‌کنیم و جواب می‌دهیم.

بسیار خوشحال شدند چون با این جواب ما تصور کردند می‌خواهیم فکر کنیم بینیم این پیشنهاد را قبول کنیم یا خیر!...!! در صورتی که ما می‌خواستیم در جواب این پیشنهاد مسخره هویدا سوژه‌ای فکاهی فکر کنیم!

نتیجه این سوژه فکر کردن ما، نامه‌ای شد با این مضمون که به وزارت اطلاعات فرستادیم:

پیرو مذاکرات جلسه فلان که پیشنهاد کردید اگر ما برای روزنامه توفیق شرکت درست کنیم ۲۴ ساعته انتشار آن را

وجود داشت می‌نوشت... و در کاریکاتورها هم خیلی صریحت و روشن‌تر حمله می‌کرد» (ص ۳۳۳) «یکی از محبوب‌ترین نشریات آن زمان و از مهم‌ترین مجله‌های فکاهی تاریخ مشروطیت ایران به شمار می‌رفت.» «اهمیت‌اش بیش از آن بود که هویدا بتواند به تنهایی دستور تعطیل آن را صادر کند.» (ص ۳۳۲).

این راست است که توقیف روزنامه‌ای به محبوبیت توفیق در حد قدرت هویدا به تنهایی نبود. ولی همانطور که خود نویسنده در کتابهای انگلیسی و فارسی‌اش نوشته: «هویدا یک آرتیست بود.» (ص ۲۱۵ کتاب انگلیسی – ص ۲۷۸ کتاب فارسی) و «می‌دانست چگونه از پشت پرده (خیمه شب بازی) نخها را برای نیل به هدفهایی که آرزو داشت، بکشد.» (همان صفحات)

هویدا که در موارد متعدد نشان داده بود می‌داند چگونه موافقت شاه را بگیرد، پیش شاه رفت و گفت قربان، تمام میلیونها تومان بوجه‌ای را که ما ظرف یک هفته در روزنامه‌ها و مجلات و رادیوها و تلویزیونهایمان خرج تبلیغات مملکت می‌کنیم روزنامه توفیق با یک کاریکاتور پنبه می‌کند... مرا مسخره می‌کنند مهم نیست، ولی اشکال کار اینجاست که آنها همه را مسخره می‌کنند. از دست اینها صدای همه درآمده: رؤسا ناراحت، وکلا ناراحت، سناتورها ناراحت، وزرا ناراحت... اجازه بفرمائید چاکر ترتیبی برای «توفیق» بدهد... و در صورت لزوم برای ادب کردنش آن را برای مدتی توقیف کنیم.

«کسانی که ساخت قدرت را در ایران دوران گذشته نیک می‌شناختند معتقدند که: هویدا برخلاف تصور رایج، آلت فعل حرف شاه نبود. می‌گویند ظرافت کار هویدا در این بود که حتی شاه را هم متقاعد کرده بود که کارها همه در دستش است و هویدا چیزی جز آلت فعل او نیست.» (ص ۲۹۶)

«هوشنگ نهاوندی معتقد است که هویدا در دوران پایانی نخست‌وزیری‌اش بیشتر از شاه قدرت بهم زده بود.» و «جمشید قره‌چه‌داغی» تکنوکراتی کارکشته اظهار می‌دارد که هویدا غالباً شاه را با مهارت تمام کنترل و اداره می‌کرد. هویدا قدرت خود را به رخ نمی‌کشید بلکه در واقع تلاش تمام می‌کرد تا به بیقدرتی تظاهر کند.» (ص ۵۱۸)

هویدا در نتیجه این تمهیدات، اجازه گرفت که «ترتیب توفیق را بدهد».

### در آخرین شماره توفیق چه بود...؟

آخرین شماره منتشر شده توفیق شماره ۱۴ پنجاهمین سال انتشار توفیق بود که در تاریخ پنجشنبه ۳ تیرماه ۱۳۵۰ در سراسر کشور منتشر شده است و همه آن را دیده‌اند و می‌دانند که هیچ چیزی که موجب توقیف توفیق شود در آن وجود نداشته است.

شماره بعدی توفیق، شماره ۱۵ پنجاهمین سال انتشار توفیق بود که آن را در زیر چاپ، یعنی قبل از پایان چاپ آن، «ندیده» توقیف کردند. این شماره توفیق که آخرین شماره توفیق بود را هیچکس ندیده است حتی «محرملی‌خان» سانسورچی معروف. در این شماره توفیق نیز برخلاف تمام شایعات، همانطور که در کتاب «معمای هویدا» هم (در صفحه ۳۳۴) نوشته شده هیچ چیز تند غیرعادی راجع به هویدا یا هیچ کسی دیگری وجود نداشت.

این توقیف، توقیفی بود به ناحق، برخلاف قانون، بدون کوچکترین جرمی... و حتی بدون کوچکترین اتهامی... توقیفی فقط بخاطر ادب کردن و به اطاعت درآوردن ما.

حاضر نشدیم «توفیق» را بفروشیم

➔ آن مؤسسه کرد، به دستور مجیدی در جواب نوشتند: «آقای توفیق بیماری ریوی دارند و نیازی به معرفی ایشان نیست.»!!

و با این کار، دکتر مجیدی حتی مانع کار من در جاهای دیگر شد.

آن وقت آقای مجیدی که با امضای خودش مرا از سازمان برنامه اخراج کرد در مصاحبه‌اش با برنامه «تاریخ شفاهی» «بنیاد مطالعات ایرانی» بی‌پروا گفته است:

«... یکی از آنان (مدیران توفیق) که در سازمان برنامه بود و مدتها بود که حقوق می‌گرفت اما سرکار نمی‌آمد، وقتی من خواستم اخراجش کنم به من [آقای هویدا] گفتند نکن و جلوی اقدام مرا گرفتند و این ترتیب نشان می‌داد که هویدا با آنها دوست بود.»!!

و از این مضحک‌تر اینکه، بعد از آنهمه مظالم بی‌شمار که هویدا کینه‌توزانه همچون آواری بر سر ما بارید، مجیدی در همین مصاحبه اضافه می‌کند:

«من تصور نمی‌کنم هویدا کسی بود... که جلوی کار (روزنامه توفیق) را بگیرد برای این که هویدا با خانواده توفیق‌ها آشنائی داشت و بعدها هم خیلی به آنها کمک کرد.»!!

نخست‌وزیری که همه قوانین زمان خودش را زیر پا می‌گذاشت و علاوه بر توقیف همه نشریات مؤسسه بزرگ مطبوعاتی توفیق، اعم از سیاسی و غیرسیاسی، و حتی لاک و مهر کردن غیرقانونی چاپخانه توفیق، مرا - که از روزنامه‌نگاری هم بی‌کار کرده بود، از سازمان برنامه هم اخراج کرده بود - با توسل به دروغ نمی‌گذاشت حتی در جای دیگری هم به کار مشغول شوم، چطور با ما «دوست» بود؟... چطور می‌رفت بعد از توقیف توفیق «خیلی هم به ما کمک می‌کرد»؟...

علاوه بر همه اینها، همانطور که در این کتاب هم نوشته شده (ص ۳۳۳) مدتی پس از توقیف توفیق، ما با همه خطراتش علیه دولت به دادگستری شکایت کردیم - و علاوه بر آن به مجلس، به سنا، به کمیسیون عرایض سنا و شورا (چیزی مثل کمیسیون ماده ۹۰ مجلس فعلی) و به همه جای دیگر از دولت شکایت کردیم. آن وقت کدام عقل سلیمی باور می‌کند که آقای امیرعباس هویدا به چنین «تمک بصرام!!» های یاغی سرکشی «کمک» کرده باشد؟...

پس از تذکر من، دکتر عباس میلانی در کتاب فارسی خود «معمای هویدا» اکاذیب را تکذیب و اضافه کرده است:

«... مهمتر از همه اینکه عباس توفیق... می‌گوید... به دستور مجیدی نه تنها او را منتظر خدمت کردند، بلکه از استخدامش در دیگر دوایر دولتی نیز ممانعت کردند... و در اثبات مدعی خود نسخه‌هایی از نامه‌های رسمی سازمان برنامه (را) که مؤید روایت او از وقایع‌اند در اختیارم گذاشت.»

### «مقامات مطلع» بی‌اطلاع!

نویسنده کتاب: دکتر عباس میلانی برای نگارش این کتاب کوششهای قابل تحسینی بعمل آورده و از جمله با بیش از یکصد نفر از رجال رژیم گذشته در مورد هویدا مصاحبه کرده است که شایان تقدیر است. ولی متأسفانه برخی از این منابع کتاب، مغرضانه نظرات خود را ابراز داشته‌اند، برخی دیگر از این گروه «مقامات غیرمطلعی» هستند که بطور تلویحی به عنوان «مقام مطلع» نظراتشان نقل شده. متأسفانه نمونه این دسته «مقامات غیرمطلعی» باز عبدالمجید مجیدی است. دلائل «بی‌اطلاعی» مجیدی از «اطلاعاتی» که داده این دو گفته خود اوست:

۱ - «آن شماره توفیق که توقیف شد و به دنبال آن روزنامه بسته شد آن شماره‌ای بود که راجع به هویدا و خامش یک شوخی زنده‌ای کرده بودند»

در صورتی که همان‌گونه که توضیح دادم و در این کتاب هم تأیید شده:

«... در یک نکته شکی نباید داشت: شماره آخری که در آن به هویدا «اتاک» شده در کار نبود... اشاره مجیدی ... در واقع تکرار شایعه‌ای است...» (صفحه ۳۳۴)

۲ - «... بعدش [بعد از بستن توفیق] او [هویدا] «دولو» را تشویق کرد که روزنامه «کاریکاتور» را درست بکند و ادامه بدهد به این جهت و با فکر اینکه یک روزنامه فکاهی برای مملکت لازم است... و حتی چند روزنامه فکاهی لازم است» در صورتیکه:

اولاً: هویدا مجله «کاریکاتور» را چند سال قبل از توقیف توفیق راه انداخت، و بعد از اینکه ما را صریحاً تهدید کرد که «اگر دست از شیطنت‌تان برندارید دکان جلوی دکان‌تان باز خواهیم کرد» و ما از این تهدیدش نهراسیدیم.

ثانیاً: هویدا اگر بوجود یک روزنامه فکاهی برای مملکت کوچکترین اعتقادی داشت روزنامه نیم قرنی فکاهی مملکت را آنچنان بیرحمانه و متجاوزانه توقیف و تعطیل و نابود نمی‌کرد - کاری که تا آن زمان حتی شاه و رضا شاه هم، با وجود بارها زندانی کردن مدیران توفیق نکرده بودند.

مضحک‌تر از همه اینها این است که مجیدی همه این «اطلاعات خیلی موثق!» را در مصاحبه با پروژه «تاریخ شفاهی» در حالی اظهار می‌دارد که در اول مصاحبه‌اش در صفحه ۴۹۹ در جواب این سؤال مصاحبه‌کننده که پرسیده است: «در زمینه روابط هویدا با روزنامه‌نگاران... روزنامه توفیق را همه می‌دانیم که ایرانیها به آن خیلی علاقه داشتند و واقعاً وقتی که پیدا می‌شد همه دست به دست می‌گردانند. گفته می‌شود که روزنامه توفیق از بین رفت برای اینکه هویدا نخواست که این روزنامه ادامه پیدا کند. آیا در این زمینه چیزی می‌دانید؟»

گفته است:

- «من چیز زیادی... نمی‌دانم.»  
و در آخر مصاحبه‌اش هم در این مورد باز گفته است:  
- «... نمی‌دانم... بنابراین جواب درستی هم نمی‌توانم به شما بدهم.»

(البته این دو حرف مجیدی در مصاحبه‌اش با پروژه «تاریخ شفاهی» را در کتاب «معمای هویدا» نقل نکرده‌اند!)  
در عین ندانستن حرف زدن نتیجه‌اش بهتر از این نمی‌شود.

### «شایعات»... و «واقعیت»

در صفحه ۳۳۱ کتاب «معمای هویدا» نوشته شده:  
«... این واقعیت که طلاق نخست‌وزیر کم و بیش با تصمیم دولت دایر بر بستن شمار فراوانی از روزنامه‌ها و مجلات کشور (توقیف توفیق - و لغو امتیاز روزنامه‌ها و مجلات بی‌تیراژ) همزمان شد با رواج شایعات (درباره طلاق هویدا)».

آنچه در بالا به عنوان «واقعیت» نوشته شده نه واقعیت دارد - که کوچکترین ارتباطی با هم دارد - و نه ابداً با هم هم‌زمان است:

تاریخ توقیف توفیق تیرماه ۱۳۵۰ بود - تاریخ طلاق هویدا طبق نوشته همین کتاب: یک ماه پس از آن - و تاریخ لغو امتیاز ۶۳ روزنامه و مجله بی‌تیراژ (بجز استثنائاتی مانند مجله وزین «سپید و سیاه») ۲۹ مرداد ماه سال ۱۳۵۳ یعنی در سه سال بعد. (کتاب «شبه خاطرات» - جلد اول - دکتر علی بهزادی مدیر مجله سپید و سیاه - صفحه ۷۹۳)

لذا این سه واقعه ابداً با هم هم‌زمان نبود. مگر اینکه اینها را که با فاصله‌های زمانی بسیار زیاد «یکماهه» تا «سه ساله» اتفاق افتاده ما «کم و بیش هم‌زمان!» بدانیم؟!  
در جامعه همیشه «رواج سانسور» مساویست با «رواج شایعه». ملل رند و با ذوق نیز با طنز به مصاف زور می‌روند.

در مورد توقیف توفیق چون دولت یکباره و به ناگهان توفیق را «خفه‌گیر» کرده بود و نگذاشته بود مردم بفهمند چه شد که توفیق ناگهان درنیامد؟... سریعاً بازار شایعات در سراسر کشور داغ شد... و طبیعی بود که شایعات درباره علت توقیف یک روزنامه طنزآمیز، سراسر طنز باشد - آنهم طنزهائی و متلکهای بسیار تند.

همانطور که درباره آخرین شماره توفیق نوشتیم و در این کتاب هم به آن تأکید شده:

«... در یک نکته شکی نباید داشت: شماره آخری که در آن به هویدا «اتاک» شده در کار نبود (که در توفیق راجع به هویدا و خامش شوخی زنده‌ای چاپ شده باشد).» (ص ۳۳۴)

روایتی هم که در این مورد از قول من در کتاب نوشته شده درست نیست و صحیح آن چیزی است که من یک سال پیش، قبل از چاپ این کتاب در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۰ (۳ مرداد ۱۳۷۹) به شرح زیر به نویسنده آن نوشته‌ام:

### حقیقت قضایا

«شایعات فراوانی که پس از آخرین توقیف توفیق درباره علت آن بر سر زبانها افتاد به قرار زیر بود:

در تاریخ مطبوعات ایران علت اکثر توقیف‌ها چاپ یک مقاله یا شعر یا کاریکاتور تند بود. به علت این سابقه ذهنی، پس از توقیف آخری توفیق نیز مردم تصور می‌کردند چیز تندی در توفیق چاپ کرده‌ایم و چون پرسر و صداترین و قوی‌ترین مندرجات توفیق کاریکاتوره‌ای آن بود، مردم تصور کردند یک کاریکاتور تند سبب توقیف شده، و سریعاً شایع شد که این کاریکاتور راجع به هویدا، مهم‌ترین سوژه مورد انتقاد داعی آن زمان توفیق، بوده است.

متأسفانه در ایران اگر به سیاستمداری بگوئید «خائن» آنقدر بد نیست که به او بگوئید «مفعول». لذا مردم ایران هر وقت عصبانی می‌شوند به رجالشان بجای «فحش سیاسی»، «فحش ناموسی» می‌دهند...»

مردمی که از این توقیف توفیق عصبانی شده بودند همین کار را کردند.

«... نخستین شایعه از اهواز شروع شد.

قبل از آخرین توقیف توفیق، در استادبوم بزرگ ورزشی اهواز، لات ورزشکاری بچه‌ای را مورد تجاوز قرار داده و سپس با بند کفش ورزشی‌اش او را خفه کرده بود. تقریباً هم‌زمان با این توقیف توفیق، هویدا به اهواز رفته بود، و ندانسته در همان استادبوم ورزشی یک سخنرانی انتخاباتی کرده بود. بلافاصله پس از توقیف توفیق، در اهواز شایع شد علت توقیف توفیق کاریکاتوری بود که توفیق کشیده بود. در همان استادبوم اهواز، همان لات معروف، با بند کفش دنبال هویدا کرده و هویدا دارد فرار می‌کند! و آن لات به هویدا می‌گوید: - در نرو، بخدا تو کشتنی نیستی؟!...»

در ماههای بعد شایعات بسیار فراوان دیگری نیز به وجود آمد. بخصوص یک ماه بعد از توقیف توفیق وقتی هویدا خامش را طلاق داد سوژه زیادی به دست مردم داد. یکی از آن شایعات، و فقط یکی از آن شایعات، آن است که در کتاب «معمای هویدا» نوشته شده که شوخی سکسی دوپهلویی بود راجع به طلاق هویدا. ولی باید توجه داشت که همانطور که نوشتیم توفیق در اوائل تیرماه ۱۳۵۰ توقیف شد که هویدا هنوز تا هفته‌های بعدش هم خامش را طلاق نداده بود. لذا این که در کتاب نوشته شده: «توفیق‌ها وقتی خردار شدند که مجله‌شان بزودی بسته می‌شود این شایعه را بر سر زبانها انداختند که علت بسته شدن توفیق کاریکاتوری راجع به طلاق هویدا بود... الی آخر» از هیچ جهت درست نیست و شبیه داستان «حسن و حسین هر سه برادران مغاوبه‌اند» می‌باشد.



## ژنرال واکر فرمانده ارتش بریتانیا:

# باید ظرف سه سال برای جنگ علیه چهار دولت «محور آشوب» آماده شویم



سخنرانی فرمانده ارتش بریتانیا

نکرده است.

بسیاری از تحلیلگران دفاعی بر این باورند که حتا این سطح از تقویت هنوز برای آنچه بریتانیا بطور قابل اعتماد برای مبارزه با هر نوع جنگی نیاز دارد، بسیار ناچیز است، چه رسد به یک جنگ برای بقاء و در مقیاس بزرگ.

ژنرال واکر هشدار داده با توجه به کمبود زمان برای تهیه سیستم‌های تسلیحاتی جدید و بزرگ، نوآوری و انطباق با استفاده از سلاح‌های خودکار، هوش مصنوعی و سایر اشکال نوآوری جدید برای تقویت سربازان مؤثرتر است، همانطور که ارتش اوکراین علیه روسیه این کار انجام می‌دهد.

او در سخنرانی خود گفت: «ما فقط زمان کافی داریم... برای آماده‌سازی، اقدام و اطمینان از استقرار مجدد نیروهای زمینی معتبر جهت حمایت از استراتژی بازدارندگی.»

فرمانده جدید ارتش بریتانیا با پرداختن به وضعیت ارتش، که دهه‌هاست بعد از جنگ سرد مینا بر کاهش هزینه‌های آن بوده، خواستار بررسی اساسی در تمام ساختار نظامی شده است. او گفت: «ما در واقع یک ارتش متوسط هستیم.» وی هشدار داد برخی مبانی و اصول ارتش بریتانیا کهنه شده‌اند.

واکر افزود، «اگر ما بتوانیم قدرت نظامی خود را دو برابر و سه برابر کنیم، هر نیروی زمینی بریتانیا قادر خواهد بود نیرویی حداقل سه برابر خود را نابود کند و به این کار ادامه دهد... به این ترتیب ما اطمینان کامل به آمادگی و توانایی برای مبارزه با هر کسی و برای کسب پیروزی خواهیم داشت.»

پیش از این گرانٹ شاپس وزیر دفاع پیشین بریتانیا ۱۵ ژانویه ۲۰۲۴ (۲۵ دی ۱۴۰۲) در یک سخنرانی با اشاره به اینکه جهان در مرحله «پیش از جنگ» قرار دارد با هشدار نسبت به احتمال وقوع «جنگ سوم جهانی» گفته بود، بریتانیا در پنج سال آینده با جنگ‌هایی در روسیه، چین، ایران و کره شمالی روبرو خواهد شد.

باعث انفجار وخیم در منطقه دیگر می‌شود، بنابراین یک مسئله جهانی است که از دیدگاه‌های مختلف در سراسر جهان به آن نگاه می‌شود... ارتش بریتانیا به بازسازی توانایی خود برای بازدارندگی در جنگ‌های آینده با قدرت جنگی قابل اتکاء نیاز فوری دارد.»

وی همچنین هشدار داد که اگر ارتش بجای تطبیق با فناوری‌های جدید که میدان نبرد را متحول می‌کند، به ایده‌های قدیمی درباره جنگ پایبند ماند، ضرر خواهد کرد. او در این ارتباط توضیح داد: «من می‌گویم که ما در مسیری اجتناب‌ناپذیر به سوی جنگ نیستیم، اما آنچه داریم، یک فوریت مطلق برای بازگرداندن یک قدرت شدیداً معتبر به منظور تضمین بازدارندگی است.»

ژنرال واکر با تأکید بر ضرورت برخورداری از «طرح جنگ» گفت که قصد دارد تا سال ۲۰۲۷ توانایی ارتش برای جنگیدن را دو برابر کند و تا پایان این دهه به توانایی دست یابد که در صورت تهاجم دشمن دست‌کم سه برابر از نیروهای آنها تلفات بگیرد.

در مقابل اما توضیح داد این نیازی به سرباز یا پول بیشتری ندارد اگرچه او نسبت به هرگونه کاهش بیشتر در اندازه ارتش و بودجه آن نیز هشدار داد.

هشدارهای ژنرال واکر در مورد احتمال وقوع جنگ بی‌شابهت به هشدارهای ژنرال سندرز فرمانده پیشین ارتش بریتانیا درباره احتمال وقوع جنگ سوم جهانی نیست.

اسکای نیوز می‌نویسد، دولت جدید بریتانیا از هفته گذشته بازنگری گسترده‌ای را در زمینه دفاع آغاز کرده که اگر از آن پشتیبانی مالی نشود با مشکل روبرو خواهد شد. سر کی‌یر استارمر نخست‌وزیر جدید بریتانیا متعهد شده است که بودجه دفاعی را از حدود دو درصد به ۲/۵ درصد از درآمد ملی برساند، اما هنوز یک چارچوب زمانی مشخص

● ژنرال سر رولی (رولاند) واکر فرمانده جدید ارتش بریتانیا هشدار داد که ارتش بریتانیا باید طی سه سال برای جنگ علیه «محور آشوب» شامل روسیه، جمهوری خلق چین، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک خلق کره آماده باشد.

● این مقام نظامی، روز سه‌شنبه ۲۳ ژوئیه (دوم امرداد) با تأکید بر اینکه درگیری غیرقابل اجتناب نیست، پیش‌بینی کرد که ولادیمیر پوتین پس از جنگ اوکراین، چه روسیه برنده باشد و چه بازنده، بسیار خطرناک‌تر ظاهر خواهد شد و به دنبال انتقام از کشورهایی مانند بریتانیا خواهد بود که از نیروهای مسلح اوکراین حمایت کردند.

● او در یک نشست خبری در حاشیه کنفرانس نظامی به خبرنگاران گفت: «زمانی که فکر می‌کنید [روس‌ها] عقب نشسته‌اند، ناگهان غرش کتان برمی‌گردند تا انتقام بگیرند.»

● ژنرال واکر همچنین هشدار داد که اگر ارتش بجای تطبیق با فناوری‌های جدید که میدان نبرد را متحول می‌کند، به ایده‌های قدیمی درباره جنگ پایبند ماند، ضرر خواهد کرد. او در این ارتباط توضیح داد: «من می‌گویم که ما در مسیری اجتناب‌ناپذیر به سوی جنگ نیستیم، اما آنچه داریم، یک فوریت مطلق برای بازگرداندن یک قدرت شدیداً معتبر به منظور تضمین بازدارندگی است.»

ژنرال سر رولی (رولاند) واکر فرمانده جدید ارتش بریتانیا هشدار داد که ارتش این کشور باید طی سه سال برای جنگ علیه «محور آشوب» شامل دولت‌های روسیه، جمهوری خلق چین، جمهوری اسلامی ایران و جمهوری دموکراتیک خلق کره (کره شمالی) آماده شود.

این مقام نظامی، روز سه‌شنبه ۲۳ ژوئیه (دوم امرداد) با تأکید بر اینکه درگیری قابل اجتناب است، پیش‌بینی کرد که ولادیمیر پوتین پس از جنگ اوکراین، چه روسیه برنده باشد و چه بازنده، بسیار خطرناک‌تر ظاهر خواهد شد و به دنبال انتقام از کشورهایی مانند بریتانیا خواهد بود که از نیروهای مسلح اوکراین حمایت کردند.

او در یک نشست خبری در حاشیه کنفرانس نظامی به خبرنگاران گفت: «زمانی که فکر می‌کنید [روس‌ها] عقب نشسته‌اند، ناگهان غرش کتان برمی‌گردند تا انتقام بگیرند.»

واکر درباره احتمال حمله جمهوری خلق چین به تایوان، تمایل جمهوری اسلامی به تولید سلاح هسته‌ای و تهدیدهای ناشی از جمهوری دموکراتیک خلق کره نیز هشدار داد.

فرمانده جدید ارتش بریتانیا گفت که ایران، چین و کره شمالی روابطی (شامل تبادل سلاح و تکنولوژی) با یکدیگر شکل داده‌اند که مشکلات ناشی از آن می‌تواند تا سال‌های ۲۰۲۷ و ۲۰۲۸ نمایان شود.

او گفت به همین دلیل ممکن است تا آن زمان به مرحله‌ای برسیم که لازم باشد با این کشورها در حالت انزوا برخورد کنیم. واکر تأکید کرد که بحران‌های خاص با قوانین سیستم‌محور قابل مدیریت است.

فرمانده جدید ارتش بریتانیا در بخش دیگری از این مصاحبه توضیح داد «یک مشکل در یک منطقه احتمالاً

# نشریه «مسائل خارجی»: در صورت وقوع جنگ در خاورمیانه، روسیه تمایلی برای کمک به آیت‌الله‌ها نخواهد داشت

● پایگاه تحلیلی «Foreign Affairs» (مسائل خارجی) در مطلبی به تشریح وضعیت بحرانی خاورمیانه، می‌نویسد جنگ احتمالی با جمهوری اسلامی شاید مزایایی برای روسیه از جمله در افزایش قیمت نفت و باز شدن جبهه دوم علیه غرب در خاورمیانه داشته باشد اما بسیار پرخطر است زیرا ممکن است تأمین تسلیحات مورد نیاز در جنگ علیه اوکراین را مختل کند.

● نویسنده این مطلب «هانا توت» مدیر منطقه اوراسیا در «مرکز مطالعات منع گسترش تسلیحات هسته‌ای جیمز مارتین» عنوان می‌کند، «جنگ بین جمهوری اسلامی و اسرائیل احتمال دارد علی‌خامنه‌ای را به سمت تولید سلاح هسته‌ای سوق دهد.»

● با اینکه «تهران و تل‌آویو از افتادن به ورطه‌ی یک «جنگ تمام‌عیار» اجتناب کرده‌اند، با این حال با هدف قرار دادن مستقیم خاک یکدیگر توسط این دو دشمن قدیمی، نشان دادند که قواعد نانوشته حاکم میان آنها تغییر کرده و این سنجش اقدامات و نیت طرف مقابل و محدود ساختن خطر افزایش تنش توسط هر یک از طرفین را دشوارتر می‌سازد.»

● «بطور طبیعی بالا گرفتن تنش‌ها بین جمهوری اسلامی و اسرائیل ممکن است امتیازاتی برای مسکو داشته باشد.»

● «گرفتار شدن رژیم ایران به عنوان متحد روسیه در سوریه، تضعیف ظرفیت جمهوری اسلامی در تأمین تسلیحات مورد نیاز روسیه و پیچیده شدن روابط مسکو با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تهران را به همراه خواهد داشت.»

● «ورود جمهوری اسلامی به جنگ موجب مشکل دیگری برای روسیه نیز خواهد شد. در صورتی که اسرائیل تصمیم به حمله به رژیم بگیرد، تهران به بسیج تمام ظرفیت‌های نظامی خود جهت پاسخگویی به این حملات نیاز خواهد داشت. رژیم ایران با اتکاء به پهپادها و موشک‌های خود، ارسال آنها به روسیه را محدود خواهد کرد.»

● «حمله اسرائیل علیه تأسیسات داخل ایران خطرهایی را برای اعتبار و حیثیت مسکو به همراه خواهد داشت. با توجه به اینکه جنگ اوکراین اولویت اصلی مسکو است، این کشور نه توان و نه تمایلی برای کمک به آیت‌الله‌ها در صورت یک رویارویی مستقیم نظامی خواهد داشت. در صورت افزایش تنش‌ها، روسیه به کمک جمهوری اسلامی نخواهد شتافت.»

پایگاه تحلیلی «Foreign Affairs» (مسائل خارجی) در مطلبی به تشریح وضعیت بحرانی خاورمیانه، می‌نویسد جنگ احتمالی با جمهوری اسلامی شاید مزایایی برای روسیه از جمله در افزایش قیمت نفت و باز شدن جبهه دوم علیه غرب در خاورمیانه داشته باشد اما بسیار پرخطر است زیرا ممکن است تأمین تسلیحات مورد نیاز در جنگ علیه اوکراین را مختل کند.

نویسنده این مطلب «هانا توت» مدیر منطقه اوراسیا در «مرکز مطالعات منع گسترش تسلیحات هسته‌ای جیمز مارتین» عنوان می‌کند، «جنگ بین جمهوری اسلامی و اسرائیل احتمال دارد علی‌خامنه‌ای را به سمت تولید سلاح هسته‌ای سوق دهد.»

در مقدمه این نوشتار آمده، از زمان حمله «هفت اکتبر»



رزمایش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه ارس / مهر ۱۴۰۱

این در حالیست که کی‌یف به شدت به دنبال دریافت این تسلیحات از غرب بوده است. بعلاوه وقوع جنگ در خاورمیانه احتمالاً موجب افزایش قیمت نفت خواهد شد و تلاش‌های دولت بایدن برای مهار هزینه سوخت مصرفی شهروندان عادی آمریکا در چند ماه باقیمانده تا انتخابات ریاست جمهوری نوامبر را با پیچیدگی مواجه خواهد ساخت. در بخش دیگری از مطلب تأکید شده، یک جنگ گسترده در منطقه، خطرات قابل توجهی را برای کرملین به همراه خواهد داشت. اگر اسرائیل شروع به نبرد با گروه تروریستی حزب‌الله یا کارفرمای آن، جمهوری اسلامی کند، کرملین با سه نتیجه خطرناک روبرو خواهد بود:

۱) گرفتار شدن رژیم ایران به عنوان متحد روسیه در سوریه، تضعیف ظرفیت جمهوری اسلامی در تأمین تسلیحات مورد نیاز روسیه و پیچیده شدن روابط مسکو با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس و تهران را به دنبال خواهد داشت. در صورت وقوع یک جنگ گسترده، ایالات متحده باید انتظار داشته باشد که مسکو حمایت محدودی از دشمنان اسرائیل به عمل آورد و با صدای بلند واشنگتن را به دلیل افزایش تنش‌ها سرزنش کند؛ البته در عین حال مسکو از مداخله نظامی مستقیم امتناع خواهد کرد؛ بنابراین ایالات متحده باید از ابزارهای دیپلماتیک و نظامی که در اختیار دارد برای عدم تشدید تنش در منطقه استفاده نماید. حتا اگر رژیم ایران و اسرائیل از تقابل نظامی خودداری کنند، بالا گرفتن جنگ فعلی اسرائیل با حزب‌الله همچنان برای روسیه پرخطر خواهد بود. اگر اسرائیل به لبنان حمله کند، احتمالاً منجر به ویرانی گسترده و شلیک موشک‌های حزب‌الله به سمت اهدافی در خاک اسرائیل خواهد شد. سوریه که روسیه در آن دارای پایگاه‌های دریایی و هوایی است ممکن است به سرعت به یک میدان نبرد ثانویه تبدیل شود، زیرا این کشور محل استقرار تعداد زیادی از مواضع گروه تروریستی حزب‌الله است و مسیر تامین ←

حماس علیه اسرائیل، روسیه از تماشای اوضاع رو به وخامت خاورمیانه و گرفتار شدن دشمن اصلی‌اش، آمریکا در این بحران لذت می‌برد. اما در روز «۱۳ آوریل» (۲۵ فروردین) زمانی که در تلافی حمله به ساختمان مجاور کنسولگری جمهوری اسلامی در دمشق، بیش از ۳۰۰ موشک و پهپاد از ایران به عنوان متحد روسیه به سمت اسرائیل شلیک شد، مسکو احساس نگرانی کرد.

هرچند آن حمله عملاً با استفاده از سیستم‌های دفاعی و حمایت‌های هماهنگ آمریکا و شرکای غربی و عربی اسرائیل خنثی شد، اما اسرائیل شش روز بعد با حمله به یک سیستم دفاعی «اس-۳۰۰» در اصفهان این اقدام را تلافی نمود.

اقدام هر دو طرف این پیام را ارسال کرد که تهران و تل‌آویو از افتادن به ورطه‌ی یک «جنگ تمام‌عیار» اجتناب کرده‌اند، با این حال با هدف قرار دادن مستقیم خاک یکدیگر توسط این دو دشمن قدیمی، نشان دادند که قواعد نانوشته حاکم میان آنها تغییر کرده و این سنجش اقدامات و نیت طرف مقابل و محدود ساختن خطر افزایش تنش توسط هر یک از طرفین را دشوارتر می‌سازد.

این مسئله سبب نگرانی روسیه شده که در حال حرکت بر باریکه‌ای میان تضعیف واشنگتن در منطقه و عدم حمایت از به راه افتادن یک جنگ گسترده در خاورمیانه است.

هانا توت در ادامه می‌نویسد، بطور طبیعی بالا گرفتن تنش‌ها بین جمهوری اسلامی و اسرائیل ممکن است امتیازاتی برای مسکو داشته باشد. از یک جهت مطمئناً افزایش بیشتر تنش در خاورمیانه، توجه و تجهیزات ارسالی واشنگتن را از اوکراین، جایی که روسیه در حال حاضر در وضعیت تهاجمی قرار دارد، منحرف می‌کند. این اتفاق در روزها و ماه‌های بعد از «هفت اکتبر»، زمانی که دولت بایدن تسلیحات بیشتری جهت استفاده در سیستم‌های پاتریوت به خاورمیانه ارسال کرد کاملاً مشهود بود.



→ تسلیحات این گروه نیز از سوریه می‌گذرد.

در صورت وقوع یک جنگ تمام‌عیار با حزب‌الله، حملات اسرائیل به سوریه احتمالاً افزایش خواهد یافت. هرچند تاثیر چنین حملاتی به اندازه حملات به لبنان مخرب نخواهد بود، اما با این حال همچنان می‌تواند موجب نگرانی روسیه شود. ممکن است اوکراین در جایگاه خود یکی از اولویت‌های اصلی سیاست خارجی روسیه باشد، اما سوریه به عنوان نمونه‌ای که در آن روسیه در کنار متحد خود ایستاد و دست بالا را در صحنه نبرد داشت، همچنان برای کرملین مهم است. سوریه همچنین از اهمیت استراتژیک برای روسیه برخوردار است، زیرا به عنوان سکویی برای انتقال قدرت مسکو به شرق مدیترانه از طریق پایگاه دریایی این کشور در بندر طرطوس و یک پایگاه هوایی در «حمیمیم» عمل می‌کند. این کشور همچنین محل انتقال منابع نظامی به لیبی و ساحل در آفریقا به شمار می‌رود که روسیه در حال گسترش حضور خود در آن است.

۲) حملات اسرائیل ممکن است تأسیسات ساخت پهپاد در تهران و اصفهان، مراکز تولید موشک‌های بالستیک در تهران، خُجیر، شاهرود و انبار مهمات در پارچین و اصفهان را هدف قرار دهد. تأسیساتی که قطعات کلیدی ادوات نظامی را تولید می‌کنند مانند مراکز ساخت موتور پهپاد در تهران و قم و مجتمع‌های ساخت موتور راکت‌های بالستیک در خجیر و شاهرود ممکن است هدف حمله قرار بگیرند. هرچند حکومت ایران سعی کرده این تأسیسات را در کل ایران مستقر کند اما حملات گسترده می‌تواند بر انتقال تسلیحات جمهوری اسلامی به روسیه تأثیر بگذارد.

۳) ورود جمهوری اسلامی به جنگ موجب مشکل دیگری برای روسیه نیز خواهد شد. در صورتی که اسرائیل تصمیم به حمله به رژیم بگیرد، تهران به بسیج تمام ظرفیت‌های نظامی خود جهت پاسخگویی به این حملات نیاز خواهد داشت. رژیم ایران با اتکاء به پهپادها و موشک‌های خود، ارسال آنها به روسیه را محدود خواهد کرد. حتی اگر تشدید تنش خاورمیانه به یک نبرد سنگین بین اسرائیل و نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی محدود شود، تهران باید زرادخانه‌های تسلیحاتی شرکای خود را پر کند و اینبار دیگر تاثیری منفی بر همکاری نظامی با مسکو خواهد داشت.

حمله اسرائیل علیه تأسیسات داخل ایران خطرهایی را برای اعتبار و حیثیت مسکو به همراه خواهد داشت. با توجه به اینکه جنگ اوکراین اولویت اصلی مسکو است، این کشور نه توان و نه تمایلی برای کمک به آیت‌الله‌ها در صورت یک رویارویی مستقیم نظامی خواهد داشت. در صورت افزایش تنش‌ها، روسیه به کمک جمهوری اسلامی نخواهد شتافت.

در چنین سناریویی مسکو صرفاً با صدای بلند درباره «تجاوز» آمریکا سخن خواهد گفت و حتی ممکن است حمایت نظامی خود را از جمهوری اسلامی افزایش دهد، اما از هرگونه گرفتار شدن در چنین جنگی امتناع خواهد کرد. این بی‌عملی می‌تواند به اعتبار روسیه در منطقه و جهان آسیب بزند. همچنین در میان‌مدت، جنگ بین جمهوری اسلامی و اسرائیل ممکن است رژیم آیت‌الله را به سمت تولید سلاح هسته‌ای سوق دهد؛ نتیجه‌ای که روسیه خواهان آن نیست.

تشدید تنش منطقه‌ای همچنین ممکن است روابط روسیه با ملاها و کشورهای عربی منطقه را پیچیده سازد. زمانی که منطقه خلیج فارس در وضعیت هماهنگی و همکاری قرار دارد، حفظ این روابط برای روسیه به مراتب آسانتر از انجام یک بازی با حاصل جمع صفر است که در

## ادعای وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی:

# «داعشی‌های سرگردان» رادر ایران بازداشت کردیم!



اسماعیل خطیب

● وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی می‌گوید، «شاهد گسیل داعشی‌های سرگردان از اتباع کشورهای مختلف به ایران بودیم» که «با توانمندی نیروهای مسلح، وزارت کشور و شورای عالی امنیت به صورت کامل افراد انتحاری و انقماش بازداشت شدند».

● اسماعیل خطیب همچنین گفت: «از مشکلاتی که در ابتدای دولت سیزدهم شاهد بودیم حضور گروه‌های ترور و اقدامات تخریبی علیه مردم و دارایی‌های اساسی و زیرساخت‌ها بود که با هم‌افزایی و برنامه صورت گرفته شاهد این امنیت هستیم و شبکه‌ها متلاشی شده و افراد دستگیر شده‌اند و برخوردها صورت گرفت».

● وی همچنین گفت در دولت ابراهیم رئیسی «با یک بودجه ۱۰ برابری زیرساخت‌های امنیتی را گسترش دادیم» و «با رژیم صهیونیستی به خوبی مقابله کردیم».

● ادعای وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی درباره بازداشت «داعشی‌های سرگردان» در حالیکه مردم ایران در اعتراضات خود فریاد می‌زنند: بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایین!

وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی می‌گوید، «شاهد گسیل داعشی‌های سرگردان از اتباع کشورهای مختلف به ایران بودیم که با توانمندی نیروهای مسلح، وزارت کشور و شورای عالی امنیت به صورت کامل افراد انتحاری و انقماش بازداشت شدند».

اسماعیل خطیب روز دوشنبه اول مرداد در جلسه هیأت دولت گفته علت ورودی «داعشی‌های سرگردان» به ایران توقف جنگ در سوریه است.

این مقام امنیتی توضیح داد، رویکرد وزارت اطلاعات «گسترش ارتباطات و اطلاعات مردم‌پایه» است که باعث افزایش ۱۰۰ درصدی فضای ارتباطی با مردم شده و خیلی از سرخ‌های اقدامات امنیتی از این طریق به دست می‌آید. اطلاعات «مردم‌پایه» شامل گزارش‌هایی است که خارج از مجموعه وزارت اطلاعات بر اساس گزارش‌های مردم به دست می‌آید. او همچنین گفت: «از مشکلاتی که در ابتدای دولت سیزدهم شاهد بودیم حضور گروه‌های ترور و اقدامات تخریبی علیه مردم و دارایی‌های اساسی و زیرساخت‌ها بود که با هم‌افزایی و برنامه صورت گرفته شاهد این امنیت هستیم و شبکه‌ها متلاشی شده و افراد دستگیر شده‌اند و برخوردها صورت گرفت».

یکی دیگر از مواردی که خطیب به آن اشاره کرد «گسترش فعالیت و تبادل با سرویس‌های کشورهای همسایه» بر اساس

«اقدامات متقابل» است. وی توافق امنیتی با عراق را یکی از عوامل «آرامش و امنیت» در شمال غرب کشور دانست که احتمالاً مربوط به عملیات علیه گروه‌های مسلح گرد است.

خطیب همچنین گفت در دولت ابراهیم رئیسی «با یک بودجه ۱۰ برابری زیرساخت‌های امنیتی را گسترش دادیم» و «با رژیم صهیونیستی به خوبی مقابله کردیم».

مورد مهمی که خطیب به آن اشاره کرد همکاری این نهاد اطلاعاتی با وزارت خارجه برای تبادل گروگان‌هاست که توضیح داد: «کسانی که به ناحق و مظلومانه توسط رژیم‌های مختلف و غربی به اسارت گرفته شده بودند، با تعامل و هم‌افزایی با وزارت خارجه موفق به آزادی آنها شدیم». منظور او از جمله باج‌گیری از دولت سوئد برای تبادل حمید نوری با یوهان فلودروس کارمند اتحادیه اروپاست.

طی سال‌های اخیر شمار زیادی از فعالان اجتماعی و مدنی در استان‌های مختلف تحت عنوان «داعشی» و «خرابکار» بازداشت و حتا اعدام شدند. ادعای وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی درباره بازداشت «داعشی‌های سرگردان» در حالیکه مردم ایران در اعتراضات خود فریاد می‌زنند: بسیجی، سپاهی، داعش ما شمایین!

در عین حال رژیم آیت‌الله و نیروهای نیابتی‌اش را برای شروع یک جنگ تمام‌عیار علیه اسرائیل تشویق خواهد کرد. اگر جنگی رخ دهد، واشنگتن باید انتظار حمایت محدود روسیه از دشمنان اسرائیل را داشته باشد و باید تا جایی که می‌تواند برای تضعیف و خنثی ساختن این اقدامات تلاش نماید. هشدارهای واشنگتن مبنی بر اینکه مسکو نباید بطور مستقیم در چنین جنگی مداخله نماید بعید است نتیجه‌ای داشته باشد. در عوض ایالات متحده باید شرکای عرب خود را در خلیج فارس برای فشار آوردن به روسیه جهت عدم انتقال موشک و سایر تسلیحات به نیروهای نیابتی رژیم ایران تشویق نماید.

آن مناسبات با یک طرف درگیری موجب ناخوشنودی طرف مقابل می‌گردد؛ بنابراین تعجبی ندارد که وقتی پادشاه بحرین در ماه مه ۲۰۲۴ در جریان سفر به مسکو وعده داد که این کشور به دنبال عادی‌سازی روابط با جمهوری اسلامی خواهد بود، دیپلمات‌های روس خوشحال شدند.

در پایان این مقاله آمده، واشنگتن باید با دقت چشم‌انداز روسیه در مورد یک جنگ گسترده در خاورمیانه را رصد کند. مسکو منفعتی در دیپلماسی آمریکا برای آرامش و ثبات ندارد، اما در عین حال نمی‌خواهد شاهد یک رویارویی منطقه‌ای باشد. بنابراین، هرچند روسیه یک نیروی مؤثر در کمک به آمریکا برای خنثی ساختن تنش‌ها نخواهد بود، اما

# آنتونی بلینکن: جمهوری اسلامی «یک یا دو هفته» با تولید مواد لازم برای ساخت یک سلاح هسته‌ای فاصله دارد



گفتگوی آنتونی بلینکن با مری لوئیس کیلی از «رادیو ملی» آمریکا

جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز در نشست امنیتی «آسپن» در باره تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی صحبت کرد. وی گفت، «من تصمیمی از سوی ایران برای ساخت بمب اتمی ندیده‌ام» اما «اگر آنها شروع به حرکت در این مسیر کنند، یک مشکل واقعی با ایالات متحده پیدا خواهند کرد.»

رهبان جمهوری اسلامی ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ در جمع مدیران و کارکنان برنامه اتمی جمهوری اسلامی با طرح این پرسش که «چرا غربی‌ها به فعالیت‌های اتمی ایران گیر داده‌اند؟» گفت «ما روی مبنای اسلامی مان نمی‌خواهیم طرف سلاح [هسته‌ای] برویم و الا اگر این نبود، جلوی ما را نمی‌توانستند بگیرند! همچنانکه جلوی پیشرفت‌های هسته‌ای ما را تا الان نتوانستند بگیرند!»

بر اساس تازه‌ترین گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، جمهوری اسلامی در حال غنی‌سازی اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد (نزدیک به ۹۰ درصد لازم برای ساخت تسلیحات) است و در صورت غنی‌سازی بیشتر، مواد غنی‌سازی شده تا این سطح را برای ساخت سه سلاح هسته‌ای در اختیار دارد. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفتگو با دویچه وله بین‌المللی که ۲۳ آوریل (چهارم اردیبهشت) منتشر شد گفت که جمهوری اسلامی ایران «چند هفته و نه چند ماه» با داشتن اورانیوم غنی‌شده کافی برای تولید بمب هسته‌ای فاصله دارد.»

بعد از صدور قطعنامه توییحی علیه جمهوری اسلامی در شورای حکام، مقامات تهران اعلام کردند تعداد سانتریفیوژها در تأسیسات اتمی فُردو و نطنز را افزایش دادند.

با اینکه مقامات جمهوری اسلامی ادعا می‌کنند در پی ساخت بمب اتم نیستند اما کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکتورین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم.»

بلینکن با انتقاد از خروج آمریکا از برجام در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ آن را «یکی از بزرگترین اشتباهات تاریخ آمریکا» دانست و عنوان کرد، رژیم «ایران بجای اینکه دست‌کم یک سال با ظرفیت تولید مواد شکاف‌پذیر برای ساخت سلاح هسته‌ای فاصله داشته باشد، اکنون احتمالاً تنها یک یا دو هفته تا انجام این کار فاصله دارد.»

وزیر خارجه آمریکا در ارتباط با برجام بیان کرد، «زمانی که دولت جو بایدن آغاز به کار کرد، ما سعی کردیم دوباره دیپلماسی هسته‌ای را با ایران دنبال کنیم، زیرا اگر حداقل یک مشکل حذف شود یعنی اینکه ایران دارای سلاح هسته‌ای نباشد، این اصولاً امر خوبی است.»

وی بار دیگر تأکید کرد که ایالات متحده اجازه نخواهد داد جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابد، اما گفت همچنان «راه دیپلماتیک» را برای جلوگیری از آن ترجیح می‌دهد. بلینکن مدعی شد، «ایران هنوز سلاح هسته‌ای تولید نکرده است.»

وزیر خارجه دولت بایدن اما در پاسخ به پرسشی در مورد روی کار آوردن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس جمهوری اسلامی همان مواضع دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری وی مبنی بر هیچ‌کاره بودن رئیس دولت و وزیر خارجه رژیم را تکرار کرد و توضیح داد، «نسبت به اصلاحات در ایران خوشبین نیستیم چون تصمیم‌گیرنده نهایی علی خامنه‌ای است.»

او تأکید کرد، «آنچه در هفته‌ها و ماه‌های گذشته دیده‌ایم این است که ایران واقعاً در حال پیشرفت در توسعه مواد شکاف‌پذیر است» و «اگر جمهوری اسلامی قصد تعامل جدی با جهان را دارد ابتدا باید از برنامه هسته‌ای خود که پیش برده است، عقب‌نشینی کند.»

بلینکن در بخش دیگری توضیح داد، «دولت بایدن بر سیاست فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی ادامه داده و بیش از ۶۰۰ تحریم علیه افراد و نهادهای ایرانی اعمال کرده است.» او همچنین افزود: «دولت بایدن حتی یک تحریم علیه جمهوری اسلامی را نیز لغو نکرده است.»

● آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) در نشست امنیتی «آسپن» که در کلرادو برگزار شد، گفت که ایران می‌تواند ظرف «یک یا دو هفته» مواد لازم برای ساخت سلاح اتمی را تولید کند.

● بلینکن با انتقاد از خروج آمریکا از برجام در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ آن را «یکی از بزرگترین اشتباهات تاریخ آمریکا» دانست و عنوان کرد، رژیم «ایران بجای اینکه دست‌کم یک سال با ظرفیت تولید مواد شکاف‌پذیر برای ساخت سلاح هسته‌ای فاصله داشته باشد، اکنون احتمالاً تنها یک یا دو هفته تا انجام این کار فاصله دارد.»

● وی بار دیگر تأکید کرد که ایالات متحده اجازه نخواهد داد جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای دست یابد، اما گفت همچنان «راه دیپلماتیک» را برای جلوگیری از آن ترجیح می‌دهد. بلینکن مدعی شد، «ایران هنوز سلاح هسته‌ای تولید نکرده است.»

● وزیر خارجه دولت بایدن همچنین در پاسخ به پرسشی در مورد روی کار آوردن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس جمهوری اسلامی همان مواضع دونالد ترامپ در زمان ریاست جمهوری وی مبنی بر هیچ‌کاره بودن رئیس دولت و وزیر خارجه رژیم را تکرار کرد و توضیح داد، «نسبت به اصلاحات در ایران خوشبین نیستیم چون تصمیم‌گیرنده نهایی علی خامنه‌ای است.»

● جیک سالیوان مشاور امنیت ملی کاخ سفید نیز در نشست امنیتی «آسپن» در باره تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی گفت، «من تصمیمی از سوی ایران برای ساخت بمب اتمی ندیده‌ام» اما «اگر آنها شروع به حرکت در این مسیر کنند، یک مشکل واقعی با ایالات متحده پیدا خواهند کرد.»

-آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) در نشست امنیتی «آسپن» که در کلرادو برگزار شد، گفت که ایران می‌تواند ظرف «یک یا دو هفته» مواد لازم برای ساخت سلاح اتمی را تولید کند.



## سی و سومین بازی‌های المپیک در پاریس



تمرین ژیمناستیک زنان برای المپیک پاریس / ۲۵ ژوئیه ۲۰۲۴

که ورزشکاران افغانستانی از سوی کمیته المپیک این کشور که دولت طالبان را به رسمیت نمی‌شناسد، با پرچم قبلی شرکت می‌کنند. کمیته المپیک فرانسه پیش‌بینی می‌کند که ۱۵ میلیون نفر در جریان بازی‌های المپیک و پارالمپیک به پاریس سفر خواهند کرد که دو میلیون آنها از خارج فرانسه به این شهر خواهند آمد. در این دوره از بازی‌ها افزون بر صدهزار نفر کار خواهند کرد که ۳۰ هزار نفر از آنها داوطلب هستند و بدون دریافت دستمزد فعالیت خواهند داشت. این رقابت‌ها در ۳۵ محل مختلف در پاریس و حومه انجام خواهد گرفت. در حالی که جزیره هائیتی که ۱۵ هزار و ۷۰۰ کیلومتر از پاریس فاصله دارد، میزبان رقابت‌های موج‌سواری (Surf) خواهد بود. یکی دیگر از ویژگی‌ها بازی‌های پاریس بازکردن درهای ماراثن به روی ورزشکاران غیرحرفه‌ای است. در این مسابقه ورزشکاران غیرحرفه‌ای در کنار حرفه‌ای‌ها مسیر ۴۲ کیلومتر و ۱۹۲ متری را طی خواهند کرد. در بازی‌های پاریس ۵۰۰ اتومبیل و ۱۰ اتوبوس از مجموع ۲۶۵۰ وسیله رفت و آمد که مورد استفاده قرار خواهند گرفت هیدروژنی خواهند بود. ماشین‌های هیدروژنی از ترکیب هیدروژن و اکسیژن هوا الکتریسیته مور نیاز را برای حرکت تولید می‌کنند. کلیه وسایل نقلیه رسمی این بازی‌ها و دو دوره قبلی را کارخانه تویوتا تامین می‌کند. این کارخانه ژاپنی قراردادی به ارزش ۸۳۵ میلیون دلار در سال ۲۰۱۵ میلادی با کمیته بین‌المللی المپیک به امضاء رسانده است. البته مدت این قرارداد ده ساله با بازی‌های پاریس به پایان می‌رسد و تویوتا اعلام کرده است که حاضر به تمدید آن نیست. این در حالیست که ۱۲۰ کارشناس و استاد دانشگاه در نامه‌ای خطاب به کمیته بین‌المللی المپیک به استفاده از ماشین‌های هیدروژنی اعتراض کرده‌اند. این کارشناسان معتقدند که هیدروژن لازم برای تولید الکتریسیته مورد احتیاج این وسایل سه برابر ماشین‌های برقی هوا را آورده می‌سازد. برگزارکنندگان المپیک پاریس گفته بودند که در نظر دارند آلودگی هوا در جریان این بازی‌ها را در مقایسه با آلودگی هوا در جریان بازی‌های لندن در سال ۲۰۱۲ به مقدار ۵۰ درصد کاهش دهند.

ولی به دلایل مختلف و به ویژه اعتراض‌های شهروندان ۴ شهر عقب نشستند و میان پاریس و لس‌آنجلس، اولی انتخاب شد تا یکصد سالگی بازی‌های قبلی را در همین شهر جشن بگیرد. لس‌آنجلس میزبان بازی‌های ۲۰۲۸ خواهد بود. لس‌آنجلس در سال ۱۹۸۴ میزبان بازی‌های المپیک بود که هیچ شهری برای میزبانی آن خود را نامزد نکرده بود. در آن سال به دلیل مخاطرات امنیتی و هزینه‌های بالای میزبانی این بازی‌ها هیچ کشوری خواهان برگزاری آنها نشده بود. در سال ۱۹۶۸ مکزیکوسیتی مجبور شد در جریان برگزاری بازی‌های المپیک، با اعتراض‌های گسترده و خشونت‌آمیز مردمی مقابله کند. در سال ۱۹۷۲ در بازی‌های المپیک مونیخ در آلمان تروریست‌های فلسطینی به ساختمان محل اقامت ورزشکاران اسرائیلی حمله کردند و ۱۱ نفر از آنها را به قتل رساندند. در سال ۱۹۷۶ هزینه برگزاری بازی‌های المپیک در مونترال سه برابر برآوردهای اولیه شد و اعتراض‌های گسترده شهروندان را به دنبال داشت. دولت فرانسه هزینه برگزاری این بازی‌ها را ۹ میلیارد یورو پیش‌بینی کرده است. ولی مانند دوره‌های قبلی احتمالاً این هزینه‌ها خیلی بیشتر خواهند بود. این هزینه شامل ساختن شهرک ورزشی در سنت‌دنی در حومه پاریس، و گسترش تأسیسات ورزشی و ساختارهای ارتباطی خواهد بود. مراسم افتتاحیه بازی‌های پاریس نیز بسیار ویژه خواهد بود. این مراسم نه روی خاک و در یک ورزشگاه بلکه روی آب برگزار خواهند شد و پیش‌بینی می‌شود که نیم میلیون نفر برای تماشای آن حضور خواهند یافت و بیش از یک میلیارد نیز از طریق تلویزیون آنرا دنبال خواهند کرد. در این مراسم بیش از ده هزار ورزشکار و هیات‌های همراه روی ۱۶۰ قایق که در رودخانه سن که پاریس را به دو بخش تقسیم می‌کند رژه خواهد رفت. ورزشکاران به ترتیب حروف الفبای لاتین در این قایق‌ها جای داده خواهند شد. گفته می‌شود هیات‌های جمهوری اسلامی و اسرائیل در یک قایق قرار خواهند گرفت. ورزشکاران روس و بلاروس در المپیک پاریس حضور خواهند داشت ولی بدون پرچم کشورشان، در حالی

● ده هزار و ۵۰۰ ورزشکار از ۲۰۲ کشور در بازی‌های پاریس که ۵ امرداد آغاز خواهد شد حضور دارند. برای سومین بار بازی‌های المپیک میزبان تیمی که ورزشکاران پناهنده از کشورهای مختلف، از جمله ۱۴ ورزشکار ایرانی را در بر می‌گیرد نیز خواهد بود.

● امسال ورزشکاران در ۳۲ رشته به رقابت خواهد پرداخت. بریک دنس یا رقص خیابانی آکروباتیک نیز در بازی‌های المپیک پاریس به رشته‌های ورزشی اضافه شده است. در حالی که بیس‌بال از بازی‌های امسال حذف شده است. چهار سال پیش در بازی‌های المپیک توکیو نیز اسکیت و سنگ‌نوردی به رشته‌های ورزشی اضافه شدند.

● دولت فرانسه هزینه برگزاری این بازی‌ها را ۹ میلیارد یورو پیش‌بینی کرده است، ولی مانند دوره‌های قبلی احتمالاً این هزینه‌ها خیلی بیشتر خواهند بود که شامل ساختن شهرک ورزشی در سنت‌دنی در حومه پاریس، و گسترش تأسیسات ورزشی و ساختارهای ارتباطی می‌شود.

● مراسم افتتاحیه بازی‌های پاریس بسیار ویژه است. این مراسم نه در یک استادیوم بلکه روی آب برگزار خواهند شد و پیش‌بینی می‌شود نیم میلیون نفر برای تماشای آن حضور خواهند یافت. این مراسم با حرکت ۱۶۰ قایق در رودخانه سن که پاریس را به دو بخش تقسیم می‌کند برگزار خواهد شد. بیش از ده هزار ورزشکار و هیات‌های همراه روی این قایق‌ها در مقابل مردم رژه خواهند رفت.

● در بازی‌های پاریس ۵۰۰ اتومبیل و ۱۰ اتوبوس از مجموع ۲۶۵۰ وسایل رفت و آمدی که مورد استفاده قرار خواهند گرفت هیدروژنی خواهند بود. صد و بیست کارشناس و استاد دانشگاه در نامه‌ای خطاب به کمیته بین‌المللی المپیک به استفاده از وسایل نقلیه هیدروژنی اعتراض کرده‌اند. این کارشناسان معتقدند که هیدروژن لازم برای تولید الکتریسیته مورد احتیاج این ماشین‌ها سه برابر وسایل نقلیه برقی هوا را آورده می‌سازد.

● احمد رأفت - جمعه ۵ مرداد سی و سومین بازی‌های المپیک در شهر پاریس در شرایط امنیتی فوق‌العاده آغاز خواهد شد. در این بازی‌ها که ۲۱ مرداد به پایان می‌رسند، ده هزار و ۵۰۰ ورزشکار از ۲۰۲ کشور شرکت خواهند کرد. البته برای سومین بار بازی‌های المپیک همچنین میزبان تیمی خواهد بود که ورزشکاران پناهنده از کشورهای مختلف، از جمله ۱۴ ورزشکار ایرانی، را در بر می‌گیرد.

● دو هفته پس از پایان این بازی‌ها در ۷ شهریور پارالمپیک با شرکت ورزشکاران با معلولیت‌های جسمی آغاز خواهد شد که تا ۱۸ شهریور به طول خواهد انجامید.

● امسال ورزشکاران در ۳۲ رشته به رقابت خواهد پرداخت. بریک دنس یا رقص خیابانی آکروباتیک نیز در بازی‌های المپیک پاریس به رشته‌های ورزشی اضافه شده است، یکی از شانس‌های دریافت مدال در این رشته یک زن جوان افغانستانی به نام منیژه تلاش است که زیر پرچم ورزشکاران پناهنده شرکت می‌کند. بازی‌های بیس‌بال امسال حذف شده، و چهار سال پیش در بازی‌های المپیک توکیو ورزش‌های اسکیت و سنگ‌نوردی به رشته‌های ورزشی اضافه شده‌اند.

● پاریس در سال ۱۹۲۴، دقیقاً یکصد سال پیش میزبان بازی‌هایی بود که به نوعی آغازگر دوره جدید المپیک بودند که برای اولین بار در سال ۱۸۹۶ در شهر آتن برگزار شده بود. بازی‌های المپیک هر ۴ سال یکبار در یک شهر برگزار می‌شود. برای این دوره از بازی‌ها ابتدا ۶ شهر داوطلب شده بودند

# بیش از پنجاه سال خبررسانی در آلمان درباره ایران با استناد به مجله «اشپیگل» - (بخش پایانی)

بازنشر



الاهه بقرات

ویژه اروپا در ارتباط با ایران باشد، علاوه بر منابع دیگر از آرشیو مستندات و مطالب خود «اشپیگل» از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶ (دوران اصلاحات و دولت اول احمدی نژاد) استفاده شده است.  
این گزارش مفصل اکنون پس از ۱۶ سال به مناسبت مصاحبه اخیر «اشپیگل» با شاهزاده رضا پهلوی که با عنوان «بله، من خواهان یک انقلاب هستم» منتشر شد، در چند شماره کیهان هفته بازنشر می‌شود.

این گزارش تحقیقی در پاییز ۲۰۰۸/۱۳۸۷ منتشر شد. روی جلد مجله «اشپیگل» با عکس شاه جوان که در این گزارش آمده مربوط به شماره ۳۴ این هفته‌نامه آلمانی به تاریخ ۲۰ اوت ۱۹۵۲ درست یکسال پیش از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است که یکی از خوانندگان کیهان لندن سال‌ها پیش از آن از کتابخانه شخصی خود به نویسنده هدیه کرده بود.  
در تهیه این گزارش که می‌تواند نمونه‌ای از برخورد رسانه‌های غرب به

خلاصه

در نزدیک به سی سال گذشته، از انقلاب اسلامی و جنگ تا سرکوب باورنکردنی تجربه کرده‌اند، عمدتاً «مدیون» خویش هستند. لیکن نمی‌توان سهم غرب را که اندک هم نیست، نادیده گرفت.

مشکل اینجاست آنچه برای ایرانیان به عنوان سیاست داخلی اهمیت دارد و به همین دلیل نیز سرنوشت آنها را رقم می‌زند، برای غرب و هم چنین سیاستمداران و روزنامه نگاران آلمان، تنها سیاست خارجی است. به این ترتیب واقعیت سیاسی در این مجموعه از سه گروه ذینفع تشکیل می‌شود: منافع آلمانی‌ها که به مثابه یک کشور دموکراتیک بین منافع ملی و منافع حکومتش تضادی وجود ندارد. منافع رژیم اسلامی در ایران که به عنوان یک کشور غیردموکراتیک بین منافع ملی و منافع حکومت دینی اش تضادهای فراوان وجود دارد، و به همین دلیل می‌رسیم به گروه سوم و منافع مردم ایران که در رسانه‌های آلمان جا و نماینده‌ای ندارند.

البته نمی‌توان انتظار داشت در کشوری از منافع ملی یک ملت دیگر پشتیبانی شود، به ویژه در شرایطی که این منافع با همدیگر همخوانی ندارند. اما این توقع وجود دارد که یک کشور دموکراتیک از خواست دموکراسی در کشورهای دیگر به ویژه در کشورهای در حال رشد و خاور میانه پشتیبانی کند و به تقویت آن بپردازد. این پشتیبانی هرگز به این صورت عملی نخواهد شد که یک حکومت دینی را در سایه حمایت خود گرفت و انتظار داشت که این حکومت اجازه دهد در آن اصلاحات دموکراتیک صورت گیرد. پشتیبانی از دموکراسی یعنی حمایت نیروهای سکولار و دموکرات در کشورهای که از این موهبت سیاسی و اجتماعی بی بهره‌اند. رسانه‌ها در این زمینه نقش بسیار مهمی بازی می‌کنند. هر گزارشی که در یک روزنامه معتبر منتشر می‌شود و هر توجیهی که به نیروهای دموکرات در ایران یا هر جای دیگر نشان داده می‌شود، یک امتیاز برای دموکراسی به شمار می‌رود.

نه تنها سیاستمداران غربی بلکه رسانه‌های این سوی جهان نیز آشنایی لازم و کافی با جوامع مسلمان نشین و اساساً با ایران ندارند. بر اساس همین نا آشنایی است که هر بار سیاستمداران و رسانه‌ها از این یا آن رفتار مردم در این یا آن کشور خاورمیانه شگفت زده می‌شوند.

در این میان، سیاست صبر و سرمایه گذاری بر روی انتخاباتی که انتخابات نیست، هیچ کمکی به مردم ایران برای پیمودن راهی که به برگذاری یک انتخابات آزاد بیانجامد، نمی‌کند. ایران تنها کشور مسلمان نشین در جهان است که در یک انتخابات دموکراتیک و آزاد امکان ندارد اسلامیت‌ها در آن به قدرت برسند چرا که آنها از سی سال پیش در قدرت هستند! و در عین حال تا زمانی که آنها در قدرت هستند، امکان ندارد اجازه برگذاری یک انتخابات آزاد را بدهند.

جمهوری فدرال آلمان به عنوان یک کشور آزاد و

و دموکراسی به ارمغان بیاورد».  
این ادعا نیز به تمامی غلط است و مطلقاً با واقعیت همخوانی ندارد. آیت الله منتظری بر اساس گفته‌های



خودش یکی از کسانی است که «حکومت ولایت فقیه» را تئوریزه و همواره از آن دفاع نموده است. اینکه وی را از مرکز قدرت راندند، به دلیل اشتیاقی وی برای «آزادی و دموکراسی» نبود، بلکه بر اساس جنگ قدرتی صورت گرفت که در آن زمان بین وی و زمامداران امروز در گرفته بود. تا به همین امروز نیز وی از تئوری ولایت فقیه دفاع می‌کند و تنها معتقد است که این تئوری را اشتباه تفسیر و پیاده کرده‌اند.

اینکه گذشت زمان و ناکامی‌های جمهوری اسلامی، آیت الله منتظری را به سوی مواضع سیاسی دیگری راند، دلیل نمی‌شود که درباره نقش وی در انقلاب اسلامی و عقیده اش در مورد «ولایت فقیه» به انتشار اطلاعات غلط پرداخت. اشپیگل در پاسخ به نامه من از طریق تلفن و ای میل پوزش خواست و این اشتباهات را به عدم تحقیقات کافی از سوی نویسندگان خود نسبت داد. یادآوری می‌شود که منابع ایرانی رسانه‌های آلمان عمدتاً افرادی هستند که خط سیاسی شان ادامه همان خط دهه شصت و هفتاد میلادی است. برخی از اینان، خودشان هم به همان دوره تعلق دارند و جوانترهاشان که زیر عنوان «اسلام شناس» و «ژورنالیست» مصاحبه می‌کنند و مقاله می‌نویسند، در عمل، توجیه گران بلندپروازی‌های رژیم جمهوری اسلامی هستند.  
به هر روی، گذشته را نمی‌توان تغییر داد. آنچه ایرانیان

به نظر من رسانه‌ها در جهان امروز نقش بسیار بزرگی در پشتیبانی سیاسی و فرهنگی از دموکراسی در کشورهای در حال رشد بازی می‌کنند. در این میان نقش آلمان در این پشتیبانی چگونه است؟

به نوشته اشپیگل آنلاین روزانه «بیش از صد مقاله» و «خبر فوری» در این سایت منتشر می‌شوند. ولی آیا واقعا خوانندگان اشپیگل، آن گونه که شعار تبلیغاتی این مجله است، بیش از دیگران می‌دانند؟ یا اینکه اشپیگل هم به این موضوع توجه دارد که تصویر یکی از بزرگترین شرکای اقتصادی آلمان را آنگونه که هست نشان ندهد، و یا دست کم همیشه چنین نکند؟ زیرا در این صورت دولت آلمان مورد پرسش افکار عمومی قرار می‌گیرد که چگونه با چنین کشور و حکومتی چنین روابط حسنه‌ای دارد.

موضوع اما تنها به نادیده گرفتن محدود نمی‌شود. در بسیاری از رسانه‌های آلمان مقالات و گزارش‌هایی وجود دارند که بر اساس اطلاعات غلط تهیه شده و سبب گمراهی خوانندگان می‌شوند. برای مثال به این نمونه از اشپیگل توجه کنید:

سه سال پیش، نویسندگان گزارش اصلی اشپیگل که درباره ایران بود (آمریکا علیه ایران: جنگ بعدی؛ اشپیگل شماره ۴؛ ۲۴ ژانویه ۲۰۰۵) نه تنها اطلاعات تاریخی، بلکه حتی اطلاعات روز را نیز به گونه‌ای غلط و گمراه کننده در اختیار خوانندگان قرار دادند. من در نامه‌ای به این مجله از جمله درباره دو مورد چنین نوشتم: «در صفحه ۱۰۷ در نخستین ستون می‌خوانیم که مأموران سیا در سال ۱۹۵۳ «محمد مصدق نخست وزیر چپ ملی گرا را که در یک انتخابات آزاد به قدرت رسیده بود، ساقط کرده و محمدرضا شاه فاسد را که دوست واشنگتن بود دوباره به تاج و تخت باز گرداندند».

نخست اینکه، مصدق از طریق انتخابات آزاد به قدرت نرسید. پس از آنکه رزم آرا نخست وزیر وقت توسط یک گروه اسلامی افراطی به قتل رسید، پارلمان ایران پس از توافق با مصدق، وی را به عنوان نخست وزیر به شاه معرفی کرد. محمدرضا شاه این پیشنهاد را پذیرفت و نخست وزیر مصدق را تأیید نمود.

دوم، هیچ ایرانی هرگز به این فکر نمی‌افتد که بخواهد از مصدق به عنوان «چپ ملی گرا» نام برد، و خود او قطعاً هرگز چنین ادعایی نداشت! او در عمل یکی از سران جبهه ملی ایران بود که در مبارزه برای ملی شدن نفت علیه انگلستان مبارزه کرد و اتفاقاً نظر مساعد نسبت به آمریکاییان داشت.

در صفحه ۱۱۱ در ستون میانی درباره آیت الله منتظری چنین نوشته می‌شود: «این آیت الله عظیم الشان در زمان خود امیدوار بود سقوط شاه در سال ۱۹۷۹ برای ایران آزادی



تشکیل می‌دهند. حال آنکه زمامداران جمهوری اسلامی را که حدود سی سال پیش در ایران به قدرت رسیده‌اند، نه تنها منافع سیاسی و اقتصادی، بلکه روابط خانوادگی به شدت به یکدیگر پیوند می‌دهد. بخش بزرگی از هیئت حاکمه ایران با یکدیگر پیوند سببی و نسبی دارند. ساختار قدرت در جمهوری اسلامی بیش از هر چیز به یک ساختار مافیایی شباهت دارد. قدرتی که همه منابع سیاسی و اقتصادی را در دست خود متمرکز کرده است. انتخابات در ایران که این گونه جدی در رسانه‌های غرب به آن پرداخته می‌شود، هر بار تنها ابزاری است برای حفظ و توزیع مجدد این منابع بین خود. و این در حالیست که سیاستمداران و رسانه‌های غرب ساختار قدرت در ایران را بر اساس آنچه خود می‌شناسند، ارزیابی می‌کنند: مطابق معیارهای غربی. از همین رو نمی‌توانند درک کنند چرا «اصلاحات» محکوم به شکست بود بدون آنکه بتوانند به چیزی دست یابند. آنها این را هم نمی‌توانند درک کنند که آنچه احمدی نژاد می‌گوید، واقعا جدیست. اگرچه او دلکف به نظر می‌رسد، لیکن یک دلکف خطرناک است. غرب تا کنون موفق نشده است قدرت ایدئولوژیک را در پس جنبش‌های اسلامی درک کند. قدرتی که با هیچ قدرت ایدئولوژیک دیگر قابل مقایسه نیست چرا که نیروی خود را از یک سو «بالا» از خدا و از سوی دیگر از «پایین» از توده عوام می‌گیرد و برای رسیدن به اهدافش هیچ هراسی ندارد از اینکه خود، خویشتن را نابود کند. این حقیقت، هسته اصلی اسلام‌گرایی است.

تروریست نامیدن فردی که دست به عملیات انتحاری می‌زند، آسان‌ترین راه برای ندیدن واقعیت است. آنها تنها تروریست نیستند، «کمی» بیش از آن هستند. آنها ایمان و اعتقاد دارند که برگزیدگان خدا هستند. در زندگی و پس از مرگ، آنها «نورچشمی‌خدا» هستند که رسالت نجات جهان را بر عهده دارند. در تفکر احمدی نژاد بر اساس تفاسیر شیعی، جهان تنها زمانی نجات پیدا خواهد کرد که ویران و نابود شده باشد. او حتی دستور داد کیلومترها راه را از گورستان بهشت زهرا در جنوب تهران تا چاه جمکران در نزدیک شهر مذهبی قم برای عبور امام زمان که قرار است پس از حدود ۱۲۰۰ سال از این چاه ظهور کند، آسفالت کنند. می‌توان به این داستان خندید و آن را جدی نگرفت. لیکن این امر برای زمامداران ایران بسیار اهمیت دارد. باید تروریسم و سلاح هسته‌ای را در کنار این نوع اعتقادات قرار داد تا بتوان دریافت چه چیز در پس «دعوی اقی» نهفته است. منافع اقتصادی اروپا بر واقعیت حکومت الله در ایران سایه‌انداخته است و رسانه‌های آلمان نیز به همین دام افتاده‌اند. این در حالیست که قابی که رسانه‌های غربی، از جمله آلمان، برای خبررسانی درباره ایران انتخاب کرده‌اند، ایران را در مجموعه جهان اسلام به شمار می‌آورد. لیکن «جهان اسلام» وجود خارجی ندارد! درست همان گونه که «جهان مسیح»، «جهان یهود» و یا «جهان بودا» وجود ندارد.

مثلا چه چیز مشترکی بین مردم و تاریخ و حال اندونزی به مثابه بزرگترین کشور مسلمان نشین جهان و ایران و عربستان و کشورهای مسلمان نشین آفریقا وجود دارد که از آنها یک «جهان» بسازد؟ «جهان اسلام» اختراع کشورهای غربی است تا بتوانند همه آن کشورها و مردمی را که در خاور میانه و نزدیک زندگی می‌کنند، یک کاسه کنند و بر این اساس تلاش نمایند یک مدل اسلامی بر اساس تصورات غربی ترسیم، اختراع، تجربه و یا تولید کنند.

من شخصا طرفدار آنچه هستم که ارزش‌های غربی خوانده می‌شوند و آنها را به مثابه ارزش‌های جهان شمول و دستاوردهای مجموعه بشریت تحسین می‌کنم، اگرچه بخشی از این بشریت در کشورهای غربی تلاش بیشتری در

دوران گزارش داده می‌شد، یا «اعلام حساسیت فوق العاده در برلین و وایمار» به دلیل سفر محمد خاتمی، و یا بازرسی خانه‌های گروه‌های تبعیدی ایران توسط پلیس آلمان بود. این افراد حتی از سوی رسانه‌های آلمان به عنوان «مأموران ایران» معرفی شدند که از سوی «محافظه کاران» گسیل شده‌اند تا علیه محمد خاتمی «ناآرامی» راه بیندازند. هرگز معلوم نشد منبع این «خبر» چه کسانی بودند. ولی با این خبر آنها دگراندیشان ایرانی را در آلمان هم تراز مأموران «حکومت الله» در تهران قرار دادند که محمد خاتمی اتفاقا رییس جمهوری آنها بود و نه اینها!

یک روز پس از ورود خاتمی به آلمان، خود اشپیگل آنلاین به «حقوق بشر» به عنوان واژه‌ای اشاره کرد که «معمولا کمتر» در گفتگوها شنیده می‌شود. همه گفتگوها بر سر روابط اقتصادی بود. در آن سال (۲۰۰۰) هنوز برنامه اتمی مخفی جمهوری اسلامی کشف نشده بود. دست کم برای رسانه‌ها هنوز کشف نشده بود!



هیچ چیز اما یک شبه شکل نمی‌گیرد. آنچه امروز زیر سایه دولت احمدی نژاد روی می‌دهد، در سال‌های گذشته ریشه دارد. هشت سال تمام، سیاست و رسانه‌ها در آلمان، از جمله اشپیگل، از «پروژه اصلاحات» در جمهوری اسلامی با تمام ابزاری که در اختیار داشتند، پشتیبانی کردند. پروژه‌ای که خود خاتمی بعدها درباره اش اعتراف کرد که نمی‌دانست این «اصلاحات» دقیقا چیست و چه می‌تواند باشد! لیکن ظاهرا دولت سرخ و سبز آلمان بیشتر و مجله اشپیگل خیلی بیشتر، و البته خوانندگان اشپیگل بیش از همه درباره آن می‌دانستند!

در آن دوران، واقعا چه کسی می‌توانست به اصلاحات در «حکومت الله» اعتقاد داشته باشد؟ حکومتی که در آن برای نخستین بار اسلامیت‌ها به قدرت رسیده بودند؟ لازم نبود برای پاسخ مدت زیادی به انتظار نشست. اشپیگل آنلاین روز سوم دسامبر ۲۰۰۴ نوشت: «خاتمی به شکست سیاست اصلاحات اعتراف کرد».

آنچه در تمام این سال‌ها در آلمان و بطور کلی در غرب به عنوان مبارزه بین «اصلاح طلبان» و «مذهبیان افراطی» از آن نام برده می‌شد، چیزی جز جنگ قدرت درون «حکومت الله» و هم چنین درگیری ناگزیر این حکومت با زندگی واقعی مردم و مطالبات آنها نبود. مردمی که دوسوم آن را افراد زیر سی سال و ۴۵ درصد آن را جوانان زیر ۲۵ سال

→ دموکراتیک دومین شریک اقتصادی حکومت دینی در ایران است. دولت‌های آلمان، چه سیاه و زرد (متشکل از ائتلاف دموکرات مسیحی، سوسیال مسیحی و لیبرال دموکرات) چه سرخ و سبز (متشکل از ائتلاف سوسیال دموکرات و سبز) و یا سیاه و سرخ (متشکل از ائتلاف دموکرات مسیحی، سوسیال مسیحی و سوسیال دموکرات) همواره از جمهوری اسلامی در ایران پشتیبانی کرده‌اند و همزمان مدعی شده‌اند که علیه تروریسم و علیه بنیادگرایی اسلامی مبارزه می‌کنند. آنها قطعاً اگر زمامداران ایران تن به «اصلاح» رژیم خود می‌دادند، بسیار خوشحال می‌شدند. لیکن نمی‌توان یک آرزو و خیال محال را به سیاست رسمی یک دولت تبدیل کرد و انتظار داشت که این سیاست عمل هم بکند!

رسانه‌های آلمان، از جمله اشپیگل، با در پیش گرفتن همین راه، سیاست خارجی رسمی دولت آلمان را در رابطه با ایران دنبال کرده و می‌کنند. آنها دموکرات‌های ایران را در داخل و در تبعید تنها گذاشته و می‌گذارند، در حالی که زنان، دانشجویان و کارگران شب و روز دستگیر می‌شوند، در زندان‌ها شکنجه می‌گردند و یا به قتل می‌رسند. این همه البته «خبر بزرگ» (جنگ) نیست. اما این سرکوب خشونت آمیز و این جداسازی (آپارتاید) آشکار بین مردان و زنان، جوانان و سالمندان، گروه‌های قومی، اقلیت‌های مذهبی، زمامداران و مردم، ثروتمندان و تنگدستان، همگی ایران را در عمیق‌ترین ابتدال تاریخ خود فرو برده است. ابتدالی که در آن هیچ ارزشی اعتبار ندارد. ایرانی که می‌توانست به سوی شکوفایی راه بسپارد، به عصر حجر بازگشته است. عصری که در آن خشونت و بربریت، قانونی شده است. جهان نگاه می‌کند. رسانه‌های همگانی نگاه می‌کنند و ایرانیان به دلیل عقب ماندنشان از قافله جهانی، جوایز متعدد برای هر آن چیزی دریافت می‌کنند که ندارند: حقوق بشر، آزادی عقیده و بیان! طنز سیاست و رسانه‌های آلمان را شاید بتوان در این گفتگوی اشپیگل آنلاین با خانم کلاودیا روت از حزب سبزها دریافت که در دوران به اصطلاح اصلاحات ریاست کمیته حقوق بشر پارلمان آلمان را بر عهده داشت. وی در این گفتگو سفر بحث برانگیز خاتمی را به عنوان رییس جمهوری اسلامی به آلمان «درست و مهم» ارزیابی کرد. روت گفت آن گروه از نمایندگان پارلمان آلمان که خواستار لغو این ملاقات بودند «در بی خبری بسر می‌برند» (۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰). او در این گفتگو تأکید کرد: «زمان بهترین قاضی است». اتفاقا زمان گذشت و همزمان این نوع طنز، سایه خود را بر موضع حقوق بشری خانم روت و همان سیاستی افکند که «دیالوگ انتقادی» خوانده می‌شد و بسیاری از ایرانیان بر شکست آن آگاهی داشتند، آن هم بسی پیش از آنکه جمهوری اسلامی زیر پوشش «دیالوگ» بتواند برنامه‌های اتمی خود را گسترش دهد.

در تمام سال‌های گذشته، رسانه‌های آلمان سیاست برلین را دنبال می‌کردند. آنها درباره رییس جمهوری پیشین جمهوری اسلامی، محمد خاتمی که پس از انقلاب اسلامی دو سال در مسجد مامبورگ به عنوان امام جماعت کار می‌کرد، گزارش‌های بدیع می‌دادند. آنها حتی ادعا می‌کردند خاتمی به مثابه «کسی که آلمان را خوب می‌شناسد» (۱۰ ژوئیه ۲۰۰۰) در دوران اقامت دو ساله خود در این کشور چنان زبان آلمانی را خوب یاد گرفت که «هگل» را به آلمانی خواند! آدم باید زبان فلسفه آلمانی، و به ویژه زبان هگل را بشناسد، تا بتواند این مبالغه سیاسی گزارش‌های رسانه‌ها و مسیری را که تعقیب می‌کردند، بهتر درک کند.

آن سوی دیگر، در برابر این نوع خبررسانی، دگراندیشان، تبعیدیان و گروه‌های مخالف قرار داشته و دارند که هیچ راهی به رسانه‌های آلمانی نمی‌یابند. آنچه درباره آنان در این



رویترز گزارش داده منطقه‌ای که «سیریز ۱» در آن پهلو گرفته بود، برای انتقال غیرقانونی نفت ایران توسط کشتی‌هایی استفاده می‌شود که به منظور رد گم کردن، فرستنده‌های راداری خود را خاموش می‌کنند.

ابرنفتکش مزبور در سال‌های اخیر همچنین برای انتقال غیرقانونی نفت ونزوئلا به چین مورد استفاده قرار گرفته است.

به نوشته رویترز، داده‌های شرکت «کپلر و ال‌اس‌ای‌جی» نشان می‌دهد که نفتکش «هفنیا نایل» حامل ۳۰۰ هزار بشکه «نفتا» (نوعی نفت پالایش شده) است.

مت استنلی تحلیلگر عضو این شرکت می‌گوید «سیریز سال‌هاست در خاموشی فرو رفته». منظور وی خاموش شدن موقعیت‌یاب این کشتی است تا ردگیری آن دشوار باشد. او گفت که آخرین داده‌های سیستم شناسایی کشتی که در ماه مارس ارسال شد حاکی بود که حامل نفت ایران است که آمریکا سعی دارد با اعمال تحریم مانع صادرات آن شود.

وی همچنین توضیح داد، «این کشتی [روز جمعه] لنگر انداخته بود. ما کاملاً مطمئنیم که حامل نفت خام ایران بود و به سوی چین می‌رفت.»

میشل ویز بوکمن تحلیلگر مؤسسه «لویدز» نیز می‌گوید، «منطقه‌ای که سیریز در آن لنگر انداخته، شناخته شده است، آنجا توسط کشتی‌های موسوم به شیخ برای انتقال نفت ایران برای دور زدن تحریم‌های آمریکا استفاده می‌شود، این نفتکش هم دائم در انتقال یا حمل نفت ایران مشارکت داشته است.»

منابع کشتیرانی گفته‌اند که این نفتکش در سال‌های اخیر در انتقال نفت ونزوئلا به چین نیز به کار گرفته شده است. ونزوئلا نیز تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد.

تخمین زده می‌شود که بیش از ۸۵۰ نفتکش موسوم به «ناوگان شیخ» نفت را از کشورهایمانند ایران، ونزوئلا و همچنین روسیه که تحت تحریم‌های بین‌المللی و همچنین کشورهای غربی هستند جابجا می‌کنند.

مدیران صنعت کشتیرانی هشدار داده‌اند که خطرات ایمنی به دلیل قدیمی بودن این کشتی‌ها و همچنین عدم نظارت دقیق بر آنها در حال افزایش است.

در واکنش به رویداد جمعه ۲۹ تیرماه، وزارت نفت جمهوری اسلامی در اطلاعیه‌ای رسمی اعلام کرد، هیچکدام از نفتکش‌های آسیب‌دیده مرتبط با ایران نبوده‌اند و هیچیک نیز حامل نفت خام ایران نبودند.

روی دادن حادثه برای «ناوگان شیخ» جمهوری اسلامی دارای سابقه است که شاخص‌ترین آنها انفجار کشتی سانچی در دی ۱۳۹۶ بود که اعلام شد ۳۶ خدمه آن جان باختند.

## رویترز: برخورد کشتی حامل دو میلیون بشکه نفت ایران با یک کشتی سنگاپوری؛ وزارت نفت تکذیب کرد!

● به گزارش خبرگزاری رویترز، دو نفتکش بزرگ به نام‌های «هافنیا نایل» و «سیریز-۱» جمعه ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) پس از برخورد با یکدیگر در نزدیکی آب‌های سنگاپور، آتش گرفتند.

● یک مقام شرکت «کپلر» مدعی شد که نفتکش «سیریز-۱» حامل دو میلیون بشکه نفت ایران برای چین بوده است.

● رویترز گزارش داده منطقه‌ای که «سیریز ۱» در آن پهلو گرفته بود، برای انتقال غیرقانونی نفت ایران توسط کشتی‌هایی استفاده می‌شود که به منظور رد گم کردن، فرستنده‌های راداری خود را خاموش می‌کنند.

● مت استنلی تحلیلگر عضو این شرکت می‌گوید «سیریز سال‌هاست در خاموشی فرو رفته». منظور وی خاموش شدن موقعیت‌یاب این کشتی است تا ردگیری آن دشوار باشد. او گفت که آخرین داده‌های سیستم شناسایی کشتی که در ماه مارس ارسال شد حاکی بود که حامل نفت ایران است که آمریکا سعی دارد با اعمال تحریم مانع صادرات آن شود.

● میشل ویز بوکمن تحلیلگر مؤسسه «لویدز» نیز می‌گوید، «منطقه‌ای که سیریز در آن لنگر انداخته، شناخته شده است، آنجا توسط کشتی‌های موسوم به شیخ برای انتقال نفت ایران برای دور زدن تحریم‌های آمریکا استفاده می‌شود، این نفتکش هم دائم در انتقال یا حمل نفت ایران مشارکت داشته است.»

به گزارش خبرگزاری رویترز، دو نفتکش بزرگ به نام‌های «هافنیا نایل» و «سیریز-۱» جمعه ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) پس از برخورد با یکدیگر در نزدیکی آب‌های سنگاپور، آتش گرفتند.

یک مقام شرکت «کپلر» مدعی شد که نفتکش «سیریز-۱» حامل دو میلیون بشکه نفت ایران به مقصد چین بوده است.

بر اساس تصاویر منتشر شده توسط نیروی دریایی سنگاپور، دو کشتی پس از برخورد با یکدیگر دچار آتش‌سوزی شدند. گفته می‌شود خدمه پس از آتش‌سوزی با قایق نجات از نفتکش‌ها دور شدند و نیروهای امدادی آنها را نجات دادند و به بیمارستان منتقل کردند.

مقامات محیط زیست مالزی اعلام کردند که به آنها گفته شده برای مقابله با نشت احتمالی نفت در آب دریا آماده شوند.

بر اساس گزارش‌ها، ابرنفتکش «سیریز-۱» که احتمالاً حامل نفت ایران است با پرچم کشور جزیره‌ای «سائوتومه و پرنسیپ» واقع در خلیج گینه در غرب قاره آفریقا، حرکت می‌کرد. مالک این کشتی ساکن کشور چین است. از این کشتی سال‌هاست برای دور زدن تحریم‌ها استفاده می‌شود.

این زمینه به عمل آورده و قربانیان بیشتری داده است. در عین حال بر این عقیده اصرار دارم که ارزش‌هایی مانند دموکراسی و حقوق بشر کاملاً جهان شمول هستند و کسی را حق آن نیست که بر اساس شرایط قومی، دینی و یا سنتی یک جامعه آنها را ممنوع اعلام کند. آنچه مرا به عنوان یک انسان اهل خاورمیانه آزار می‌دهد و همزمان غمگین می‌سازد این است که غرب یک بازی دوگانه را پیش می‌برد. غرب تلاش می‌کند از یک سو خود را به مثابه آفریننده و مدافع این ارزش‌ها قلمداد کند و از سوی دیگر از زمامداران و دولت‌هایی پشتیبانی می‌کند که در کشورهای شان این ارزش‌ها را پایمال می‌کنند. این اخلاق دوگانه غرب را می‌توان در چهارچوب‌های ژورنالیستی نیز که توسط گروه‌های خبرسانی انتخاب می‌شوند، تشخیص داد.

به این ترتیب مسئله بر سر این نیست که آیا اسپیکل بیش از دیگران می‌داند و یا خوانندگان اسپیکل بیشتر از خوانندگان دیگر روزنامه‌ها می‌دانند، بلکه این است که آیا سیاست خبرسانی در آلمان اساساً نقشی در گسترش دموکراسی در کشورهای در حال رشد بازی می‌کند؟ برای مثال به چه دلیل از تظاهرات شهر کیف (اوکراین) شب و روز و بطور زنده گزارش داده می‌شود، در حالی که یک کلمه درباره هزاران آموزگاری که همزمان چندین روز در برابر ساختمان مجلس شورای اسلامی در تهران جمع شدند، یک کلمه هم گفته نمی‌شود؟ و یا چرا گزارش درباره سرمای فلج‌کننده در ترکیه مهمتر از سرمای مشابه در ایران است؟! آیا رسانه‌های آزاد در آلمان فقط یک خیال است؟ و یا اینکه خبرسانی آزاد و دموکراتیک همزمان به این معنی است که درباره خبرهای معینی گزارش داده شود؟

کسانی که مانند ما ایرانیان مشمول این سیاست قرار می‌گیرند، به دنبال پاسخی هستند که شاید واقعاً برای کسی مهم نباشد. من مدعی نیستم که یک تصویر منفی از ایران ترسیم می‌شود. متأسفانه واقعیت منفی است و تصویری که ارائه می‌شود نمی‌تواند شکل دیگری داشته باشد. لیکن در کنار این واقعیت یک واقعیت دیگر نیز وجود دارد که در خبرسانی رسمی و رایج جایی نمی‌یابد. این واقعیت همانا تصویر دیگر ایران و مردم آن است که از حدود سی سال پیش یک زندگانی دوگانه را پیش می‌برد. این تصویر تنها زمانی می‌تواند نشان داده شود که خبرسانی آزاد و دموکراتیک در غرب از جمله در آلمان بیش از پیش خود را وقف مسائلی سازند که خوانندگانشان بتوانند به درستی ادعا کنند که بیش از دیگران می‌دانند.

دسامبر ۲۰۰۸ / آذر ۱۳۸۷

منابع اولیه:

- بانک اطلاعات مجله اسپیکل از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۶
- بانک اطلاعات اسپیکل آنلاین از ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۶

منابع ثانویه:

- Bonfadelli, Heinz; Medieninhaltsforschung; Grundlagen, Methoden, Anwendungen, Konstanz; 2002
- Widemann, Charlotte; Die gerahmte Welt; in: Freitag; 12.03.04; <http://freitag.de/2004/12/04120801/php>
- "Heiliger Krieg" gegen den Westen, das Gewaltbild des Islam in der deutschen Presse; Media Watch; Köln; Heinrich-Böll-Stiftung; 1999
- Hafez, Kai; The West and Islam in the mass media; Bonn; ZEI; 2000
- Hafez, Kai; Die politische Dimension der Auslandsberichterstattung. Band 2: Das Nahost- und Islambild der deutschen überregionalen Presse. Habil; Nomos Verlag; München 2002

(پایان)



ناخدا یکم عباس حسنی سخنگوی این رزمایش گزارش داد، یگان‌های شناور و پروازی نیروهای دریایی ارتش شامل ناو موشک انداز «پیکان»، «درفش»، «سپر»، دو فروند هلی‌کوپتر «AB-212» و چند شناور نیروی دریایی سپاه پاسداران با نام «شهید بصیر»، و همچنین شناور «SB-45» روسیه تمرین مشترک دارند. نمایندگان از کشورهای حاشیه دریای کاسپین نیز به عنوان ناظر در مراحل مختلف این رزمایش حضور داشتند. بخشی از این رزمایش مربوط به تمرین عکسبرداری هوایی (Photo Ex) و آرایش آفندی بود که توسط هلی‌کوپترها و پهپادهای نیروی دریایی انجام شد. یگان‌ها عملیات اطفاء حریق و امدادسانی به نیروهای آسیب‌دیده و «تیراندازی به اهداف متحرک» را نیز تمرین کردند.

ناخدا یکم حسنی گفته «برقراری امنیت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران بسیار حائز اهمیت است و به همین دلیل نیروهای دریایی جمهوری اسلامی

## «رزمایش مشترک»

# ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دریای کاسپین با یک شناور «یَدک‌کش» روسی!



تمرین امدادی یگان‌های ارتش و سپاه پاسداران در دریای خزر با یک شناور روسی / امرداد ۱۴۰۲

ایران اجازه هیچگونه تعدی را در حوزه دریا نخواهند داد.» برخلاف اینکه رسانه‌های حکومتی برگزاری این رزمایش را بزرگنمایی کرده‌اند اما به نظر می‌رسد حضور روسیه در آن بسیار محدود بوده و تنها یک شناور پشتیبان کوچک «SB-45» را به جنوب دریای کاسپین اعزام کرده بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد این شناور امدادی یک «یَدک‌کش» آبپاش است! ادعاهای مقامات نظامی جمهوری اسلامی در حالیست که روسیه درگیر جنگ سنگین فرسایشی با اوکراین است و عمده نیروهای نظامی این کشور در جبهه غربی متمرکز شده‌اند. هرچند منابع خبری جمهوری اسلامی با تبلیغات تلاش کردند این تمرین را «رزمایش» معرفی کنند اما در مجموع دولت‌های غربی نگران همکاری‌های روسیه و جمهوری اسلامی در حوزه نظامی و امنیتی هستند. در دو سال و نیم گذشته، رژیم ایران به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان تسلیحات روسیه در جنگ علیه اوکراین با تحریم‌های گسترده روبرو شده است. شبکه سی‌ان‌ان امرداد ۱۴۰۱ به نقل از مقامات آمریکایی گزارش داد که برخی نیروهای روسیه در ایران آموزش پهبادی دیده‌اند.

اسناد فاش شده نشان می‌دهد که از زمان آغاز تهاجم نظامی روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، مسکو دست‌کم شش هزار پهپاد شاهد ۱۳۶ از تهران خریده و کمک‌های گسترده‌ای برای راه‌اندازی خطوط تولید داخلی این پهپادها دریافت کرده است. بخشی از هزینه این معاملات و کمک‌های مربوطه نیز با چندین تن شمش طلا پرداخت شده است.

● یگان‌هایی از نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مشارکت یک شناور کوچک روسی در دریای کاسپین روز دوشنبه اول امرداد رزمایش مشترک «امداد، نجات و امنیت» برگزار کردند. رسانه‌های داخلی با بزرگنمایی از این تمرین آن را «رزمایش مرکب دریایی» قلمداد کرده‌اند!

● بخشی از این رزمایش مربوط به تمرین عکسبرداری هوایی (Photo Ex) و آرایش آفندی بود که توسط هلی‌کوپترها و پهپادهای نیروی دریایی انجام شد. یگان‌ها عملیات اطفاء حریق و امدادسانی به نیروهای آسیب‌دیده و «تیراندازی به اهداف متحرک» را نیز تمرین کردند.

● هرچند منابع خبری جمهوری اسلامی با تبلیغات تلاش کردند این تمرین را «رزمایش» معرفی کنند اما در مجموع دولت‌های غربی نگران همکاری‌های روسیه و جمهوری اسلامی در حوزه نظامی و امنیتی هستند. در دو سال و نیم گذشته، رژیم ایران به عنوان یکی از تأمین‌کنندگان تسلیحات روسیه در جنگ علیه اوکراین با تحریم‌های گسترده روبرو شده است.

یگان‌هایی از نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با مشارکت یک شناور کوچک روسی در دریای کاسپین (خزر/مازندران) روز دوشنبه اول امرداد رزمایش مشترک «امداد، نجات و امنیت» برگزار کردند. رسانه‌های داخلی با بزرگنمایی از این تمرین آن را «رزمایش مرکب دریایی» قلمداد کرده‌اند!

## توقیف یک نفتکش

# اماراتی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حوالی بندر بوشهر

● شرکت بریتانیایی امنیت دریایی «امبری» دوشنبه ۲۲ ژوئیه (اول امرداد) گزارش داد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک نفتکش با پرچم توگو و تحت مدیریت امارات متحده عربی را که حامل ۱۵۰۰ تن نفت گاز دریایی بود، توقیف کرده است.

● طبق اعلام «امبری»، این کشتی محموله خود را در سواحل عراق بارگیری کرده و به مقصد شارجه امارات در حرکت بود که در حوالی بندر بوشهر توقیف شد.

● با وجود سابقه سپاه پاسداران در گروگانگیری کشتی‌های خارجی «امبری» ادعا کرده بعید است که این اقدام انگیزه سیاسی داشته باشد و به عنوان یک رویداد مرتبط با «جنگ» ارزیابی نمی‌شود!

شرکت بریتانیایی امنیت دریایی «امبری» دوشنبه ۲۲ ژوئیه (اول امرداد) گزارش داد، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، یک نفتکش با پرچم توگو و تحت مدیریت امارات متحده عربی را که حامل ۱۵۰۰ تن نفت گاز دریایی بود، توقیف کرده است. طبق اعلام «امبری»، این کشتی محموله خود را در سواحل عراق بارگیری کرده و به مقصد شارجه امارات در حرکت بود که در حوالی بندر بوشهر توقیف شد.

با وجود سابقه سپاه پاسداران در گروگانگیری کشتی‌های خارجی «امبری» ادعا کرده که بعید است این اقدام انگیزه سیاسی داشته باشد و به عنوان یک رویداد مرتبط با «جنگ» ارزیابی نمی‌شود!

«امبری» همچنین اعلام کرده است، توقیف احتمالاً این کشتی به دلیل عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای مبارزه با قاچاق سوخت بوده است.

پایگاه خبری «عرب نیوز» گزارش داده، جمهوری اسلامی ایران که به دلیل پرداخت یارانه سنگین انرژی و کاهش ارزش ریال ارزان‌ترین قیمت سوخت در جهان را دارد، با قاچاق افسارگسیخته سوخت به کشورهای همسایه مقابله می‌کند.

توقیف این کشتی در حالی صورت گرفته که ۱۱ تیرماه اعلام شد نفتکش آمریکایی «ادونتیج سوییت» که در اجاره شرکت آمریکایی «شورون» بود و بیش از یک سال پیش توسط جمهوری اسلامی توقیف شده بود، آزاد شد.

سی‌ان‌ان در گزارش خود بطور تلویحی تلاش کرده بود تا رفع توقیف این نفتکش را به روی کار آوردن مسعود پزشکیان به عنوان رئیس دولت جدید جمهوری اسلامی ربط دهد که وعده «پهپود روابط سیاسی با غرب» را داده است در حالی که دولت وی حدود دو ماه دیگر و پس از تعیین کابینه فعالیت خود را شروع خواهد کرد!

جمهوری اسلامی از کشتی‌های توقیف شده و به گروگان گرفتن خدمه آنها به عنوان ابزاری برای چانه‌زنی با دولت‌های غربی جهت باج‌خواهی و امتیازگیری بهره‌برداری می‌کند.

# ممنوع شدن فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ و بازتاب آن در رسانه‌های آلمان



مرکز اسلامی هامبورگ/ ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴

و پشتیبانی می‌شود. این امر با علم کامل به ایدئولوژی و اهداف «حزب‌الله»، به ویژه مبارزه مسلحانه مداوم علیه دولت اسرائیل انجام می‌شود. با اینکه فعالیت «حزب‌الله» به عنوان یک سازمان تروریستی در سال ۲۰۲۰ [در آلمان] ممنوع شد، اما مرکز اسلامی هامبورگ همچنان از «حزب‌الله» حمایت و پشتیبانی می‌کند.

شهردار هامبورگ، پیتر چنچر نیز در بیانیه مطبوعاتی خود در مورد بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ از جمله تأکید کرد: «اطلاعات به دست آمده از سوی نیروهای امنیتی هامبورگ کمک زیادی به آغاز تحقیقات و بازرسی‌های وزارت کشور فدرال کرده است... [ساختمان و تاسیسات] «مسجد آبی» امروز توسط وزارت کشور فدرال ضبط شده و تا اطلاع ثانوی تحت مدیریت دولت فدرال خواهد بود.»

**بازتاب حمله پلیس آلمان به مرکز اسلامی هامبورگ و ممنوع اعلام شدن آن در مطبوعات آلمان**

از صبح روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه تا پایان این روز خبر مربوط به حمله پلیس آلمان به مرکز اسلامی هامبورگ و ممنوع اعلام شدن این مرکز و نهادهای تابعه آن بازتاب بسیار گسترده‌ای در رسانه‌های مختلف آلمان داشته است. نمونه برخی از بازتاب‌ها در زیر می‌آید.

**رژیم ایران، مادر همه مشکلات و منازعات در خاورمیانه**  
شبکه اول تلویزیون آلمان تیتراژ دو برنامه خبری مهم شبانگهی خود را به ممنوع شدن فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ اختصاص داد. در برنامه شبانگهی با بیژن جیرسرای نماینده پارلمان آلمان و دبیرکل حزب «دمکرات‌های آزاد- FDP» در این مورد مصاحبه شد. او در قسمتی از صحبت‌های خود تأکید کرد که مرکز اسلامی هامبورگ مرکز تبلیغ افکار بنیادگرایانه اسلامی و صدور «انقلاب اسلامی» در آلمان بوده است. او یادآور شد به باور برخی از کارشناسان، اهمیت این مرکز در ارتباط با عملیات تروریستی و جاسوسی علیه ایرانیان مخالف رژیم حتی از سفارت جمهوری اسلامی نیز مهم‌تر است. او همچنین تأکید کرد امکان اینکه رژیم ایران دست به اقدامات تلافی‌جویانه تروریستی در آلمان بزند، وجود دارد. او گفت دولت‌های قبلی در آلمان و در اتحادیه اروپا در مقابل حکومت ایران ساده‌باور بودند. او گفت اتحادیه اروپا با تمرکز روی برنامه هسته

● نانس فزر وزیر کشور آلمان: ما امروز «مرکز اسلامی هامبورگ» را که یک ایدئولوژی اسلامگرای تمامیت‌خواهانه در آلمان را تبلیغ می‌کند، ممنوع کردیم. این ایدئولوژی اسلامگرا علیه کرامت انسانی، حقوق زنان، سیستم قضایی مستقل و نظام دموکراتیک ما است. علاوه بر این، «مرکز اسلامی هامبورگ» و سازمان‌های تابعه آن از تروریست‌های «حزب‌الله» حمایت می‌کنند و یهودستیزی تهاجمی را گسترش می‌دهند. پس از اقدامات گسترده بازرسی در نوامبر ۲۰۲۳، نیروهای امنیتی ما اسناد و شواهد ضبط شده را با دقت بررسی کردند. ظن‌های شدید ما در این تحقیقات پُر زحمت به حدی تقویت شدند که ما امروز این ممنوعیت را اعلام کردیم.»  
● در بیانیه وزارت کشور آلمان از جمله آمده است: این مرکز به عنوان نمایندگی مستقیم «رهبر» جمهوری اسلامی ایران، ایدئولوژی موسوم به «انقلاب اسلامی» را در جمهوری فدرال آلمان به صورت تهاجمی و مبارزاتی تبلیغ و اجرا می‌کند. بجای جامعه‌ای بر اساس نظم اساسی دموکراتیک آزاد که توسط قانون اساسی محافظت می‌شود، به تأسیس حکومتی استبدادی-تئوکراتیک می‌پردازند.

● بیژن جیرسرای نماینده پارلمان آلمان و دبیرکل حزب «دمکرات‌های آزاد- FDP»: امکان اینکه رژیم ایران دست به اقدامات تلافی‌جویانه تروریستی در آلمان بزند، وجود دارد. دولت‌های قبلی در آلمان و در اتحادیه اروپا در مقابل حکومت ایران ساده‌باور بودند. اتحادیه اروپا با تمرکز روی برنامه هسته‌ای رژیم ایران موضوع نقض حقوق بشر را نادیده گرفتند. رژیم ایران «مادر همه مشکلات و منازعات در خاورمیانه» است و سپاه پاسداران باید در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داده شود.

**حنیف حیدرئزاد - روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴** وزیر کشور آلمان، نانس فزر، در یک بیانیه مطبوعاتی فعالیت «مرکز اسلامی هامبورگ» و نهادهای تابعه آن را در آلمان ممنوع اعلام کرد. در این بیانیه آمده است که با حکم دادگاه ۵۳ مکان در هشت ایالت آلمان در هامبورگ، برلین، نیدرزاکسن، مکلنبورگ-فورپومرن، هسن، نوردراین-وستفالن و بایرن مورد بازرسی قرار گرفته و ۴ مسجد شیعیان تعطیل شده است.

در بیانیه وزیر کشور آلمان در مورد دلایل ممنوع اعلام شدن مرکز اسلامی هامبورگ و نهادهای تابعه آن آمده است: «این مرکز یک سازمان اسلامگرای افراطی است که اهداف مخالف قانون اساسی [آلمان] را دنبال می‌کند.» سازمان‌های تابعه دیگر این مرکز که انجمن‌های رسمی به ثبت رسیده‌اند، عبارتند از: «آکادمی اسلامی آلمان»، «انجمن حمایت از مسجد اسلامی ایرانی در هامبورگ»، «مرکز فرهنگ اسلامی» در فرانکفورت، «انجمن اسلامی بایرن» در مونیخ و «مرکز اسلامی برلین». در بیانیه آمده است که دارایی‌های این سازمان‌ها ضبط می‌شود.

وزیر کشور آلمان، نانس فزر، گفت: «در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۳ نیز بازرسی‌هایی در ۵۵ مکان در هفت ایالت انجام شده بود که اسناد گسترده‌ای ضبط شده بودند. ما امروز «مرکز اسلامی هامبورگ» را که یک ایدئولوژی اسلامگرای تمامیت‌خواهانه در آلمان را تبلیغ می‌کند، ممنوع کردیم. این ایدئولوژی اسلامگرا علیه کرامت انسانی، حقوق زنان، سیستم قضایی مستقل و نظام دموکراتیک ما است. علاوه بر این، «مرکز اسلامی هامبورگ» و سازمان‌های تابعه آن از تروریست‌های «حزب‌الله» حمایت می‌کنند و یهودستیزی

تهاجمی را گسترش می‌دهند. پس از اقدامات گسترده بازرسی در نوامبر ۲۰۲۳، نیروهای امنیتی ما اسناد و شواهد ضبط شده را با دقت بررسی کردند. ظن‌های شدید ما در این تحقیقات پُر زحمت به حدی تقویت شدند که ما امروز این ممنوعیت را اعلام کردیم.»

«مرکز اسلامی هامبورگ» که به خاطر نمای بیرونی آن به «مسجد آبی» معروف است در سراسر آلمان فعالیت دارد. بر اساس بیانیه وزیر کشور آلمان «هدف و فعالیت‌های این مرکز علیه نظم قانون اساسی [آلمان] و علیه اندیشه تفاهم بین‌المللی است. علاوه بر این، آنها برخلاف قوانین کیفری و تعهدات حقوق بین‌الملل جمهوری فدرال آلمان هستند. همچنین تلاش‌هایی را در خارج از قلمرو فدرال حمایت می‌کنند که اهداف و وسایل آنها با ارزش‌های اساسی یک نظام حکومتی که کرامت انسانی را محترم می‌شمارد، ناسازگار است.»

این بیانیه اضافه می‌کند این مرکز به عنوان نمایندگی مستقیم «رهبر» جمهوری اسلامی ایران، ایدئولوژی موسوم به «انقلاب اسلامی» را در جمهوری فدرال آلمان به صورت تهاجمی و مبارزاتی تبلیغ و اجرا می‌کند. بجای جامعه‌ای بر اساس نظم اساسی دموکراتیک آزاد که توسط قانون اساسی محافظت می‌شود، به تأسیس حکومتی استبدادی-تئوکراتیک می‌پردازند.»

در بیانیه وزیر کشور آلمان در مورد روش کار مرکز اسلامی هامبورگ آمده است: این مرکز «بسیار مخفیانه عمل می‌کند. در ظاهر می‌خواهد این تصور را ایجاد کند که یک مؤسسه اهل مُدارا و تحمل‌پذیر و صرفاً مذهبی است، بدون هیچ‌گونه برنامه سیاسی یا وابستگی. اما تحقیقات به وضوح نشان می‌دهند که این مرکز نه تنها به صورت مذهبی فعالیت می‌کند، بلکه به عنوان نمایندگی «رهبر» ایران، بطور مداوم و قاطع دستورات سیاسی برای صدور «انقلاب اسلامی» را اجرا می‌کند.»

بیانیه وزیر کشور آلمان بر نقش هماهنگ کننده این مرکز در دفاع از نیروهای تروریستی که حکومت ایران از آنها به نام «محور مقاومت» یاد می‌کند، اشاره کرده و تأکید می‌کند: «فعالیت‌های مختلف مرکز اسلامی هامبورگ نشان می‌دهد که از ابعاد نظامی و سیاسی «محور مقاومت» به ویژه ائتلاف با سازمان تروریستی «حزب‌الله» حمایت



برنامه هسته‌های ایران، حمایت از جنگ روسیه علیه اوکراین و موضوعات دوجانبه» دلیل این کاهش روابط بوده‌اند.»

این روزنامه یادآوری می‌کند: در نوامبر ۲۰۲۳ نیز حدود ۸۰۰ پلیس نه تنها مسجد آبی مرکز اسلامی هامبورگ را بازرسی کرده بودند، بلکه انجمن‌های وابسته در چندین ایالت نیز مورد بازرسی قرار گرفته بودند. در این بازرسی‌ها کامپیوترها، تلفن‌های همراه، اسناد و مقادیر زیادی پول نقد ضبط شده بودند.

### آسودگی خاطر ایرانیان تبعیدی

روزنامه «فرانکفورتر روند شاو» همچنین در تفسیری در این مورد می‌نویسد: «حمله گسترده سراسری به مرکز اسلامی هامبورگ و سازمان‌های تابعه آن موجب آسودگی خاطر و راحتی خیال و امید بسیاری از ایرانیان در تبعید خواهد شد. زیرا مدت‌های طولانی است که نشانه‌های فزاینده ای وجود دارد که نشان می‌دهد این مرکز فقط یک سازمان مذهبی نیست، بلکه یک ارگان خارجی رژیم ایران است که برنامه و دستور کار آن رژیم خود کاملاً در دنبال می‌کند.»

### بازرسی‌ها در مونیخ

به گزارش وبسایت «یودیش آلمگامنه» صبح روز ۲۴ ژوئیه در مونیخ نیز حدود ۳۰ پلیس در ارتباط با ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ، «انجمن اسلامی بایرن» را مورد بازرسی قرار دادند. همچنین خانه‌های دو نفر از اعضای هیئت مدیره این انجمن مورد بازرسی قرار گرفت. وزیر کشور بایرن در این مورد گفت: «هدف از این بازرسی‌ها - علاوه بر انحلال انجمن - تضمین دارایی‌ها و جمع‌آوری شواهد بیشتر بوده است. او افزود که این شواهد عمدتاً شامل داده‌هایی هستند که اکنون به طور دقیق بررسی می‌شوند.»

### نفرت‌پرانی علیه یهودیان تحمل نمی‌شود

وبسایت روزنامه «تاتس- TAZ» به نقل از وزیر داخله ایالت برلین در رابطه با ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ و بازرسی امکان مرتبط با آن می‌نویسد: «تأکید می‌کنم که نفرت و تحریک علیه یهودیان و شهروندان اسرائیلی در برلین تحمل نخواهد شد.»

### پرسش‌های بی پاسخ

انتظار می‌رود در روزهای آینده از سوی رسانه‌های آلمان تحلیل و تفسیرهایی نیز در مورد مرکز اسلامی هامبورگ و فعالیت‌های پنهانی آن ارائه شود. باید دید رسانه‌های آلمان تا کجا با دید تحقیقی و انتقادی به موضوع نگاه کرده و برای مثال به این پرسش‌ها می‌پردازند که: چرا تعطیلی این مرکز اینقدر طول کشید و چرا سال‌ها پیش عملی نشد. اسناد و مدارکی که در بازرسی‌های سال پیش و امسال از این مرکز و نهادهای وابسته به آن به دست آمده در زمینه فعالیت‌های تروریستی و همچنین فعالیت‌های جاسوسی بر علیه ایرانیان تبعیدی چه چیز را نشان می‌دهد. خرچینیان و افرادی که از طریق این مرکز برای فعالیت‌های جاسوسی اجیر شده و پول دریافت می‌کنند چه کسانی هستند. کدام شخصیت‌های حقیقی یا حقوقی هدف جاسوسی رژیم ایران و مزدورانش بوده‌اند. آیا نهادهای امنیتی آلمان این افراد را در مورد خطری که آنها را تهدید می‌کند مطلع کرده اند و...

یادآوری می‌شود که فعالیت ایرانیان تبعیدی ساکن آلمان در مورد مراکز اسلامی در این کشور و به ویژه «مسجد آبی» سال‌ها پیش از جنبش ۴۰۱ جریان داشته و آنها بارها در برابر این مراکز دست به تجمعات اعتراضی زده و خواستار بسته شدن آنها شده بودند. این خواست که در درک مخالفان رژیم درباره تبلیغات ایدئولوژیک و تروریستی جمهوری اسلامی ریشه دارد سرانجام در ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ تحقق یافت. اقدامی که یک گام بسیار مهم در ارتباط با سیاست دولت آلمان در قبال جمهوری اسلامی ارزیابی می‌شود.

کرده و از قول او می‌نویسد: «سنگسار، شلاق، قتل- این همان چیزی است که مرکز اسلامی هامبورگ از آن دفاع می‌کند. این مرکز نمایندگی مهم رژیم ایران در اروپا است که به وضوح توسط تهران کنترل می‌شود.» رئیس سازمان حفاظت از قانون اساسی ایالت هامبورگ اشاره می‌کند که مرکز اسلامی هامبورگ کتاب «حکومت اسلامی» اثر روح‌الله خمینی را توزیع می‌کند. کتاب او هنوز «سنگ بنای اساسی ایدئولوژیک» این رژیم در حال حاضر است و سنگسار زنان، شلاق زدن مُرتد‌های مذهبی و کشتن همجنسگرایان را موعظه می‌کند. این به این معنی است که چنین آموزه‌هایی «تضاد کامل با نظم اساسی دموکراتیک آزاد قانون اساسی» آلمان دارد.»

«دیتسایت» اضافه می‌کند یک نشانه اینکه مرکز اسلامی هامبورگ خطوط و دستورات رژیم ایران را دنبال می‌کند این است که محمدهادی مفتاح، مدیر این مرکز نماینده رهبر مذهبی ایران، علی خامنه‌ای است.

### بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ پیامد جنبش اعتراضی ایرانیان

«دیتسایت» در ادامه گزارش خود بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ را از پیامدهای کشته شدن مهسا- ژینا امینی و انقلاب «زن، زندگی، آزادی» دانسته و می‌نویسد، در سپتامبر ۲۰۲۲ بود که «جنبشی نیز در آلمان به وجود آمد: هنرمندان و دانشمندان نامه‌های اعتراضی نوشتند، زنان به نشانه همبستگی موهای خود را کوتاه کردند و حدود ۸۰۰۰۰ نفر در برلین علیه صاحبان قدرت در ایران تظاهرات کردند.»

«دیتسایت» اضافه می‌کند به دنبال این همبستگی ایرانیان و حضور اجتماعی آنها بود که سیاستمداران آلمان در ۹ نوامبر ۲۰۲۲ واکنش نشان داده و در درخواستی به دولت آلمان خواستار آن شدند که دولت بررسی کند چگونه مرکز اسلامی در هامبورگ می‌تواند بسته شود. به نوشته «دیتسایت»: «اما پس از یک سال- هیچ اتفاقی نیفتاد. تا اینکه در ۱۶ نوامبر ۲۰۲۳ حدود ۸۰۰ افسر پلیس به مرکز اسلامی هامبورگ و پنج انجمن دیگر یورش بردند. ۵۴ آپارتمان، خانه و مسجد در مجموع در هفت ایالت فدرال مورد بازرسی قرار گرفتند. مقامات اداره پلیس جنایی فدرال و پلیس فدرال نیز در جستجو شرکت کردند. آنها مقادیر زیادی پول نقد، تلفن همراه، لپ‌تاپ و USB را کشف و ضبط کردند. در آن زمان کامیون‌هایی در مقابل مسجد آبی دیده می‌شد که با آنها مواد توقیف شده را منتقل می‌کردند.» آن مواد توقیف شده حاوی چنان اسناد و داده‌های مجرمانه‌ای بود که دادگاه توانست به استناد آنها حکم ممنوعیت مرکز اسلامی هامبورگ و بسیاری دیگر از امکان و مساجد تابع آنرا صادر کند.

### احضار سفیر رژیم ایران در برلین

«فرانکفورتر روند شاو» یکی از روزنامه‌های سراسری آلمان می‌نویسد: «مرکز اسلامی هامبورگ» که مدت‌هاست تحت این ظن قرار دارد که به عنوان بازوی دراز شده رژیم ایران در آلمان عمل می‌کند، اکنون ممنوع شده است.

این روزنامه اضافه می‌کند: «پس از حمله پلیس آلمان به مرکز اسلامی طرفدار ایران در هامبورگ و اعلام ممنوعیت آن، وزارت خارجه رژیم ایران سفیر آلمان در تهران را احضار کرد. پس از آن وزارت خارجه آلمان نیز سفیر رژیم ایران در برلین را احضار کرد. این روزنامه به نقل از خبرگزاری فرانسه می‌نویسد «وزارت امور خارجه [آلمان] نقل کرده است که احضار سفیر ایران در برلین «یک احضار رسمی» نبوده است.»

به نوشته «فرانکفورتر روند شاو» وزارت امور خارجه [آلمان] همچنین اعلام کرد که «روابط آلمان با ایران در سال‌های اخیر «به طرز بی‌سابقه‌ای کاهش یافته است». چندین موضوع از جمله «وضعیت حقوق بشر در کشور، حملات مستقیم ایران به اسرائیل، سیاست‌های منطقه‌ای بی‌ثبات‌کننده آن،

ای رژیم ایران موضوع نقض حقوق بشر را نادیده گرفتند. او رژیم ایران را «مادر همه مشکلات و منازعات در خاورمیانه» نامید و خواستار آن شد تا سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی قرار داده شود.

### قرار دادن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست سازمان‌های تروریستی

در برنامه «دیدگاه» که در آن خبرنگاران و مفسرین رادیو تلویزیون، دیدگاه و تفسیر خود را ارائه می‌دهند، ناتالی امیری که سال‌ها مدیر دفتر شبکه یک تلویزیون آلمان در تهران بود، تأکید کرد: بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ اقدامی است که رژیم ایران با آن جدیت آلمان را حس خواهد کرد. او گفت با اینکه این کافی نیست و آلمان باید در اتحادیه اروپا برای قرار گرفتن سپاه پاسداران در لیست تروریستی بیشتر تلاش کند. او همچنین یادآور شد بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ، پایان فعالیت‌های جاسوسی رژیم ایران نیست و اداره‌های مسئول در آلمان باید با هوشیاری، این فعالیت‌ها را که طور دیگری اجرا خواهند شد زیر نظر داشته باشند.

### پایگاه استراتژیک رژیم تهران در اروپا

وبسایت شبکه دوم تلویزیون آلمان ZDF در گزارش خود می‌نویسد: «صبح امروز (۲۴ ژوئیه) پلیس با حدود ۳۰۰ نیروی عملیاتی به بازرسی امکان «مرکز اسلامی هامبورگ» پرداخت. مسجد این مرکز که به مسجد «امام علی» یا «مسجد آبی» معروف است در سال ۱۹۶۳ افتتاح شد و مدت‌ها به عنوان محل تجمع شیعیان در هامبورگ خدمت می‌کرد و امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز شیعی در اروپا شناخته می‌شود.»

این گزارش اضافه می‌کند: «با آنکه این مرکز ده‌ها سال (از سال ۱۹۹۳) توسط سازمان حفاظت از قانون اساسی ایالت هامبورگ (Verfassungsschutz)، زیر نظر بوده است، اما تا پایان سال ۲۰۲۲ در سطح رهبری در «شورای جوامع اسلامی در هامبورگ- (SCHURA)» حضور داشته است. همچنین نمایندگان این مرکز در «شورای مرکزی مسلمانان در آلمان» نیز فعال هستند.»

بنا بر این گزارش از نظر سازمان حفاظت از قانون اساسی ایالت هامبورگ «پس از انقلاب اسلامی در ایران «مرکز اسلامی هامبورگ» بطور فزاینده‌ای به «پایگاه استراتژیک رژیم تهران در اروپا» تبدیل شد... و توانست یک شبکه ارتباطی در سراسر آلمان ایجاد کرده و بر شیعیان با ملیت‌های مختلف و مساجد و انجمن‌های اسلامی شیعه «تا حد کنترل کامل تأثیرگذار» است.»

به نوشته وبسایت شبکه دوم تلویزیون آلمان، مدیر مرکز اسلامی هامبورگ، محمدهادی مفتاح در گفتگویی با این شبکه در اوایل سال ۲۰۲۴ همه اتهامات مطرح شده توسط سازمان حفاظت از قانون اساسی ایالت هامبورگ را رد کرده بود.

### مکانی برای تبلیغ سنگسار زنان، شلاق زدن مُرتد‌های مذهبی و کشتن همجنسگرایان

وبسایت مجله «دیتسایت» در یک گزارش تحلیلی می‌نویسد: «تقریباً سه دهه است که مناقشه در مورد مرکز اسلامی هامبورگ ادامه دارد. از سال ۱۹۹۳، اداره حفاظت از قانون اساسی ایالت هامبورگ این مرکز را زیر نظر دارد و هر ساله در مورد آن گزارش می‌دهد. سازمان حفاظت از قانون اساسی هامبورگ این انجمن را «بزار مهم رژیم تهران» برای گسترش اسلام ضد دموکراتیک و پیودستیزی در اروپا می‌داند. این همان چیزی است که در گزارش سال گذشته آمده است. همچنین مرکز اسلامی هامبورگ از سازمان تروریستی حزب‌الله که در آلمان ممنوع است، حمایت کرده است.»

وبسایت «دیتسایت» به سخنان رئیس سازمان حفاظت از قانون اساسی ایالت هامبورگ در مصاحبه با این رسانه اشاره

## با گذشت نیم قرن، «مدل قبرسی» ترکیه همچنان خطرناک است



ویزا بوده است. در حالی که منطقه ترکیه تنها در سال ۱۹۸۳ بطور رسمی استقلال خود را اعلام کرد، اما همچنان به عنوان یک مستعمره باقی مانده است. استقلال ویشی فرانسه از آلمان نسبت به استقلال جمهوری به اصطلاح ترک قبرس شمالی از ترکیه بیشتر بوده است.

خطرات امنیتی برای اروپا در بخش گسترده‌ای از غرب، کشورهای عربی میانه‌رو و اسرائیل در حال افزایش است. منطقه تحت اشغال ترکیه نه تنها در حال حاضر مرکز پولشویی و فرار از تحریم‌ها برای گروه‌های تروریستی روسیه و خاورمیانه بوده، بلکه به عنوان نقطه تجمع حزب‌الله و سایر گروه‌های تروریستی نیز به شمار می‌رود که به دنبال کشتار یهودیان یا نفوذ به اروپا هستند.

خطر دادن فرصت به ترکیه برای لاپوشانی اقدامات این کشور امروز در سوریه و عراق آشکار است. در سال ۲۰۱۸ ترکیه به منطقه عفرین سوریه که اکثریت کردنشین دارد پیشروی کرده و بلافاصله شروع به اخراج کردها و تخریب آثار و بناهای فرهنگی آنها کرد. همزمان مهاجرین را در آنجا سکونت داد، کارت‌های شناسایی جدید ترکیه برای آنها صادر کرد، ادارات پست افتتاح کرد و برنامه‌های درسی مدارس را تغییر داده و ماهواره‌های دانشگاهی برقرار کرده است. امروز عفرین هم قلمرو تحت نفوذ ترکیه به شمار می‌رود و هم محل پرورش سئیزه‌جویان دولت اسلامی (داعش) و القاعده. این در حالیست که اردوغان در عین حال که از آنها حمایت می‌کند، از آنان براءت نیز می‌جوید.

ترکیه مدل قبرس را در کردستان عراق نیز اجرا کرده است. تنها از ۱۵ ژوئن ۲۰۲۴ بیش از ۳۸۰ حمله هوایی و بمباران به منظور اخراج کردها از روستاهایشان انجام داده و نیروهای ترکیه بیش از ۲۵۰ مایل مربع (بیش از ۶۴۰ کیلومترمربع) از مزارع کشاورزی را سوزانده‌اند. ارتش ترکیه همچنین با ایجاد ایست‌های بازرسی مانع هرگونه تجارتی می‌شوند که به نفع این کشور (ترکیه) نباشد. مقامات دفاعی ترکیه آشکارا مدعی میادین نفتی در خاک عراق هستند.

در حالی که ترکیه مدعی بوده که تنها به منظور مقابله با گروه‌های تروریستی گرد به این منطقه حمله می‌کند، اما در راستای توجیه اشغالگری خود قادر به اثبات هرگونه

و رسوم و ادیان انعطاف بیشتری دارند. امروز منطقه تحت اشغال ترکیه بطور سیستماتیک حضور سیاسی اثرگذار و معنادار بومی قبرسی‌های را رد می‌کند زیرا مقامات مزدور و میهن‌فروش بیشتر به ترکیه وفادار هستند تا به قبرس که منطقه شمالی را مدیریت می‌کند.

در میان دیپلمات‌هایی که طی دوره‌های دو ساله در آنجا خدمت کرده و برای آمریکایی‌هایی که هر چیزی بیش از یک دهه را به عنوان تاریخ باستانی قلمداد می‌کنند، تقسیم قبرس می‌تواند امری همیشگی به نظر برسد. حال که جامعه بین‌المللی نمی‌تواند به اشغال این کشور توسط ترکیه پایان دهد، چرا با فریبکاری واقعیت جدید را به رسمیت نشناسد؟ اردوغان برای چنین نتیجه‌ای به شدت فشار می‌آورد و در عین حال وزارت امور خارجه آمریکا با امتناع از استفاده از واژه «اشغال» برای توصیف اقدامات ترکیه او را تشویق می‌کند.

با این حال، به سه دلیل دادن این امکان به ترکیه برای بهره‌مندی از مدل قبرس فاجعه خواهد بود:

نخست، استفاده ترکیه از مدل اشغال قبرس در جاهای دیگر را توجیه می‌کند.

دوم، تاکتیک روسیه برای برآوردن کشورهای غیرقانونی از همسایگان خود مانند گرجستان، مولداوی و اوکراین را مشروعیت می‌بخشد.

سوم، فضاهایی را ایجاد می‌کند که در آن تروریسم و پولشویی رونق می‌گیرد.

با اشغال قبرس توسط ترکیه روندی آغاز شده که در طول سال‌ها ماهیت خود را آشکار ساخته است. بلافاصله پس از تهاجم نظامی اولیه پاکسازی قومی صورت گرفت. ترک‌ها زبان یونانی را حذف کرده و کلیساهای یونانی را ویران کردند. آنکارا تلاش کرد تا جمعیت بومی محلی را سازماندهی کند، اما از مشارکت فعال و کامل آنها در پروژه امپراتوری ترکیه ممانعت ورزیده و شروع به انتقال مهاجران به منطقه کرد.

ترکیه همچنین پیوند منطقه اشغالی به ترکیه را آغاز کرد که شامل تحمیل واحد پول ترکیه، و اتصال و پیوند منطقه اشغالی به سیستم پست و مخابرات ترکیه، تبدیل زبان ترکی به زبان رسمی، تحمیل برنامه درسی دولتی ترکیه، ایجاد شعب محلی برای دانشگاه‌های ترکیه و امکان سفر بدون

● رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در مارس گذشته از آرزوی نمان و مکنونات قلبی خود برای پرسنل ارتش این کشور پرده برداشت و گفت «من این را به عنوان فرزند امروز می‌گویم؛ شاید اگر ما به سمت جنوب پیش می‌رفتیم، دیگر جنوب و شمالی وجود نداشت و قبرس فقط مال ما می‌بود.»

● تلاش برای تقسیم دائمی و به رسمیت شناختن جمهوری ترک قبرس شمالی به عنوان یک کشور مشروع، خطر بزرگی است.

● به نظر می‌رسد آذربایجان و پاکستان هر دو آماده به رسمیت شناختن استقلال منطقه اشغالی قبرس هستند و اردوغان قزاقستان و ازبکستان را نیز برای این امر تحت فشار قرار داده است.

مایکل رویین - مدل قبرس ترکیه می‌تواند نظم لیبرال بین‌المللی را نابود کند! امروز پنجاهمین سالگرد تهاجم نظامی ترکیه به قبرس است. استدلال ترکیه مبنی بر اینکه هدف از مداخله نظامی آنها محافظت از جمعیت مسلمان قبرس بوده نادرست است. اشغال بخش وسیعی از خاک این کشور توسط ترکیه که بیش از یک سوم جزیره را در بر می‌گیرد به دنبال پایان بحران و با پس‌زمینه مذاکرات صلح ژنو صورت گرفت.

رجب طیب اردوغان رئیس‌جمهور ترکیه در مارس گذشته از آرزوی نمان و مکنونات قلبی خود برای پرسنل ارتش این کشور پرده برداشت و گفت «من این را به عنوان فرزند امروز می‌گویم؛ شاید اگر ما به سمت جنوب پیش می‌رفتیم، دیگر جنوب و شمالی وجود نداشت و قبرس فقط مال ما می‌بود.»

حاصل این مداخله نظامی نه حمایت از ترک‌های قبرس، بلکه نابودی فرهنگی آنها بود. رهبران ترک پی در پی کل روستاها را در آناتولی ریشه‌کن کرده و روستاهای یونانی را که توسط نیروهای ترکیه پاکسازی قومی شده بودند به ساکنان آنها هدیه دادند.

دولت ترکیه ممکن است ترک‌ها و ترک‌های قبرس را مترادف بداند، اما این دو فرهنگ و لهجه جداگانه دارند. ترک‌های آناتولی مانند خود اردوغان از نظر مذهبی بسیار محافظه‌کارتر هستند. در مقابل، ترک‌های قبرسی به زندگی در همجواری برادران مسیحی‌شان خو گرفته و با آنان درآمیخته و رواداری بیشتری داشته و نسبت به سایر آداب



## اختلال جهانی در شبکه فناوری اطلاعات؛ فعالیت چندین بانک، فرودگاه و مؤسسات بین‌المللی متوقف شد



وضعیت فرودگاه سیدنی / ۱۹ ژوئیه ۲۰۲۴

شبکه بی‌بی‌سی بین‌المللی اعلام کرد «علت این اختلال نامشخص است، اما بسیاری از افراد آسیب دیده آن را به سیستم‌های عامل مایکروسافت مرتبط می‌دانند.»

با این حال، سخنگوی مایکروسافت روز جمعه به بی‌بی‌سی گفت که «اکثر سرویس‌ها چند ساعت قبل بازیابی شده‌اند.» سخنگوی وزارت کشور استرالیا گفت که به نظر می‌رسد این اختلال مربوط به یک مشکل در شرکت جهانی امنیت سایبری CrowdStrike باشد و سازمان دیده‌بان امنیت سایبری این کشور گفت که هیچ اطلاعاتی وجود ندارد که نشان از حمله سایبری داشته باشد.

شرکت «مایکروسافت ۳۵۵» طی پیامی در «ایکس» اعلام کرد، «ما در حال بررسی مشکلی هستیم که بر توانایی کاربران برای دسترسی به برنامه‌ها و سرویس‌های مختلف مایکروسافت ۳۶۵ تأثیر می‌گذارد.»

کاربران شبکه‌های اجتماعی از صف‌هایی در فروشگاه‌هایی در استرالیا مانند Woolworths با از کار افتادن سیستم‌های پرداخت و مشکل دسترسی به مؤسسات مالی مانند بانک ملی استرالیا خبر داده‌اند.

مقامات آلاسکا نیز اعلام کرده‌اند که بسیاری از مراکز تماس اورژانس ۹۱۱ و همچنین غیراضطراری به درستی کار نمی‌کنند. شرکت مخابراتی استرالیایی Telstra گفته است که مراکز تماس سه‌گانه - اصلی‌ترین تماس اضطراری در استرالیا - تحت تأثیر قرار نگرفته است، اما با سایر ارائه‌دهندگان خدمات اضطراری ایالتی برای اجرای فرآیندهای پشتیبان همکاری می‌کند.

در همین حین در فرودگاه سیدنی، اطلاعات از تابلوهای خروج ناپدید شد. شرکت هواپیمایی Jetstar در اطلاعیه‌ای به مسافران در ترمینال داخلی گفت که «مشکل با مایکروسافت» به این معنی است که نمی‌تواند اطلاعات مسافران یا پروازها را بررسی کند.

● منابع بین‌المللی گزارش می‌دهند بر اثر قطع گسترده شبکه فناوری اطلاعات که از ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) آغاز شد، فعالیت تعداد زیادی از مؤسسات جهانی، بانک‌ها، فرودگاه‌ها و خطوط هوایی، رسانه‌های بین‌المللی و کسب و کارهای اینترنتی دچار اختلال شده است.

● بنا بر آخرین خبرها، خطوط هوایی یونایتد در آمریکا پرواز خود را متوقف کرده و فعالیت بورس لندن قطع شده است و بانک‌های اروپایی خدمات‌رسانی به مشتریان خود را متوقف کرده‌اند.

● شبکه بی‌بی‌سی بین‌المللی اعلام کرد «علت این اختلال نامشخص است، اما بسیاری از افراد آسیب دیده آن را به سیستم‌های عامل مایکروسافت مرتبط می‌دانند.»

● سخنگوی وزارت کشور استرالیا گفت که به نظر می‌رسد این اختلال مربوط به یک مشکل در شرکت جهانی امنیت سایبری CrowdStrike باشد و سازمان دیده‌بان امنیت سایبری این کشور گفت که هیچ اطلاعاتی وجود ندارد که نشان از حمله سایبری داشته باشد.

● منابع بین‌المللی گزارش می‌دهند بر اثر قطع گسترده شبکه فناوری اطلاعات که از ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) آغاز شد، فعالیت تعداد زیادی از مؤسسات جهانی، بانک‌ها، فرودگاه‌ها و خطوط هوایی، رسانه‌های بین‌المللی و کسب و کارهای اینترنتی دچار اختلال شده است.

طبق همین گزارش‌ها فعالیت فرودگاه سیدنی و پروازهای آن متوقف شده، سیستم پرداخت سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌ها از کار افتاده و پخش زنده چند شبکه تلویزیونی بین‌المللی و سیستم‌های مخابراتی دچار اختلال شده‌اند.

در پی اختلال شدید و قطع شبکه فناوری اطلاعات، خطوط هوایی یونایتد در آمریکا پرواز خود را متوقف کرده و فعالیت بورس لندن قطع شده و بانک‌های اروپایی خدمات‌رسانی به مشتریان خود را متوقف کرده‌اند.

→ حمله‌ای که از کردستان عراق صورت گرفته باشد نیست. در همین حال، ترکیه از خروج نیروهای نظامی این کشور خودداری کرده و هزاران نفر را در شهرهای کردنشین و عرب‌نشین مستقر کرده که دائم با شکایت مردمان بومی این مناطق مبنی بر سوء استفاده از سوی این نیروها مواجه بوده است در حالی که کردهای عراق نظم امور را بر عهده داشتند، امروز، همه بجز اطلاعات ترکیه، نسبت به تروریسمی که برخاسته و زاینده شبه‌نظامیان وارداتی ترکیه در منطقه است کور مانده‌اند.

تلاش برای تقسیم دائمی و به رسمیت شناختن جمهوری ترک قبرس شمالی به عنوان یک کشور مشروع، خطر بزرگی است. به نظر می‌رسد آذربایجان و پاکستان هر دو آماده به رسمیت شناختن استقلال منطقه اشغالی هستند و اردوغان قزاقستان و ازبکستان را نیز برای این امر تحت فشار قرار داده است. حمایت آنها از چنین اقدامی رویه‌ای ایجاد می‌کند که می‌تواند در مورد آبخازیا و اوستیای جنوبی که با حمایت سربازان روسی در سال ۲۰۰۸ از گرجستان اعلام استقلال کرده و نیز کشور دست‌نشانده ترانس نیستریا که با حمایت روسیه از قلمرو مستقل مولداوی سر برآورد، اعمال شود. با توجه به اذعان اردوغان مبنی بر اینکه او به دنبال ضمیمه قبرس به ترکیه است، هرگونه به رسمیت شناختن این اقدام موجب پیشبرد هرچه بیشتر استراتژی روسیه در اوکراین خواهد شد. روسیه نیز ابتدا از استقلال جمهوری‌های خلق دونتسک و لوهانسک حمایت کرده و از همه‌پرسی الحاق رسمی آنها به روسیه حمایت کرد.

پاداش دادن به ترکیه حتی نیم قرن پس از این واقعت، باعث ایجاد هرج و مرج در نظم بین‌المللی می‌شود، زیرا کشورهای امپریالیستی (سلطه‌گستر) مانند روسیه و ترکیه از جنبش‌های جدایی طلب دروغین به عنوان ابزاری برای تحقق رویاهای امپریالیستی خود حمایت می‌کنند. بجای واکنش پس از به وقوع پیوستن چنین فاجعه‌ای، اکنون زمان آن است که به آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و پاکستان اطلاع دهیم که هرگونه به رسمیت شناختن قبرس شمالی منجر به قطع کمک‌های ایالات متحده خواهد شد. در رابطه با قرقیزستان نیز به ویژه با توجه به مستعد بودن زمینه برای جدایی طلبان قومی روسیه، پذیرش هرگونه رشوه از ترکیه یا روسیه در ازای به رسمیت شناختن قبرس شمالی می‌تواند به معنای خودکشی ملی باشد. پاکستان نیز باید درک کند که هرگونه حمایت از تجزیه قبرس می‌تواند به بروز چالش‌هایی برای حاکمیت این کشور بر بلوچستان یا سند بیانجامد.

برای جلوگیری از اهداف امپریالیستی ترکیه و بازگرداندن یکپارچگی به قبرس هنوز دیر نیست. امروز هیچ خطری برای پاکستان قومی یا خشونت جمعی در قبرس وجود ندارد. درخواست خروج نیروهای ترکیه از قبرس باید اولویت آمریکا و اتحادیه اروپا و پیش‌نیاز هرگونه کمک مالی یا کمک نظامی به ترکیه باشد. همچنین غیرممکن است که بین مالکان اصلی سرزمینی قبرس و شهرک‌نشینان ترک تفاوت قائل شویم. هنگامی که ساکنان منطقه اشغالی برای دریافت پاسپورت قبرس درخواست می‌کنند، باید بتوانند پیوندهای خود را با این جزیره از طریق سوابق تولد و ازدواج ثابت کنند. اگر ترکیه بتواند صدها میلیون دلار برای گروه‌های جهادی از آفریقا تا آذربایجان و از بنغازی تا باکو هزینه کند، مطمئناً می‌تواند مهاجران غیرقانونی ترک را به آناتولی بازگرداند. درواقع، دوستان اردوغان ممکن است بارغبت بیشتری که در پی چنین گفتگوهای سازنده‌ای حاصل خواهد شد، استقبال کنند.

\*منبع: نشنال سکوریٹی ژورنال  
\*نویسنده: مایکل رویبن  
\*ترجمه و تنظیم: الهام رفیع‌زاده

## گمانه‌زنی‌ها و هشدارها درباره کابینه چهاردهم ظریف در حال چیدن هیئت دولت، پزشک‌ها در هیئت عزاداری!



طراحی ساختار دولت چهاردهم هستند. محمدجواد آذری جهرمی وزیر ارتباطات دولت روحانی، شهیندخت مولاوردی دستیار ویژه دولت روحانی در امور حقوق شهروندی و علی ربیعی (عباد بازجو) سخنگوی دولت از اعضای دولت حسن روحانی هستند که در این شورا حضور دارند.

بجز شهیندخت مولاوردی تنها نام دو زن دیگر در این شورا به چشم می‌خورد؛ فاطمه مهاجرانی رئیس مرکز استعدادهای درخشان در دولت روحانی و سمیه توحیدلو فعال اصلاح‌طلب و دانش‌آموخته جامعه‌شناسی.

عباس عبدی، علی شکوری راد، هادی خانیکی، محسن زنانی، حسین مرعشی و الیاس حضرتی از دیگر فعالان اصلاح‌طلب حاضر در این شورا هستند.

هرچند بیشتر تلاش شده بود مسعود پزشکیان و دولت او «میان‌رو» معرفی شوند اما محمدجواد ظریف تأکید کرده «دولت وحدت ملی به معنی دولت ائتلافی نیست!» وی گفته «قرار نیست افرادی که با گفتمان رئیس‌جمهور همراهی ندارند در کابینه حاضر باشند. مردم به یک نفر رأی دادند و آن یک نفر هم افرادی که حاضر باشند با آن گفتمان همراهی کنند را جمع خواهند کرد.»

او سهم‌خواهی اصلاح‌طلبان از دولت را هم طبیعی ارزیابی کرده و گفته «واقعیت اینست که آقای پزشکیان نامزد جبهه اصلاحات بوده است و البته مستقلان، اعتدال‌گرایان و حتی برخی اصولگرایان و نیز کاندیداهایی که در دوره اول کنار رفتند هم در دور دوم به ما کمک کردند. پس اینکه جبهه اصلاحات سهمی در دولت داشته باشند سهم‌خواهی نیست.» با اینهمه اختلاف میان جناح اصلاح‌طلب نیز تعمیق شده است. نه تنها محمود صادقی، بلکه برخی دیگر از چهره‌های اصلاح‌طلب نیز درباره آنچه با صحنه‌آرایی ظریف در جریان است هشدار داده‌اند.

غلامعلی رجایی گفته «من فکر می‌کنم یکی از بحث‌های جدی آقای پزشکیان، مسئله اطرافیان ایشان است و از همان اول تشکیل ستاد ایشان دیده شد ولی

ظریف مشابه آنها را برگزار کرده بود.

برای مثال در حالی مسعود پزشکیان امروز شنبه ۳۰ تیر ۱۴۰۳ با جمعی از فعالان اقتصادی بخش خصوصی، تعاونی‌ها و اصناف دیدار و گفتگو کرده که بیش از یک هفته پیش محمدجواد ظریف در نشست مشابه با این فعالان حضور داشت و حتی بدون حضور پزشکیان به رایزنی درباره دولت و همکاری با بخش خصوصی پرداخت.

نتیجه دیدار ظریف با فعالان اقتصادی بخش خصوصی و لابی با آنها، به کار گرفته شدن برخی از این فعالان، از جمله حسین سلاح‌ورزی و مسعود خوانساری در کارگروه‌های تعیین کابینه پیشنهادی بود!

محمدجواد ظریف درباره ساز و کار فعالیت «شورای راهبری دوره انتقالی» مدعی شده که تعداد قابل توجهی از نخبگان از سوی نهادهای جامعه مدنی، احزاب و شخصیت‌ها برای مسئولیت در هیات دولت چهاردهم نامزد شده و مشخصات و برنامه آنها برای رسیدگی به کمیته‌ها ارسال شده است. او همچنین گفته «تدابیر گوناگونی برای پیشگیری از پنهانکاری، تبانی و تعارض منافع در روند بررسی و پیشنهاد نامزدها اندیشیده شده است.»

اینهمه در حالیتی که بخشی از اصلاح‌طلبان به آنچه در حول و حوش مسعود پزشکیان در جریان است و فعالیت برای تحمیل و جاسازی افراد در کابینه هشدار داده‌اند.

محمود صادقی از فعالان اصلاح‌طلب در شبکه «ایکس» نوشته خبرهایی که از لابی‌های سودجو و ذینفعان فعال در بعضی از کمیته‌های پیشنهاد وزرا می‌رسد بسیار نگران کننده است. این فعال اصلاح‌طلب خطاب به مسعود پزشکیان گفته «مراقب باشید اگر عناصر سودجو و فرصت‌طلب خروجی کمیته‌ها باشند، امید و سرمایه اجتماعی در حال ترمیم دوباره آسیب می‌بیند.»

انتشار نام اعضای اصلی «شورای راهبری دوره انتقالی دولت چهاردهم» از سوی محمدجواد ظریف نشان می‌دهد بخشی از اصلاح‌طلبان با سکنداری محمدجواد ظریف در حال

● بسیاری معتقدند در عمل محمدجواد ظریف رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی است و مسعود پزشکیان نقش «رئیس جمهور پوششی» را به عهده دارد.

● مسعود پزشکیان که به قاعده می‌باست این روزها بی‌وقفه در حال طراحی برنامه‌های دولت و انتخاب هیئت دولت می‌بود، از این هیئت عزاداری به آن مراسم نوحه‌خوانی ماه محرم می‌رود.

● جدا از رقابت سنگین و درگیری‌های جدی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در روزهای انتخابات تیرماه، اکنون تنش‌ها و رقابت‌های «ناسالم» میان جریان اصلاح‌طلب نیز که نام‌نمزد آنها با اراده خامنه‌ای از صندوق رأی بیرون آمد شدت گرفته است. ● محمود صادقی از فعالان اصلاح‌طلب در شبکه «ایکس» نوشته خبرهایی که از لابی‌های سودجو و ذینفعان فعال در بعضی از کمیته‌های پیشنهاد وزرا می‌رسد بسیار نگران کننده است.

برخی رسانه‌های داخلی حدس و گمان‌هایی را درباره اعضای کابینه مسعود پزشکیان منتشر کرده‌اند که نشان از همان چهره‌های تکراری و کهنه برای کابینه جدید دارد. اختلاف میان اصلاح‌طلبان بر سر سهم‌خواهی از دولت چهاردهم بالا گرفته و هشدارهایی علنی به مسعود پزشکیان می‌دهند. در آنسو محمدجواد ظریف نیز که تا کنون همه‌کاره‌ی تشکیل دولت چهاردهم بوده به سرعت می‌تازد و بخشی از «خودی‌ها» هم با شعار «ظریف گورت رو گم کن» به مراسم نماز جمعه تهران گسیل شدند تا صحنه تکمیل شود.

در شرایطی که علی خامنه‌ای کوشیده بود همه توان خود را برای طراحی برگزاری بی‌حاشیه و تشکیل بدون تنش دولت چهاردهم به کار بگیرد اما بحران‌های درون ساختار قدرت بیش از پیش نمایان شده است.

جدا از رقابت سنگین و درگیری‌های جدی اصلاح‌طلبان و اصولگرایان در روزهای غمناک انتخابات، اکنون تنش‌ها و رقابت‌های «ناسالم» میان جریان اصلاح‌طلب که نام‌نمزد آنها با اراده خامنه‌ای از صندوق رأی بیرون آمد شدت گرفته است. در آنسو نیز اختلافات شدید میان جریان‌ات اصولگرا که در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی برجسته شده بود اکنون با شکست این جناح در انتخابات افزایش یافته است؛ در پی مقاومت سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف برای کناره‌گیری یکی به سود دیگری در انتخابات تیرماه این اختلافات بیشتر شد.

محمدجواد ظریف که این روزها نقش اول تحولات سیاسی درون حکومت را به دست گرفته، با عنوان نوظهور «رئیس شورای راهبری دوره انتقالی دولت چهاردهم» در حال مهره‌چینی برای کابینه مسعود پزشکیان است. او با راه‌اندازی کارگروه‌هایی برای پیشنهاد وزرا و برخی اعضای هیئت دولت، در عمل اختیار کار را از مسعود پزشکیان گرفته است.

مسعود پزشکیان هم که به قاعده می‌باست این روزها بی‌وقفه در حال طراحی برنامه‌های دولت و انتخاب هیئت دولت می‌بود، از این هیئت عزاداری به آن مراسم نوحه‌خوانی ماه محرم می‌رود و با خانواده به دیدار اعضای خانواده قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس و دیگران می‌رود.

فعالیت‌های مسعود پزشکیان به عنوان «رئیس‌جمهور منتخب» بجز حضور در مراسم محرم، به چند دیدار نه چندان پراهمیت خلاصه شده که البته بیشتر محمدجواد





مرکز اسلامی هامبورگ

## هجوم پلیس آلمان به «مرکز اسلامی هامبورگ» و ۵۳ نماینده آن به علت ترویج افراط‌گرایی، تروریسم و ایدئولوژی علی خامنه‌ای

در فرانکفورت، مونیخ و برلین نیز ممنوع اعلام شد. گفته می‌شود در نتیجه این اقدام آلمان چهار مسجد شیعیان بسته خواهد شد.

به گزارش رویترز در اطلاعیه وزارت کشور آلمان آمده، شواهد حاصل از تحقیقات قبلی از ۵۵ نمایندگی و دفتر وابسته به این مرکز که در ماه نوامبر ۲۰۲۳ (آبان ۱۴۰۲) انجام شد، مبنای ممنوعیت فعالیت این مرکز قرار گرفته است. این وزارتخانه تأکید کرد، «مرکز اسلامی هامبورگ به عنوان نماینده مستقیم رهبری جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند و به دنبال وقوع یک انقلاب اسلامی در آلمان است.» نانسو فزر وزیر کشور آلمان می‌گوید: «امروز ما اسلام‌گرایان هامبورگ را که یک ایدئولوژی افراطی و توتالیتر را در آلمان ترویج می‌کنند، ممنوع کردیم. این ایدئولوژی با کرامت انسانی، حقوق زنان، قوه قضائیه مستقل و حکومت دموکراتیک ما مخالف است.»

وزیر کشور آلمان در عین حال گفت که می‌خواهد روشن کند که «این ممنوعیت مطلقاً در مورد اعمال مسالمت‌آمیز مذهب شیعه اعمال نمی‌شود.»

پلیس آلمان ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان) برخی دفاتر مرتبط با مرکز اسلامی هامبورگ، وابسته به جمهوری اسلامی را به ظن ارتباط با «گروه تروریستی حزب‌الله لبنان» و اقدام علیه قانون اساسی این کشور بازرسی کرده بود. نهادهای امنیتی آلمان گردانندگان این مسجد را متهم کردند که یهودستیزی را ترویج می‌کنند.

حجت‌الاسلام سلیمان موسوی‌فر معاون مرکز اسلامی هامبورگ خرداد سال ۱۴۰۱ به اتهام حمایت از سازمان‌های تروریستی و نفرت‌پراکنی و همچنین انتشار ویدئوهای تبلیغاتی در فیسبوک با محتوای ممنوعه از آلمان اخراج شد. مرکز اسلامی هامبورگ از مدت‌ها پیش تحت نظر امنیتی قرار داشت و در کنار احزاب آلمان که خواستار شفافیت در فعالیت این مرکز ایدئولوژیک و همچنین دریافت کمک‌های مالی از دولت آلمان بودند، ایرانیان مخالف رژیم نیز بارها در برابر این مسجد و همچنین دیگر مراکز اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی در آلمان دست به تجمع و اعتراض زده و خواستار ممنوعیت فعالیت آنها به عنوان مکان ترویج اسلام‌گرایی و صدور انقلاب اسلامی به این کشور شده بودند. این مرکز پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۵۷ توسط افرادی چون سید محمد حسینی بهشتی، محمد مجتهد شبستری، سید محمد خاتمی مدیریت می‌شد.

● وزارت کشور آلمان فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ (IZH) و سازمان‌های تابعه آن را به اتهام ترویج ایدئولوژی‌های اسلامی و افراطی از جمله حرف‌های علی خامنه‌ای و همچنین به علت حمایت از گروه شبه‌نظامی حزب‌الله لبنان تا اطلاع بعدی ممنوع کرد.

● علاوه بر مرکز اسلامی هامبورگ که شامل یکی از قدیمی‌ترین مساجد آلمان است که به خاطر نمای بیرونی به «مسجد آبی» معروف است، فعالیت چند نمایندگی آن در فرانکفورت، مونیخ و برلین نیز ممنوع اعلام شد. گفته می‌شود در نتیجه این اقدام آلمان چهار مسجد شیعیان بسته خواهد شد.

● به گزارش رویترز در اطلاعیه وزارت کشور آلمان آمده، شواهد حاصل از تحقیقات قبلی از ۵۵ نمایندگی و دفتر وابسته به این مرکز که در ماه نوامبر ۲۰۲۳ (آبان ۱۴۰۲) انجام شد، مبنای ممنوعیت فعالیت این مرکز قرار گرفته است. این وزارتخانه تأکید کرد، «مرکز اسلامی هامبورگ به عنوان نماینده مستقیم رهبری جمهوری اسلامی ایران عمل می‌کند و به دنبال وقوع یک انقلاب اسلامی در آلمان است.»

● ایرانیان مخالف رژیم نیز بارها در برابر این مسجد و همچنین دیگر مراکز اسلامی وابسته به جمهوری اسلامی در آلمان دست به تجمع و اعتراض زده و خواستار ممنوعیت فعالیت آنها به عنوان مکان ترویج اسلام‌گرایی و صدور انقلاب اسلامی به این کشور شده بودند.

● این مرکز پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران در سال ۵۷ توسط افرادی چون سید محمد حسینی بهشتی، محمد مجتهد شبستری، سید محمد خاتمی مدیریت می‌شد.

وزارت کشور آلمان فعالیت مرکز اسلامی هامبورگ (IZH) و سازمان‌های تابعه آن را به اتهام ترویج ایدئولوژی‌های اسلامی و افراطی از جمله حرف‌های علی خامنه‌ای و همچنین به علت حمایت از گروه شبه‌نظامی حزب‌الله لبنان تا اطلاع بعدی ممنوع کرد.

بر اساس گزارش منابع بین‌المللی با استناد به حکم دادگاه که برای بازرسی از این مرکز و زیرمجموعه‌های آن صادر شده، پلیس و نیروهای امنیتی صبح چهارشنبه ۲۴ ژوئیه (سوم مرداد) به ۵۳ دفتر و نمایندگی این مرکز در هشت ایالت آلمان هجوم بردند.

علاوه بر مرکز اسلامی هامبورگ که شامل یکی از قدیمی‌ترین مساجد آلمان است که به خاطر نمای بیرونی به «مسجد آبی» معروف است، فعالیت چند نمایندگی آن

گفتند تجربه نداشتند و از شهرستان آمدند برای همین جدی گرفته نشد. اما زمانی که آقای پزشکیان در انتخابات برنده شدند، من شنیدم که باعث رنجش افرادی که در پیروزی‌شان نقش داشتند شد و فاصله گرفتند.» رجایی افزوده «رویکرد ایشان باید جذب آرایایی باشد که به ایشان رأی ندادند چه برسد که حلقه‌های اولیه بخواهند فاصله بگیرد. من مسئله سهم‌خواهی را چالش جدی می‌دانم و ایشان باید در این قضیه دخالت کند. بحث سهم‌خواهی می‌تواند برای ایشان یک پاشنه آشیل باشد که نتیجه خوبی هم نخواهد داشت. افرادی که چند دور وزیر شدند به دلیل تجربه و سابقه اگر بخواهند در کابینه باشند، موج برگشت منفی علیه ایشان ایجاد خواهد شد.»

بهباد نبوی از افراد جریان اصلاح‌طلب نیز در مطلبی نوشته «به نظر می‌رسد شعار «برای ایران» قبل از انتخابات، به شعار «برای وزارت» تبدیل شده. از همه اعضای کمیته‌ها عاجزانه استدعا دارم، به خاطر ایران و به خاطر دکتر پزشکیان بینوا، دست از سهم‌خواهی از این گوشت قربانی بردارند.» در آنسو اصولگرایان نیز به «سیرک انتخاب کابینه» با بازیگردانی محمدجواد ظریف انتقاد دارند. بسیاری معتقدند در عمل محمدجواد ظریف رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی است و مسعود پزشکیان نقش «رئیس جمهور پوششی» را به عهده دارد.

روزنامه «کیهان» چاپ تهران نوشته «شورایی تشکیل شده که هیچگاه مرسوم نبوده و این شورا که عملاً همه‌کاره آن آقای ظریف است، در حال چیدن کابینه است!»

برخی نیز به پشت پرده انتخاب مسعود پزشکیان که یک چهره قومگرا است به عنوان رئیس دولت چهاردهم اشاره دارند؛ انتخابی که با اراده علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی صورت گرفته است!

محمدجواد ظریف هفته گذشته در سخنانی در صداوسیما حکومت در توضیح چگونگی انتخاب کابینه دولت پزشکیان گفته بود که «در گزینش اعضای کابینه اقلیت دینی و قومی بودن یک امتیاز نسبت به فردی که شیعه یا غیر از اقلیت‌های قومی است، محسوب می‌شود.» این اظهارات حتی با واکنش‌هایی از سوی رسانه‌ها و شخصیت‌های درون حکومت روبرو شد؛ آنها چنین اظهاراتی که با تقسیم‌بندی شهروندان به «قوم» و «دین» شان صورت می‌گیرد را مورد نقد قرار دادند. وبسایت «تابناک» سخنان اخیر ظریف را «بازی با امنیت ملی» خواند.

اکنون در حالی که حدود ۱۰ روز به برگزاری مراسم تحلیف مسعود پزشکیان باقی مانده، برخی رسانه‌ها حدس و گمان درباره اعضای احتمالی کابینه را آغاز کرده‌اند.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره امروز شنبه ۳۰ تیرماه به نقل از یک منبع آگاه از احتمال انتخاب عبدالناصر همتی به عنوان وزیر اقتصاد، حسین انتظامی به عنوان وزیر ارشاد اسلامی، پورمحمدی یا مجید انصاری به عنوان وزیر کشور و واعظ مهدوی به عنوان وزارت بهداشت خبر داده است. همچنین دو نام خداداد غریب‌پور و ولی‌الله افخمی‌راد به عنوان گزینه‌های وزارت صمت بطور جدی مطرح است. در این میان از علی طیب‌نیا و محمدرضا عارف به عنوان گزینه‌های اصلی معاون اول نام برده می‌شود.

از سوی دیگر بنا به گفته این منبع آگاه «دنیای اقتصاد»، حضور محمد شریعتمداری و محمدرضا عارف در دولت چهاردهم قطعی شده است.

این اسامی در حالی مطرح شده که پیشتر اطرافیان پزشکیان مدعی شده بودند او قرار است دولت جوانی تشکیل دهد و از افرادی با سن بالا که سال‌هاست در بدنه قدرت سیاسی جمهوری اسلامی قرار دارند کمتر استفاده شود!

## روند رو به رشد زن کش در سه ماهه نخست ۱۴۰۳

بازتاب یافت که توسط پدرش به خاطر رفتار و آرایش زنانه که «آبروی خانواده» را برده بود کشته شد.

برخی از موارد زن‌کشی نیز در آمارها و مراکز مانند پزشکی قانونی به عنوان «خودکشی» ثبت می‌شود. فاطیما باباخانی تیرماه گذشته در اینبار به روزنامه «شرق» گفته بود که «در غیاب قوانین و سازوکارهای قانونی کافی، اغلب شاهد این هستیم که اشکال مختلف زن‌کشی، به خودکشی تعبیر می‌شود. انواع مختلف وادارشدن به خودکشی و خودسوزی و وادارشدن به حلق‌آویز کردن خود و خوردن سم، به عنوان خودکشی مطرح می‌شود. در برخی موارد هم با کشتن زنان بر اساس موضوعات مبتنی بر ناموس و وانمود و تعبیرکردن این قتل‌ها به خودکشی روبرو هستیم.»

در همین ارتباط، خبرگزاری دولتی ایرنا در بهمن ۱۴۰۰ به نقل از معصومه تمیمی نویسنده و مترجم زبان عربی نوشته بود: «سال‌هاست که به صورت آشکار خبری از قتل‌های ناموسی نمی‌شنویم ولی این قتل‌ها به صورت خاموش اکثراً در روستاها هنوز ادامه دارد و بیشتر مواقع این قتل‌ها را به عنوان دختر خودکشی جا می‌زنند. مثلاً می‌گویند دختر سم خورده. پارسال در عبدالخان گفتند دختری خودسوزی کرده اما بعد شنیدیم که خودشان او را کشته‌اند. یکی دیگر دختری از بستگان دوستم بود که برادرش او را مجبور کرد اسید بخورد. شنیده‌ها از این قتل‌های ناموسی خیلی زیاد است و شاید ماهی یکبار موردی را از دوستان و آشنایان می‌شنویم.»

اینهمه درحالیست که قوانین کیفری جمهوری اسلامی برای این قاتلان حاشیه امن به وجود می‌آورد و در عمل تا تیره‌ای آنان نیز پیش می‌رود. «ولی دم» دختری که قربانی «قتل ناموسی» می‌شود باید از مرد یا مردان قاتل شکایت کند. عموماً این شکایت‌ها به دلیل وابستگی‌های قومی و خویشاوندی به «رضایت» تبدیل شده و در نتیجه قاتل در نهایت به چند ماه حبس محکوم می‌شود و بعد به زندگی عادی خود باز می‌گردد. با این توهم بیمار که با دفاع از «ناموس» خود، «لکه ننگ» را از خانواده «پاک» کرده است!

با این حال انسیه خزعلی معاون رئیس جمهوری سابق اسلامی، ابراهیم رئیسی، در خرداد ماه ادعا کرده بود آمار خشونت خانگی علیه زنان و دختران ایرانی نگران‌کننده نیست در حالیکه از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۱۵ اردیبهشت ۱۷۵ زن در ایران توسط مردان خانواده خود کشته شدند. در همین بازه زمانی دست‌کم ۲ مرد مورد خشونت خانگی قرار گرفتند که یکی از آنها توسط همسرش به قتل رسیده است. بیشتر در این ارتباط یک فعال حقوق زنان به کیهان لندن گفته بود: «نکته‌ای که شاید در مورد قتل‌های ناموسی کمتر مورد توجه قرار گرفته این است که همه این قاتلان موسوم به قتل‌های ناموسی در مدارس جمهوری اسلامی درس خوانده و آموزش دیده‌اند.»

یک حقوقدان بزرگترین مسئله سکوت زنان در خشونت خانگی را ناتوانی از اثبات خشونت دانسته و گفته است: «وقتی زنان نتوانند اثبات کنند، ممکن است با بحران‌های بیشتری مواجه شوند یا حتی خشونت از طرف مرد آزارگر چند برابر شود. این موضوع هم ناشی از نبود قانون حمایتی خاص درمورد خشونت خانگی است، درواقع مکانیزم‌های حمایتی ویژه از زنان در این موارد وجود ندارد.»



شهرهای مختلف ایران به ثبت رسانده است. از مجموع ۵۲ زنی که در این دوره زمانی به قتل رسیده‌اند ۱۱ مورد معادل ۲۱ درصد دختران زیر ۱۸ سال بوده‌اند از جمله سنین ۱۰، ۱۲ و ۱۳ سال!

این گزارش افزوده بود که دست‌کم ۲۰ مورد از این قتل‌ها «ناموسی» اعلام شده و در کل موارد شناسایی شده در استان‌های آذربایجان غربی (ارومیه) ۵ مورد، استان تهران ۴ مورد و استان البرز نیز ۳ مورد ثبت شده است.

در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ نیز بیشترین قتل‌ها در شهر «تهران» ۱۰ مورد زن‌کشی رخ داده که اکثر این قتل‌ها در بازه زمانی مشابه توسط «شوهران» قربانیان رخ داده است.

تا جایی که در سال ۱۴۰۱، ۱۶ زن، سال ۱۴۰۲، ۱۵ زن و در سال ۱۴۰۳، ۲۷ زن به دست همسران خود به قتل رسیده‌اند. از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا پایان دی ماه ۱۴۰۲ «دست‌کم ۱۰۰ زن و دختر» به بهانه‌های مختلف توسط مردان خانواده به قتل رسیده‌اند.

۱۴ تیر ماه ۱۴۰۲ روزنامه «شرق» در گزارشی نوشت: «از خرداد ۱۴۰۰ تا پایان خرداد ۱۴۰۲ حداقل ۱۶۵ زن و دختر در کشور به دست مردان خانواده به قتل رسیده‌اند.» همچنین باتوجه به بررسی‌های دیگر «اعتماد» استان‌های تهران (۲۵ مورد)، آذربایجان غربی (۱۳ مورد) و فارس (۹ مورد) بیشترین آمار این نوع قتل‌ها را شامل بوده و بقیه قتل‌ها با پراکندگی در استان‌های مختلف ایران رخ داده است. در این میان نیز بیشترین قتل‌ها در مهر ماه ۱۴۰۲ رخ داده که «۱۶ زن و دختر» توسط مردان خانواده به قتل رسیدند.

بر اساس آماري که اردیبهشت ۱۴۰۲ توسط روزنامه «اعتماد» منتشر شد، در سال ۱۴۰۱، ۷۷ زن در استان کردستان خودکشی کردند که ۲۱ نفر از آنها دختران زیر ۱۸ سال بودند. ۲۸ مورد از این خودکشی‌ها با روش حلق‌آویز کردن صورت گرفته است.

این همه در حالیست که در شرایط امروز ایران، «قتل‌های ناموسی» از زنان و مسائل جنسی و فرهنگی مربوط به آنها فراتر رفته و دامان پسرانی را که رفتاری خلاف سنت‌های رایج و یا تمایلات جنسی دیگری دارند می‌گیرد. در بهمن ماه گذشته خبر قتل پسری در رسانه‌های داخلی

● «اعتماد» در گزارشی که روز یکشنبه ۳۱ تیر منتشر کرد نوشت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی سه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ دست‌کم ۸۵ زن و دختر توسط شوهر، پدر، برادر و... که جزو مردان نزدیک به آنها بوده، کشته شده‌اند.»

● از ابتدای فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ دست‌کم ۲۳ زن و دختر توسط «همسر، پدر، برادر و خواستگار سابق خود» به قتل رسیدند.

● برخی از موارد زن‌کشی نیز در آمارها و مراکز مانند پزشکی قانونی به عنوان «خودکشی» ثبت می‌شود.

روزنامه «اعتماد» در گزارشی می‌نویسد: «در سه ماه ابتدایی سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ دست‌کم ۸۵ زن توسط مردان خانواده کشته شدند.»

● «اعتماد» در گزارشی که روز یکشنبه ۳۱ تیر منتشر کرد نوشت: «بررسی‌ها نشان می‌دهد که طی سه ماهه نخست سال‌های ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ دست‌کم ۸۵ زن و دختر توسط شوهر، پدر، برادر و... که جزو مردان نزدیک به آنها بوده، کشته شده‌اند.»

طبق این بررسی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۱ دست‌کم ۲۲ زن و دختر، در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۲۸ زن و دختر و در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۳ نیز دست‌کم ۳۵ زن و دختر در شهرهای مختلف ایران به قتل رسیده‌اند.

در این میان، طی سه ماهه نخست سال ۱۴۰۳ بیشترین تعداد قتل‌ها در شهرهای «ارومیه، تالش، تبریز، مشهد، ایران‌شهر و تهران» رخ داده که «تهران با ۵ مورد زن‌کشی» در صدر این آمار قرار دارد.

از ابتدای فروردین تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۴۰۳ دست‌کم ۲۳ زن و دختر توسط «همسر، پدر، برادر و خواستگار سابق خود» به قتل رسیدند.

روزنامه «اعتماد» روز شنبه ۲۲ اردیبهشت نیز از کشته شدن دست‌کم ۲۳ زن از ابتدای سال تا ۱۵ اردیبهشت توسط مردان خانواده خبر داده و نوشته بود: «بررسی‌ها از اخبار رسمی منتشرشده نشان می‌دهد از ابتدای فروردین تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ دست‌کم ۲۳ زن و دختر توسط همسر، پدر، برادر و خواستگار سابق خود به قتل رسیدند.»

این در حالیست که در همین بازه زمانی دست‌کم ۲ مرد مورد خشونت خانگی قرار گرفتند که یکی از آنها توسط همسرش به قتل رسید. این آمار مشخص می‌کند زنان و دختران نسبت به مردان بیشتر در معرض خشونت‌های خانگی قرار دارند.

روزنامه «اعتماد» در ۲۸ بهمن ماه نیز از قتل دست‌کم ۱۰۰ زن و دختر توسط مردان خانواده طی ۱۰ ماه در ایران خبر داده و نوشته بود: «از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا پایان دی ماه ۱۴۰۲ «دست‌کم ۱۰۰ زن و دختر» به بهانه‌های مختلف توسط مردان خانواده به قتل رسیده‌اند.»

بررسی‌های این روزنامه نشان داده بود که استان‌های تهران (۲۵ مورد)، آذربایجان غربی (۱۳ مورد) و فارس (۹ مورد) بیشترین آمار این نوع قتل‌های زنان را داشته‌اند. بیشترین قتل‌ها نیز در مهرماه ۱۴۰۲ رخ داده که «۱۶ زن و دختر» توسط مردان خانواده به قتل رسیدند.

در همین ارتباط سازمان حقوق بشری «هنگاو» مهرماه گذشته در گزارشی آماری، اعلام کرده بود که در شش ماه نخست سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۵۲ مورد «زن‌کشی» را در



## موج تازه و بی‌پایان خودکشی زندانیان سیاسی

سیاسی محبوس در زندان «کچویی» کرج در اعتراض به شکنجه و افزایش فشارهای مأموران و رئیس زندان، اقدام به خودکشی کرد.

همچنین امیرحسین تروال ایمان، یکی از زندانیان اعتراضات سراسری تنها چند روز پس از آزادی از زندان در خواب دچار ایست قلبی شد و جان باخت.

آروین نیک‌پی جوان ۲۰ ساله اهل مریوان که در جریان اعتراضات سراسری بازداشت شده بود، ۱۶ اردیبهشت ماه همان سال در بازداشتگاه اداره اطلاعات این شهرستان دست به خودکشی زد.

بنیامین کوهکن که از سوی نیروهای نظامی در زاهدان بازداشت شده بود، در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ به دلیل شکنجه و «تعرض جنسی» توسط مسئولین زندان زاهدان اقدام به خودکشی کرد اما دادستان زاهدان این خبر را نیز مانند سابق تکذیب و ادعا کرد: «بنیامین کوهکن ۱۷ ساله به اتهام قتل عمد و سرقت مسلحانه اکنون در زندان است و در بازداشت موقت بسر می‌برد.

سامان یاسین هنرمند کرمانشاهی ساکن تهران محکوم به اعدام نیز ۲۹ آذرماه ۱۴۰۱ در زندان «رجایی‌شهر» کرج با خوردن قرص اقدام به خودکشی کرد. او را به بهداری زندان منتقل کرده و پس از شستشوی معده به بند سیاسی در «اندرزگاه ۴» این زندان منتقل کردند.

عرشیا امامقلی‌زاده علمداری نوجوان ۱۶ ساله‌ای که به «جرم» عمده‌پرانی در جلفا بازداشت شده و ده روز زندانی بود، در آذرماه ۱۴۰۱ تنها ۲ روز بعد از آزادی با قید وثیقه خودکشی کرد و جان باخت. بلافاصله بعد از این اتفاق خانواده تحت فشار قرار گرفتند که به هیچ وجه این موضوع در رسانه‌ها بازنتاب نداشته باشد و پیکر این نوجوان با حضور جمع محدودی از اعضای خانواده به خاک سپرده شد.

سعدا خدیرزاده زندانی سیاسی گُرد نیز در ۲۷ مرداد ۱۴۰۱ اقدام به حلق‌آویز کردن خود در زندان کرد و به نوزاد ۲ ماهه‌اش نیز «قرص خوراند.»

در دی ماه ۱۴۰۱ محسن جعفری راد منتقد سینما و کارگردان چند روز پس از آزادی از زندان به علت آنچه «خودکشی» اعلام شده جان باخت. او در جریان اعتراضات بازداشت و چند هفته در بند امنیتی و انفرادی محبوس بود. تعدادی از بازداشت‌شدگان هم در زندان‌ها جان خود را از دست دادند که بر اساس ادعای مقامات قضایی و سازمان زندان‌ها این افراد نیز «خودکشی» کرده‌اند. از جمله در خرداد ۱۴۰۰ اداره کل زندان‌های استان تهران در اطلاعیه‌ای جان باختن ساسان نیک‌نفس فعال مدنی و زندانی سیاسی مشروطه‌خواه و طرفدار پادشاهی را با تأیید «ابتلا به دیابت، صرع و بیماری اعصاب و روان» اعلام کرده بود که وی به علت گرفتگی و خوردن «چند عدد قرص» از زندانیان جان باخته است!

همچنین کاووس سیدامامی استاد جامعه‌شناسی دانشگاه «امام صادق» و فعال محیط زیست نیز که اوایل بهمن‌ماه ۱۳۹۶ به همراه شش فعال محیط زیست که همگی از اعضای هیئت امنای «موسسه حیات وحش پارسیان» بودند توسط سازمان اطلاعات سپاه (ساس) بازداشت شده و زیر بازجویی قرار گرفتند، ظاهراً در سلول خود را حلق‌آویز کرد و جان باخت؛ در حالی که گفته می‌شود خودکشی وی صحنه‌سازی بوده و به دست نیروهای امنیتی به قتل رسیده است.



سابق که مدتی را در سالن یک زندان فشافویه با اشکان بلوچ هم‌بند بود از خودکشی این زندانی سیاسی خبر داد. عیدی، دانشجویی که در جریان اعتراضات سراسری بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شده بود گفته بود که اشکان بلوچ یکبار در زندان اقدام به خودکشی کرده بود و جان سالم به در برده بود. او گفته بود اشکان پس از انتقال به بیمارستان هم بار دیگر اقدام به خودکشی کرد.

یک زندانی سیاسی اهل کرمانشاه به نام سیاوش بهرامی ۲۵ ساله روز شنبه ۷ خرداد ۱۴۰۱ سه روز پس از آزادی از زندان پاوه از طریق خوردن قرص به زندگی خود پایان داد. در طول بیش از چهار دهه اخیر، شمار قابل توجهی از زندانیان سیاسی زیر فشارها و شکنجه‌های مداوم امنیتی دست به خودکشی زده‌اند و یا اندکی پس از آزادی خودکشی کرده‌اند و یا با مرگ مشکوک از دنیا رفته‌اند.

در جریان خیزش سراسری و ملی ۴۰۱ تعدادی از معترضان و بازداشت‌شدگان انقلاب ملی ایران به فاصله کوتاهی بعد از آزادی موقت و یا در زندان دست به خودکشی زدند و یا در مرگ‌های مشکوک چشم از جهان فرو بستند. با این همه مقام‌های دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ادعا کرده‌اند که خودشان به روش‌های مختلف خودکشی کرده‌اند از جمله با خوردن قرص و یا اینکه خودشان به پایین پرت شده‌اند و یا به قصد خودکشی خود را به پایین پرتاب کرده‌اند.

زهره سرو زندانی سیاسی در ۲ آذرماه ۱۴۰۲ در اعتراض به عدم رسیدگی حقوقی و پزشکی در بند زنان زندان اوین تحت فشار سازمان اطلاعات سپاه برای همکاری، روز ۲۲ آذر اقدام به خودکشی کرد که به بیمارستان منتقل و سپس دوباره به زندان برگردانده شد.

۳ ماه پیش از آن نیز اسلم صدیقی یک زندانی سیاسی بلوچ ۲۳ ساله در اعتراض به فشار مأموران امنیتی در زندان اقدام به خودکشی کرد. این زندانی سیاسی در ۲۰ آذر ۱۴۰۱ به اتهام تبلیغ علیه نظام و همکاری با رسانه‌های خارجی توسط نیروهای امنیتی در ایران‌شهر بازداشت شده بود.

روز ۲۰ مردادماه ۱۴۰۲ نیز حمزه درویش، زندانی عقیدتی سیاسی پس از صدور حکم ۱۴ سال زندان برای پرونده جدید در زندان، با خوردن ۱۴ قرص اقدام به خودکشی کرد. در اردیبهشت ماه همان سال معصومه صنوبری زندانی

● شامگاه روز جمعه ۲۹ تیر ۱۴۰۳، عیسی ابراهیم‌زاده زندانی سیاسی محکوم به حبس در زندان نقده و از بازداشت‌شدگان خیزش ملی ۴۰۱، آنطور که اعلام شده، به دلیل عدم تمهید مرخصی از سوی زندان، در زمان مرخصی با خوردن سم، اقدام به خودکشی کرد.

● فردین روحی دهکردی معترض جوانی نیز که در جریان اعتراضات ملی ۴۰۱ بازداشت شده و مدتی در زندان شهرکرد محبوس بود، روز چهارشنبه ۲۷ تیر ماه دست به خودکشی زد و جان باخت.

● در طول بیش از چهار دهه اخیر، شمار قابل توجهی از زندانیان سیاسی زیر فشارها و شکنجه‌های مداوم امنیتی دست به خودکشی زده‌اند و یا اندکی پس از آزادی خودکشی کرده‌اند و یا با مرگ مشکوک از دنیا رفته‌اند.

شامگاه روز جمعه ۲۹ تیر ۱۴۰۳، عیسی ابراهیم‌زاده زندانی سیاسی محکوم به حبس در زندان نقده و از بازداشت‌شدگان خیزش ملی ۴۰۱، آنطور که اعلام شده، به دلیل عدم تمهید مرخصی از سوی زندان، در زمان مرخصی با خوردن سم، اقدام به خودکشی کرد.

به گفته یک منبع مطلع به «گردپا»، عیسی ابراهیم‌زاده کشاورز سرپرست خانواده و اهل روستای «ده شمس» از توابع اشنویه است. با توجه به فصل برداشت محصولات، نهادهای امنیتی و مسئولین زندان به درخواست تمهید مرخصی او توجه نکردند، به همین دلیل با خوردن سم اقدام به خودکشی کرد.

فردین روحی دهکردی معترض جوانی نیز که در جریان اعتراضات ملی ۴۰۱ بازداشت شده و مدتی در زندان شهرکرد محبوس بود، روز چهارشنبه ۲۷ تیر ماه دست به خودکشی زد و جان باخت.

به گزارش سازمان حقوق بشری هه‌نگاو، روز شنبه ۱۹ خرداد، فرهاد بیگی گروسی، شهروند ۲۱ ساله کرد و از پیروان اقلیت دینی یارسان که در جریان خیزش ملی بیش از یک سال بازداشت شده بود، در منزل خانوادگی خود واقع در شهر صحنه خود را حلق‌آویز کرد و به زندگی خود پایان داد.

روز پنجشنبه ۹ فروردین ۱۴۰۳ شبکه «ایران اینترنشنال» مستقر در لندن نوشت: «پیکر سارا تبریزی زندانی سیاسی سابق روز پنجم فروردین در منزل پدری‌اش در تهران پیدا شد. این زن ۲۰ ساله در هفته‌های پایانی زندگی از سوی مأموران امنیتی زیر فشار روانی سنگین قرار گرفته بود. او چهارم فروردین به وزارت اطلاعات احضار شده بود.»

روز دوشنبه ۷ اسفند ۱۴۰۲، شبکه حقوق بشر کردستان اعلام کرد که شاهین گله‌داری زندانی سیاسی گُرد که در زندان مرکزی ارومیه در حال گذراندن محکومیت خود بود، در اعتراض به «فشار و شکنجه» از سوی بازجویان وزارت اطلاعات، اقدام به خودکشی کرد و جان باخت.

علیرضا خاری جوان معترض اهل بندرگز نیز در آخرین روزهای اسفندماه ۱۴۰۲ پس از آزادی از زندان به زندگی خود پایان داد.

روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۴۰۲ خبرگزاری هرانا اعلام کرد مسیب یگانه زندانی سیاسی، با بلعیدن یک قرص اقدام به خودکشی کرد و پس از انتقال به بیمارستان لقمان با وجود ناتمام ماندن مراحل درمان به زندان اوین بازگردانده شد. روز یکشنبه ۳ دی‌ماه ۱۴۰۲ میلاد عیدی زندانی سیاسی

## یک کشته و چند زخمی در حمله حوثی‌ها به تل‌آویو با «پهپاد ساخت جمهوری اسلامی»



نیروهای امدادی در حال کمک رسانی به آسیب‌دیدگان انفجار در تل‌آویو / ۱۹ ژوئیه ۱۴۰۳

## اورشلیم‌پست: حمله هوایی به الحدیده نشان داد دست اسرائیل به تهران می‌رسد

● روزنامه «اورشلیم‌پست» در گزارشی که ۲۱ ژوئیه ۳۱ (تیرماه) منتشر شد می‌نویسد، نیروی هوایی اسرائیل پهپاد حمله به تل‌آویو را که گفته شد از نوع «صماد۳-» است در آخرین مرحله ورود به دریای مدیترانه شناسایی کرد اما آن را به عنوان تهدیدی علیه خاک اسرائیل طبقه‌بندی نکرد. ممکن است سیستم کنترل تصور کرده باشد که این یک هوایمی غیرنظامی یا یک پهپاد مصری یا آمریکایی است و بنابراین برای سرنگونی آن عجله نکرده است.

● ارتش اسرائیل در مورد تعداد هوایمی‌هایی که در عملیات حمله به زیرساخت حوثی‌ها در یمن شرکت داشتند سکوت کرده با این حال، این واقعیت که جت‌های جنگنده به بُرد ۱۷۰۰ کیلومتری رسیدند برای نشان دادن قدرت هوایی این کشور کافی است.

● جنگنده‌هایی که در چنین مسافتی پرواز می‌کنند ملزم به عملیات سوختگیری، کنترل، اطلاعات و آمادگی بالای یگان ۶۶۹ هستند. همچنین در صورت نیاز به نجات از خاک دشمن، حفاظت از آنها توسط نیروی دریایی تأمین می‌شود. قابلیت هماهنگی تمامی یگان‌های نیروها در این عملیات امتیاز بالایی داشت.

پس از آغاز جنگ میان اسرائیل و تروریست‌های حماس بعد از حمله «هفت اکتبر»، حوثی‌های یمن صدها فروند پهپاد و موشک از انواع مختلف به سمت اسرائیل پرتاب کردند، اما اصابت پهپاد به یک ساختمان در تل‌آویو که طی آن یک شهروند اسرائیلی کشته و شماری زخمی شدند موضوعی «غیرعادی» و گستاخانه بود.

روزنامه «اورشلیم‌پست» در گزارشی که ۲۱ ژوئیه ۳۱ (تیرماه) منتشر شد در اینباره می‌نویسد، نیروی هوایی اسرائیل، پهپاد حمله به تل‌آویو را که گفته شد از نوع «صماد۳-» است در آخرین مرحله ورود به دریای مدیترانه شناسایی کرد اما آن را به عنوان تهدیدی علیه خاک اسرائیل طبقه‌بندی نکرد. ممکن است سیستم کنترل تصور کرده باشد که این یک هوایمی غیرنظامی یا یک پهپاد مصری یا آمریکایی است و بنابراین برای سرنگونی آن عجله نکرده است.

حوثی‌ها در این پرواز و حمله که ساعت‌ها به طول انجامید، نه تنها توانایی، بلکه خلاقیت خود را نیز به اثبات رساندند. در این مرحله، نهادهای امنیتی احتمالاً احساس کردند که حوثی‌ها با تشویق جمهوری اسلامی اقدام کرده‌اند.

پایگاه خبری «والا» می‌نویسد بنیامین نتانیاهو پس از این حمله پهپادی گزینه‌هایی را برای واکنش مناسب درخواست و در اینباره با رؤسای نهادهای امنیتی نیز گفتگو کرد. وقتی توصیه‌ها برای سنجیده‌ترین گزینه دریافت شد، وی دستور یک «پاسخ تهاجمی» را صادر کرد. با اینهمه به دلیل ریسک این اقدام تصمیم گرفت نشست کابینه امنیتی را برگزار کرده و آنجا این حمله گسترده را به تصویب برساند.

عملیات با پهپاد جدید به نام یافا انجام شد که قادر است از سامانه‌های رهگیری دشمن عبور کند بطوری که رادارها قادر به شناسایی آن نیستند و این عملیات با موفقیت به اهداف خود دست یافته است.»

دانیل هاگاری سخنگوی نیروهای دفاعی اسرائیل گفته پهپادی که حوثی‌های یمن در حمله اخیر به تل‌آویو استفاده کردند پهپاد ایرانی «صماد۳-» بود که برای پرواز از یمن به اسرائیل ارتقا یافته بود. این مقام نظامی اسرائیل توضیح داد ارتش در حال بررسی این موضوع است. وی این حملات را واکنش به حذف موفق محمد ضیف مرد شماره دو حماس دانست. سازمان «مگان دیوید آدوم» (اورژانس اسرائیل) اعلام کرد که یک نفر در این حادثه کشته و هشت نفر دیگر نیز زخمی شدند که به بیمارستان انتقال یافتند. تعدادی دیگر از افراد، در اثر این حادثه دچار شوک شدند که در محل مورد درمان و مراقبت قرار گرفتند.

اصابت پهپاد حوثی‌ها به تل‌آویو نشان می‌دهد آنها در زمینه تسلیحاتی به فناوری‌های پیشرفته‌تری دست پیدا کرده‌اند. همزمان تعداد کشتی‌هایی که آنها در دریای سرخ هدف قرار می‌دهند بیشتر و موارد اصابت دقیق انواع پهپاد، موشک یا شهباد به شناورها افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است.

شبه‌نظامیان حوثی دوشنبه شب ۱۵ ژوئیه (۲۵ تیرماه) در یک فاصله زمانی کوتاه نفتکش «کایوس لاین»، کشتی باری «بنتلی» و کشتی «کایوس لاین» را هدف قرار دادند. سنتکام در بیانیه‌ای اعلام کرد «این رفتار شروانه و غیرمسئولانه حوثی‌های مورد حمایت رژیم ایران، ثبات منطقه را تهدید کرده و جان دریانوردان را در سراسر دریای سرخ و خلیج عدن به خطر می‌اندازد.»

در همین بیانیه آمده بود، «از سال ۲۰۱۵ تا امروز، نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، تسلیحات و قطعات آنها را به صورت قاچاق برای حوثی‌ها ارسال می‌کند، این امر امکان پیشرفت قابلیت‌های نظامی حوثی‌ها را فراهم کرده است.»

شورای امنیت سازمان ملل و همچنین دولت‌های غربی در هفته‌های اخیر در چند بیانیه بارها از جمهوری اسلامی خواسته‌اند دست از حمایت تسلیحاتی و مالی حوثی‌ها بردارند.

● وقوع یک انفجار شدید بامداد جمعه ۱۹ ژوئیه ۲۹ (تیر) در شهر تل‌آویو دست‌کم یک کشته و چندین مجروح برجای گذاشت. این نخستین بار است که پهپاد حوثی‌ها از یمن به تل‌آویو رسیده و پس از اصابت به زمین خسارات جانی و مالی وارد کرده است.

● بر اساس گزارش‌های اولیه یک پهپاد انتحاری به ساختمانی مسکونی حوالی کنسولگری آمریکا اصابت کرد. چند ساختمان مجاور محل اصابت پهپاد نیز آسیب دیدند. منابع خبری گزارش دادند پهپاد شناسایی شد اما به دلیل «خطای انسانی» منهدم نشده بود.

● در بیانیه‌ای که حوثی‌ها منتشر کردند آمده «این عملیات با پهپاد جدید به نام یافا انجام شد که قادر است از سامانه‌های رهگیری دشمن عبور کند بطوری که رادارها قادر به شناسایی آن نیستند و این عملیات با موفقیت به اهداف خود دست یافت.»

وقوع یک انفجار شدید بامداد جمعه ۱۹ ژوئیه ۲۹ (تیر) در شهر تل‌آویو دست‌کم یک کشته و چندین مجروح برجای گذاشت. نخستین بار است که پهپاد حوثی‌ها از یمن به تل‌آویو رسیده و پس از اصابت به زمین خسارات جانی و مالی وارد کرده است.

بر اساس گزارش‌های اولیه یک پهپاد انتحاری به ساختمانی مسکونی حوالی کنسولگری آمریکا اصابت کرد. چند ساختمان مجاور محل اصابت پهپاد نیز آسیب دیدند. منابع خبری گزارش دادند پهپاد شناسایی شد اما به دلیل «خطای انسانی» منهدم نشده بود.

بلافاصله پس از وقوع این انفجار حوثی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی مسئولیت این حمله را به عهده گرفتند. پایگاه خبری «العربیه» به نقل از «منابع آگاه» گزارش داد نیروهای آمریکایی یک موشک بالستیک و سه پهپاد حوثی‌ها را سرنگون کردند اما پهپاد چهارم به تل‌آویو رسید. عبور پهپاد انتحاری حوثی‌ها از سامانه‌های پدافندی اسرائیل موسوم به «گنبد آهنین» کم‌سابقه است.

یحیی سریع سخنگوی نظامی شبه‌نظامیان حوثی رسماً اعلام کرد در یک «عملیات منحصراً به فرد» با پهپاد «یافا» تل‌آویو را هدف قرار داده‌اند. در بیانیه‌ای که حوثی‌ها منتشر کرده‌اند آمده «این



## حمله تلافی جویانه اسرائیل به پالایشگاه نفت حوثی‌ها؛ وزیر خارجه اسرائیل: «سر مار» در تهران است



انفجارهای مهیب در پالایشگاه بندر حدیده یمن

وزیر خارجه اسرائیل نیز گفت: «[رژیم] ایران سر مار است که باید همین الان متوقف شود». اسرائیل کاتز با انتشار پستی در «ایکس» نوشت: «اسرائیل امروز ضربه سختی به سازمان تروریستی مورد حمایت [حکومت] ایران در یمن وارد کرد.» وی هشدار داد: «به هر کسی که به ما حمله کند، حمله می‌کنیم» و حوثی‌ها «بخشی از شبکه منطقه‌ای [متشکل از] سازمان‌های تروریستی برای حمله به اسرائیل» هستند و جمهوری اسلامی از آنها حمایت نظامی و مالی می‌کند. وزیر خارجه اسرائیل افزود، زمان آن فرا رسیده که جامعه بین‌المللی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را به حداکثر برساند. کاتز تأکید کرد، حوثی‌ها تحت هدایت جمهوری اسلامی آسیب زیادی به آزادی کشتیرانی و راه‌های تجاری زده‌اند و باید جلوی حکومت ایران به عنوان «سر مار» گرفته شود.

### چشم در برابر چشم

فرماندهان انصارالله به اسرائیل هشدار دادند «منتظر پاسخ دردناک» باشید. آنها در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما با معادله چشم در برابر چشم، مقابل دشمن ایستاده‌ایم که معادله ثابت در قواعد درگیری بوده و طبق آن درگیری‌ها گسترش خواهد یافت و عواقب آن برای دشمنان بسیار وخیم خواهد بود.»

ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی حمله هوایی اسرائیل به حوثی‌ها را به شدت محکوم کرد و گفت: «رژیم صهیونیستی و حامیان این رژیم از جمله دولت آمریکا مسئول مستقیم پیامدهای خطرناک و غیرقابل پیش‌بینی تداوم جنایات در غزه و نیز حملات ماجراجویانه به یمن هستند.»

آنتونیو گوتش دیرکل سازمان ملل متحد که بعد از کشته شدن شهروندان اسرائیلی در حمله پهبادی حوثی‌ها سکوت کرده بود بعد از حمله تلافی جویانه اسرائیل به بندر حدیده با صدور بیانیه‌ای نسبت به این حمله «ابراز نگرانی شدید» کرد! پس از حملات هوایی اسرائیل به بندر حدیده، سیستم پدافند اسرائیل چندین موشک بالیستیک را که به سمت بندر ایلات پرتاب شده بود شناسایی و رهگیری کرد. برخی تحلیلگران پیش‌بینی کردند این درگیری‌ها مرحله جدیدی از تشدید تنش‌ها در منطقه است.

● در اثر انفجارهای شدید در تأسیسات پالایشگاه نفت بندر حدیده دست‌کم ۱۷ نفر کشته و بیش از ۷۰ نفر مجروح شدند. این حمله به تلافی کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان اسرائیل در حمله پهبادی حوثی‌ها به تل‌آویو اتفاق افتاد.

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پس از این حمله گفت، بندر حدیده برای وارد کردن تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

● بیسرایل کاتز وزیر خارجه اسرائیل می‌گوید، زمان آن فرا رسیده که جامعه بین‌المللی تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را به حداکثر برساند. کاتز تأکید کرد، حوثی‌ها تحت هدایت جمهوری اسلامی آسیب زیادی به آزادی کشتیرانی و راه‌های تجاری زده‌اند و باید جلوی حکومت ایران به عنوان «سر مار» گرفته شود.

● فرماندهان انصارالله به اسرائیل هشدار دادند «منتظر پاسخ دردناک» باشید. آنها در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما با معادله چشم در برابر چشم، مقابل دشمن ایستاده‌ایم که معادله ثابت در قواعد درگیری بوده و طبق آن درگیری‌ها گسترش خواهد یافت و عواقب آن برای دشمنان بسیار وخیم خواهد بود.»

● جنگنده‌های ارتش اسرائیل روز شنبه ۲۰ ژوئیه (۳۰ تیرماه) در حملاتی تلافی‌جویانه زیرساخت‌های استراتژیک نظامیان حوثی مورد حمایت جمهوری اسلامی را هدف قرار دادند.

● در اثر انفجارهای شدید در تأسیسات پالایشگاه نفت بندر حدیده دست‌کم ۱۷ نفر کشته و بیش از ۷۰ نفر مجروح شدند. این حمله به تلافی کشته و زخمی شدن تعدادی از شهروندان اسرائیل در حمله پهبادی حوثی‌ها به تل‌آویو انجام شد.

● بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل پس از این حمله گفت، بندر حدیده برای وارد کردن تسلیحات ساخت جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار می‌گیرد. وی هشدار داد حمله به این بندر که در فاصله ۱۸۰۰ کیلومتری مرز اسرائیل است، نشان می‌دهد که اسرائیل می‌تواند دشمنانش را در هر نقطه‌ای مورد حمله قرار دهد.

● نتانیاهو با اشاره به حملات هشت ماه گذشته حوثی‌ها به اسرائیل هشدار داد هر کسی که به شهروندان اسرائیلی ضربه بزند، «بهای سنگینی» خواهد پرداخت.

➔ ارتش اسرائیل در مورد تعداد هواپیماهایی که در عملیات حمله به زیرساخت حوثی‌ها در یمن شرکت داشتند سکوت کرده با این حال، این واقعیت که جت‌های جنگنده به بُرد ۱۷۰۰ کیلومتری رسیدند برای نشان دادن قدرت هوایی این کشور کافی است.

ارتش اسرائیل از چند ماه پیش در تدارک حمله به یمن بود،



انفجارهای مهیب در پالایشگاه بندر حدیده یمن پس از حمله اسرائیل

اما از لحظه تصمیم قطعی تا انجام آن زمان بسیار کوتاهی سپری شد. واقعیتی که نشان از آمادگی بالای نیروی هوایی و جامعه اطلاعاتی اسرائیل دارد.

بر اساس گزارش «والا»، مدت‌ها قبل از جنگ، ارتش اسرائیل حوثی‌های یمن را از مقاصد خود آگاه کرد و شروع به جمع‌آوری اطلاعات درباره محموله‌های تسلیحاتی، زیرساخت‌های تروریستی و فعالیت‌های خصمانه در منطقه کرد که بارها کشتی‌های اسرائیل را به خطر انداخته بود. زمانی که ایالات متحده برای اولین بار به اهداف تروریستی در یمن حمله کرد، از جمله بر اساس اطلاعات اسرائیل بود.

«اورشلیم پست» در ادامه می‌نویسد، نیروی هوایی اسرائیل به عنوان بخشی از این عملیات فعال شد و به دلیل توانایی‌های بالای ارتش اسرائیل در حمله به اهداف در بُرد ۱۷۰۰ کیلومتری، عملیات «Outstretched Arm» نامیده شد که برگرفته از عبارت «دست قدرتمند و بازوی دراز» در کتاب مقدس است.

● جنگنده‌هایی که در چنین مسافتی پرواز می‌کنند ملزم به عملیات سوختگیری، کنترل، اطلاعات و آمادگی بالای یگان ۶۶۹ هستند. همچنین در صورت نیاز به نجات از خاک دشمن، حفاظت از آنها توسط نیروی دریایی تأمین می‌شود. قابلیت هماهنگی تمامی یگان‌های نیروها در این عملیات امتیاز بالایی داشت.

● در بخش دیگری از این گزارش آمده، نام این عملیات پیامی برای تمام دشمنان اسرائیل به رهبری جمهوری اسلامی است که اکنون باید یک محاسبه ساده انجام دهند. اگر نیروی هوایی به بندر الحدیده یمن در فاصله ۱۷۰۰ کیلومتری حمله کند، قطعاً می‌تواند اهدافی در تهران را نیز در بُرد ۱۵۰۰ کیلومتری مورد حمله قرار دهد.

● حال باید دید که حمله در یمن چه تأثیری خواهد داشت؛ آیا حوثی‌ها را مهار می‌کند یا به گسترش حملاتی منجر می‌شود که تاکنون نه تنها توسط ارتش اسرائیل بلکه توسط نیروهای ائتلاف نیز متوقف شده است؟ بر اساس آخرین گزارش‌ها، نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا که در دریای سرخ مستقر هستند بعد از عملیات اسرائیل، از نگرانی در مورد تهدیدات بیشتر در منطقه، از جمله از سوی یمن، سطح هشدار و هوشیاری خود را افزایش داده‌اند.

## هیچکس به اندازه این شاهزاده «لال» شفاف سخن نگفته است



از «ناگفته‌های» جمهوری اسلامی از زبان دلبستگان نظام که اینک مورد غضب قرار گرفته و نه تنها از دایره قدرت بلکه حتی از حاشیه آن نیز به بیرون پرتاب شده‌اند، مطرح می‌شود. یکی نامه می‌نویسد. یکی گفتگو می‌کند. یکی در دفاعیه و دیگری در اعترافات، بخش‌هایی از این ناگفته‌ها را روی آب می‌ریزد. بی‌تردید در ماه‌های آینده که سرنوشت نظام جمهوری اسلامی دستخوش توفان گسترش یابنده اعتراضات اجتماعی ناشی از بحران‌های اقتصادی خواهد شد، بیشتر شاهد افشاگری‌هایی از این دست خواهیم بود. لیکن من می‌دانم، وجدان کسانی که از این ناگفته‌ها مطلع بودند، چگونه می‌توانست تاب بیاورد و آنقدر سکوت کند که یا نوبت غل و زنجیر به خودش برسد و یا احساس کند که وضعیت به سویی در حال دگرگونی است که بهتر است از جمله به خاطر عافیت، پرده از این ناگفته‌ها برداشت. ناگفته‌هایی که اگرچه جامعه به دلیل موقعیت ناهنجاری که خود اجبارا در آن قرار گرفته، تصویری کلی از همه آنها دارد، لیکن اینک به صورت مشخص و از سوی کسانی که به هر حال خود در این ناهنجاری‌ها دخیل بوده‌اند، مطرح می‌شود تا جایی که کار به ابراز ندامت و پوزش از مردم هم رسیده است. این در حالیست که از همه این ناگفته‌ها باید استقبال کرد و دیگران را نیز تشویق نمود تا دیر نشده، بر لاملانی سیاسی خود غلبه کرده و آنچه را می‌دانند و نگفته‌اند، بگویند.

این ناگفته‌ها گذشته از کمک به تاریخ‌نویسان، بیشترین نقشی که بازی می‌کند، این است که از یکسو پایه‌های لرزان رژیم را به نمایش می‌گذارد و از سوی دیگر نمایانگر ریزش درونی آن و جدایی کسانی از آن است که تا کنون به آن ایمان و اعتقاد داشته و بر این پندار بودند که می‌توان با کمی «اصلاح» آن را به زمانی بازگرداند که گویندگان همین ناگفته‌ها نیز خود نقشی در درون و یا حاشیه قدرت داشتند. غافل از آنکه چرخ تاریخ را نمی‌توان به عقب بازگرداند. آنچه دورانش به پایان رسیده است، دیر یا زود به

پهلوی اما در این است که می‌پذیرد قطعاً کسانی وجود دارند که خواهان «جمهوری اسلامی» هستند و باید فکری به حال آنها کرد. تعهدی که در عرضه و بنیه رژیم دینی ایران نبود تا آن دو درصدی را که آن را می‌خواستند، جدی بگیرد. بلکه خیلی ساده آنها را «ضدانقلاب» نامید و به گونه‌ای خشن و خونین حذف کرد تا شاهد آن باشد که هرچه زمان می‌گذرد، از آن اکثریت ۹۸ درصدی موجود کاسته و بر آن اقلیت دو درصدی که ظاهراً از میان برداشته شده بود، افزوده می‌شود.

● اگر رضا پهلوی به هر دلیلی موفق نشود یک اتحاد عمل فراگیر جهت شکل‌گیری یک جانشین ملی و دموکرات شکل دهد که همواره از آن سخن گفته و در جهت آن عمل کرده است، تا همینجا نیز نقشی مفید و مثبت بازی کرده و قطعاً در شمار تأخیرکنندگان و تنبیه‌شدگان تاریخ نخواهد بود. بجاست تا بقیه، پیش از آنکه دیگران برای ایران تصمیم بگیرند، فکری به حال سستی و تأخیر خود بکنند.

الاهه بقراط - جنبش سبز همانگونه که زمینه را برای آزمون حرف و عمل بسیاری از مدعیان فراهم ساخت، امکان سنجش رضا پهلوی را نیز در اختیار مخاطبان وی نهاد. با این جنبش برخی که اصرار می‌ورزند وی باید به خاطر دیکتاتوری پدرش مسئولیت بپذیرد و چه بسا «توبه» کند و از درگاه ملت «پوزش» بخواهد، خیلی زود در برابر یک تناقض قرار گرفتند: چگونه آنها از رضا پهلوی به دلیل عملکرد پدرش پاسخ می‌خواهند ولی همزمان به پشتیبانی از میرحسین موسوی و مهدی کروبی می‌پردازند که باید پاسخگوی عملکرد خودشان در زمان زمامداری‌شان در نظامی باشند که اقدامات‌اش در فرهنگ و عرف جهانی، نامی جز جنایت علیه بشریت ندارد!

### ناگفته‌های جمهوری اسلامی

حتماً تا کنون متوجه شدید که در ماه‌های اخیر بسیاری

● گفتگوی حسین مَهری و علیرضا میبیدی (راديو صداي ايران و تلویزیون پارس) را با رضا پهلوی در اینترنت گوش می‌کردم. میبیدی به این موضوع اشاره می‌کند که نخستین گفتگو با شاهزاده رضا پهلوی را حسین مَهری انجام داده در زمانی که وی سه ساله بود. مَهری تعریف می‌کند که آن زمان شایع شده بود «ولیعهد» لال است و عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات مَهری را فرستاد تا گزارشی از یک گپ با این شاهزاده «لال» تهیه کند.

● «تأخیر»، آن اشتباه مکرر تاریخی است که از سوی بازیگران سیاسی تکرار می‌شود و عجباً که دیگرانی که به میدان می‌آیند، از آن نمی‌آموزند. حتی گورباچف که سخن داهیان‌اش در سال ۱۹۸۹ در چهلمین سالگرد تأسیس «جمهوری دموکراتیک آلمان» که چند ماه بعد دیگر اصلاً وجود نداشت، ورد زبان شده بود، خود نیز مزه «تأخیر» را چشید: تاریخ کسانی را که تأخیر می‌کنند، تنبیه می‌کند! ● این آموزه تاریخی اما تنها خطاب به حاکمان نیست. به مخالفان آنان نیز هست. من در تمام این سال‌ها خسته نشدم از اینکه در کنار جمهوری اسلامی، همواره به تأخیر، تنبلی و کاهلی مخالفان آن نیز بپردازم. مخالفانی که گرد و غبار منافع گروهی و حتی شخصی چنان بر عقاید آنها نشسته است که دید آنان را از تشخیص منافع ملی و سود همگان از جمله در ضرورت یک اتحاد عمل فراگیر، تار و کدر کرده است.

● هنگامی که سال‌ها پیش از نقشی که رضا پهلوی به عنوان یک شخصیت سیاسی دموکرات می‌تواند در جنبش آزادیخواهی ایرانیان بازی کند، گفتیم و نوشتیم، احساسی دوگانه داشتیم. از یکسو نوشته‌ها و سخنان وی بدون هرگونه تناقضی، به آنچنان روشنی و شفافیتی رسیده بود که هیچ انسان مدافع دموکراسی و حقوق بشر نمی‌توانست با آن مخالفت کند. از سوی دیگر امتیازی بر همه مدعیان سیاست و احزاب و گروه‌ها و همچنین معترضان درون جمهوری اسلامی داشت، که اعتماد به وی را بیشتر می‌ساخت: رضا پهلوی اشتباه هیچیک از آنان را در زندگی سیاسی خود نداشت. این نکته اما در عین حال نقطه ضعف او نیز به شمار می‌رفت چرا که هرگز این امکان را نیافته بود تا خود را در عرصه عمل نیز اثبات کند.

● سخن و هدفی که ضرورت زمان باشد، رشد خواهد کرد، فراگیر خواهد شد و سرانجام میوه خواهد داد. وقتی من بر نقش رضا پهلوی در جنبش آزادیخواهانه ایرانیان، از جمله در مقاله‌های «شاهزاده و ائتلاف بزرگ»، «نامه‌ای فراتر از حرف/ سخنی با اهل قلم و هنر»، «رضا پهلوی، فرصت یا خطر؟»، «اراده قدرت و نقش رضا پهلوی» اصرار می‌کردم، تنها به این دلیل بود که ظرفیتی همه‌جانبه و به مراتب بیش از همه مدعیان سیاست، اعم از چپ و راست، از خود نشان می‌داد. در سال‌های اخیر [زمان انتشار این مقاله امرداد ۱۳۸۹] نیز او بود که نخستین بار موضوع عفو عمومی، آشتی ملی و جلب اطمینان آن گروه از وابستگان و دلبستگان رژیم را از جمله در میان سپاه پاسداران و بسیج عنوان کرد. کدام یک از مدعیان سیاست در درون و بیرون کشور با این شفافیت از اهداف و آرزو و برنامه خود سخن گفته و موضوع را نییچانده است!؟

● اهمیت تعهد و احترام به آرای مردم در سخن رضا



هزار بار اشتباه کنند. ولی این آنها هستند که اشتباه می‌کنند و مسئولیت آن نیز به پای خودشان است. قراردادهای اجتماعی اما باید به آنها این امکان را بدهد که اشتباه خویش را تصحیح کنند.

اهمیت تعهد و احترام به آرای مردم در سخن رضا پهلوی اما در این است که می‌پذیرد قطعا کسانی وجود دارند که خواهان «جمهوری اسلامی» هستند و باید فکری به حال آنها کرد. تعهدی که در عرضه و بنیه رژیم دینی ایران نبود تا آن دو درصدی را که آن را می‌خواستند، جدی بگیرد. بلکه خیلی ساده آنها را «ضدانقلاب» نامید و به گونه‌ای خشن و خونین حذف کرد تا شاهد آن باشد که هرچه زمان می‌گذرد، از آن اکثریت ۹۸ درصدی موجود کاسته و بر آن اقلیت دو درصدی که ظاهرا از میان برداشته شده بود، افزوده می‌شود. امروز آن شاهزاده «لال»، سی سال پس از درگذشت پدری که به گفته بسیاری از نزدیکان دوران جوانی و حتی مخالفان آرزوهای «سوسیالیستی» داشت (خاطرات خلیل ملکی) لیکن در پایان به مثابه یک دیکتاتور ایران را ترک گفت، و در آستانه پنجاه سالگی خودش [زمان انتشار این مقاله مرداد ۱۹۸۹]، با چنان شفافیتی سخن می‌گوید که لال‌بازی و لالمانی سایر مدعیان را به شدت مورد تردید قرار می‌دهد چرا که فقط کسانی می‌توانند شفاف سخن بگویند که در اندیشه و عمل خود تناقض و تردید نداشته باشند.

این است که اگر رضا پهلوی به هر دلیلی موفق نشود یک اتحاد عمل فراگیر جهت شکل‌گیری یک جانشین ملی و دموکرات شکل دهد که همواره از آن سخن گفته و در جهت آن عمل کرده است، تا همینجا نیز نقشی مفید و مثبت بازی کرده و قطعا در شمار تأخیرکنندگان و تنبیه شدگان تاریخ نخواهد بود. بجاست تا بقیه، پیش از آنکه دیگران برای ایران تصمیم بگیرند، فکری به حال سستی و تأخیر خود بکنند.

\*این مقاله نخستین بار در ۷ مرداد ۱۳۸۹ / ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۰ در کیهان لندن چاپ شد.

ائتلاف بزرگ»، «نامه‌ای فراتر از حرف/ سخنی با اهل قلم و هنر»، «رضا پهلوی، فرصت یا خطر؟»، «اراده قدرت و نقش رضا پهلوی» اصرار می‌کردم، تنها به این دلیل بود که ظرفیتی همه‌جانبه و به مراتب بیش از همه مدعیان سیاست، اعم از چپ و راست، از خود نشان می‌داد. در سال‌های اخیر نیز او بود که نخستین بار موضوع عفو عمومی، آشتی ملی و جلب اطمینان آن گروه از وابستگان و دلبستگان رژیم را از جمله در میان سپاه پاسداران و بسیج عنوان کرد. من به اندیشه مشاوران ایشان (که هیچکدام را نمی‌شناسم) کاری ندارم که نوسان فکریشان، از چپ افراطی تا راست افراطی، گاه در برخی اطلاعاتها به چشم می‌خورد. لیکن سخنان خود وی کاملا روشن و شفاف است.

رضا پهلوی در مورد شکل نظام نیز همواره به صراحت اعلام کرده است یک نظام پادشاهی پارلمانی را بهترین شکل برای ایران می‌شمارد، ولی در همین مصاحبه با حسین مهری و علیرضا میدی نیز نخستین بار نیست که تکرار می‌کند با رسیدن به یک جمهوری سکولار و مبتنی بر اصول دموکراسی و حقوق بشر، به نود درصد اهداف و آرزوی خود رسیده است. کدام یک از مدعیان سیاست در درون و بیرون کشور با این شفافیت از اهداف و آرزو و برنامه خود سخن گفته و موضوع را نیچانده است؟!

رضا پهلوی در این مصاحبه، حتی فراتر از این می‌رود و می‌گوید: «آن پرسشی را که خمینی در ۱۲ فروردین ۵۸ با مردم مطرح نکرد، باید اینبار از مردم پرسید: آیا جمهوری اسلامی را می‌خواهند یا نه؟» و می‌افزاید: «من فکر می‌کنم مردم به آن پاسخ منفی خواهند داد، ولی اگر همین نظام را خواستند، ما چه حرفی داریم بگوییم؟ باید به رأی مردم احترام بگذاریم.»

من این سخن را به مثابه اعلام تعهد به آرای مردم و نقش آنها در تعیین سرنوشت خویش درک می‌کنم، حتی اگر تصمیمی اشتباه بگیرند. درست همانگونه که روسو در «قراردادهای اجتماعی» توضیح می‌دهد. مردم ممکن است

نقطه پایان خواهد رسید. نه اصلاح و نه انقلاب پی در پی و نه کودتا و نه سرکوب و نه پشتیبانی خارجی نمی‌تواند آب رفته را به جوی بازگرداند.

این است که ناگفته‌های جمهوری اسلامی شنیده می‌شود بدون آنکه بتوانند آن را یاری کند. آنهم به یک دلیل ساده: دیر گفته می‌شوند. «تأخیر»، آن اشتباه مکرر تاریخی است که از سوی بازیگران سیاسی تکرار می‌شود و عجا که دیگرانی که به میدان می‌آیند، از آن نمی‌آموزند. حتی گورباچف که سخن داهیانهاش در سال ۱۹۸۹ در چهلمین سالگرد تأسیس «جمهوری دموکراتیک آلمان» که چند ماه بعد دیگر اصلا وجود نداشت، ورد زبان شده بود، خود نیز مزه «تأخیر» را چشید: تاریخ کسانی را که تأخیر می‌کنند، تنبیه می‌کند!

### گفته‌های مخالفان

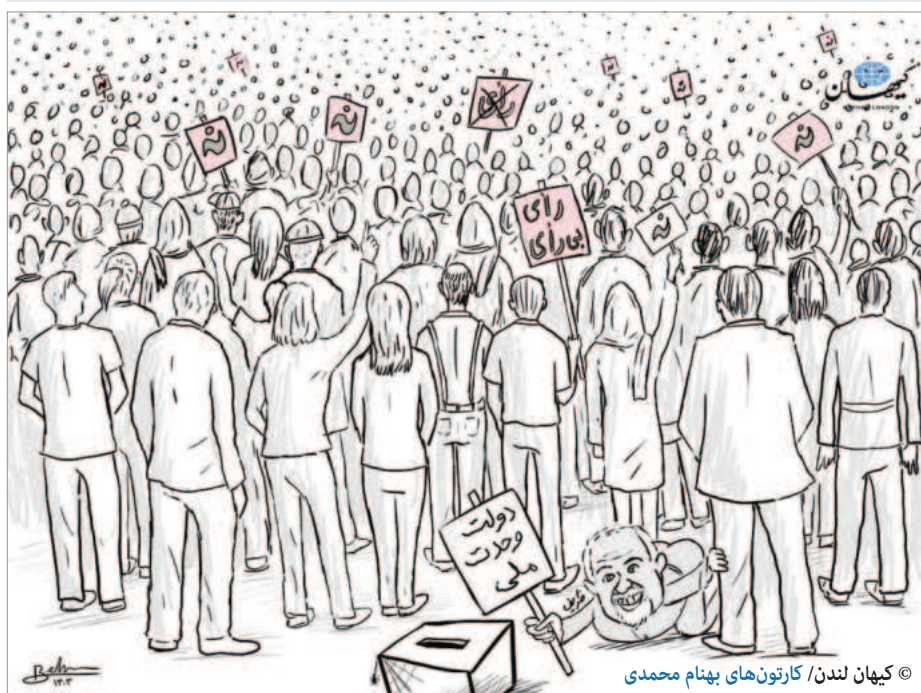
این آموزه تاریخی اما تنها خطاب به حاکمان نیست. به مخالفان آنان نیز هست. من در تمام این سال‌ها خسته نشدم از اینکه در کنار جمهوری اسلامی، همواره به تأخیر، تبلی و کاهلی مخالفان آن نیز بپردازم. مخالفانی که گرد و غبار منافع گروهی و حتی شخصی چنان بر عقاید آنها نشسته است که دید آنان را از تشخیص منافع ملی و سود همگان از جمله در ضرورت یک اتحاد عمل فراگیر، تار و کدر کرده است.

هنگامی که سال‌ها پیش از نقشی که رضا پهلوی به عنوان یک شخصیت سیاسی دموکرات می‌تواند در جنبش آزادیخواهی ایرانیان بازی کند، گفتم و نوشتم، احساسی دوگانه داشتم. از یکسو نوشته‌ها و سخنان وی بدون هرگونه تناقضی، به آنچنان روشنی و شفافیتی رسیده بود که هیچ انسان مدافع دموکراسی و حقوق بشر نمی‌توانست با آن مخالفت کند. از سوی دیگر امتیازی بر همه مدعیان سیاست و احزاب و گروه‌ها و همچنین معترضان درون جمهوری اسلامی داشت، که اعتماد به وی را بیشتر می‌ساخت: رضا پهلوی اشتباه هیچیک از آنان را در زندگی سیاسی خود نداشت. این نکته اما در عین حال نقطه ضعف او نیز به شمار می‌رفت چرا که هرگز این امکان را نیافته بود تا خود را در عرصه عمل نیز اثبات کند.

جنبش سبز همانگونه که زمینه را برای آزمون حرف و عمل بسیاری از مدعیان فراهم ساخت، امکان سنجش رضا پهلوی را نیز در اختیار مخاطبان وی نهاد. با این جنبش برخی (عمدتا از طیف چپ سنتی و اصلاح طلب‌ها) که اصرار می‌ورزند وی باید به خاطر دیکتاتوری پدرش مسئولیت بپذیرد و چه بسا «توبه» کند و از درگاه ملت «پوزش» بخواهد، خیلی زود در برابر یک تناقض قرار گرفتند: چگونه آنها از رضا پهلوی به دلیل عملکرد پدرش پاسخ می‌خواهند ولی همزمان به پشتیبانی از میرحسین موسوی و مهدی کروبی می‌پردازند که باید پاسخگوی عملکرد خودشان در زمان زمامداری‌شان در نظامی باشند که اقداماتش در فرهنگ و عرف جهانی، نامی جز جنایت علیه بشریت ندارد! در طول سال‌های گذشته که جنبش آزادیخواهی بر زمینه اعتراضات اجتماعی، به ویژه جنبش دانشجویی و زنان، شکل می‌گرفت، رضا پهلوی نخستین شخصیت سیاسی بود که از نافرمانی مدنی و از ضرورت اتحاد عمل سخن گفت، و این همه بسی پیش از آن بود که اصلاح‌طلبان بر کرسی قدرت تکیه ززند و جامعه مدنی را به مدینه‌النبی و نافرمانی مدنی را به نافرمانی از رقیب و اطاعت از خود کاهش دهند.

تنها گذشت چند سال نشان داد، سخن و هدفی که ضرورت زمان باشد، رشد خواهد کرد، فراگیر خواهد شد و سرانجام میوه خواهد داد. وقتی من بر نقش رضا پهلوی در جنبش آزادیخواهانه ایرانیان، از جمله در مقاله‌های «شاهزاده و

## وحدت ملی؟! کدام وحدت ملی است؟



## «نسل‌کشی» و «جنایت علیه بشریت» در دهه ۶۰

### جاوید رحمان خواستار اقدام فوری بین‌المللی و مجازات مقامات جمهوری اسلامی شد



سوی مأموران حکومتی پرداخته و نوشته جمهوری اسلامی در جریان قتل‌عام‌های دهه ۱۳۶۰، جنایات جنسیت‌محور از جمله خشونت جنسی علیه زنان و دختران، و تجاوز جنسی به آنها قبل از اعدام مرتکب شده است.

در ادامه تأکید شده با هدف تحقیر و شکستن روحیه زنان زندانی علیه آنها سوء استفاده جنسی سازمانیافته اعمال شده است.

گزارش جاوید رحمان به سرکوب جامعه بهاییان ایران نیز اشاره کرده و نوشته قتل‌های فراقضایی و محرومیت از حقوق اساسی از نمونه سرکوب‌ها و تبعیض‌ها علیه بهاییان ایرانی بوده است.

او اقدامات سرکوبگرانه و کشتارهای صورت گرفته از سوی جمهوری اسلامی در دهه شصت خورشیدی را «بدترین و فاحش‌ترین موارد نقض حقوق بشر زنده در حافظه ما» دانسته و تأکید کرده آمران و عاملان آن جنایات همچنان در ایران بر مسند قدرت هستند.

جاوید رحمان خواستار تعقیب مظنونان و متهمان، تضمین عدالت برای قربانیان و در نهایت محاکمه مرتکبان این دو جنایت در ایران در دهه ۱۳۶۰ شده و نوشته «ایجاد یک سازوکار بین‌المللی تحقیق و پاسخگویی با همکاری قضات جهانی، برای دستیابی به این اهداف و پرداختن به رنج طولانی مدت قربانیان و خانواده‌های‌شان ضروری است.» گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور ایران تأکید کرده «دستورهای بازداشت بین‌المللی مظنونان در جایی که شواهد کافی وجود دارد، باید برای رسیدن به این هدف، یعنی مبارزه با بی‌کیفرمانی و مصونیت جنایی صادر شود.» او افزوده که جامعه بین‌المللی یا از پاسخگو کردن مقامات جمهوری اسلامی ناتوان بوده یا علاقمند به پاسخگو کردن آنها نبوده؛ در چنین شرایطی «جنایتکاران» همچنان از امتیازات حکومتی و مصونیت از عدالت بین‌المللی و مسئولیت‌پذیری برخوردار هستند.

به جنایت علیه بشریت متهم است. این گزارش ۶۶ صفحه‌ای بر «جنایات وحشیانه» جمهوری اسلامی در پی فتوای روح‌الله خمینی رهبر انقلاب ۵۷ در تابستان ۶۷ و قتل عام زندانیان سیاسی در پی محاکمات ساختگی و فراقانونی تأکید کرده است.

قتل، اعدام‌های خودسرانه و فراقانونی، اسارت و زندانی شدن آنها، ناپدید شدن اجباری و شکنجه هزاران زندانی سیاسی و اقلیت مذهبی در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است.

این گزارش افزوده در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی ایران، گروه‌های سیاسی مختلف، از جمله «حزب دمکرات کردستان ایران» مورد سرکوب و اعدام قرار گرفتند. در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۶۰، دادگاه انقلاب اسلامی تهران اعدام شش عضو از دو گروه چپ‌گرای «پیکار» و «حزب دمکرات کردستان ایران» را تأیید کرد.

بخشی از این گزارش به اعدام زندانیان سیاسی و دفن آنها در گورهای دستجمعی اشاره کرده و نوشته غالب اعدام‌شدگان از اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند اما صدها مخالف چپ‌گرای حکومت ایران نیز در نتیجه همین فتوای خمینی توسط «هیئت‌های مرگ» اعدام و در گورهای دستجمعی بی‌نام و نشان در سراسر ایران دفن شدند.

این گزارش از شکنجه و آزار اکثر زندانیان سیاسی پیش از اجرای حکم اعدام خبر داده و نوشته شکنجه سازمانیافته برای گرفتن اعترافات اجباری و سرکوب و مجازات مخالفان سیاسی در جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین ناپدیدسازی عمدی بازداشت‌شدگان و زندانیان و رها کردن خانواده زندانیان بدون اطلاع‌رسانی درباره سرنوشت عزیزانشان که سبب رنج و آزار طولانی‌مدت آنها شده از دیگر مصادیق جنایات جمهوری اسلامی در این گزارش است.

بخشی از گزارش به آزارهای جنسی بازداشت‌شدگان از

● قتل، اعدام‌های خودسرانه و فراقانونی، اسارت و زندانی شدن شهروندان، ناپدید شدن اجباری و شکنجه هزاران زندانی سیاسی و اقلیت‌های مذهبی در این گزارش مورد بررسی قرار گرفته است.

● جاوید رحمان اقدامات سرکوبگرانه و کشتارهای صورت گرفته از سوی جمهوری اسلامی در دهه شصت خورشیدی را «بدترین و فاحش‌ترین موارد نقض حقوق بشر زنده در حافظه ما» دانسته و تأکید کرده آمران و عاملان آن جنایات همچنان در ایران بر مسند قدرت هستند.

● بخشی از گزارش به آزارهای جنسی بازداشت‌شدگان از سوی مأموران حکومتی پرداخته و نوشته جمهوری اسلامی در جریان قتل‌عام‌های دهه ۱۳۶۰، جنایات جنسیت‌محور از جمله خشونت جنسی علیه زنان و دختران، و تجاوز جنسی به آنها قبل از اعدام مرتکب شده است.

● جاوید رحمان نوشته جامعه بین‌المللی یا از پاسخگو کردن مقامات جمهوری اسلامی ناتوان بوده یا علاقمند به پاسخگو کردن آنها نبوده؛ در چنین شرایطی «جنایتکاران» همچنان از امتیازات حکومتی و مصونیت از عدالت بین‌المللی و مسئولیت‌پذیری برخوردار هستند.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران با ارائه گزارشی از اقدامات جمهوری اسلامی در دهه ۶۰ علیه زندانیان سیاسی و اقلیت‌های دینی جمهوری اسلامی، این اقدامات را «نسل‌کشی» و «جنایت علیه بشریت» دانست و خواستار اقدام فوری بین‌المللی و پایان دادن به مصونیت از مجازات مقامات جمهوری اسلامی شد.

جاوید رحمان گزارشگر ویژه سازمان ملل در گزارش مفصلی به «نسل‌کشی» و «جنایت علیه بشریت» جمهوری اسلامی در دهه شصت خورشیدی پرداخته و تأکید کرده جمهوری اسلامی به علت کشتار و آزار و اذیت بهاییان به جنایت نسل‌کشی و به دلیل کشتار ایرانیان گرد در ابتدای دهه ۱۳۶۰ و اعدام هزاران زندانی سیاسی در تابستان ۱۳۶۷،





## شرکت دولتی «پوزنان» لهستان متهم به فروش قطعات ساخت پهپادهای انتحاری به جمهوری اسلامی شد



نمایش پهپادهای شاهد ۱۳۶ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در نمایشگاه کتاب / اردیبهشت ۱۴۰۳

کارخانه‌های تولید تجهیزات نظامی ایران داده شده و در پهپادهایی که به روسیه فروخته شدند، به کار رفته‌اند. برخی کالاها با کاربرد دوگانه نیازی به مجوز قانونی وزارت توسعه و فناوری لهستان ندارند که احتمالاً از همین خلاء قانونی سوء استفاده شده است. آژانس امنیت داخلی لهستان در تحقیقات در مورد این پرونده همکاری دارد. مدیرعامل شرکت پوزنان به فروش محصولات استراتژیک بدون مجوز لازم متهم شده و احتمالاً ۱۰ سال زندان در انتظار او باشد. رویترز می‌نویسد آژانس امنیت داخلی لهستان و وزارت توسعه و فناوری، وزارت دارایی و شرکت یاد شده به سوالات رویترز در اینباره پاسخ نداده‌اند. جمهوری اسلامی با نادیده گرفتن هشدارهای بین‌المللی از آغاز شروع جنگ روسیه علیه اوکراین تا کنون هزاران فروند پهپاد انتحاری «شاهد۱۳۶» در اختیار روسیه قرار داده است. روسیه از این پهپادها برای فرسوده کردن توان پدافند هوایی اوکراین و نابودی زیرساخت‌های این کشور استفاده می‌کند. لهستان یکی از اعضای ناتو و یکی از بزرگترین کشورهای حامی اوکراین است. ارسال غیرقانونی قطعات و تجهیزات پهپادی ساخت کشورهای غربی به ایران دارای سابقه است. روزنامه اتریشی «استاندارد» آبان سال ۱۳۹۹ گزارش داد موتورهای پهپاد ساخت شرکت «روتاکس» به ترکیه و ایران صادر شده است. منابع اطلاعاتی اوکراینی مهرماه ۱۴۰۲ اعلام کردند جمهوری اسلامی برای ساخت پهپادهای انتحاری که به روسیه ارسال می‌کند از قطعات ساخت کارخانجاتی در آمریکا، سوئیس، هلند، آلمان، کانادا، ژاپن و لهستان استفاده کرده است. بر اساس گزارش اوکراین، اطلاعات گمرکی نشان می‌داد تقریباً تمام واردات به ایران از ترکیه، هند، قزاقستان، ازبکستان، ویتنام و کوستاریکا صورت گرفته بود. از آغاز تجاوز نظامی روسیه به خاک اوکراین تا کنون ده‌ها شرکت، نهاد، کارخانه و فرد ایرانی و خارجی به دلیل دخالت در ساخت و ارسال پهپاد به روسیه و همچنین تجهیز شبه‌نظامیان تحریم شدند اما در مجموع این روند ادامه پیدا کرده است.

● «رادبو زت» (یک فرستنده رادیویی خصوصی در لهستان) گزارش داد شرکت دولتی لهستانی WSK Poznan قطعاتی را به یک شرکت ایرانی فروخته که در ساخت پهپادهای انتحاری «شاهد» به کار رفته‌اند.

● گفته شده که دادستانی لهستان از سال ۲۰۲۲ در حال بررسی این پرونده است. دادستانی لهستان همچنین اعلام کرده در حال تحقیق بر روی صادرات احتمالی کالاهایی با کاربری دوگانه است.

● شرکت «پوزنان» متعلق به سازمان توسعه صنایع پمپ بنزین لهستان است اما هنوز مشخص نیست قطعات آن چطور به ایران ارسال شده است.

● بر اساس گزارش «رادبو زت» کارخانه پوزنان پمپ‌هایی را به شرکت «موتورسازان ایران» فروخته که تولیدکننده تراکتورهای کشاورزی است اما قطعات خریداری شده به کارخانه‌های تولید تجهیزات نظامی ایران داده شده و در پهپادهایی که به روسیه فروخته شدند، به کار رفته‌اند.

یک شرکت مهندسی دولتی لهستانی متهم به فروش قطعات و تجهیزات پهپادهای تهاجمی به جمهوری اسلامی شده است. دادستان لهستان تحقیقات در این مورد را آغاز کرده است. خبرگزاری «رویترز» پنجشنبه ۱۸ ژوئیه (۲۸ تیرماه) به نقل از «رادبو زت» (یک فرستنده رادیویی خصوصی در لهستان) گزارش داد شرکت دولتی لهستانی WSK Poznan قطعاتی را به یک شرکت ایرانی فروخته که در ساخت پهپادهای انتحاری «شاهد» به کار رفته‌اند.

گفته شده که دادستانی لهستان از سال ۲۰۲۲ در حال بررسی این پرونده است. دادستانی لهستان همچنین اعلام کرده در حال تحقیق بر روی صادرات احتمالی کالاهایی با کاربری دوگانه است.

شرکت «پوزنان» متعلق به سازمان توسعه صنایع پمپ سوخت لهستان است اما هنوز مشخص نیست قطعات آن چطور به ایران ارسال شده است.

بر اساس گزارش «رادبو زت» کارخانه پوزنان پمپ‌هایی را به شرکت «موتورسازان ایران» فروخته که تولیدکننده تراکتورهای کشاورزی است اما قطعات خریداری شده به

روش‌شناسی این گزارش بر پنج منبع شهادت و مصاحبه با شاهدان، منابع رسمی دولتی، اسناد و منابع سازمان ملل متحد، شواهد مستند، و گزارش‌ها و اسناد سازمان‌های بین‌المللی و کمک‌های کارشناسان تکیه کرده است.

جاوید رحمان حدود یک ماه پیش نیز در گزارشی در حاشیه پنجاه و ششمین نشست شورای حقوق بشر سازمان ملل بر پایه مستندات گزارش کنونی به «نسل‌کشی» و «اقدام علیه بشریت» جمهوری اسلامی در دهه شصت خورشیدی اشاره کرده بود.

جاوید رحمان طی سخنرانی و ارائه این گزارش، از جامعه بین‌المللی خواست برای پاسخگو کردن مرتکبان این جنایت و پایان دادن به مصونیت آنها گام‌های عینی برداشته و مکانیسم تحقیقاتی را فعال کند.

وی همچنین با اشاره به سابقه جمهوری اسلامی در پنهان کردن شواهد این کشتار خواستار روشن شدن ابعاد این جنایات و ارائه روایتی صادقانه از سوی حکومت در اینباره شد.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران با اشاره به آمارهای موجود درباره کشتارهای دهه شصت گفته این موضوع فقط به اتفاقاتی در گذشته مربوط نیست بلکه سرکوب‌ها تا زمان حال نیز ادامه داشته نگرانی‌های جدی در مورد نقض فاحش حقوق بشر از سوی جمهوری اسلامی وجود دارد.

او گفت با وجود در دسترس بودن شواهد و مدارک تا به امروز، مقامات جمهوری اسلامی که مرتکب نقض گسترده و جدی حقوق بشر شده‌اند در قدرت باقی مانده‌اند و جامعه بین‌الملل هم نتوانسته یا نمی‌خواهد این افراد را مورد بازخواست و پاسخگویی قرار دهد.

مأموریت جاوید رحمان به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران آخر ژوئیه ۲۰۲۴ پایان می‌یابد و شورای حقوق بشر سازمان ملل مای ساتو را جایگزین او کرد. مای ساتو یکی از ۱۱ کاندیدای این پُست و در میان سه گزینه نهایی منتخب قرار داشت.

مای ساتو از ابتدای اوت ۲۰۲۴ کار خود به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران را آغاز خواهد کرد.

مای ساتو یکی از پژوهشگران برتر نقض حقوق بشر در آسیا به شمار می‌رود. او حقوق‌دان، پژوهشگر ارشد جامعه‌شناسی و جرم‌شناسی است. او برنده جایزه جرم‌شناسان جوان ژاپن در سال ۲۰۱۴ و در حال حاضر دانشیار دانشگاه معتبر موناخ استرالیا است.

او قبلاً به عنوان پژوهشگر و دانشیار در دانشگاه ملی استرالیا و همچنین استاد و دانشیار در دانشگاه ریدینگ و افسر تحقیقاتی آکسفورد-هاوارد بریتانیا و نیز عضو فوق دکترا دانشگاه آکسفورد در بریتانیا فعالیت داشته است.

او همچنین به عنوان پژوهشگر در مؤسسه تحقیقات سیاسی جنایت و عدالت در بریتانیا، دانشجوی فوق دکترا در مؤسسه ماکس پلانک برای حقوق جزای خارجی و بین‌المللی در آلمان و کارشناس بین‌المللی برنامه توسعه سازمان ملل در ترکیه کار کرده است.

مای ساتو هفتمین گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران است. مأموریت گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر در ایران سه ساله است و برای سه سال نیز قابل تمدید است.

گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور ایران موظف است سالانه دو بار درباره وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران به مجمع عمومی سازمان ملل و شورای حقوق بشر گزارش ارائه داده و منتشر کند.



شاهزاده رضا پهلوی در تور اروپایی / مارس ۲۰۲۳

## لزوم همکاری و تبادل نظر اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی با دولت‌ها و مجالس قانونگذاری و مجموعه‌ای از احزاب میان‌رو و ارگان‌های بین‌المللی و حقوق بشری

نیز تحت تأثیر این تغییرات قرار می‌گیرد. در چنین شرایطی، اتخاذ مواضع تند و رادیکال می‌تواند به کاهش حمایت‌های بین‌المللی منجر شود. حفظ مواضع معتدل و میانه‌رو به اپوزیسیون این امکان را می‌دهد که بتوان با طیف وسیع‌تری از کشورها و احزاب و گروه‌ها همکاری کرد و حمایت‌های بیشتری را جلب نمود. همچنین این نوع مواضع می‌تواند به ایجاد تصویر مثبت‌تری از اپوزیسیون در سطح بین‌المللی کمک کند و نشان دهد که اپوزیسیون ایرانی به دنبال راهکارهای منطقی و پایدار برای مسائل کشور است.

یکی از نمونه‌های موفق در این زمینه، تلاش‌های اپوزیسیون برای همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوق بشری است. این نوع همکاری‌ها می‌تواند به افزایش فشارهای بین‌المللی بر رژیم اسلامی برای رعایت حقوق بشر و آزادی‌های مدنی منجر شود و موجب انزوای بین‌المللی رژیم ددمنش اسلامی گردد، همچنین این همکاری‌ها با دولت‌ها و احزاب و شخصیت‌های میانه‌رو به جذب حمایت‌های سیاسی کشورهای دموکرات در سطوح های مختلف برای اپوزیسیون منجر خواهد شد و از طرف دیگر موجب نزدیکی احزاب و گروه‌های اپوزیسیون خارج و داخل کشور و آرامش خیال اکثریت مردم ایران از فردای سقوط رژیم خواهد گردید.

در نهایت، می‌توان گفت که برای موفقیت در مبارزه برای دموکراسی و آزادی در ایران، اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی باید به همکاری با کشورهای مختلف و نه تنها احزاب و شخصیت‌های راست بلکه به مجموعه‌ای از احزاب و شخصیت‌ها از طیف‌های متفاوت سیاسی حاضر در مجالس قانونگذاری کشورهای دموکرات توجه ویژه‌ای داشته باشد. همچنین حفظ مواضع معتدل و میانه‌رو در روابط بین‌المللی می‌تواند به تقویت موقعیت اپوزیسیون و جلب حمایت‌های گسترده‌تر کمک کند. این نوع رویکرد نه تنها به افزایش اعتبار و مشروعیت اپوزیسیون در سطح بین‌المللی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به ایجاد فضای مناسب‌تری برای گذار به دموکراسی و تحقق آرمان‌های مردم ایران کمک نماید.

\* بهرام فرخی دانش‌آموخته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل از دانشگاه رم و ساکن ایتالیا است.

این نوع همکاری می‌تواند در قالب دیپلماسی عمومی، تبادل اطلاعات و حتی انتقال تجارب سیاسی در روند دموکراتیزاسیون صورت گیرد. در این زمینه، استفاده از ابزارهای دیپلماتیک مانند دیدارهای دوجانبه، کنفرانس‌های بین‌المللی و همکاری‌های علمی و فرهنگی، می‌تواند به ایجاد روابط پایدار و سازنده منجر شود. به عنوان مثال، همکاری با کشورهایی که دارای تجربه موفق در گذار از دیکتاتوری به دموکراسی هستند، می‌تواند تجربیات و دانش ارزشمندی را در اختیار اپوزیسیون دموکرات کشور قرار دهد.

**خطرات تمرکز بر احزاب راست و راست افراطی**  
تمرکز بیش از حد بر همکاری با احزاب راست و راست افراطی ممکن است پیامدهای منفی به همراه داشته باشد. این امر می‌تواند به ایجاد تصور نادرست در میان مردم ایران و دیگر گروه‌های اپوزیسیون منجر شود که شاهزاده رضا پهلوی تنها نماینده منافع یک جناح خاص است. همچنین این نوع همکاری ممکن است به اختلافات سیاسی در داخل و خارج کشور دامن بزند و باعث شود که بخش‌های مختلف جامعه و اپوزیسیون دموکرات نتوانند به توافق و همکاری برسند و شاهزاده نتواند آن پوشش لازم را برای رهبری جنبش دموکراسی‌خواه ایران بدهد.

از سوی دیگر، احزاب راست و راست افراطی در برخی کشورها ممکن است دارای دیدگاه‌های محدودکننده و حتی خصمانه نسبت به مسائل مربوط به حقوق بشر و دموکراسی باشند. همکاری نزدیک با این احزاب ممکن است منجر به انتقاداتی در سطح بین‌المللی شود و اعتبار اپوزیسیون را خدشه‌دار کند. بنابراین لازم است که اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی، از همکاری با احزاب و گروه‌هایی که دارای دیدگاه‌های متضاد با ارزش‌های دموکراتیک هستند، خودداری کند و بجای آن به دنبال ائتلاف‌های گسترده‌تر و متنوع‌تر باشد. سوی این‌که عمر احزاب سیاسی در قدرت در جامعه‌های دموکرات محدود و دوره‌ای است.

**ضرورت حفظ مواضع معتدل و میانه‌رو**  
در شرایط کنونی، حفظ مواضع معتدل و میانه‌رو در روابط بین‌الملل برای اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی از اهمیت بالایی برخوردار است. جهان به سرعت در حال تغییر است و موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی کشورها

● برای موفقیت در مبارزه برای دموکراسی و آزادی در ایران، اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی باید به همکاری با کشورهای مختلف و نه تنها احزاب و شخصیت‌های راست بلکه به مجموعه‌ای از احزاب و شخصیت‌ها از طیف‌های متفاوت سیاسی حاضر در مجالس قانونگذاری کشورهای دموکرات توجه ویژه‌ای داشته باشد. همچنین حفظ مواضع معتدل و میانه‌رو در روابط بین‌المللی می‌تواند به تقویت موقعیت اپوزیسیون و جلب حمایت‌های گسترده‌تر کمک کند. این نوع رویکرد نه تنها به افزایش اعتبار و مشروعیت اپوزیسیون در سطح بین‌المللی منجر می‌شود، بلکه می‌تواند به ایجاد فضای مناسب‌تری برای گذار به دموکراسی و تحقق آرمان‌های مردم ایران کمک نماید.

**بهرام فرخی - در شرایطی که ایران با چالش‌های جدی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مواجه است، نقش اپوزیسیون و رهبری آن بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند. چهره‌ی برجسته در این زمینه، شاهزاده رضا پهلوی است که به عنوان نماد مبارزه برای دموکراسی و آزادی برای بخشی از مردم در ایران شناخته می‌شود. اما برای موفقیت در این مبارزه، لازم است که ایشان و اپوزیسیون تحت رهبری او، استراتژی‌های هوشمندانه‌ای را اتخاذ کنند. در این مقاله سعی می‌کنم به بررسی لزوم همکاری اپوزیسیون با کشورهای مختلف دموکرات در کلیت آنها و نه تنها بخشی از احزاب سیاسی به‌خصوص احزاب راست و راست افراطی و همچنین حفظ مواضع معتدل و میانه‌رو در روابط بین‌المللی بپردازم.**

**اهمیت همکاری با کشورهای مختلف**  
تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اپوزیسیون‌های موفق، آنهایی هستند که توانسته‌اند حمایت بین‌المللی گسترده‌ای را جلب کنند. در این راستا، همکاری با کشورهای مختلف و نه تنها بخشی از احزاب، می‌تواند به تقویت موقعیت اپوزیسیون در عرصه بین‌المللی کمک کند. جهان امروز به شدت پیچیده و چندقطبی شده است و متکی بودن به یک جناح یا دسته خاص از این کشورها، می‌تواند منجر به انزوای سیاسی برای اپوزیسیون دموکرات شود. بنابراین ضروریست که اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی، روابط خود را با تمامی کشورها، از جمله کشورهای دموکرات در اروپا، آمریکا، آسیا و همچنین کشورهای آمریکای لاتین گسترش دهد.



# آیا بازگشت احتمالی ترامپ به کاخ سفید بر ایران تأثیری خواهد داشت؟



● در اینکه بازگرداندن تحریم‌ها به جامعه‌ی ایران فشار می‌آورد و مردم را در مقابله با جمهوری اسلامی ضعیف‌تر می‌کند یا اینکه تحریم‌ها برای تضعیف جمهوری اسلامی ضروری‌اند جای مناقشه است. ولی آیا ترامپ با هرگونه توافقی با جمهوری اسلامی مخالف است یا فقط با توافقی‌هایی که خود او مذاکره نکرده است؟

● آخرین بار که ترامپ در کاخ سفید بود، و حتی زمانی که جان بولتون را به عنوان مشاور امنیت ملی خود داشت، سیاست او «تغییر رفتار، نه تغییر رژیم» بود، همان سیاستی که رضا پهلوی در سخنرانی خود در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» به عنوان «ساده‌لوحی» محکوم کرد. بنابراین اگر انتظار تغییر رفتار جمهوری اسلامی در واکنش به فشارهای خارجی ساده‌لوحانه است، پس دوران ریاست جمهوری ترامپ نیز در این ساده‌لوحی گناهکار بوده است. ● انتقاد او از زمامداران واشنگتن از جمله از بیل کلینتون یا جو بایدن این بود که آنها بیش از حد بر کشورهای دیگر تمرکز کردند و (ظاهراً) آنها را مقدم بر آمریکا قرار داده‌اند (اول آمریکا!). شاید بهتر باشد به ایرانیانی که به ترامپ برای کمک به روند آزادخواهی در ایران امید بسته‌اند توصیه کرد که چشم خود را فقط به مردم داخل کشور بدوزند. از دیگ ترامپ آبی برای مردم ایران گرم نمی‌شود.

اسلامی در ازای محدودیت‌های خاص در برنامه‌های هسته‌ای یا فعالیت‌های منطقه‌ای رژیم می‌شد.

آخرین بار که ترامپ در کاخ سفید بود، و حتی زمانی که جان بولتون را به عنوان مشاور امنیت ملی خود داشت، سیاست او «تغییر رفتار، نه تغییر رژیم» بود، همان سیاستی که رضا پهلوی در سخنرانی خود در کنفرانس «محافظه‌کاری ملی» به عنوان «ساده‌لوحی» محکوم کرد. بنابراین اگر انتظار تغییر رفتار جمهوری اسلامی در واکنش به فشارهای خارجی ساده‌لوحانه است، پس دوران ریاست جمهوری ترامپ نیز در این ساده‌لوحی گناهکار بوده است.

پیش‌بینی دوره‌ی احتمالی دوم ترامپ آسان نیست. اما نکات قابل توجهی وجود دارد که نباید از نظر دور داشت. یکی از آنها گزینه ترامپ برای معاونت خود در جی. دی ونس است که از حمایت بایدن از تغییر رژیم در عراق در سال ۲۰۰۳، که طی آن صدام سرنگون شد، انتقاد کرده است. جالب است که دیوید فروم سخنرانی نویسن سابق جرج دبلیو بوش، که «ایران» را به عنوان بخشی از «محور شرارت» در سخنرانی معروف او در ژانویه ۲۰۰۳ گنجانده، الان از منتقدان فعال و سرسخت ترامپ به عنوان یک «انزواطلب» است. او و دیگر «ثوکان»‌های حزب جمهوریخواه که زمانی به دنبال صادر کردن لیبرال دموکراسی به گوشه و کنار جهان بودند حالا از منتقدین جدی ترامپ برای مماشات در برابر پوتین هستند.

با وجود لفاظی‌ها، دونالد ترامپ (اگر به چیزی متعهد باشد) متعهد به جهان‌بینی که در آن آمریکا مسئول نگه داشتن نظم با مأموریت صدور لیبرال دموکراسی در سراسر جهان است، نیست. انتقاد او از زمامداران واشنگتن از جمله از بیل کلینتون یا جو بایدن این بود که آنها بیش از حد بر کشورهای دیگر تمرکز کردند و (ظاهراً) آنها را مقدم بر آمریکا قرار داده‌اند (اول آمریکا!). شاید بهتر باشد به ایرانیانی که به ترامپ برای کمک به روند آزادخواهی در ایران امید بسته‌اند توصیه کرد که چشم خود را فقط به مردم داخل کشور بدوزند. از دیگ ترامپ آبی برای مردم ایران گرم نمی‌شود.

در دوران ریاست جمهوری او، «ایران شکسته شده بود... ایران پول نداشت»، گویی تحریم‌ها در دوران بایدن برداشته شده و ثروت‌ها به کشور سرازیر شده‌اند. او ادامه داد که اگر در سال ۲۰۲۰ دوباره انتخاب شده بود، به گفته وی، «اگر در انتخابات تقلب نمی‌شد، (با) آنها ظرف یک هفته به توافق می‌رسیدم، من به شرط «عدم سلاح هسته‌ای» توافق می‌کردم.» او گفت: «من معامله بزرگی با آنها انجام می‌دادم - به شرطی که سلاح هسته‌ای نداشته باشند.» او این ادعا را در همایش انتخاباتی حزب جمهوریخواه نیز تکرار کرد و گفت «ایران آماده‌ی معامله با ما بود تا اینکه ما آن نتیجه‌ی بد انتخابات (۲۰۲۰) را داشتیم.» این صحبت‌ها نشان می‌دهد که با وجود لفاظی‌هایی که بایدن را به نرمش نسبت به «ایران» متهم می‌کند، ترامپ مانند حامیان ایرانی‌اش مشکل اساسی با موجودیت جمهوری اسلامی ندارد. او حتی تفاوت مفهومی و زبانی بین «ایران» و «جمهوری اسلامی» قائل نمی‌شود.

کیم دریک سفیر سابق بریتانیا در واشنگتن، در یادداشت‌های دیپلماتیک فاش شده خود به دولت که منجر به برکناری او شد نوشته بود که ترامپ توافقی هسته‌ای را «به خاطر دشمنی با اوباما» و به دلایل شخصی لغو کرد. درواقع، ترامپ در مبارزات انتخاباتی دوره‌ی اول بر موج خشم از زوال آمریکا و سوء مدیریت زمامداران وقت سوار شد و از برج‌های مثالی برای ادعای «کشورهای دیگر سر آمریکا کلاه می‌گذارند» ساخت و نه به خاطر خصومت ایدئولوژیک با اصل و اساس جمهوری اسلامی.

در همان مصاحبه بلومبرگ در ژوئن ۲۰۲۴، دونالد ترامپ از بایدن انتقاد کرد که هنوز موضوع را حل نکرده و گفت: «من به توافق هسته‌ای ایران پایان دادم که انجام آن بسیار مهم بود. احمقانه‌ترین معامله بود. مشکل اینجاست که بایدن هیچ کاری با آن انجام نداده. اما ما به توافق می‌رسیدیم.»

ما هرگز نخواهیم دانست که اگر ترامپ دوباره انتخاب شده بود، توافقی جدیدی برای جایگزینی برج‌های منعقد می‌کرد یا نه. اما از انتقادات او واضح است که به نظر می‌رسد مخالفت او با انجام معامله با تهران یک امر اصولی نیست حتی اگر توافق و معاملاتی که او حسرت نرسیدن به آنها را می‌خورد شامل دادن امتیازات خاصی به جمهوری

علی خسروی - دوران ریاست جمهوری ترامپ برای ایرانی‌ها عمده‌تاً دو خاطره‌ی مهم را تداعی می‌کند. اول، خروج ایالات متحده از برجام در هشتم ماه مه سال ۲۰۱۸ و دنبال کردن سیاست «فشار حداکثری» و تحریم‌های اقتصادی. دوم، مجوز دادن برای کشتن قاسم سلیمانی در سوم ژانویه سال ۲۰۲۰. برای حامیان جمهوری اسلامی (که تصور می‌شود اقلیتی رو به کاهش باشند)، خروج آمریکا از برجام و کشتن سلیمانی نشانه‌ی توجیهی برای دیدگاه آمریکاستیزانه‌ی آنها بود و به نفع «تندرو»ها در تهران تمام شد.

ولی مخالفین جمهوری اسلامی از هر دوی این اقدامات استقبال کردند و به نیکی از آنها یاد می‌کنند. استدلال آنها این است که برجام فضای تنفس بیشتری به جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم در داخل و تأمین مالی گروه‌های نیابتی در خاورمیانه فراهم کرد و خروج ترامپ از آن مفید بود. دوران فرماندهی قاسم سلیمانی بر نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (و معمار سیاست‌های منطقه‌ای تهران) را برخی به خاطر چمدان‌های دلاری که گفته می‌شود به حزب‌الله و دیگر عوامل نیابتی تحویل داده به یاد می‌آورند. برخی ایرانیان از دونالد ترامپ به خاطر ایستادگی در برابر جمهوری اسلامی یاد می‌کنند. برخی منتظر بازگشت او به کاخ سفید هستند. با این حال، آیا خوشبینی آنها موجه است؟ آیا دونالد ترامپ قصد دارد تغییر رژیم را در ایران دنبال کند یا حتی به ایرانیانی که به دنبال آن هستند کمک کند؟

در اینکه بازگرداندن تحریم‌ها به جامعه‌ی ایران فشار می‌آورد و مردم را در مقابله با جمهوری اسلامی ضعیف‌تر می‌کند یا اینکه تحریم‌ها برای تضعیف جمهوری اسلامی ضروری‌اند جای مناقشه است. ولی آیا ترامپ با هرگونه توافقی با جمهوری اسلامی مخالف است یا فقط با توافقی‌هایی که خود او مذاکره نکرده است؟ ترامپ در مصاحبه اخیر خود با بلومبرگ مدعی شد که

\*علی خسروی دانش‌آموخته تاریخ از آکسفورد

# مزدوران و پروژه‌بگیران در لباس اپوزیسیون مأموران رژیم علیه ملی‌گرایی و دموکراسی



تظاهرات پشتیبانی از انقلاب مردم ایران برای آزادی / گوتنبرگ سوئد / ۲۸ آبان ۱۴۰۱

بطور خلاصه در واقع مهم‌ترین راهکار گذر از چالش‌های فعلی توجه کامل به مطالبات خامنه‌ای در فضای مجازی است که در راس آن عمل به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است. در این بیانیه خامنه‌ای بر دو مسئله بسیار مهم یعنی شکست محاصره تبلیغاتی و امیدآفرینی به عنوان نخستین و موثرین عرصه جهاد در فضای مجازی و فضای حقیقی تأکید کرده است. (۲)

هر قدر که جمهوری اسلامی تلاش کند گذرگاه‌های اینترنت را کنترل کند باز هم مردم از کوجه پس‌کوجه‌های مجازی خود را به صحنه رسانده و شبکه‌های ارتباطی‌شان را به سرعت ترمیم می‌کنند. «مدل جنگ‌های اینترنتی حکومت هم مانند بازی‌های آنلاین یک مدل ثابت پیدا کرده و پیدا کردن راه حل‌های جایگزین برای نسل ما که در سانسور و محدودیت بزرگ شده‌ایم سخت نیست. تله‌های روانی مرتب از طرف ارتش سایبری به روزرسانی می‌شود و در نتیجه ما هم مرتب باید به‌روز بشویم که گول نخوریم.» (۳)

مزدور یا سرباز اجیر شده به نیروی نظامی یا شبه‌نظامی گفته می‌شود که بدون انگیزه‌های ملی یا ایدئولوژیک و فقط در برابر دریافت دستمزد به صورت پیمانکار جنگی یا جاسوسی برای اجرای عملیات خاص عمل می‌کند. در گذشته، وقتی با عبارت «مزدور صادراتی» روبرو می‌شدیم، شاید این گمان به ذهن می‌رسید که مخالفین راستین جمهوری اسلامی در مظان اتهام‌های بی‌پایه و اساس قرار می‌گیرند. اما امروزه آشکار شده که رژیم مشغول طراحی اپوزیسیون‌های موازی و جعلی است. اما این مزدورهای صادراتی چگونه کار می‌کنند؟

کاوه اردلان - نخست تأکید کنم که هدف این نوشتار این نیست که به دارندگان عقاید مخالف و همچنین به منتقدان افراد و جریان‌های سیاسی برجسب مزدور زده شود. تجربه نشان داده است که اداره اطلاعات سپاه هزینه حمله به اپوزیسیون را از خود مخالفان به اسم کمک به انقلابیون می‌گیرد! اما باید هوشیار بود و در برخورد با افرادی که خودشان را مبارز مستقل جا می‌زنند و سعی در سوء استفاده از نام و خون معترضین دارند، نهایت دقت را به عمل آورد و این مزدوران را منزوی کرد و از آنان فاصله گرفت. میدان نبرد جمهوری اسلامی با مخالفان راستین خود، در حال حاضر عمدتاً جنگ روانی و در فضای مجازی و رسانه‌هاست تا آنها هرگز با هم زیر یک چتر قرار نگیرند و علیه آن متحد نشوند.

«جهاد تبیین» که چندین بار از سوی خامنه‌ای اعلام و مورد تأکید قرار گرفته و اینکه امروزه با توجه به گسترش امکانات فضای مجازی و تبعات مثبت و منفی آن، باید از ظرفیت‌های این فضا در جهت «جهاد تبیین» به منظور مقابله با توطئه دشمن بهره برد. «جهاد تبیین» در فضای مجازی یک جریان جهادی از شبهات، اخبار جعلی و تحریف در سطح جامعه است. سازمان اطلاعات سپاه (ساس) در فضای مجازی از انواع ترندها و فناوری‌ها برای مهندسی ذهن، گمراهی و تحریف واقعیت استفاده می‌کند و در نتیجه آمادگی در عرصه جنگ نرم در فضای مجازی برای مقابله با آن حائز اهمیت است. (۱)

● گردان‌های ارتش سایبری به صورت فرقه‌ای عمل کرده و با هم رقابت شدید دارند. اکنون مهم‌ترین هدف گردان‌های سایبری فشار روانی بر قشر خاکستری جامعه و جلوگیری از گسترش دامنه مردمی اعتراضات است. همچنین برنامه جدید نیروهای سایبری ایجاد تزلزل در دل معترضان است. از جمله پیام‌های خاصی را توسط مزدوران سایبری خود بازنشر می‌کند مثلاً پست‌هایی است که دختران را از تجاوز می‌ترساند. پیام‌هایی که ظاهراً لحن مثبت دارند ولی هدف آنها وحشت افکندن در میان مخالفان است؛ به عنوان مثال می‌نویسند اگر از تجاوز نمی‌ترسیدم من هم به معترضان می‌پیوستم!

● اصرار بر دیده شدن و در نتیجه مخاطب بیشتر به دست آوردن با انتشار خبرهای زرد و شبه‌زرد و هویت جعلی دو عنصر دیگر فعالیت سایبری‌های گوناگون اعم از رژیم و یا گروه‌های مختلف با اهداف خاص مثلاً تخریب یک شخص یا جریان هستند.

● کلاب‌هاوس مکانی برای گفت‌وگو/ جریان‌سازی است و رژیم بطور هماهنگ نسبت به مدیریت و ایجاد الگوی رفتاری دروغین انقلابی اقدام نموده است و یک روحیه «آینه» در مخاطبان ایجاد می‌کند به این معنی که افراد فکر می‌کنند دارند اقدامی انجام می‌دهند ولی در عمل در اتاق‌هایی که ظاهراً چند هزار نفر در آن حضور دارند، مانند عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی نخ کنترل فکر و تحلیل و برداشت آنها از واقعیت جامعه در ایران، در دست سایبری‌های اتاق فکر در تهران است تا آنها را از واقعیت اجتماعی و سیاسی دور نگه دارد!



در اتاق‌هایی که ظاهراً چند هزار نفر در آن حضور دارند، مانند عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی نخ کنترل فکر و تحلیل و برداشت آنها از واقعیت جامعه در ایران، در دست سایبری‌های اتاق فکر در تهران است تا آنها را از واقعیت اجتماعی و سیاسی دور نگه دارد!

بگذارید موضوع را واکاوی کنیم؛ از زمانی که کلاب هاس تاسیس شد، جمهوری شیطانی به اهمیت این پلتفرم پی برد. چون مردم همزمان با همه‌گیری ویروس کرونا نیاز به سرگرمی داشتند و محتوای موجود با عنوان اتاق‌های مختلف جذاب بود. من از نخستین ایرانیانی بودم که عضو شدم و می‌دیدم که بوی توطئه در کار است و بیشتر اتاق‌ها توسط مهره‌های حکومتی، اصلاح‌طلبان اداره می‌شود که کاملاً مشهود بود. دو نفر که صاحب اتاقی بودند نظر مرا جلب کردند. در اول شنونده احساس می‌کرد صاحبان اتاق افرادی پادشاهی‌خواه و ضد رژیم هستند و در راستای انقلاب مهسا حرکت می‌کنند اما این پوششی بود برای انحراف مسیر انقلاب و گفتمان گذر از رژیم؛ در واقع این دو شخص داشتند سناریوهای اطلاعاتی حکومت را اجرا می‌کردند.

آنها مباحثی را در اتاقشان مطرح می‌کردند مثلاً با عنوان «چگونه نفوذی‌های جمهوری اسلامی را شناسایی کنیم» ولی پروژه آنها صرفاً معرفی مزدوران سوخته جمهوری اسلامی در فضای مجازی بود! در این اتاق همچنین با کسانی که قبلاً جزو فرقه رجوی بودند ابتدا همکاری کرده و سپس آنها مورد حمله قرار دادند. در بین عناوین اتاق‌های خود به مخالفان آزادیخواه رژیم و کسانی که فعالیت علیه جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند نیز پرداختند ولی وظیفه اصلی آنها اجرای طرح ۱۰ به ۹۰ بود یعنی ۹۰ درصد در جهت اهداف آنها بود که در عمل فقط مهره‌های سوخته را به ظاهر افشا می‌کردند و فقط ۱۰ درصد فعالین انقلاب «زن- زندگی- آزادی» معرفی می‌شد!

اقدامات دیگر این اتاق‌ها اما عمدتاً اینها بودند:

- ۱- دامن زدن به بی‌اعتمادی و تردید و نسبت دادن رسوایی‌های دروغین به میهن‌پرستان
- ۲- سرگرم ساختن نیروها، دامن زدن به پراکندگی و سوزاندن انرژی معترضان
- ۳- ایجاد ارباب و قلدری و نشان دادن چهره‌های خشن و فحاش از پادشاهی‌خواهان (فحاشی جنسی به افراد و خانواده اشخاص و حتی کودکان)
- ۴- ایجاد تردید و وحشت در بخش خاکستری جامعه
- ۵- سوء استفاده از عکس‌های خصوصی و خانوادگی همه افرادی که قرارتست مورد حمله قرار بگیرند
- ۶- دریافت هزاران دلار از افراد فعال اپوزیسیون به بهانه‌های مختلف و دروغ

و... باید هوشیار بود.

\*کاوه اردلان دانش‌آموخته و کارشناس رشته‌های شهرسازی و اقتصاد و ساکن کالیفرنیا است.

و مالی دارند بهترین طعمه برای اطلاعات سپاه هستند. ۴. افرادی که درآمدی پایین دارند و کسانی که در ایران سرمایه یا تعلق خاطر و خانواده دارند.

تله روانی و دستکاری کردن باورهای مردم از ویژگی‌های بارز نظام‌های ایدئولوژیک و تمامیت‌خواه است. اما این روش در فضای مجازی و به ویژه در ایام اخیر به چه شکل خودش را نشان می‌دهد؟

مرور سندهایی که توسط گروه هکری «بلک‌ریوارد» که بخش‌هایی از آن با هشتگ فارس- گیت منتشر شده، روش‌های جدید این نوع تله‌های روانی توسط نیروهای سایبری جمهوری اسلامی را تا حدی افشا می‌کند و نشان می‌دهد که گردان‌های ارتش سایبری به صورت فرقه‌ای عمل کرده و با هم رقابت شدید دارند. آنها با اشاره به مذاکرات جلسه محرمانه جانشین فرمانده بسیج در مورد ایجاد اختلاف بین رسانه‌های خارج کشور می‌گوید پروژه‌هایی که روی یک جریان مشخص سیاسی و یا رسواسازی‌های آنلاین متمرکز است از همان الگوهای امنیتی اطلاعاتی موازی پیروی می‌کند. اکنون مهم‌ترین سلاح گردان‌های سایبری فشار روانی بر روی قشر خاکستری جامعه و جلوگیری از گسترش دامنه مردمی اعتراضات است. (۴)

«برنامه جدید نیروهای سایبری ایجاد تزلزل در دل معترضان است». از جمله پیام‌های خاصی را توسط مزدوران سایبری خود بازنشر می‌کند مثلاً پست‌هایی است که دختران را از تجاوز می‌ترساند. پیام‌هایی که ظاهراً لحن مثبت دارند ولی هدف آنها وحشت افکندن در میان مخالفان است؛ به عنوان مثال می‌نویسند اگر از تجاوز نمی‌ترسیدم من هم به معترضان می‌پیوستم.

اصرار بر دیده شدن و در نتیجه مخاطب بیشتر به دست آوردن با انتشار خبرهای زرد و شبه‌زرد و هویت جعلی دو عنصر دیگر فعالیت سایبری‌های گوناگون اعم از رژیم و یا گروه‌های مختلف با اهداف خاص مثلاً تخریب یک شخص یا جریان هستند. (۵)

این روزها ارتش سایبری تمرکز بیشتری روی روایت‌سازی‌های انرژی‌بر دارد: «یکی از تئوری‌های بخش مجازی جهاد تبیین این است که بطور مستقیم رژیم جمهوری اسلامی را تبلیغ کنند ولی چون فضای سوشیال مدیا ضد جمهوری اسلامی است، شانس خیلی کمتری دارند. بنابراین بطور غیرمستقیم خود را در قامت اپوزیسیون و برانداز و مخالف نشان می‌دهند و به تکثیر و تعمیق روایت‌هایی می‌پردازند که انحرافی هستند و باعث می‌شود قدرت حرکت کمتر شود.» (منبع ۳) حداقل تلاش می‌بایست شناسایی این افراد/اکانت‌ها و دور کردن آنها از سامانه پادشاهی باشد.

**نمونه کار: پروژه مشترک اطلاعات عملیات در کلاب‌هاوس و سایر پلتفرم‌ها**

کلاب‌هاوس مکانی برای گفت‌وگو/جریان‌سازی است و رژیم بطور هماهنگ نسبت به مدیریت و ایجاد الگوی رفتاری دروغین انقلابی اقدام نموده است و یک روحیه‌ی «آینه» در مخاطبان ایجاد می‌کند به این معنی که افراد فکر می‌کنند دارند اقدامی انجام می‌دهند ولی در عمل

منابع:

۱- مزدوران صادراتی یا اپوزیسیون صادراتی چه مشخصاتی می‌توانند داشته باشند؟

۲- نامی، محمدحسن و شامی، ابوالفضل (۱۳۹۹)، فصل چهارم جهاد تبیین؛ تهران: زیتون سبز  
www.internetworldstats.com. Emarketing.htm (2010); Internet Growth Statistics

۴- محب‌بویه عباسقلی‌زاده در گفتگو با فعالان و متخصصان، نگاهی انداخته به روش‌های نیروهای سایبری جمهوری اسلامی که به ویژه در ایام اعتراضات حضور ویژه‌ای در شبکه‌های اجتماعی دارند.

۵- باکاک رابرت (۱۳۹۶)، فضای مجازی انتشارات شیرازه

➔ مزدور خودفروخته‌ای، با گذشته و سابقه مشخص، با ظاهر فریبنده برای این کار اجبر می‌شود و با چند انتقاد محتاطانه وارد جمع‌های اپوزیسیون و مخالفین می‌شود و سعی می‌کند با کمک رسانه‌های رژیم و ترفندهای عوام‌فریبانه، به عنوان یک چهره مستقل و مخالف رژیم مطرح شود. این مزدوران مأموریت خاصی دارند و نباید انتظار داشت که از ابتدا علناً از جمهوری اسلامی حمایت کنند. شرایط اقتضا می‌کند که گذشته خودشان را کنار بگذارند و در قالب یک هویت جدید، به عنوان اپوزیسیون معرفی شوند. آنها حتی به شخص خامنه‌ای و خمینی هم فحش می‌دهند چون پروژه آنها مهمتر است و آن ایجاد انشقاق و مشغول کردن مخالفین به مسائل حاشیه‌ای و انحرافی است تا رژیم در سایه آن کار خود را پیش ببرد.

### روش‌های مزدوران اپوزیسیون‌ها

**تزریق ایدئولوژی‌های پوسیده و خائنانسوز جمهوری اسلامی** مانند آمریکاستیزی، اسرائیل‌ستیزی، بهایی‌ستیزی، پادشاهی‌ستیزی و... این ایدئولوژی‌ها با پوشش «وطن‌پرستی» و «حمایت از مردم ایران» به مخاطبین خوراند می‌شوند. مثلاً عده‌ای به ظاهر مخالف، به صورت مستمر و هماهنگ علیه آمریکا و اسرائیل تبلیغ می‌کنند و مخالفین را به دریافت پول متهم می‌کنند.

**لجن‌پراکنی و اتهام زدن و پرونده‌سازی علیه فعالین اپوزیسیون** بخش دیگری از مأموریت مزدوران اپوزیسیون‌هاست که پس از آنکه مورد توجه قرار گرفتند، خودشان را به عنوان اپوزیسیون واقعی معرفی می‌کنند و به مخالفین جمهوری اسلامی و فعالین اپوزیسیون که سال‌ها پیش از آنها در صحنه حضور داشته‌اند برچسب «جعلی» می‌زنند و علیه شخصیت‌های شناخته‌شده و مؤثر اپوزیسیون دروغ‌پراکنی و پرونده‌سازی می‌کنند. اتهامات این مزدوران معمولاً حول تجزیه‌طلبی، جنگ‌طلبی و دریافت پول از دولت‌های خارجی خلاصه می‌شود.

**تزریق شک و ترس و بی‌اعتمادی و ناامیدی به توده‌های مردم** از مهم‌ترین مأموریت‌های اینان است. رژیم از ایجاد تیم‌های اپوزیسیون‌های موازی به دنبال ایجاد شک و تردید در مردم برای مبارزه با جمهوری اسلامی است تا مردم را نسبت به مخالفین رژیم بدبین و نسبت به ادامه راه ناامید کند. مزدوران در این راستا ممکن است به تبلیغات روانی و احساسی دست بزنند و مردم را از اعتراضات منصرف کنند.

**طعمه‌ها برای مزدوری معمولاً از میان چه گروه‌هایی انتخاب می‌شوند؟**

۱. مهاجرین کار، ازدواج یا سرمایه‌گذاری: این دسته تا حدی خطرناک و مرگبار هستند چون از لحاظ مالی گروه‌های دیگر را پشتیبانی می‌کنند و خود را بی‌طرف و بی‌تفاوت نشان می‌دهند.
۲. دانشجویان: برای کسب علم و پایداری نظام و ایجاد تفرقه و تأسیس گروه‌ها و انجمن‌های پوششی اجبر شده‌اند و بعد از اتمام تحصیل به کشور برمی‌گردند و در وزارتخانه‌ها مشغول به کار می‌شوند.

۳. پناهندگان سیاسی دروغین: ایندسته با ارائه کیس‌های پناهندگی سیاسی دروغین و داشتن اقامت دائم به صورت فردی و علنی به اپوزیسیون و مخالفین می‌تازند و با رنگ عوض کردن خود را به عنوان مخالف جا می‌زنند و به تخریب مخالفین و اپوزیسیون‌های واقعی می‌پردازند. افرادی که جواب منفی برای اقامت دارند و کسانی که مشکلات روحی

## نقش میانجی‌ها در حل مناقشات و تخفیف تنش‌ها

● الهه امانی پژوهشگر جامعه مدنی و حقوق زنان: «با وجود شکاف‌ها و تضادهای سیاسی در اپوزیسیون ایران، بسیاری هم نکات و نقطه نظرات مشترک در حیطه کلام وجود دارد، از جمله در مورد وضعیت بسیار اسفناک اقتصادی، اختلافات فاحش طبقاتی، شکاف‌های عقیدتی و فرهنگی، خواست مردم برای تغییر رژیم و لزوم گذار خشونت‌پرهیز از جمهوری اسلامی در جهت رسیدن به دموکراسی و حکومت مبتنی بر حقوق بشر و... همه اینها واژه‌ها و عبارات مشترکی هستند که ما از هر دو جبهه سلطنت‌طلبان و نیروی‌های جمهوریخواه می‌شنویم.»

● رویکرد من به شکاف بین نیروهای سلطنت‌طلب و جمهوریخواه آنست که در وهله اول باید روی اعمال مدیریت و تخفیف دادن تنش‌های موجود در درون این دو جبهه متمرکز شویم تا از شرایط ناسالم حاکم بر دو جبهه رها شویم. برای کسانی که از دور شاهد قضایا هستند واقعاً گیج‌کننده است و آنها دلیل این تفاوت‌ها و تنش‌های درونی بین این نحل‌های جمهوریخواه و سازمان‌های مختلف پادشاهی‌خواه را نمی‌فهمند.»

الهه امانی در حوزه جامعه مدنی و حقوق زنان از چهره‌های فعال ایرانی در خارج کشور است. وی که به عنوان فعال دانشگاهی، پژوهش‌ها و تالیفات و سخنرانی‌های زیادی در همین حوزه داشته است، چندی پیش یک سخنرانی آنلاین با عنوان «چرا میانجی‌گران تسهیل‌کننده تحولات اجتماعی و حقوق بشری هستند» به زبان انگلیسی داشت که در تاریخ ۱۹ ژوئن از طرف نهادی وابسته به National Association of Community Mediation (NAFCM) که الهه امانی عضو هیئت مدیره آن است برگزار شد.

سخنران در یادداشتی برای دنبال‌کنندگان فارسی‌زبان در شبکه‌های اجتماعی، پیش از برگزاری سخنرانی تاکید کرده بود که هرچند این سخنرانی به زبان انگلیسی است ولی دربرگیرنده مسائلی است که در مورد جامعه ایرانی هم صادق هستند و در پرتو آنها مسائل و مشکلات جامعه ایرانی را بهتر و عمیق‌تر می‌توان شناخت.

در ادامه پس از گزارش کوتاهی از این سخنرانی گفتگوی کیهان لندن با الهه امانی را می‌خوانید.

الهه امانی بحث خود را از چرایی انتخاب این موضوع برای سخنرانی شروع کرد. او گفت که حقوق بشر، دموکراسی و جامعه مدنی، که ستون فقرات دموکراسی و حاکمیت قانون به شمار می‌روند، امروزه با چالش‌های مهم و جدی مواجه هستند. در عین حال، سرعت تغییر و تحولات اجتماعی هم در مقایسه با گذشته بسیار بالا رفته است. در نتیجه ما شاهد قطب‌بندی و افزایش تنش‌ها و کشمکش‌ها در سطح محلی، ملی و جهانی هستیم. این شکاف‌ها و تنش‌ها از عوامل زیرین ناشی می‌شوند:

نابرابری‌های اقتصادی و شکاف طبقاتی بین ثروتمندان و فقرا در همه کشورها که در چند دهه اخیر هم ابعاد وسیعی یافته است. گسترش شکاف بین جنوب و شمال اقتصادی در دنیا و عمومیت یافتن مهاجرت و تغییر الگوهای آن. افزایش فوق‌العاده جابجایی انسان‌ها و تمایل شدید به مهاجرت به شمال اقتصادی یا کشورهای امن و پابتاب که به نوبه خود باعث افزایش تنش‌ها و شکاف‌های اجتماعی در جوامع میزبان غربی شده است.

پیشرفت‌های عظیم در فناوری کانال‌های ارتباطی مدرن، شبکه‌ها و رسانه‌های اجتماعی که به اشکال و میزان مختلف



در ایجاد و تشدید قطب‌بندی در جامعه و در عرصه جهانی موثر است. پدیده «جهانی شدن» هم در چند دهه اخیر در گسترش و تسریع تغییر و تحولات اجتماعی نقش مهم و روزافزونی پیدا کرده است.

تغییرات در روندهای جمعیت و افزایش شهرنشینی است. گسترش و افزایش سرعت تغییر و تحولات اجتماعی و نیز تغییر در ساختار خانواده و تحول در نقش‌های جنسیتی سابق و سنتی و همچنین پیشرفت‌های علمی و پزشکی در این دوران از عوامل دیگری هستند که به شکاف‌های اجتماعی دامن می‌زنند.

سخنران به دنبال برشمردن این عوامل به برآمد و تشدید افراط‌گرایی در سیاست، در هویت‌طلبی نژادی و قومیتی، و هویت‌طلبی دینی و مذهبی پرداخت که به تشدید قطب‌بندی و شکاف‌های اجتماعی و مناقشات منجر می‌شود. وی در ادامه تاکید کرد که صحبت از میانجی و تسهیل‌کننده لزوماً بدین معنا نیست که آنها می‌توانند مناقشات و کشمکش‌ها را به سادگی و فوری حل کنند. بلکه منظور مدیریت مناقشات و تنش‌ها و تبدیل و ارتقاء آنها به سطوح بالاتر به وسیله تقویت و تحکیم حس پیوند و تقویت نهادهای مختلف جامعه مدنی است. در این میان نقش میانجی‌ها در جامعه مدنی که شامل سازمان‌ها و گروه‌هایی است که از حقوق بشر دفاع می‌کنند، بسیار مهم است و می‌تواند تسهیل‌کننده تغییر و تحولات اجتماعی و دفاع از دموکراسی باشد.

ناگفته نماند که پیشرفت‌های عظیم و انقلاب‌های دیجیتال در فن‌آوری اطلاعات بسیاری از مردم را به شدت نگران کرده زیرا بیم آن می‌رود که هوش مصنوعی بخش اعظمی از نیروی کار را از بازار بیرون کند. این پدیده به نوبه خود به قطب‌بندی اقتصادی و تضاد بین دنیای کارفرمایان و کارمندان و کارگران در جامعه کمک می‌کند.

در این میان تاثیر و نقش پاندمی کووید را نیز نباید فراموش کرد که در مناطقی که سطح بهداشت عمومی پایین است، یعنی بیشتر در کشورهای فقیر، به تلفات سنگینی منجر شده و قطب‌بندی‌های جهانی را تشدید کرده است. بر اثر تمام این عوامل است که دموکراسی و حقوق بشر در

معرض تهدید و خطر واقعی قرار گرفته و این امر، چنانکه گفته شد، ضرورت درگیر شدن میانجی‌ها و تسهیل‌کنندگان در مناقشات را دوچندان می‌کند زیرا آنها به فعالین جامعه مدنی کمک می‌کنند تا گروه‌ها و سازمان‌های منسجم خود را به وجود آورند و در ادامه بین آنها همگرایی به وجود آورده و شبکه‌سازی کنند. شبکه‌ها باعث تحرک اجتماعی از جمله در عرصه مبارزات زنان و فعالان محیط زیست می‌شوند. ولی بیشتر شبکه‌های بزرگ که برای کارزارهای گوناگون ایجاد شده‌اند امروزه با مشکلات بزرگی روبرو و در عین حال عاجز از مدیریت شکاف‌های موجود هستند. سخنران تاکید کرد که منافع موجود در حلقه اصلی قدرت در این گروه‌ها نقش مهمی در روابط درون‌گروهی و حتی روابط بین افرادی که دارای تفکر مشابه هستند، ایفا می‌کند.

● خانم امانی، می‌دانیم که شکاف واقعی بین دو گرایش سیاسی جمهوری‌خواهان و طرفداران پادشاهی در سپهر سیاسی ایران وجود دارد. آیا به نظر شما میانجی‌ها و تسهیل‌کنندگان می‌توانند در این وضعیت نقش مثبت ایفا کنند؟

- من معتقدم که با وجود شکاف‌ها و تضادهای سیاسی در اپوزیسیون ایران، بسیاری هم نکات و نقطه نظرات مشترک در حیطه کلام وجود دارد، از جمله در مورد وضعیت بسیار اسفناک اقتصادی، اختلافات فاحش طبقاتی، شکاف‌های عقیدتی و فرهنگی، خواست مردم برای تغییر رژیم و لزوم گذار خشونت‌پرهیز از جمهوری اسلامی در جهت رسیدن به دموکراسی و حکومت مبتنی بر حقوق بشر و... همه اینها واژه‌ها و عبارات مشترکی هستند که ما از هر دو جبهه سلطنت‌طلبان و نیروی‌های جمهوریخواه می‌شنویم.

باید در عین حال در نظر داشته باشیم که نیروهای تشکیل‌دهنده این دو جبهه کاملاً همگون و همدست نیستند. در میان سلطنت‌طلبان ما تعدد نظرات و مواضع را داریم که حتی با خشونت کلامی نسبت به همدیگر همراه است. این امر در مورد نیروهای جبهه جمهوریخواهان هم که خود کم با آنها بیشتر آشنا و همراه هستیم نیز صادق است. تا جایی که من دنبال کرده‌ام نحل‌های جمهوریخواهی مختلفی در سپهر سیاسی ایران وجود دارد. در صحبت با یکی از دوستان دست‌اندرکار، گفتند که ممکن است ←



بیشتر از هفت نخله هم باشند.

رویکرد من به شکاف بین نیروهای سلطنت طلب و جمهوریخواه آنست که در وهله اول باید روی اعمال مدیریت و تخفیف دادن تنش‌های موجود در درون این دو جبهه متمرکز شویم تا از شرایط ناسام حاکم بر دو جبهه رها شویم. برای کسانی که از دور شاهد قضایا هستند واقعاً گیج‌کننده است و آنها دلیل این تفاوت‌ها و تنش‌های درونی بین این نخله‌های جمهوریخواه و سازمان‌های مختلف پادشاهی‌خواه را نمی‌فهمند.

بنابراین فکر می‌کنم که ابتدا جبهه سلطنت‌طلبان و نیروهای جمهوریخواه باید یک‌صدا و منسجم شوند یا ائتلافی بین‌شان وجود بیاید تا یک پیام را به طرف مقابل و جامعه بزرگتر بدهند.

در اینجا زبان و لحنی که عناصر و گروه‌های داخل این جبهه‌ها در برابر هم استفاده می‌کنند مهم است. در حال حاضر این ارتباط همراه است با خشونت لفظی شدید. در تلویزیون‌های لس آنجلسی نیز از چنین زبانی در مقابل هم استفاده می‌کنند. باید این زبان در درجه اول در درون هر یک از این دو جبهه و سپس در گفتگوهای بین این دو جبهه متحول گردد تا در فضایی آرام و محترمانه دلایل هرکدام از طرفین شنیده و امتحان شود که در کدام سو می‌تواند قرار گیرد.

امروزه نگاه بیشتر طرفداران جوان پادشاهی به گذشته ایران همراه است با نوعی رمانتیسیم که واقعیت‌های سیاسی آن دوره، از جمله نبود دموکراسی و عدم رعایت موازین حقوق بشری را نادیده می‌گیرند و این بیشتر به دلایل شرایط اسفناک و پُرخشونتی است که جمهوری اسلامی با روی کار آمدنش برای همه ایرانیان به وجود آورده است.

ما امروزه با یک نظام بغایت مستبد و خشن مواجه هستیم که بطور روزافزون به خشونت و استبداد بیشتر سمت و سو پیدا کرده است. حتی شماری از باورمندان به اسلام این نظام را اسلامی نمی‌دانند هرچند که تعابیر مختلفی از اسلام و هر دین دیگر وجود دارد.

ما امروزه باید استراتژی‌های آینده‌نگر برای گذار از جمهوری اسلامی طرح‌ریزی کنیم. خام‌اندیشانه است که به دولت‌ها و شخصیت‌های سیاسی خارجی امید ببندیم که به ما در براندازی جمهوری اسلامی کمک خواهند کرد. من به چنین برخوردی اساساً معتقد نیستم و فکر می‌کنم که گذار از جمهوری اسلامی باید با اتکا به نیروی مردم خود ایران و نیروهای دموکراتیک و باورمند به حقوق بشر و به صورت خشونت‌پرهیز صورت گیرد.

● البته در نظر بگیرید که مثلاً در میان «جمهوریخواهان» نیروهایی هستند که تنها اسماً به دموکراسی و حقوق بشر اعتقاد دارند. در دیدگاه برخی از آنها، این حزب و یا نیروی پیشتاز و پیشواست که برای مردم تصمیم‌گیری می‌کند و از جمله رئیس‌جمهور منصوب می‌کند؛ مثلاً خود جمهوری اسلامی و یا مجاهدین خلق. نیروهایی هم هستند که اعتقاد عملی و راستین به دموکراسی و حقوق بشر دارند. در اینباره نظراتان چیست؟

- من براین باور هستم که این اندیشه مطلق و جزم‌گرا مبنی بر اینکه تو یا با من هستی و یا علیه من، سَمی است علیه همگرایی، همگامی و ایجاد همبستگی. گفتم که در هر یک از این اردوگاه‌ها طیفی از نظرات وجود دارد. به نظر من نیروهای معتدل در هر یک از این اردوگاه‌ها باید هوشمندانه و با دیدی استراتژیک عناصر و نیروهایی را که دچار مطلق‌اندیشی و افراط‌گرایی هستند، منزوی و طرد کنند. به این ترتیب، نیروهای معتدل در هر یک از این اردوگاه‌ها احتمالاً راحت‌تر می‌توانند وارد دیالوگ همدلانه با هم بشوند و به توافق‌هایی برسند. ولی در حال حاضر،

با توجه به قطب‌بندی شدید در سپهر سیاسی ایران، این دیالوگ نمی‌تواند برقرار شود و بدون خنثی ساختن نیروهای جزم‌گرا این دو قطب بیشتر از همدیگر فاصله خواهند گرفت. در همین رابطه بر این عقیده هستم که هرچند در دوران پادشاهان پهلوی استبداد سیاسی حاکم بوده ولی کارهای باارزشی از جمله نهادسازی‌های مهمی صورت گرفته که باید نیروهای جمهوریخواه و ملی و چپ هم با نگاهی باز و عینی به این کارهای اساسی و از جمله کشف حجاب، که هرچند با درجه‌ای از اجبار هم همراه بود، نگاه کنند.

من مسائل سیاسی ایران و ایرانیان را دنبال می‌کنم و متوجه شده‌ام که دلیل دیگری که باعث عدم همگونی در درون دو خانواده سیاسی می‌شود تسلط نوع ارتباطی است که از جنس مناظره است و نه دیالوگ. در مطالعات ارتباط‌شناسی تفاوت زیادی بین این دو مفهوم وجود دارد. در مناظره یکی می‌بازد و یکی برنده می‌شود. در حالی که در دیالوگ بازنده و برنده وجود ندارد. دیالوگ برای ایجاد پل میان دو قطب و برای دست همدیگر را فشردن است. من متوجه شده‌ام که بیشتر کسانی که صحبت از همبستگی می‌کنند، درواقع صحبت از با من شدن و پذیرش مواضع و دیدگاه‌های خودشان می‌کنند. در نتیجه باید یک کارزار ریشه‌ای و وسیع برای فرهنگ‌سازی نوین در این رابطه راه انداخت و پیگیرانه دنبال کرد تا به نتیجه برسیم. دیالوگ همدلانه نوع ارتباطی است که جای خالی آن در فرهنگ



الیه امانی

سیاسی ایران به شدت دیده می‌شود.

در اینجا می‌خواهم عواملی را که با به کار بستن آنها این نیروها می‌توانند به درجه‌ای انسجام درونی و همبستگی برسند، فهرست‌وار برشمرم:

۱- بر منافع مشترک تاکید شود که شامل تقویت نهادهای دموکراتیک، تقویت دیالوگ درونی و تاکید بر هدف مشترک است. این امر در میان جمهوریخواهان خواست جمهوری دموکراتیک و سکولار است که برخی به آن لائیک را هم اضافه می‌کنند. این وجوه مشترک باید برجسته شود. این نگاه باید «جایگزین اختلاف من با شما چیست» شود. به این ترتیب است که اعتماد و همبستگی اولیه به وجود می‌آید تا در پرتو آن اهداف مشترک برجسته شوند.

۲- چیزی که من در اپوزیسیون ایران شاهد هستم حضور یک تنش قدرت دائمی در گروه‌های سیاسی است. منیت‌ها اهمیت بیشتری دارند تا منافع مشترک گروهی. فرآیندهای تصمیم‌گیری در گروه هم باید با توافق و مذاکره همراه باشند. منیت‌های بزرگ را باید کنار بگذارند.

۳- منابع مشترک باید حتماً به اشتراک گذاشته شود. هرچند درجه‌ای از همگرایی بین چند نیروی جمهوریخواه به وجود آمده ولی هنوز اعتماد متقابل ضعیف است. اعتماد ستون فقرات تمام این جریان‌هاست.

۴- نکته دیگری که شاهد بودم آنست که به محض رسیدن به درجه‌ای از همگرایی و ایجاد ائتلاف، تصور می‌رود که حزب به وجود آمده است. ائتلاف همراه است با حفظ هویت هر یک از نیروهای تشکیل دهنده آن. در حالی که در بین نیروهای سیاسی ایرانی همواره تلاش می‌شود که طرف مقابل را راضی کنیم که حرف من درست‌تر و مهم‌تر است. آنهم در حالی که با حفظ هویت و مواضع هم می‌توان به همکاری در چارچوب ائتلاف پرداخت.

۵- نکته دیگر آنکه در شرایط وجود بحران‌های سیاسی و اجتماعی، برای حفظ همبستگی و ائتلاف، مواضع و دیالوگ‌ها باید بسیار انعطاف‌پذیر باشند.

۶- موازین لازم برای ایجاد ائتلاف و شروع همکاری واقعی باید هر یک به دقت مورد بررسی قرار گیرند. من شاهد آن هستم که همه ما آنقدر اشتیاق و علاقه آتشین به گذر از جمهوری اسلامی داریم که بدون هیچ زمینه‌ای دور همدیگر جمع می‌شویم و اعلام فعالیت مشترک می‌کنیم. در عمل لازم نمی‌بینیم که شناخت و اعتماد کافی به وجود آید. در نتیجه این ائتلاف‌ها و همگرایی‌ها زود از هم می‌پاشند. برای رسیدن به استراتژی‌های پایدار باید زمان بدهیم تا آن اعتماد لازم به وجود آید. بعد از ایجاد ائتلاف و همگرایی هم باید نهایت کوشش بشود تا آنها پایدار بمانند. ائتلاف یک همگامی ظریف و آسیب‌پذیر است که امکان دارد با گام‌های نسنجیده زود از هم بپاشد.

● آیا ارزش‌های مشترک ملی و تلاش در جهت درک عمیق‌تر تاریخ و فرهنگ ایران شامل جشن‌ها و آیین‌ها و یا بزرگداشت شخصیت‌های تاریخی و... می‌تواند در کاهش شکاف‌های موجود در سپهر سیاسی ایران نقش موثر داشته باشد؟

- ارزش‌های مشترک و همگرایی فرهنگی درواقع آن ارزش‌های انسانی و ملی هستند که می‌توانند ما را دور همدیگر جمع بکنند مانند نوروز، مهرگان، سده و شب یلدا و... این امر می‌تواند حس مشترک ملی و همبستگی را تقویت کند. منظور من در اینجا فقط فارسی‌زبانان نیستند. این جشن‌ها بین اقوام مختلف ایرانی مشترک است.

تاکیدی که دارم آنست که برجسته نمودن ارزش‌ها مشترک ملی باید هدفمند باشد و برای ایجاد همبستگی به کار گرفته شود و برای مقاصد انحصارطلبانه و هژمونی‌طلبانه و برتری‌طلبانه نسبت به گروه‌های سیاسی دیگر به کار گرفته نشوند. همچنین باید از تعبیرهای نژادپرستی به دور باشد. این ارزش‌های ملی و انسانی با تمام تنوع و رنگارنگی آنها برای همه ماست و به دور از آن مناسبات قدرت در بین اقوام ایرانی باید حفاظت و نگهداری شود.

و اما در مورد بزرگداشت شخصیت‌های تاریخی ایران نیز چنانکه در قسمت لزوم دوری از مطلق‌اندیشی و جزم‌گرایی گفتم باید از نگاه سیاه و سفید به شخصیت‌های تاریخی مانند رضاشاه و مصدق دوری کرد تا برخوردی عینی به تاریخ ایران و ایران کنونی داشت. در نظر داشته باشیم که در سیاه‌ترین رنگ‌ها یک نقطه سفید و در سفیدترین رنگ‌ها یک نقطه سیاه وجود دارد. بین سفید و سیاه هم طیفی از رنگ خاکستری وجود دارد.

● به نظر شما رسانه‌های فارسی‌زبان خارج کشور از نظر ترویج و گسترش فرهنگ مدارا، رواداری، تکررگرایی و ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشر چه نقشی می‌توانند داشته باشند که اکنون ایفا نمی‌کنند؟

- در جایی که من صحبت از اهمیت فرهنگ‌سازی به‌خصوص در پیوند با ایجاد دیالوگ و نه مناظره در جهت ایجاد ارتباط همدلانه کردم، فکر می‌کنم که رسانه‌ها در این عرصه و نیز ترویج و گسترش ارزش‌های دموکراتیک و حقوق بشری می‌توانند نقش مهم‌تر و تاثیرگذارتری ایفا کنند.

# جبهه بندی موافقان و مخالفان عزل علیرضا زاکانی در شورای اسلامی شهر تهران

## شماری از اعضا تهدید به استعفای دستجمعی کردند

سه گانه فامیل بازی؛ برچسب زنی و پرونده سازی است، فرار کنند»  
در پی اختلافات و دسته بندی اعضای شورای اسلامی شهر

یکدیگر است که بخشی از آن نیز به رقابت های چهاردهمین دور نمایش انتخابات ریاست جمهوری باز می گردد.  
وبسایت «خبر آنلاین» در اینباره نوشته «پرسشی که

● مخالفان زاکانی تهدید کرده اند که اگر در برکناری وی به بن بست برسند، به صورت دستجمعی از شورای اسلامی شهر استعفا خواهند داد تا این شورا به حداکثر نرسد و



تهران درباره زاکانی روزنامه «هم میهن» هم گزارش داده که به نظر می رسد مهدی چمران رئیس این شورا نیز احساس خطر کرده و سعی دارد اعضای منتقد را به نوعی از تصمیم خود منصرف کند. او درباره اختلافات در شورای اسلامی شهر تهران می گوید: «باید از هرگونه حاشیه سازی دوری شود تا بتوانیم خدمت رسانی کنیم و چنانچه روند فعلی در هفته های گذشته در شورا ادامه داشته باشد، ممکن است شورای ششم نیز به سرنوشت شورای اول دچار شود.»

ساز شود. باید از هرگونه حاشیه سازی دوری شود تا بتوانیم خدمت رسانی کنیم و چنانچه روند فعلی در هفته های گذشته در شورا ادامه داشته باشد، ممکن است شورای ششم نیز به سرنوشت شورای اول دچار شود.»

جنجال موافقان و مخالفان زاکانی به رسانه های اصولگرا هم کشیده شده بطوری که پس از نشست یکشنبه هفته گذشته در شورا که با اظهارات نرجس سلیمانی درباره زاکانی به تنش کشیده شد، خبرگزاری «فارس» به نقل از یک عضو این شورا گزارش داد: «لحن گزنده و اهانت آمیز برخی اعضای شورا نشان می دهد که این صرفاً اختلاف سلیقه نیست و موضوع سیاسی است.»

خبرگزاری «فارس» همچنین به نقل از یکی دیگر از اعضای شورای اسلامی شهر نوشت: «ریشه اصلی ماجرا حداقل در مورد برخی افراد مسائل شخصی است.»

این عضو شورای اسلامی شهر افزوده که «به عنوان مثال آقای اقراریان که اتفاقاً به آقای زاکانی رأی داده بود، توقعاتی در انتصابات داشت که برآورده نشد؛ از جمله اینکه معتقد بود شهردار منطقه محل سکونتش باید توسط او معرفی شود اما چون با این موضوع مخالفت شد از آن هنگام شروع به تخریب علیه شهردار تهران کرد. یا آقای امانی که

به وجود می آید، اینست که چرا اعضای شورای شهر پس از ۳ سال و درست پس از انتخابات ریاست جمهوری به این نتیجه رسیده اند که زاکانی مقبولیتی ندارد؟ آن هم در شرایطی که وی با کسب ۱۸ رأی از ۲۱ رأی شهردار شد. اعضای شورای شهر باید شفاف سازی کنند که اتفاقات اخیر ناشی از ناکارآمدی شهردار تهران است یا آنکه پای جناح بندی و دعوای سیاسی در میان است؟»  
مخالفان زاکانی تهدید کرده اند که اگر در برکناری وی به بن بست برسند، به صورت دستجمعی از شورا استعفا خواهند داد تا این شورا به حداکثر نرسد و منحل شود.

علی اصغر قائمی عضو کمیسیون عمران و حمل و نقل شورای اسلامی شهر تهران درباره استعفای دستجمعی شماری از اعضای این شورا گفته «این موضوع در حد گمانه زنی است، ممکن است برخی از دوستان این را به عنوان راهکار مطرح کرده باشند، اما به عنوان یک تصمیم قطعی کسی به آن توجه نکرده است.»

ناصر امانی دیگر عضو شورای اسلامی شهر اما به روزنامه «هم میهن» گفته «اگر برای تغییر شهردار تهران به بن بست برسیم و هیچ راهی جز این نداشته باشیم، دست به این اقدام می زنیم.»

مهدی اقراریان یکی دیگر از منتقدان زاکانی در شورای اسلامی شهر تهران به دعوای پشت پرده سیاسی درباره استعفا یا ماندگاری زاکانی خبر داده و گفته «حیات گروه های سیاسی رادیکال و ستیزه جو که از آنها با عناوین گوناگونی نام برده می شود در ایجاد دوقطبی های کاذب است؛ که دوقطبی اصولگرا و اصلاح طلب از آنهاست تا ناکارآمدی خود را پشت دعوای سیاسی پنهان و از پاسخگویی عملکرد غیرشفافشان که عملکردی قبیله سالارانه مبتنی بر

منحل شود.

● از میان ۲۱ عضو شورای اسلامی شهر تهران ۱۰ عضو مخالف زاکانی هستند؛ آنها در نمایش انتخابات اخیر ریاست جمهوری از حامیان محمدباقر قالیباف بودند.  
- وزن مخالفان علیرضا زاکانی در شورای اسلامی شهر آنقدر سنگین است که بتواند کرسی شهرداری را از زیر پای وی بکشد اما همزمان برخی اعضا معتقدند هزینه برخورد با زاکانی «بالا» است.

در پی اختلاف جریانات اصولگرا بر سر عزل یا ماندگاری علیرضا زاکانی بر کرسی شهرداری پایتخت، شماری از اعضای شورای اسلامی شهر تهدید به استعفای دستجمعی با هدف منحل کردن این شورا کردند. برخی اما معتقدند برکناری زاکانی «هزینه بالایی» دارد و لابی حامی او اجازه ی کنار گذاشتن او را نخواهد داد.

در حال حاضر اعضای شورای اسلامی شهر پایتخت به دو جناح حامیان محمدباقر قالیباف و علیرضا زاکانی تقسیم شده اند. مخالفان زاکانی مصرانه در تلاش هستند که پیش از پایان رسمی کار زاکانی در شهرداری تهران او را برکنار کنند. از میان ۲۱ عضو شورای اسلامی شهر تهران ۱۰ عضو مخالف زاکانی هستند؛ آنها در انتخابات اخیر ریاست جمهوری از حامیان محمدباقر قالیباف بودند.

شورای اسلامی شهر تهران در دوره چهار ساله فعالیت خود از طریق رأی گیری شهردار را انتخاب می کنند و تا دوره بعد، شهردار به فعالیت خود خواهد داد مگر اینکه استیضاح و برکنار شود.

آنچه طی روزهای گذشته در مخالفت یا حمایت از شهردار پایتخت شکل گرفته در اصل نبرد جریانات اصولگرا با



## هر ماه ۲۰۰ پرستار بار سفر می‌بندند دستمزد ناچیز و شرایط دشوار کار مهمترین دلایل مهاجرت پرستاران



است. علاوه بر این، رفاهیات همکاران پرستار اصلاً مناسب نیست.

او حقوق اضافه‌کاری پرستاران را از دیگر مشکلات این صنف دانسته و گفته «حق اضافه کاری پرستاران نیز بسیار کم است و در شأن پرستاران نیست؛ اکنون یک پرستار با سابقه ۲۵ سال، به ازای هر ساعت اضافه کار ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان پول دریافت می‌کند که مبلغ بسیار پایینی است و از همین مبالغ نیز مالیات کسر می‌شود.»

عضو شورای عالی نظام پرستاری افزوده که کمبود شدید نیروی پرستاری نیز یکی از معضلات مهم جامعه پرستاری است که بار آن را جامعه پرستاری به دوش می‌کشد زیرا فشار کاری ناشی از کمبود نیرو را باید سایر پرستاران در قالب اضافه کاری جبران کنند و این موضوع نیز به صورت

اضافه کاری اجباری به پرستاران تحمیل می‌شود. فریدون مرادی با اشاره به رقم بالای مهاجرت پرستاران که به ۲۰۰ تن در طول یک ماه رسیده گفته «به ازای هر دانشجوی پرستاری ۱.۵ تا ۲ میلیارد تومان بابت تحصیل و آموزش هزینه می‌شود اما به راحتی این نیروهای جوان آموزش دیده را که سرمایه کشور هستند از دست می‌دهیم و به کشورهای همسایه می‌روند.»

دومین اجلاس هیئت مدیره‌های نظام پرستاری سراسر کشور نیز امروز اول امرداد ۱۴۰۳ برگزار شد. در این نشست یوسف رحیمی نایب رئیس سازمان نظام پرستاری با بیان اینکه پرستاران به واسطه شغل بحران‌های متعددی را طی کرده‌اند گفت: «هر شیفت پرستاری یک بحران است و می‌توان بهترین مدیران را از پرستاران انتخاب کرد.»

یوسف رحیمی با اشاره به وضعیت نامناسب معیشتی پرستاران گفت: «مهاجرت پرستاران کشور را تهدید

● عضو شورای عالی نظام پرستاری با بیان اینکه ماهانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از پرستاران مهاجرت می‌کنند.» گفته «به ازای هر دانشجوی پرستاری ۱/۵ تا ۲ میلیارد تومان هزینه می‌شود اما به راحتی آنها را از دست می‌دهیم.

- مهاجرت گسترده تنها یکی از آثار شرایط دشوار پرستاران در ایران است و شیفت‌های طولانی و اضافه‌کاری تحمیلی سبب رواج پدیده مرگ ناشی از خستگی کار معروف به «سندروم کاروشی» در میان پرستاران ایرانی شده است.

- رئیس سازمان نظام پرستاری کشور گفته رفع کمبود نیروی پرستار، رفع مشکلات معیشتی، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و سهیم کردن پرستاران در سیاستگذاری سلامت از انتظارات جامعه پرستاری از دولت آینده است.

یک عضو شورای عالی نظام پرستاری با ارائه آمار تک‌اندنده‌ای گفته ماهانه ۲۰۰ پرستار از کشور مهاجرت می‌کنند. او علت مهاجرت گسترده پرستاران را مشکلات معیشتی و دستمزدهای ناچیز در برابر کار سنگین ارزیابی کرده است.

فریدون مرادی، عضو شورای عالی نظام پرستاری با بیان اینکه «دولت آینده به داد پرستاران برسد»، گفت: «ماهانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر از پرستاران مهاجرت می‌کنند.» او افزود: «به ازای هر دانشجوی پرستاری ۱/۵ تا ۲ میلیارد تومان هزینه می‌شود اما به راحتی آنها را از دست می‌دهیم.»

فریدون مرادی توضیح داده که «یکی از مطالبات مهم پرستاران، اجرای صحیح قانون تعرفه گذاری خدمات پرستاری است. مدت زمان زیادی است که تعرفه خدمات پرستاران به حساب پرستاران واریز نشده است و بیش از یک سال است که این تعرفه، به دست پرستاران نرسیده

از مخالفان سیاسی شهردار به شمار می‌رود بعد از آنکه برادرش به جرم دریافت رشوه از شهرداری تهران اخراج و توسط پلیس بازداشت شد، شروع به مخالفت علنی به بهانه‌های مختلف کرد.»

در آنسو اما مهدی اقراریان و ناصر امانی دو عضو شورا و از منتقدان علیرضا زاکانی با تکذیب محتوای گزارش خبرگزاری «فارس» اعلام کردند که درباره اتهاماتی که متوجه نرجس سلیمانی شده با سرلشکر سلامی فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی صحبت کرده‌اند و در مقابل این اتهامات ساکت نخواهند نشست.

نرجس سلیمانی دختر قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس که عضو شورای اسلامی شهر تهران است در نشست روز یکشنبه ۲۴ تیرماه این شورا از «گزارش‌های متعدد» درباره تخلفات مشابه در شهرداری تهران و در دست بررسی بودن آنها از سوی شورای اسلامی شهر خبر داد. او گفت: «در مطالب منتشرشده در فضای مجازی، شاهد هستیم افشای اطلاعاتی، به یک عرف در مناطق تبدیل شده است.»

نرجس سلیمانی ایرادهای دیگری به عملکرد علیرضا زاکانی وارد کرد و گفت: «از وقتی وارد شورا شدیم شهر تغییر قابل توجهی نداشته و حمل و نقل عمومی، جمع‌آوری پسماند، اختلال در مدیریت امور شهری و ارتباط مردم با شهرداری همچنان وضعیت مناسبی ندارد.»

اینهمه در حالیست که وزن مخالفان علیرضا زاکانی در شورای شهر آنقدر سنگین است که بتواند کرسی شهرداری را از زیر پای وی بکشد اما همزمان برخی اعضا معتقدند هزینه برخورد با زاکانی «بالاست». مهدی اقراریان در اینباره گفته «هزینه برخورد با آقای زاکانی و انتقال زاکانی بالاست، من هزینه این موضوع را در همان سال اولی که در اصل مسئولیت کمیسیون حقوق و نظارت شورا را داشتم پرداخت کردم و در اصل عدم رای مجدد به من از سوی یکی از اعضا با همین دلیل اتفاق افتاد که الان می‌خواهم به آن بپردازم.» علی‌اصغر قائمی عضو شورای اسلامی شهر تهران معتقد است که «بحث ناکارآمدی آقای زاکانی امر اثبات‌شده‌ای است. اینکه ایشان سعی دارد خود را کارآمد نشان دهد بحث دیگری است. ساده‌ترین پیشنهاد این است که محترمانه استعفای خود را تقدیم شورای شهر تهران کرده، از شهرداری برود و فرصت خدمت را برای فرد دیگری ایجاد کند.»

او همچنین می‌گوید: «اگر ایشان استعفا ندهد، اعضای منتقد او در شورای شهر تهران برای تغییر مدیریت شهری جدی هستند. باید دید که با چه راهکاری به این تغییر می‌رسند. شاید دوستان منتقد بر این عقیده‌اند که اگر استعفا یا استیضاح انجام نشود، بدترین راهکار ممکن را انتخاب کنند تا شورای شهر تهران از اکثریت بیافتد و طبیعتاً برای یک‌سال آینده وزیر کشور باید برای شهرداری سرپرست انتخاب کند. این مسیر جالب نیست و باید سعی کنیم تصمیم اعضای شورای شهر تهران به این نقطه نرسد.»

علیرضا زاکانی که به عنوان نیروی بسیجی وارد معاملات قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی شد، سالها به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی تلاش کرده بود از خود چهره‌ای ضدفساد نشان دهد، اکنون با اتهامات مختلفی از قراردادهای رانتی تا پُست فروشی روبروست.

بیشترین حملات به زاکانی اما نه با انگیزه «مبارزه با فساد» بلکه به دلیل تسویه حساب انتخاباتی با او در جریان است. زاکانی در دو انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی به عنوان «نامزد پوششی» حاضر شد و در مناظره‌ها رقبای اصلاح‌طلب و در این دوره محمدباقر قالیباف را در کنار مسعود پزشکیان مورد حمله قرار داد.

## رئیس پلیس راهور ناجا: بسیاری از جاده‌های کشور از نظر فنی معیوب و ناایمن هستند

● رئیس پلیس راهور ناجا معتقد است «جاده‌ها در نبرد با تصادفات» هستند و تأکید کرده که «نقش وزیر راه و شهرسازی در ارتقاء ایمنی جاده‌ها و کاهش آمار تصادفات نیز بسیار حائز اهمیت است.»

● به گفته سردار تیمور حسینی «رفع مشکل چندساله نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای، تکمیل سریع پروژه‌های نیمه‌کاره و در مجموع افزایش ایمنی ترافیک» مهمترین مشکلات حوزه راه‌های کشور است.

● استفاده از قطعات بی‌کیفیت، مونتاژ نامناسب و عدم انجام تست‌های استاندارد مسائلی هستند که به گفته سردار تیمور حسینی باعث بروز نقص فنی متعدد از جمله مشکلات ترمز، فرمان، سیستم تعلیق، موتور و سایر بخش‌های حیاتی اتومبیل‌ها در ایران و سبب بروز تصادفات خونین در جاده‌های کشور می‌شوند.

رئیس پلیس راهور ناجا با تأکید بر اینکه بسیاری از جاده‌های کشور از نظر فنی «معیوب و ناایمن» هستند گفته حدود ۷۰ درصد جانباختگان حوادث رانندگی مربوط به جاده‌ها و راه‌های بین شهری است.

سردار تیمور حسینی رئیس پلیس راهور ناجا امروز دوشنبه اول مرداد ۱۴۰۳ در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» از مسعود پزشکیان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی خواسته «در انتخاب گزینه وزارت راه، مسکن و شهرسازی فردی را به مجلس معرفی کند که دغدغه جدی و برنامه مشخصی برای ایمن‌سازی راه‌ها، رفع نقاط حادثه‌خیز و تکمیل پروژه‌های نا تمام ترافیکی داشته باشد.»

سردار تیمور حسینی تأکید کرده که «عصر راه و ایمنی آن در کنار کیفیت و ایمنی خودرو و همچنین توجه کاربران ترافیک به قوانین و مقررات نقش مهمی در وقوع تصادفات دارد.»

او با ارائه آمار تکانهنده‌ای از تصادفات جاده‌ای در ایران گفته «حدود ۷۰ درصد جانباختگان حوادث رانندگی مربوط به جاده‌ها و راه‌های بین شهری است. در این شرایط با توجه به اینکه مهم‌ترین نقش در تأمین و ارتقاء ایمنی راه‌ها بر عهده وزارت راه، مسکن و شهرسازی است، از این رو می‌توان گفت که دولت در این حوزه نیز می‌تواند با انتخاب وزیری که دغدغه و برنامه جدی برای ایمن‌سازی و رفع نقاط حادثه‌خیز در جاده‌ها داشته باشد، نقش مهمی در کاهش شمار جانباختگان داشته باشد.»

رئیس پلیس راهور ناجا معتقد است «جاده‌ها در نبرد با تصادفات» هستند و تأکید کرده که «در کنار انتخاب وزیری کارآمد در حوزه تولید خودروهای داخلی که مربوط به وزارت صنعت، معدن و تجارت است، نقش وزیر راه و شهرسازی در ارتقاء ایمنی جاده‌ها و کاهش آمار تصادفات نیز بسیار حائز اهمیت است.»

او همچنین گفته وزیر راه و شهرسازی مسئول

۳ پرستار و بطور میانگین، ۵ الی ۶ پرستار به ازای هزار نفر جمعیت است که امروز در کشورهای گرجستان و ارمنستان که از نظر کیفیت و سطح خدمات پزشکی، سالها از ما عقب‌ترند این استاندارد رعایت می‌شود در حالی که طبق گزارش سازمان بهداشت جهانی، در سال ۲۰۱۸ در ایران ۱/۶ پرستار به ازای هزار نفر جمعیت فعال بوده و در واقع، تعداد پرستاران ما، معادل نصف حداقلی است که سازمان بهداشت جهانی تعیین کرده است.»

محمد شریفی مقدم توضیح داده بود که «حتی برابری تعداد پرستار و تخت بیمارستانی هم نشان می‌دهد که تعداد پرستار در کشور ناکافی است چون به ازای هر تخت بیمارستانی باید ۲/۲ پرستار فعال داشته باشیم که از این تعداد، ۰/۴ نفر، نیروی غیرحرفه‌ای و کمک‌بھیار است و بنابراین، برای هر تخت بیمارستانی باید ۱/۸ پرستار داشته باشیم که امروز این عدد بطور میانگین ۱/۱ است.»

جدا از کمبود پرستار که فشار کاری مضاعفی را به پرستاران وارد و حتی «جان» آنها را به بازی گرفته، پرستاران حقوق ناچیزی هم دریافت می‌کنند بطوریکه به گفته محمد شریفی مقدم، «امروز در ایران، پرستاران کمترین حقوق را نسبت به کارکنان دولت می‌گیرند و حقوق ثابت پرستاران، حتی از حقوق معلمان هم کمتر است با وجود آنکه در تمام کشورها، پرستاری به عنوان یک شغل سخت، استرس‌آور و پر خطر شناخته می‌شود.»

محمد شریفی مقدم تأکید کرده بود دستمزد پرستاران رسمی و استخدام شده ۱۶ میلیون تومان و حقوق پرستار شرکتی و پیمانی حدود ۱۲ میلیون تومان است که با دلار ۶۰ هزار تومانی، حقوق ۱۲ میلیون تومانی معادل ۲۰۰ دلار است و حتی پرستارانی که سه شیفت در روز کار می‌کنند، حقوق پایان ماه‌شان معادل ۹۰۰ دلار است.

کیهان لندن اسفندماه گذشته در گزارشی به اختلاف دهم‌د پرستاران در ایران با دیگر کشورهای منطقه و جهان پرداخته بود که نشان می‌داد چرا پرستاران از جمله اقلیتی هستند که با نرخ بالایی در حال مهاجرت از کشور هستند.

بر اساس این گزارش، پرداخت بابت یک ساعت اضافه‌کاری به هر پرستار، بین ۱۳ تا ۲۰ هزار تومان است. یعنی معادل ۳۰ تا ۵۰ سنت! رقمی که حتی بدون نیاز به مقایسه با رقم موجود در سایر کشورهای منطقه و جهان، غیرمنطقی و به شوخی شبیه است.

مقایسه دریافتی پرستاران در ایران با دیگر کشورها شاید توضیح دهنده علت مهاجرت گروهی پرستاران در ایران به دیگر کشورها باشد. در کشور مالزی که یکی از کشورها با سطح دستمزد کم به شمار می‌رود پرستاران برای هر ساعت اضافه‌کاری ۱/۵ برابر دستمزد یک ساعت کار و رقمی حدود ۱۰ دلار دریافت می‌کند.

در امارات متحده عربی هر ساعت کار پرستاران تعرفه‌ای معادل ۴۰ دلار در ساعت دارد که در صورت پذیرش شیفت اضافه‌کاری از سوی پرستاران به رقم دستمزد ساعتی، ۲۵ تا ۵۰ درصد افزوده می‌شود که در مجموع دستمزد هر ساعت اضافه‌کاری را تا ۶۰ دلار افزایش می‌دهد.

در استرالیا که یکی دیگر از مقاصد مهاجرتی پرستاران ایرانی است، اضافه‌کاری در روزهای هفته ۱/۵ برابر درآمد معمولی برای دو ساعت اول و سپس دو برابر برای مابقی ساعات اضافه‌کاری است. متوسط دریافتی یک پرستار حدود ۴۰ دلار برای هر ساعت کار است.

در آلمان نیز اضافه‌کاری پرستاران بین ۲۵ تا ۵۰ درصد است و پرستاران این کشور به ازای هر ساعت کار دست‌کم ۱۸ یورو دریافت می‌کنند.

می‌کند و اگر معیشت آنها تأمین شود مهاجرت نخواهند کرد.»

احمد نجاتیان رئیس سازمان نظام پرستاری کشور نیز در دومین اجلاس هیئت میرهای نظام پرستاری سراسر کشور گفت بزرگترین مشکل نظام سلامت را کمبود و چالش‌های نیروی انسانی است.

رئیس سازمان نظام پرستاری کشور افزود رفع کمبود نیروی پرستار، رفع مشکلات معیشتی، اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور و سهیم کردن پرستاران در سیاستگذاری سلامت از انتظارات جامعه پرستاری از دولت آینده است.

پرستاران از جمله اقلیتی هستند که با دستمزدهایی که نا عادلانه می‌خوانند، زیر فشار سنگین کاری قرار دارند که مهاجرت گسترده تنها یکی از آثار این شرایط است. شیفت‌های طولانی و اضافه‌کاری تحمیلی سبب رواج پدیده مرگ ناشی از خستگی کار معروف به «سندروم کاروشی» در میان پرستاران ایرانی شده است.

«کاروشی» در زبان ژاپنی به معنای مرگ ناشی از کار زیاد است، سندرومی به همین نام، به مرگ ناگهانی ناشی از کار حرفه‌ای گفته می‌شود. دلیل پزشکی اصلی مرگ‌های کاروشی، عبارت از سکنه قلبی و سکنه مغزی ناشی از فشار روانی و رژیم لاغری است.

این پدیده، علاوه بر ژاپن، در کره جنوبی و چین نیز شایع است و به نظر می‌رسد اکنون در ایران نیز در میان پرستاران شایع شده است.

امسال روز جهانی پرستار، ۲۳ اردیبهشت ۱۴۰۲، در ایران با مرگ سه پرستار به دلیل فشار کاری بالا همراه شد. محمد شریفی مقدم، دبیر کل خانه پرستار کشور به مناسبت روز پرستار در گفتگو با روزنامه «اعتقاد» با اشاره به جانباختن سه پرستار طی یک ماه و در پی سندروم «کاروشی» تأکید کرده بود که بیشتر پرستاران در ایران به ویژه مردان پرستار، ناچارند که علاوه بر شیفت روزانه، شیفت عصر را هم کار کنند، چون مخارج زندگی‌شان با یک شیفت کار تأمین نمی‌شود و این موضوع، موجب خستگی زیاد ناشی از کار خواهد شد.

همزمان وبسایت «تجارت نیوز» در گزارشی با اشاره به مرگ پرستاران طی سندروم «کاروشی» نوشته بود افزایش حجم کار از یکسو و دغدغه معاش، پرستاران در سراسر کشور را آسیب‌پذیر کرده است.

«تجارت نیوز» گزارش داده بود که در ایران تعداد پرستاران با توجه به برآورد خانه پرستار یک‌دهم استاندارد اروپا و یک‌پنجم کشورهایمانند آذربایجان و گرجستان است. به گفته مقامات این سازمان، علاوه بر فشارهای معمول در این شغل، پرستاران در ایران مجبور به اضافه‌کاری اجباری طولانی می‌شوند. بیشتر یک مسئول سازمان نظام پرستاری مرگ ۱۷ پرستار بر اثر خستگی مفروضه مرمزین در سال‌های گذشته را تأیید کرده بود.

تعداد کم پرستار در ساختار درمانی ایران سبب تشدید فشار مضاعفی بر این قشر شده بطوری که مدیران بیمارستان‌ها و کلینیک‌ها پرستاران را مجبور به کار در شیفت‌های طولانی کرده و همواره تهدید «اخراج» در صورت عدم پذیرفتن شرایط دشوار کاری را به کار می‌گیرند.

محمد شریفی مقدم در اینباره به روزنامه «اعتقاد» گفته بود «استاندارد جهانی اروپا، ۱۰ پرستار به ازای هزار نفر جمعیت است که البته در بعضی کشورها مثل بلژیک و دانمارک، به ازای هزار نفر جمعیت حدود ۱۱ یا ۱۲ پرستار دارند که قطعاً با چنین وضعی، خدمت‌رسانی در این کشورها در سطح بسیار مناسبی است. استاندارد سازمان بهداشت جهانی هم حداقل



گذشته با تأکید به اینکه «وقتی در شرکت‌های خودروساز داخلی شاهد ارتقای کیفیت و ایمنی محصولات نیستیم، متقابلاً آمار بالای تصادفات را نیز باید بپذیریم» گفته بود که «در نوروز ۱۴۰۲ خطای انسانی در تصادفات جاده‌ای ۲۹ درصد، سهم راه ۲۰ درصد و سهم خودرو به ویژه خودروهای ایرانی مانند پراید و پژو ۵۱ درصد بوده است که متأسفانه رقم قابل توجهی از سهم این تقصیرها به راه و خودرو اختصاص دارد.»

به گفته سردار تیمور حسینی «راه امن و خودروی ایمن، هم پیش از حادثه و هم پس از حادثه، می‌تواند حافظ جان انسان‌ها باشند و خسارت‌های ناشی از حوادث رانندگی را به حداقل برسانند. درباره خودرو، استحکام بدنه، ستون‌های محکم، کمربند ایمنی مناسب، کیسه هوا و مواردی از این دست، خسارت‌های جانی و مالی را حتی در صورت وقوع

نقشی اساسی داشته است.

استفاده از قطعات بی‌کیفیت، مونتاژ نامناسب و عدم انجام تست‌های استاندارد مسائلی هستند که به گفته سردار تیمور حسینی باعث بروز نقص فنی متعدد از جمله مشکلات ترمز، فرمان، سیستم تعلیق، موتور و سایر بخش‌های حیاتی اتومبیل‌ها در ایران و سبب بروز تصادفات خونین در جاده‌های کشور می‌شوند.

نرخ تصادف‌های جاده‌ای در ایران نسبت به میانگین جهانی بالاتر است و سالانه هزاران شهروند در پی این تصادفات جان خود را از دست داده یا دچار معلولیت و مصدومیت‌های عمیق می‌شوند.

آمارهای اعلام شده از سوی پلیس راهور فراجا نشان می‌دهد ۷۴۰ شهروند از ۲۴ اسفند تا آخر وقت روز یکشنبه ۱۲ فروردین بر اثر تصادف جاده‌ای در ایران جان باختند.

اصلی زیرساخت‌های حمل و نقل کشور است و در صورتیکه بتواند وظایف خود را بطور صحیح انجام دهد می‌تواند بطور قابل توجهی به کاهش تصادفات و تلفات جانی در جاده‌ها کمک کند.

به گفته سردار تیمور حسینی «رفع مشکل چندساله نقاط حادثه‌خیز جاده‌ای، تکمیل سریع پروژه‌های نیمه‌کاره و در مجموع افزایش ایمنی ترافیک» مهمترین مشکلات حوزه راه‌های کشور است و مسعود پزشکیان باید در انتخاب وزیر پیشنهادی شخصی را معرفی کند که حل این مشکلات را در اولویت قرار دهد. او تأکید کرده که «اصلاح و بهسازی جاده‌ها باید جزو مهم‌ترین اولویت‌های وزیر آینده باشد. واقعیت این است که اگر بخواهیم شهرهای جدیدی بسازیم یا حتی گردشگری را توسعه دهیم باید راه ایمنی هم داشته باشیم.»

آنطور که رئیس پلیس راهور ناجا توضیح داده موضوع



تصادف تریلی با یک پراید در آزادراه زنجان-قزوین

حادثه رانندگی کاهش می‌دهد که متأسفانه خودروهای داخل، هیچکدام از این موارد را ندارند.»

آمارهای سازمان پزشکی قانونی نشان می‌دهد در ۱۰ ماه نخست پارسال ۱۷ هزار و ۱۷۷ نفر در ایران جان خود را بر اثر تصادفات رانندگی از دست دادند. از این تعداد، ۱۳ هزار و ۵۶۹ نفر مرد و بقیه زن بودند. مقایسه آمارهای دو سال گذشته پزشکی قانونی نشان از افزایش ۵ درصدی تعداد قربانیان تصادفات رانندگی در ایران در سال ۱۴۰۲ نسبت سال ۱۴۰۱ دارد. در ۱۰ ماهه نخست سال ۱۴۰۱، آمار فوتی‌های حوادث رانندگی در ایران، ۱۶ هزار و ۳۷۲ نفر بوده است.

داده‌های سازمان پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد از فروردین تا دی‌ماه سال گذشته ۳۳۴ هزار و ۸۵۵ نفر بر اثر حوادث رانندگی مصدوم شده‌اند. ۲۳۶ هزار و ۴۳۳ نفر از آنها را مردان و مابقی را زنان تشکیل دادند.

سال گذشته همچنین آمار مصدوم‌شدگان تصادفات رانندگی نسبت به سال ۱۴۰۱ با افزایش ۶/۵ درصدی روبرو شده است. در بازه ۱۰ ماهه نخست سال ۱۴۰۱، ۳۱۴ هزار و ۳۶۴ نفر بر اثر حوادث رانندگی مصدوم شده بودند.

بخشی از مصدوم‌شدگان تصادفات رانندگی دچار نقص عضو و معلولیت می‌شوند بطوری که به گفته محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی کشور، در نتیجه ۳۰۰ هزار تصادف در کشور، سالانه ۴۰ تا ۶۰ هزار معلول به جمعیت معلولان ایران اضافه می‌شود.

آمارها همچنین بیانگر آن است که ۸۳ درصد از تصادف‌های منجر به مرگ با اتومبیل‌های ساخت داخل بوده و پراید و پژو سهمی ۶۲ درصدی در این تصادف‌ها داشته‌اند.

در سال‌های گذشته بارها نسبت به نقش اتومبیل‌های بی‌کیفیت داخلی در بروز تصادف‌های منجر به مرگ در ایران هشدار داده است. کمال هادیانفر رئیس وقت پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی تیرماه ۱۳۹۸ با انتقاد شدید از وضعیت ایمنی ماشین‌های داخلی گفته بود که «برخی خودروسازان ارابه مرگ تولید می‌کنند.»

هادی هاشمی رئیس سابق پلیس راهور تهران بزرگ بهمن ۱۴۰۰ وجود «مافیا» و «بی‌ارادگی دولت‌ها» را از عوامل اصلی کیفیت پایین ماشین‌های داخلی و حوادث ناشی از آن اعلام کرده بود.

بر اساس آمارها، حدود ۹۰ درصد اتومبیل‌های تولیدشده در صنعت اتومبیل‌سازی ایران بر پایه سه پلتفرم قدیمی پراید، پژو ۴۰۵ و پژو ۲۰۶ ساخته می‌شوند. این در حالیست که هر سه این پلتفرم حداقل دو دهه است که از رده خارج شده‌اند.

سردار تیمور حسینی جانشین وقت رئیس پلیس راهور فراجا اسفندماه ۱۴۰۱ گفته بود که «در سه سال اخیر شمار تلفات جاده‌ای با افزایش ۱۳ درصدی به حدود ۱۷ هزار نفر رسیده است که این مسئله نشان می‌دهد باید امنیت و جان مردم در ساخت خودروهای داخلی جدی گرفته شود.»

سردار تیمور حسینی دو ماه بعد و در اردیبهشت سال

دیگر مربوط به نصب علائم و تجهیزات ایمنی در جاده‌هاست، نصب علائم و تجهیزات ایمنی در جاده‌ها، از جمله تابلوهای هشداردهنده، خط‌کشی‌های جاده، گاردریل‌ها و روشنایی مناسب، می‌تواند به رانندگان در رانندگی ایمن و جلوگیری از تصادفات کمک کند. کنترل ترافیک و اعمال قانون نیز امر مهم دیگری است که وزیر راه و شهرسازی باید با همکاری پلیس راهور، بطور جدی بر کنترل ترافیک و اعمال قانون در جاده‌ها نظارت داشته باشد. او در بخش دیگری از سخنانش بر لزوم «تأمین امکانات اورژانس جاده‌ای» اشاره کرده و گفته «این موضوع گرچه به نوعی به حوزه وزارت بهداشت که آقای دکتر پزشکیان نیز تجربه آن را دارا هستند، مربوط می‌شود، اما با توجه به اینکه ارائه خدمات سریع و مناسب به مصدومان تصادفات، می‌تواند جان بسیاری از افراد را نجات دهد.»

سردار تیمور حسینی دو روز پیش نیز در گفتگوی دیگری از مسعود پزشکیان خواسته بود فردی را به عنوان وزیر صنعت انتخاب کند که «به موضوع ارتقاء ایمنی خودروهای بی‌کیفیت توجه ویژه داشته باشد تا از این طریق شاهد کاهش آمار مصدومان و قربانیان حوادث رانندگی باشیم.»

او جانباختگان حوادث رانندگی را قربانیان بی‌صدای بی‌کیفیتی راه و اتومبیل‌ها خوانده و گفته بود در بسیاری از تصادف‌های منجر به مرگ و مصدومیت شهروندان در سال‌های گذشته کیفیت پایین اتومبیل‌های تولید داخل

# خطاب به دولت‌های خارجی: دیدگاه خود را درباره «اصلاح رژیم» اصلاح کنید ایران بعد از جمهوری اسلامی را بررسی کنید!



علی خامنه‌ای و مسعود پزشکیان در روزه‌خوانی ماه محرم / ۲۳ تیر ۱۴۰۳

وعده‌های کلیدی‌اش تبدیل شدن به یک عضو همکار در جامعه بین‌المللی بود. حمایت سایر کشورها برای جمهوری اسلامی برای حفظ سلطه‌ی خود در داخل ضروری است. پست روز شنبه ششم ژوئیه نارندرا مودی مبنی بر اینکه «منتظر همکاری نزدیک با شما برای تقویت بیشتر روابط دوجانبه گرم و بلندمدت» دقیقاً همان پیامی است که حکومت ایران می‌خواهد بشنود.

اینهمه در حالیست که رژیم تصریح کرده تنها تعهد واقعی خود را به همان اهدافی می‌داند که بطور شفاهی نیز آنها را تبلیغ می‌کند مانند صدور انقلاب شیعی و نابودی اسرائیل آنهم درست در لحظاتی که می‌خواهد خیلی دوستانه و معقول به نظر برسد. بنابراین باید بیش از همه به آن بی‌اعتماد شویم. رژیمی که ظاهراً مشتاق گفتگو با دولت‌های خارجی است جهت خرید زمان برای اهداف دیگر تلاش می‌کند از جمله تحکیم موجودیت در معرض تهدید خود با افزایش سرکوب در داخل، ادامه تروریسم در خارج کشور، و پیشبرد برنامه هسته‌ای.

تازه‌ترین نمایش رژیم با این تبلیغ که «اصلاح‌طلبان در انتخابات پیروز شدند» برای تأمین امنیت آن در زمانی طراحی شده که با بحران مشروعیت در داخل کشور مواجه است.

اگر بر اساس این نمایش، دولت‌های خارجی درهای خود را به روی این رژیم بکشایند، نه تنها خطر را علیه ایرانیانی که قهرمانانه برای پایان دادن به شکنجه، کشتار و ستم دولتی چهل و پنج ساله مبارزه می‌کنند، افزایش می‌دهند بلکه جمهوری اسلامی را قادر خواهند ساخت تا به صدور هرج و مرج و خشونت به سایر نقاط جهان ادامه دهد. در عوض، دولت‌های خارجی باید با این انتخابات مانند هر تبلیغات دیگری که از یک رژیم استبدادی شوم برمی‌خیزد رفتار کنند: بجای اینکه امیدوار باشند که اکنون همه چیز خوب خواهد شد، باید از باز شدن راه‌های تنفس برای جمهوری اسلامی جلوگیری کنند و مانع تداوم جنایاتش شوند. زمان آن فرا رسیده که بررسی کرد ایران بعد از جمهوری اسلامی چگونه خواهد بود.

\*منبع: اکونومیک تایمز

\*نویسنده: مریم اصلانی

\*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

تأخیر می‌اندازد که تنها امید واقعی آنها برای کسب آزادی است.

از این رو در عملیاتی که به دقت طراحی شده بود، این انتخابات را به صورت دستجمعی تحریم کردند. خامنه‌ای طبق معمول این تحریم را به روی خود نیاورد و سخنان رایج خود را تکرار کرد. اما این تحریم مؤثر بود. ویدئوهای فراوان از حوزه‌های رای‌گیری خالی که توسط ایرانی‌ها در رسانه‌های اجتماعی به اشتراک گذاشته شده، این اطمینان را ایجاد می‌کند که میزان مشارکتی که بطور رسمی ۴۹/۸ درصد اعلام شده کاملاً تخیلی است. اگرچه می‌توانیم رقم واقعی را بدانیم، ولی هشتگ پرطرفدار #۱۰per-centre-gime نشان می‌دهد که ایرانی‌ها چه اعتقادی دارند. اینهمه به معنی طرد سیاسی رژیم است.

در چنین شرایطی، مخاطب اصلی انتخابات اخیر جمهوری اسلامی اما مشخصاً مردم ایران نبودند. رژیم می‌داند که خود ایرانی‌ها تحت تأثیر پیروزی «لرزان» پزشکیان قرار نخواهند گرفت زیرا خودشان می‌دانند که رأی نداده‌اند. و دقیقاً به همین دلیل که رژیم در داخل کشور بسیار منزوی است، به دنبال ترمیم روابط خود با جامعه بین‌المللی است. سیاست خارجی رژیم نیز در بحران است. همین ماه گذشته، کانادا به ایالات متحده پیوست و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی- مرکز اقتدار رژیم- را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. آلمان یکی از چندین کشور اروپایی است که اتحادیه اروپا را برای اتخاذ اقدامی مشابه تحت فشار قرار داده است. به گزارش «تلگراف»، حزب تازه منتخب کارگر بریتانیا نیز قصد دارد سپاه پاسداران را ممنوع اعلام کند.

علاوه بر این، رژیم نگران است که اگر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور شود، ایالات متحده شروع به اعمال فشار بسیار بیشتری نسبت به دوران جو بایدن کند. بسیاری از جمهوریخواهان احساس می‌کنند که مستقیم‌ترین راه برای صلح در خاورمیانه، قطع حمایت رژیم ایران از حماس و حزب‌الله و جلوگیری از تشدید خشونت‌های جمهوری اسلامی در عراق، سوریه، لبنان، یمن و جاهای دیگر است.

این محاسبات واقعی در پس تصمیم رژیم برای معرفی یک رئیس‌جمهور مثلاً «اصلاح‌طلب» است که یکی از

● مخاطب اصلی انتخابات اخیر جمهوری اسلامی اما مشخصاً مردم ایران نبودند. رژیم می‌داند که خود ایرانی‌ها تحت تأثیر پیروزی «لرزان» پزشکیان قرار نخواهند گرفت زیرا خودشان می‌دانند که رأی نداده‌اند. و دقیقاً به همین دلیل که رژیم در داخل کشور بسیار منزوی است، به دنبال ترمیم روابط خود با جامعه بین‌المللی است.

● رژیمی که ظاهراً مشتاق گفتگو با دولت‌های خارجی است جهت خرید زمان برای اهداف دیگر تلاش می‌کند از جمله تحکیم موجودیت در معرض تهدید خود با افزایش سرکوب در داخل، ادامه تروریسم در خارج کشور، و پیشبرد برنامه هسته‌ای.

مریم اصلانی (اکونومیک تایمز) - در هفته نخست ژوئیه، روزنامه‌های جهان خبر پیروزی یک به اصطلاح «اصلاح‌طلب» در انتخابات ریاست جمهوری اسلامی را منتشر کردند. در ایران، جایی که مردم مدت‌هاست به مانورهای جمهوری اسلامی عادت کرده‌اند، هیچکس فریب نخورد. اما ناظران بین‌المللی آنچه را به خوردشان داده می‌شود بطور کامل بلعیدند! مطبوعات بین‌المللی با ادعای واکنش «عصبانی» به انتخابات (نیویورک تایمز)، بیان دموکراتیک «نارضایتی» رأی‌دهندگان (گاردین) و شکست یک «تندرو» (تایمز هند) استقبال کردند. همه اینها یک سوء تفاهم بزرگ را که ناشی از تبلیغات جمهوری اسلامی است یادآوری می‌کند. اگر دولت‌های خارجی نمی‌خواهند خطای سنگینی مرتکب شوند، لازم است که در این زمینه توضیح داده شود.

جمهوری اسلامی در ایران یک دموکراسی نیست. همه نامزدهای ریاست جمهوری باید توسط شورای نگهبان که نهادی متشکل از ملایان و فقهاست و همگی بطور مستقیم یا غیرمستقیم توسط رهبر رژیم منصوب می‌شوند، تأیید شوند. این «رهبر» است و نه رئیس‌جمهور که استراتژی و سیاست دولت را کنترل می‌کند. مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور جدیدی که گزینش شده، به خوبی می‌داند که این جایگاه خود را مدیون چه کسانی است. وی خودش پس از اعلام نام خود به عنوان پیروز این انتخابات گفت: «باید از مقام معظم رهبری تشکر کنم. اگر ایشان نبودند، فکر نمی‌کنم نام من به عنوان رئیس‌جمهور از صندوق بیرون می‌آمد!»

درواقع، او فقط به این دلیل واجد شرایط انجام این شغل است که وفاداری خود را به «رهبر معظم» علی خامنه‌ای نشان داده است. در این میان هیچ دیدگاه خاصی از سوی به اصطلاح «اصلاح‌طلبان» وجود ندارد و دیدگاه‌های آنها اغلب از «تندروها» قابل تشخیص نیست. پزشکیان از مدافعان حجاب اجباری است و یکی از چهره‌های شاخص ترویج تفکیک جنسیتی در آموزش و مراقبت‌های بهداشتی و از حامیان سرسخت گروه‌های افراطی مانند حماس و حزب‌الله است.

از آنجا که «اصلاح‌طلبان» در واقع بیست و چهار سال اداره دولت از چهل و پنج سال رژیم را بر عهده داشته‌اند، ایرانیان می‌دانند که در عمل هیچ تفاوتی بین این دو جناح وجود ندارد. تنها دلیل وجود این جناح‌ها متقاعد کردن مردم به این است که در درون نظام تنوع وجود دارد، بنابراین تغییر ممکن است و یک انقلاب ملی غیرضروری است. به همین دلیل نیز ایرانی‌ها مدت‌هاست تصمیم گرفته‌اند که در نمایش رژیم شرکت نکنند: هرگونه درگیری با شبه‌گزینه‌های پیشنهادی، تنها رژیم را حفظ می‌کند و فروپاشی آن را به



## صدور کیفرخواست برای اکبر رائفی‌پور تحقیقات درباره موسسه «مصاف» ادامه دارد

ایرانیان» در چهار بانک «ملت»، «ملی»، «سپه» و «صادرات» در کانال تلگرامی جلیل محبی نیز منتشر شد. این اسناد شامل نام و نام خانوادگی، اطلاعات بانکی افراد و مبالغ جابجا شده بود. جلیل محبی مدعی شد این اسناد را از یکی از نمایندگان مخالف محمدباقر قالیباف در مجلس شورای اسلامی گرفته است. علی‌اکبر رائفی‌پور نیز با انتشار یک ویدئو، به ارائه توضیحات درباره این گردش مالی ۱۰۰ میلیاردی و اتهام پولشویی پرداخت تا پولشویی و پولشویی افشا شده را توجیه کند.

در این ویدئوی نیم ساعته علی‌اکبر رائفی‌پور به جای اینکه درباره اسناد منتشر شده و عملکرد موسسه «مصاف ایرانیان» توضیح دهد، فرافکنی کرد. او گفت «بانک‌های مرتبط، به خصوص مرکزی باید پاسخگو باشند، زیرا احتمالاً کارمندی داشتند که به آنها که سند را منتشر کردند کمک کرده است.» اینهمه در حالیست که اسناد نشان می‌داد مبلغی حدود ۱۰۰ میلیارد تومان طی دو سال پس از انتقال به حساب بانکی موسسه «مصاف ایرانیان» خیلی زود نیز برداشت شده و به حساب اعضای موسسه، شخصیت‌های حقیقی و نزدیکان رائفی‌پور منتقل شده است.

برای نمونه اسناد افشا شده نشان می‌داد فردی به نام الونا واشچنکو معروف به طاهره واشچنکو در پنج نوبت متوالی پول دریافت کرده است. این فرد در ویدئوهایی تبلیغاتی خود را یک مسلمان و طرفدار ولایت فقیه معرفی کرده است.

همچنین در بین واریزی‌ها بارها نام برادر علی‌اکبر رائفی‌پور «امیرحسین» به چشم می‌خورد که نشان می‌داد واریزهایی برابر با ۱۴ میلیارد تومان تحت عنوان امور خیریه دریافت کرده اما محل هزینه آن مبهم است.

جلیل محبی درباره این اسناد گفته بود «برخی از پول‌هایی که به حساب اشخاص حقیقی واریز شده، دوباره به حساب برای رائفی‌پور یا مصاف بازگشته است که این شائبه پول‌شویی دارد و شامل مواد ۲، ۱ و ۳ قانون مجازات اسلامی است که دادستان باید ورود پیدا کند. برخی از افراد در توییت نوشته بودند که سازمان مبارزه با پولشویی باید به این مسئله ورود پیدا کند اما اینطور نیست. زمانی که در دادگاه به یک جرمی رسیدگی می‌شود و به یک جرم دیگری برخورد می‌کنند، باید در همان دادگاه بررسی شود؛ مگر آنکه حوزه صلاحیت ذاتی آن متفاوت باشد یک بحث حقوقی است.»

جلیل محبی همچنین در واکنش به دستور محمدرضا فرزین برای پیگیری چگونگی خروج اسناد مالی موسسه «مصاف ایرانیان» از سیستم بانکی کشور، گفته بود «بجای برخورد با افرادی که در بانک‌ها با هیات تحقیق و تفحص بانک‌ها همکاری کرده اند باید با افرادی که وظایف خود را در زمینه پول‌شویی انجام نداده اند برخورد کنید.»

روابط عمومی بانک مرکزی روز شنبه ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۳ اعلام کرد که رئیس کل بانک مرکزی به دنبال انتشار غیرقانونی اطلاعات مالی موسسه «مصاف ایرانیان» در فضای مجازی، ضمن تأکید بر خلاف قانون بودن این اقدام نادرست از سوی هر فرد و جریانی، طی جلسه عصر پنج‌شنبه ۲۰ اردیبهشت‌ماه دستور پیگیری فوری و بررسی ابعاد مختلف آن را صادر کرد. روابط عمومی بانک مرکزی افزود محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی گفته «اگر محرز شود ارسال اطلاعات مالی این موسسه از طرف شبکه بانکی بوده باشد با اعمال این اقدام غیرقانونی شدیداً برخورد خواهد شد.»



اعتقادی به شفافیت نداشته و از ترس بنده و رسانه‌ها به آن تن داده‌اید و اصطلاحاً شفافیت را من در پاچه مجلس کرده‌ام که صدا البته به این کار افتخار می‌کنم! آیا نیازی ندیدید که مدعی‌العموم درباره این ادعا ورود پیدا کند؟»

درباره فسادها و زد و بندهای محمدباقر قالیباف و همچنین اعضای خانواده‌اش مسائل زیادی مطرح شده است. صبا آذربیک و وحید اشتری از جمله افرادی هستند که اطلاعات و اسنادی درباره فسادهای قالیباف و خانواده‌اش منتشر کردند و همگی در دادگاه محکوم شناخته شده و پیش از برگزاری چهاردهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که تیرماه امسال برگزار شد، به زندان احضار شدند. اینهمه در حالیست که خود علی‌اکبر رائفی‌پور از نیروهای اصولگرایی تندرو توروسین‌های حکومتی نیز با اتهامات فساد و تخلفات مالی از طریق موسسه «مصاف» روبروست. در پی درگیری‌های جریان‌داران درون حکومت طی ماه‌های گذشته بار دیگر اخبار تخلفات این موسسه برجسته شد.

اردیبهشت امسال یک اکانت توییتی ناشناس اسنادی از گردش حساب‌های بانکی موسسه «مصاف ایرانیان» منتشر کرد که نشان از پولشویی گسترده، پولشویی این موسسه به سود اهداف سیاسی مورد نظر رائفی‌پور، و همچنین گردش مالی ۱۰۰ میلیارد تومانی این موسسه طی دو سال دارد.

پس از انتشار این اسناد روزنامه «هم‌میهن» نوشت در اسناد منتشر شده نام طیف وسیعی از کاربران شناخته شده فضای مجازی و برخی مؤسسات و شرکت‌ها را در خود داشت. انتشار این اسناد از آن جهت اهمیت زیادی داشت که صحبت‌های زیادی درباره منابع مالی موسسه رائفی‌پور وجود دارد؛ موسسه‌ای که واحدهای مختلفی داشته و از طراحی سلاح تا ونتیلانتور (تجهیزات پزشکی) را در کارنامه خود دارد. همزمان جلیل محبی دبیر پیشین ستاد امر به معروف و نهی از منکر، و کارشناس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در شبکه «ایکس» نوشت: «هر چه اصرار کردم آقای رائفی‌پور نیامد مناظره کند. اسناد زیر سوالات من بود. بیش از صد میلیارد تومان در دکان مصاف پول جابجا شده. شما خودتان با او مناظره کنید.»

اسناد گردش حساب ۱۰۰ میلیارد تومانی موسسه «مصاف

● قوه قضاییه اعلام کرده پرونده‌ای با عنوان اتهامی نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و همچنین در قسمتی دیگر عملکرد «موسسه مصاف» تشکیل شده است. ● اردیبهشت امسال اسنادی منتشر شد که نشان از پولشویی گسترده، پولشویی و گردش مالی ۱۰۰ میلیارد تومانی موسسه «مصاف» متعلق به علی‌اکبر رائفی‌پور داشت.

قوه قضاییه جمهوری اسلامی از صدور کیفرخواست برای علی‌اکبر رائفی‌پور به اتهام «نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی» خبر داده است. در حالی که از مدتی پیش خبرهایی درباره فساد سازمانیافته و پولشویی موسسه «مصاف» متعلق به علی‌اکبر رائفی‌پور منتشر شده بود، قوه قضاییه تازه از «ادامه تحقیقات» در اینباره خبر داده است. خبرگزاری «میزان» متعلق به قوه قضاییه جمهوری اسلامی روز دوشنبه اول مرداد از صدور کیفرخواست علیه علی‌اکبر رائفی‌پور خبر داده و نوشته «در پی انتشار مطالبی از سوی علی‌اکبر رائفی‌پور در فضای مجازی و گزارش ضابطان، پرونده‌ای با عنوان اتهامی نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی و همچنین در قسمتی دیگر عملکرد مؤسسه مصاف تشکیل شد.»

خبرگزاری «میزان» نوشته پس از رسیدگی قضائی در مورد نشر اکاذیب به قصد تشویش اذهان عمومی قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه ارسال شد. قوه قضاییه جمهوری اسلامی افزوده که «درباره مسائل مطروحه پیرامون مؤسسه مصاف نیز تحقیقات قضایی در این زمینه ادامه دارد و به محض رسیدن به نتیجه نهایی اطلاع‌رسانی صورت خواهد گرفت.»

علی‌اکبر رائفی‌پور از ماه‌ها پیش در پی رقابت جریان‌های اصولگرا برای کسب کرسی‌های مجلس شورای اسلامی اتهاماتی را علیه محمدباقر قالیباف مطرح کرده بود. رائفی‌پور بطور رسمی با انتشار یک فهرست با عنوان «جبهه صبح ایران» وارد کارزار انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی شده بود. بیشترین نمایندگان راه‌یافته به مجلس از حوزه انتخابی تهران از اعضای ائتلافی این جبهه بودند. جریان رائفی‌پور از شهرستان‌ها نیز شمار قابل توجهی نماینده راهی مجلس شورای اسلامی کرد.

«شورای ائتلاف نیروهای انقلاب اسلامی» (شان) و «جبهه پایداری» حول حمید رسایی و «امنا؛ شورای وحدت اصولگرایان» شامل گروه‌های سنتی حول جامعه روحانیت و «جمعیت مؤتلفه اسلامی» از رقبای اصولگرایی طیف رائفی‌پور در انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی بودند. او علیه دیگر اصولگرایان نیز ادعاهایی را مطرح کرده بود؛ از جمله اینکه یکی از اعضای «جبهه پایداری» که در مجلس یازدهم حضور داشته با دریافت ۱۴۰ سکه رشوه برای خارج کردن تحقیق و تفحص و استیضاح از دستور کار مجلس شورای اسلامی تلاش کرده است.

علی‌اکبر رائفی‌پور در اظهارنظر دیگری مدعی شد مشاور قالیباف اقدام به پولشویی به عنوان هدیه به اشخاص نامعلوم کرده است. رائفی‌پور همچنین گفته بود «جناب آقای قالیباف وقتی آقای قاسمیان مشاور شما، رئیس مرکز اسناد، موزه و کتابخانه مجلس صراحتاً اعلام کردند ۲۰۰ نفر (دوسوم) از نمایندگان مجلس از جمله شخص شما هیچ

## دورویی به شیوه اصلاح طلبان؛ از کاپشن احمدی نژاد تا کاپشن پزشکيان!

با آخرین مد لباس می توان بیجا و بی مورد بودن آدمخواران جمهوری اسلامی را تغییر داد.»

اما وضعیت ظاهر و گفتار و رفتار پزشکيان آنقدر زیاد مورد انتقاد و تمسخر قرار گرفته که حالا اصلاح طلبان دست به کار شده اند تا رئیس دولت بدظاهر و بدپوشش خود را توجیه کنند!

روزنامه اصلاح طلب «هم میهن» در یادداشتی به قلم علی نامجو که «پژوهشگر» معرفی شده از کاپشن پوشیدن مسعود پزشکيان تمام قد دفاع کرده است.

در این مطلب آمده که کت و شلوار اصالتا ایرانی نیست و پیوندی دیرینه با فرهنگ ایران هم ندارد. نویسنده «پژوهشگر» این مطلب اما توضیح نداده که ریشه های کاپشن در پوشش اصیل ایرانی و پیوند دیرینه اش با فرهنگ ایران کجاست؟!

او البته در ادامه تلاش کرده با پیوند زدن پوشش آراسته به «تجمل گرایی» و «اشرافی گری» و «شکوه پرستی» و البته نظامها پادشاهی، رئیس دولت منتخب خود را توجیه کند.

در این مطلب آمده «یکی از مهم ترین عللی که در طول تاریخ موجب شده است حکومتها بر پایه ی اشرافیت و تجمل گرایی، بیشتر و پایدارتر از حکومت ساده زیستان و عدالت خواهان باشند، آن است که ساده زیستی سردمداران، ملازمت دارد با آن رفتارها و سیاست گذاری هایی که ممکن است دست بسیاری از «ناساده زیستان!» بی اخلاق و ناهنجار را از آنچه حق شان نیست کوتاه کند؛ همچنین تجمل گرایی و اشرافیت آنها ملازمت دارد با رفتارها و سیاست گذاری هایی که کام دوستان را شیرین و کام دیگران را تلخ می کند.»

در ادامه آمده «همین هایی که از ساده زیستی و عدالت حاکمان رنج می برند و از تجمل گرایی و اشرافیت آنان سود، با روش های اخلاق ستیزانه خود، مانع از رواج و پایداری ساده زیستی و برابری در جهان می شوند. طبیعی است که عدالت خواهان و تجمل ستیزان آنقدر دل بسته دنیا نیستند که بخواهند برای احقاق حقوق و احیای ارزش های خود به روش های غیراخلاقی روی آورند که اگر تن به چنین ذلتی دهند، دیگر ماهیت و اصالت وجودی خود را از دست خواهند داد.»

نویسنده «پژوهشگر» که راضی از «برچیده شدن بساط بیشینه نظام های پادشاهی» است، نوشته «یکی از مهم ترین عوامل به لرزه درآوردن پایه های سلطنت ساسانیان و سپس فروپاشی آن، همین اشرافی گری و شکوه پرستی بود؛ همچنین یکی از مهمترین وجوه تمایز اسلام نبوی و اسلام عربی هم، به ویژه از میانه های قرن اول هجری به بعد، همین عامل بود.»

او همچنین نوشته که این انتقادات «از بقایای همان تفکر رست که محمدرضا شاه پهلوی می گفت «من چون پادشاه ایرانم باید به عنوان شاه ایران در کاخ باشم تا در شأن مردم ایران و تاریخ ایران باشم همچنان که فلان ملکه در فلان کاخ است» و دیدیم که این تفکر چه بر سر او آورد.»

اصلاح طلبان در حالی برای توجیه مسعود پزشکيان به هر دستاویزی متوسل شده اند که افکار عمومی در ایران سالهاست نشان داده مسیر خودش را می رود و چنین موج های تبلیغاتی نمی تواند اثرات بلندمدت ایجاد کند و این را علاوه بر جنبش های اعتراضی و خیزش ملی ۴۰۱ با عدم مشارکت در انتخابات نمایشی رژیم پس از خرداد ۱۴۰۰ نیز ثابت کرده اند.



سینما که در سالهای گذشته نزدیک به اصلاح طلبان بوده در یادداشتی در صفحه اینستاگرامش نوشته «می دانم نمی توانید با تی شرت و پیراهن آستین کوتاه بیرون بیایید. معذوریت های لباس پوشیدن های شما را می دانم. می خواستم خواهش کنم لطفا بجای اون کاپشن، یک کت سبک تابستانی بپوشید. اصل کاپشن به درد تابستان نمی خورد و در ضمن ما از «کاپشن» خاطره ی خوشی نداریم.»

رضا کیانیان که جزو بازیگران حکومتی به شمار می رود، در ادامه نوشته «شما چند ماه دیگر باید به نیویورک بروید. خیلی مهم است چه می پوشید ... لطفا در لباس پوشیدن تجدید نظر کنید. شما آبروی یک ملت هستید. دیگر فقط خودتان نیستید. بگذارید ما و مردم دنیا از دیدن ظاهر شما لذت ببریم. در سازمان ملل عکس های شما در همه ی مطبوعات جهان چاپ خواهند شد. بگذارید ایران به شکل برانزده ای به تصویر کشیده شود. لطفا کت و شلوار خوب و خوش دوخت، کفش مناسب، جوراب های هماهنگ و اصلاح موی شکیل داشته باشید.»

این بازیگر سینما همچنین نوشته «خوش لباسی، فقط یک ظاهر خوش نیست. یک تفکر است. دوست داشتن و فهمیدن زیبایی است. کسی که زیبایی را دوست دارد برای ملت اش هم زیبایی خواهد خواست. ممکن است برای زندگی شخصی تان همین لباسی که می پوشید را انتخاب کرده باشید. اما اکنون شما یک زندگی شخصی ندارید. نماینده یک ملت هستید. به ویژه وقتی در سازمان ملل و در برابر نگاه های جهانی ظاهر می شوید. زیبایی و متناسب بودن ظاهر شما اولین نشانه ی اندیشه های شماست. دومین نشانه، تسلط شما به سخنوری است. اینها باعث می شوند نمایندگان دیگر کشورها بیشتر به حرف های شما گوش بیاورند. حتما شما و مشاوران شما این مسائل را می دانید. من هم نوشتم که خاطر جمع باشد.»

در واکنش به این ماجرا، الهه بقراط سردبیر کیهان لندن در شبکه «ایکس» با انتشار عکسی از پزشکيان و ظریف هنگام نمایش انتخابات، نوشت: «مشکل از «لباس» نیست از اینست که هر کسی در جای خود بجاست! جمهوری اسلامی بیجاست و به قرون وسطا تعلق دارد مقاماتش نیز! نه با نیش باز می توان جنایت و خیانت ماله کشان را ترمیم کرد نه

اصلاح طلبانی که چند سال پیش پوشش و گفتار و رفتار محمود احمدی نژاد را مسخره کرده و او را پوپولیست می نامیدند، امروز رئیس دولت منتخب خود را که حتا طبق آمار رسمی خودشان نیز با آرای ناچیز رئیس جمهور رژیم شده و شبیه ترین رئیس دولت جمهوری اسلامی به محمود احمدی نژاد است توجیه می کنند.

روزنامه «هم میهن» در دفاع از کاپشن پوشیدن پزشکيان نوشته کت و شلوار «اصالتا ایرانی نیست و پیوندی دیرینه با فرهنگ ایران هم ندارد». نویسنده این مطلب توضیح نداده که ریشه های کاپشن در پوشش اصیل ایرانی و پیوند دیرینه اش با فرهنگ ایران کجاست؟!

رضا کیانیان هنرپیشه سینما خطاب به پزشکيان نوشته «زیبایی و متناسب بودن ظاهر شما اولین نشانه ی اندیشه های شماست. دومین نشانه، تسلط شما به سخنوری است.»

الهه بقراط سردبیر کیهان لندن در واکنش به این ماجرا در شبکه «ایکس» با انتشار عکسی از پزشکيان و ظریف هنگام نمایش انتخابات، نوشت: «مشکل از «لباس» نیست از اینست که هر کسی در جای خود بجاست! جمهوری اسلامی بیجاست و به قرون وسطا تعلق دارد مقاماتش نیز! نه با نیش باز می توان جنایت و خیانت ماله کشان را ترمیم کرد نه با آخرین مد لباس می توان بیجا و بی مورد بودن آدمخواران جمهوری اسلامی را تغییر داد.»

کاپشن پوشیدن محمود احمدی نژاد از سوی اصلاح طلبان از جمله ابزارهای تمسخر و پوپولیست بودن او به شمار می رفت اما کاپشن پوشیدن مسعود پزشکيان را آنهم در هوای گرم تابستان با عباراتی چون ساده زیستی و علیه تجمل گرایی بودن توجیه می کنند.

اصلاح طلبانی که چند سال پیش پوشش و گفتار و رفتار محمود احمدی نژاد را مسخره کرده و او را پوپولیست می نامیدند، امروز رئیس دولت منتخب خود را که حتا طبق آمار رسمی خودشان نیز با آرای ناچیز رئیس جمهور رژیم شده و شبیه ترین رئیس دولت جمهوری اسلامی به محمود احمدی نژاد است توجیه می کنند.

محمود احمدی نژاد رقیب پیروز اصلاح طلبان در دو انتخابات ریاست جمهوری ۸۴ و ۸۸ سالهاست که به هدف تمسخر و تحقیر اصلاح طلبان تبدیل شده است. ظاهر نیاراسته، پوشیدن کاپشن، ادبیاتی غیررسمی و سخنان نسنجیده از جمله مواردی است که دستمایه تبلیغات منفی اصلاح طلبان علیه محمود احمدی نژاد می شد.

اکنون مسعود پزشکيان با پوشش و رفتاری شبیه محمود احمدی نژاد برای ریاست دولت چهاردهم جمهوری اسلامی و جهت تشکیل دولتی به اصطلاح اصلاح طلب وارد صحنه شده است ولی حامیان اش مشغول ماله کشی بر افکار و گفتار و رفتار او از جمله در لباس پوشیدن هستند.

مقاومت مسعود پزشکيان در نپوشیدن کت و شلوار از دوره تبلیغات انتخابات نمایشی مورد توجه افکار عمومی قرار گرفت که یادآور یک نام بود: «محمود احمدی نژاد!»

این شباهت تنها در نوع پوشش نبود و شیوه و لحن گفتار غیرحرفه ای و غیررسمی، تکه پرانی های کوچه بازاری و وعده ها و ادعاهای مردمی بودن پزشکيان نیز به شکل حیرت آوری به رئیس دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی شباهت دارد.

این شباهت ها آنقدر برجسته است که رضا کیانیان بازیگر



# هشدار در مورد حمله «نیابتی‌های جمهوری اسلامی» به ورزشکاران اسرائیلی در المپیک پاریس



کاروان ورزشکاران اسرائیلی در مسابقات المپیک پاریس

را داریم که با دنیای سیاست تفاوت دارد. هر دو در همزیستی مسالمت‌آمیز زندگی می‌کنند. المپیک رقابتی بین کشورها نیست، بلکه رقابتی است بین ورزشکارانی که از سوی کمیته‌های ملی المپیک نامزد شده‌اند. ما کار سیاسی نمی‌کنیم، ما اینجا هستیم تا مأموریت خود را برای گرد آوردن ورزشکاران انجام دهیم.»

خرپگراری صداوسیما جمهوری اسلامی در گزارشی سنگ روس‌ها را به سینه زد و نوشت، «در حالی که ورزشکاران روسی از بازی‌های المپیک حذف شدند کمیته بین‌المللی المپیک با تحریم رژیم صهیونیستی و حذف ورزشکاران این رژیم از بازی‌های المپیک پاریس مخالفت کرد.»

این در حالیست که روسیه به خاک اوکراین کشور همسایه غربی خود دست به تجاوز نظامی زده و حاضر به عقب‌نشینی نیست و در مقابل این اسرائیل است که از طرف گروه تروریستی حماس و مورد حمایت رژیم ایران مورد حمله نظامی قرار گرفته و اقدام به دفاع از خود کرده است. همزمان بسیاری از ورزشکاران با استعداد ایران از جمهوری اسلامی گریخته و شماری از آنها در تیم پناهندگان المپیک به رقابت ورزشی می‌پردازند و شماری دیگر زیر پرچم کشورهایی که به آنها امکان رشد و فعالیت داده‌اند. گفتنی است که در المپیک تابستانی ۱۹۷۲ مونیخ، چریک‌های فلسطینی به محل اقامت ورزشکاران حمله کرده و در کشتاری بی‌سابقه ۱۱ ورزشکار و همراهان ورزشی تیم اسرائیل را به خاک و خون کشیدند. استیون اسپیلبرگ کارگردان معروف هالیوود این فاجعه را در فیلم «مونیخ» (۲۰۰۵) به تصویر کشیده است. گفته می‌شود اسرائیل و دستگاه امنیتی آن طی چند سال انتقام این کشتار را از همه کسانی که به نحوی در این ترور وحشیانه شرکت داشتند گرفت. فیلم اسپیلبرگ به همین موضوع می‌پردازد.

مسابقات المپیک پاریس هشدار داد. روزنامه «تایمز اسرائیل» روز پنجشنبه ۲۵ ژوئیه (چهارم امرداد) گزارش داد وزیر خارجه اسرائیل خطاب به استفان سژورنه همتای فرانسوی خود نوشت، «کسانی هستند که به دنبال تضعیف ماهیت رویداد شاد المپیک هستند.»

به گفته اسرائیل کاتز، «ما در حال حاضر ارزیابی‌هایی در مورد تهدید بالقوه تروریست‌های نیابتی حکومت ایران و سایر سازمان‌های تروریستی داریم که قصد حمله علیه اعضای هیئت ورزشکاران اسرائیلی و گردشگران اسرائیلی در جریان بازی‌های المپیک دارند.»

کاتز همچنین از مقامات فرانسوی برای «اقدامات امنیتی بی‌سابقه» به منظور محافظت از اسرائیلی‌ها در بازی‌ها و رد درخواست‌ها مبنی بر ممنوعیت اسرائیل از شرکت در بازی‌های المپیک قردادانی کرد.

امانوئل ماکرون رئیس جمهوری فرانسه نیز در واکنش به این درخواست‌ها گفته بود که از حضور ورزشکاران اسرائیل در فرانسه استقبال می‌کند.

طی ماه‌های اخیر حامیان فلسطین با راه انداختن کارزارهای ضداسرائیلی دو بار از برگزارکنندگان مسابقات المپیک خواستار کنار گذاشتن تیم اسرائیل شدند که مورد موافقت قرار نگرفت. رسانه‌های جمهوری اسلامی و شماری از احزاب چپگرا و گروه‌های ضدیهودی این کارزار ضداسرائیلی را تقویت می‌کردند.

کمیته المپیک فلسطین اخیراً در نامه‌ای به توماس باخ رئیس آلمانی کمیته بین‌المللی المپیک خواستار حذف اسرائیل از مسابقات شده بود. اسرائیل نزدیک به ۸۸ ورزشکار خود را به المپیک فرانسه اعزام کرده است.

باخ در پاسخ به این نامه اعلام کرد، «موضع IOC روشن است. ما دو کمیته ملی المپیک اسرائیل و فلسطین

● وزیر خارجه اسرائیل خطاب به استفان سژورنه همتای فرانسوی خود نوشت، «کسانی هستند که به دنبال تضعیف ماهیت رویداد شاد المپیک هستند.»

● به گفته اسرائیل کاتز، «ما در حال حاضر ارزیابی‌هایی در مورد تهدید بالقوه تروریست‌های نیابتی حکومت ایران و سایر سازمان‌های تروریستی داریم که قصد حمله علیه اعضای هیئت ورزشکاران اسرائیلی و گردشگران اسرائیلی در جریان بازی‌های المپیک دارند.»

● کاتز همچنین از مقامات فرانسوی برای «اقدامات امنیتی بی‌سابقه» به منظور محافظت از اسرائیلی‌ها در بازی‌ها و همچنین رد درخواست‌ها مبنی بر ممنوعیت اسرائیل از شرکت در بازی‌های المپیک قردادانی کرد.

● حامیان آرمان‌های فلسطین خواستار حذف ورزشکاران اسرائیلی از المپیک شده‌اند اما توماس باخ رئیس آلمانی کمیته بین‌المللی المپیک اعلام کرد، «ما کار سیاسی نمی‌کنیم، ما اینجا هستیم تا مأموریت خود را برای گرد آوردن ورزشکاران انجام دهیم.»

● گفتنی است که در المپیک تابستانی ۱۹۷۲ مونیخ، چریک‌های فلسطینی به محل اقامت ورزشکاران حمله کرده و در کشتاری بی‌سابقه ۱۱ ورزشکار و همراهان ورزشی تیم اسرائیل را به خاک و خون کشیدند. استیون اسپیلبرگ کارگردان معروف هالیوود این فاجعه را در فیلم «مونیخ» (۲۰۰۵) به تصویر کشیده است. گفته می‌شود اسرائیل و دستگاه امنیتی آن طی چند سال انتقام این کشتار را از همه کسانی که به نحوی در این ترور وحشیانه شرکت داشتند گرفت. فیلم اسپیلبرگ به همین موضوع می‌پردازد. اسرائیل کاتز وزیر خارجه اسرائیل، در نامه‌ای به وزیر خارجه فرانسه در مورد «توطئه مورد حمایت حکومت ایران» برای حمله تروریستی به تیم ورزشکاران اسرائیلی در

# ریزش معدن در روستای «آزاد بر» و محبوس شدن چهار نفر زیر آوار؛ «هلال احمر» تکذیب کرد: اختلافات شخصی بود!



بهره‌برداران به اصول ایمنی و طراحی معدن است چنانکه از ۲۱ حادثه‌ای که از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال در معادن کشور رخ داده و به جانباختن ۲۶ کارگر معدن منجر شده، ۵ مرگ به دلیل واژگونی لودر، یک مرگ به دلیل برق گرفتگی، ۱۵ مرگ به دلیل ریزش سنگ و زغال، یک مرگ به دلیل گیر کردن در نوار نقاله، یک مرگ به دلیل گیر افتادن زیر چرخ لودر، دو مرگ به دلیل سقوط از ارتفاع و یک مرگ به دلیل نقص سیستم فنی بوده است.

فروردین امسال نیز رضا جدیدی مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی، فناوری اطلاعات و بودجه سازمان زمین‌شناسی در گفتگو با روزنامه «جهان صنعت» از کاهش ۵۰ درصدی نیروهای متخصص و دانش‌آموخته رشته‌های مرتبط با معدن در کشور خبر داد.

رکز ملی آمار، در حالی که تعداد معادن از سال ۶۵ تا ۱۴۰۱ افزایش یافته اما شمار معادن فعال در کشور کاهش یافته است!

روزنامه «فرهیختگان» نیز فروردین امسال با استناد به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشت «ایران به لحاظ ذخائر معدنی جزو ۱۰ کشور نخست جهان اولین کشور خاورمیانه است و ۷ درصد ذخایر معدنی جهان در کشورمان جای دارد. این در حالیست که غنای منابع و ذخایر عظیم معدنی، ایران را یکی از غنی‌ترین مناطق جهان از نظر توانایی تأمین مواد اولیه مورد نیاز صنعت کرده اما این ظرفیت درآمدزا همچنان بی‌استفاده مانده است.

سعید عسکرزاده، دبیر انجمن تولیدکنندگان و صادرکنندگان سنگ آهن ایران به روزنامه «فرهیختگان» گفته بود «با وجود اینکه ما در این سال‌ها به شدت بحث واگذاری معادن و مزایده‌های دولتی را شاهد بودیم که قاعدتا باید منجر به بالا رفتن تعداد معادن فعال کشور می‌شد اما وضعیت حوزه معدن در شرایط مطلوبی قرار ندارد.»

اعلام شد. روزنامه «اعتماد» ماه گذشته اعلام کرد که از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال و تا پیش از وقوع حادثه در معدن سنگ شازند، ۲۶ کارگر در ۲۱ حادثه در معادن کشور کشته شدند.

بر اساس این گزارش ۷ حادثه در معادن کشور رخ داده که ۵ حادثه در معادن زغال سنگ (استان‌های خراسان جنوبی و کرمان)، یک حادثه در معدن شن و ماسه (استان مرکزی) و یک حادثه در معدن سنگ (گیلان) بوده و در این حوادث، ۸ کارگر معدن، کشته شده‌اند که ۵ کارگر به دلیل ریزش معدن، یک کارگر به دلیل برق گرفتگی، یک کارگر به دلیل گیر افتادن در نوار نقاله معدن و یک کارگر به دلیل واژگونی لودر در هنگام خاک و لاشه‌برداری جان خود را از دست داده‌اند.

این گزارش همچنین نشان می‌دهد تعداد حوادث منجر به فوت کارگران معدن در ۸۷ روز آغازین امسال در مقایسه با مدت مشابه پارسال (اول فروردین تا ۲۶ خرداد ۱۴۰۲) افزایش یافته است.

از ابتدای فروردین تا پایان اسفند پارسال، ۱۴ حادثه ریزش، انفجار گاز، واژگونی لودر، سقوط آوار و نقص سیستم فنی در معادن مس، سنگ، خاک رس و زغال سنگ در استان‌های آذربایجان شرقی، سمنان، همدان، چهارمحال و بختیاری، اصفهان، کرمان و یزد اتفاق افتاده و در این حوادث، ۱۸ کارگر معدن کشته شدند در حالی که تعداد کارگران جانباخته در حوادث شغلی معادن در فاصله اول فروردین تا ۲۶ خرداد پارسال، دو نفر و تعداد حوادث در ۸۷ روز ابتدای سال ۱۴۰۲، سه فقره بوده است.

به گزارش «اعتماد» نکته نگران‌کننده در حوادث معدن از ابتدای سال ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال، ارتباط مستقیم هشدار کارشناسان معدن با بی‌توجهی پیمانکاران و

● کورش جعفری رئیس اداره مدیریت بحران فرمانداری کرج گفته یک معدن در محدوده روستای «آزاد بر» جاده چالوس ریزش کرده و در پی آن چهار کارگر در زیر آوار گرفتار شدند.

● مدیرعامل «هلال احمر» البرز ریزش معدن در چالوس را تکذیب کرد و گفت «این اتفاق مربوط به اختلافات شخصی و مسدودکردن راه معدن به وسیله بیل مکانیکی است.»

● هیچکدام از رسانه‌هایی که این خبر را منتشر کرده‌اند، درباره نوع معدن چیزی ننوشته‌اند! در آن منطقه معادن گچ و شن و ماسه وجود دارد.

● از ابتدای فروردین ۱۴۰۲ تا ۲۶ خرداد امسال ۲۶ کارگر در ۲۱ حادثه در معادن کشور کشته شدند.

بر اثر ریزش معدن در روستای «آزاد بر» در جاده کرج-چالوس چهار نفر زیر آوار محبوس شدند. مدیرعامل «هلال احمر» مدعی شده ریزش معدن رخ نداده بلکه بر اثر اختلافات شخصی مسیر معدن مسدود شده است.

رسانه‌های داخلی در ایران گزارش داده‌اند حوالی ظهر امروز شنبه ۳۰ تیرماه حادثه‌ای در یک معدن در محدوده روستای «آزاد بر» جاده چالوس در مسیر جاده گچسر به طالقان رخ داده و تعدادی کارگر زیرآوار محبوس شده‌اند. خبرگزاری «ایلنا» نوشته «در حال حاضر شائبه محبوس شدن ۴ نفر از کارگران قوت گرفته اما اطلاعات دقیقی از محل وقوع حادثه و جزئیات آن گزارش نشده است.»

این گزارش افزوده «طبق گزارش این منبع کارگری، گروهی از امدادگران برای نجات این کارگران عازم محل حادثه شده‌اند.»

کورش جعفری رئیس اداره مدیریت بحران فرمانداری کرج نیز این خبر را تأیید کرده و گفته یک معدن در محدوده روستای «آزاد بر» جاده چالوس ریزش کرده و در پی آن چهار کارگر در زیر آوار گرفتار شدند.

رئیس اداره مدیریت بحران فرمانداری کرج افزوده که تیم‌های امدادی به محل حادثه اعزام شده‌اند.

اینهمه در حالیست که محمدباقر خلفی مدیرعامل «هلال احمر» البرز ریزش معدن در چالوس را تکذیب کرد و گفت: «ریزش معدن در البرز رخ نداده و کسی مصدوم نشده است.»

مدیرعامل «هلال احمر» البرز گفته که «این اتفاق مربوط به اختلافات شخصی و مسدودکردن راه معدن به وسیله بیل مکانیکی است.»

هیچکدام از رسانه‌هایی که این خبر را منتشر کرده‌اند، درباره نوع معدن چیزی ننوشته‌اند! در آن منطقه معادن گچ و شن و ماسه وجود دارد.

ماه گذشته و در ۲۷ خردادماه معدن شن و ماسه در منطقه «پل دوآب» شهرستان شازند در استان مرکزی ریزش کرد و چهار راننده در زیر آوار مدفون شدند.

چهار راننده مدفون شده، دو راننده کمپرسی و دو راننده بیل مکانیکی بودند که در محدوده معدن شماره ۵ شن و ماسه شهرستان شازند مشغول کار بودند. پیکر دو نفر از رانندگان ساعتی پس از حادثه پیدا شد اما پس از ساعتی جستجو مقامات عملیات جستجو برای یافتن دو راننده دیگر را متوقف کردند. علت توقف احتمال ریزش دوباره معدن



## بحران کمبود شیرخشک ادامه دارد روند تخصیص ارز غیرشفاف است



● نایب رئیس انجمن داروسازان تهران علت کمبود شیرخشک در ایران را عدم شفافیت در واریزی‌های ارز شیرخشک و روش یارانه دادن به این کالا دانسته است.  
● در هفته‌ای که گذشت «انجمن داروسازان ایران» در نامه‌ای به رئیس سازمان غذا و دارو، نسبت به مشکلات داروخانه‌ها در عرضه شیرخشک هشدار داد.  
● مدیرکل فرآورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو نیز تأخیر در بازپرداخت بیمه‌ها را از دیگر دلایل ایجاد مشکل برای چند قلم شیرخشک دانسته است.

از روزهای گذشته بار دیگر بحران کمبود شیرخشک خرساز شده است. به گفته نایب رئیس انجمن داروسازان تهران ارز لازم برای واردات شیرخشک و مواد اولیه تخصیص نیافته و روند پرداخت ارز در این بخش غیرشفاف است. «انجمن داروسازان ایران» طی روزهای گذشته در نامه‌ای به رئیس سازمان غذا و دارو، نسبت به مشکلات داروخانه‌ها در عرضه شیرخشک هشدار داد.

پهمن صبور نایب رئیس انجمن داروسازان تهران علت کمبود شیرخشک در ایران را عدم شفافیت در واریزی‌های ارز شیرخشک و روش یارانه دادن به این کالا دانسته است. او گفت: «مشکل نقدینگی باید در بازار دارو حل شود. اگر مشکل نقدینگی حل شود، شیرخشک هم به اندازه کافی تامین می‌شود. پیشنهاد ما این است که یارانه شیرخشک را به مادرهایی بدهند که بچه کوچک دارند. یعنی قیمت را برای مصرف‌کننده آزاد کنند، تفاوت قیمت آن به مادری داده شود که از شیرخشک استفاده می‌کند»

نائب رئیس انجمن داروسازان تهران درباره چالش کمبود نقدینگی و عدم ثبت سفارش دارو بیان کرد که تمام واردکننده‌های مواد اولیه دارو باید معادل ریالی یورو و دلار را واریز کنند تا ارز دریافت کنند، اما ریالی در دسترس نیست. بانک‌ها در زمینه وام کمک نمی‌کنند و نقدینگی لازم برای ثبت سفارش وجود ندارد. اگر پول را به موقع دریافت کنیم، می‌توانیم به شرکت‌ها پرداخت کنیم و این چرخه درست عمل خواهد کرد.

او توضیح داده که تنوع برندهای شیرخشک به مسأله کمبود دامن زده است: «در گذشته یک نوع شیرخشک وجود داشت، اما اکنون نزدیک به ۵۰ مدل شیرخشک داریم که مصرف‌کننده را گمراه می‌کند. افزایش تعداد برندها باعث ایجاد سردرگمی و در نتیجه کمبود در بازار شده است.»

پهمن صبور همچنین پیشنهاد داد که برای عبور از بحران کمبود شیرخشک، مشکل نقدینگی در بازار دارو حل شود. او پیشنهاد کرد که یارانه شیرخشک به مادرانی که بچه کوچک دارند، داده شود و قیمت شیرخشک برای مصرف‌کننده آزاد شود. او معتقد است که روش فعلی ارائه شیرخشک با یارانه، بازار را با کمبود مواجه می‌کند و دولت باید روش دیگری را جایگزین کند.

در هفته‌ای که گذشت «انجمن داروسازان ایران» در نامه‌ای به رئیس سازمان غذا و دارو، نسبت به مشکلات داروخانه‌ها در عرضه شیرخشک هشدار داد.

در نامه «انجمن داروسازان ایران» خطاب به حیدر محمدی

اندک شیرخشک به هیچ وجه جوابگوی هزینه‌های مختلف تحمیلی بر داروخانه و خواب سرمایه در سازمان‌های بیمه گر نیست و عملاً شیرخشک را به یک فرآورده سلامت محور زیان ده تبدیل نموده است.

یک روز پیش از انتشار این نامه و در روز یکشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۳ دکتر علیرضا رستمی مدیرکل فرآورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو با تأکید بر اینکه در حال حاضر دپوی شیرخشک در کشور زیاد است، در عین حال بر کنترل روزانه خروجی شرکت‌های تولید و توزیع کننده شیرخشک تأکید کرد.

مدیرکل فرآورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو همچنین تأخیر در بازپرداخت بیمه‌ها را از دیگر دلایل ایجاد مشکل برای چند قلم شیرخشک دانسته و گفته است: «البته بازپرداخت بیمه‌ها نسبت به سال گذشته بسیار بهتر شده است و آن مواردی که در سامانه تی‌تک ثبت می‌کنند، مطالبات تا اردیبهشت ماه را دریافت کرده‌اند و بنابراین تاخیرهای بیمه‌ها از پنج ماه به حدود ۵۰ روز رسیده است. البته با با برندهای اصلی شیرخشک نیز توافق کرده‌ایم که تسویه‌ها سه ماهه انجام شود.»

بنا بر اعلام سازمان غذا و دارو، دکتر رستمی همچنین اصرار بر مصرف برند خاصی از شیرخشک از سوی مصرف‌کنندگان را از دیگر عوامل بروز برخی کمبودهای موقتی خواند و گفت: «در این زمینه نیز به فرهنگسازی نیاز است تا در مواقع لزوم از برندهای جایگزین استفاده شود.»

مدیرکل فرآورده‌های طبیعی، سنتی و مکمل سازمان غذا و دارو در پایان صحبت‌هایش گفته که «بنابراین اگر کمبود موقتی برخی برندهای خاص را کنار بگذاریم، دپوی شیرخشک کوپنی در استان‌ها روی هفت ماه و هشت ماه است.»

رئیس سازمان غذا و دارو، آمده است: «به دلایل عمدتاً اقتصادی توان داروخانه‌های کشور در عرضه شیرخشک های رگولار روز به روز در حال کاهش بوده و عده کثیری از موسسین داروخانه‌ها تنها به احترام بخشنامه‌های صادره و تأکیدات آمیخته به تهدید مکرر معاونت‌های غذا و دارو در حد بضاعت اقدام به خرید شیرخشک می‌نمایند.»

در این نامه تأکید شده بود که ادامه این روند ضمن ایجاد مشکل برای مصرف کننده نهایی و خانواده‌ها می‌تواند سازمان غذا و دارو و معاونت‌های مربوطه را در شهرستان‌ها در مرحله ثانوی دچار چالش نماید و در نهایت منجر به ایجاد نارضایتی و تنش در داروخانه‌های کشور گردد.

«انجمن داروسازان ایران» نوشته اگر چه داروخانه‌ها با در نظر گرفتن شرایط کشور و تنگناهای سازمان غذا و دارو، نهایت همکاری و همراهی را با مدیران آن سازمان به عمل آورده‌اند و در شرایط بسیار سخت سال گذشته سازمان غذا و دارو را تنها نگذاشتند لیکن الزام داروخانه‌ها به ثبت مشخصات دریافت کنندگان شیرخشک و بارکد شیرخشک، موجب تحمیل هزینه‌های بسیاری شامل سخت افزار، نرم افزار، اینترنت، نیروی انسانی و... بر داروخانه‌ها گردیده است. حال آنکه در مورد سایر مشاغل، سازمان تنظیم مقررات رادیویی برای هر عملی اجرتی در خور آن عمل تعیین می‌کند؛ فلذا لازم است تا برای جبران این هزینه‌ها نیز تعرفه‌ای متناسب اعلام گردد.

این انجمن صنفی افزوده به دلیل افزایش قیمت شیر خشک و قرار گرفتن سهم ارز در مطالبات بیمه‌ای، بخشی از سرمایه داروخانه‌ها به این امر اختصاص پیدا کرده و با توجه به اقتصاد شکننده و ناچیز داروخانه‌های بخش خصوصی، فشار مضاعفی را در کنار سایر مطالبات بیمه‌ای به این بخش وارد می‌کند.

در این نامه همچنین یادآوری شده بود که حاشیه سود

## بختک ۳۳ هزار ساختمان نایمن و ۷۱ ساختمان بحرانی بر روی پایتخت



بنابراین باید فرهنگ‌سازی شود و تقاضا میان مردم ایجاد شود.»

در همین رابطه قدرت‌الله محمدی گفته از ۵۴ هزار ساختمانی که در تهران مورد ارزیابی قرار گرفته نزدیک ۱۰ تا ۱۵ درصد آنها نمای کامپوزیت دارد که طی ۳ دقیقه می‌تواند با حریق نابود شود.

هرچند اسامی ساختمان‌های نایمن برای سال‌ها منتشر نمی‌شد اما پس از حادثه آتش‌سوزی ساختمان «متروپل» و غلامعباس ترکی معاون حقوق عامه و پیشگیری از وقوع جرم دادستانی کل کشور از تشکیل پرونده قضائی برای هر یک از ساختمان‌های نایمن در دادستانی تهران خبر داد و تأکید کرد انتشار اسامی این ساختمان‌ها به صورت شفاف و با ذکر موارد نایمینی از نظر دادستانی منع قانونی ندارد. در بیست و نهم خرداد ۱۴۰۳ بیمارستان «قائم» شهر رشت در نخستین ساعات بامداد دچار حریق شد و دست‌کم ۹ بیمار در این حادثه جان خود را از دست دادند. شماری از بیماران و کادر درمان نیز دچار دودگرفتگی و مسمومیت شدند.

سازمان آتش‌نشانی کانون حادثه را اتاق یوپی‌اس بیمارستان اعلام کرده و چهار روز پس از حادثه تأکید می‌کند که دلیل، اتصالی سیم برق بوده است. اما علت اتصال هنوز مشخص نیست.

دادگستری گیلان نیز اعلام کرده در رابطه با این حادثه تا کنون پنج نفر دستگیر شده‌اند از جمله عوامل فنی و مسئول برق بیمارستان. کسانی که شب حادثه سر پست خود نبوده‌اند و هشدار آتش‌سوزی را نگرفته‌اند.

روزنامه‌ی «هم‌میهن» در گزارشی جزئیاتی از این حادثه را منتشر کرده که نشان می‌دهد عدم رعایت نکات ایمنی علت این حادثه بوده است. همچنین مشخص شده آتش‌سوزی دیر به آتش‌نشانی گزارش داده شده است.

اتاق یوپی‌اس در زیرزمین ساختمان بوده و در همان طبقه اتاق آی‌سی‌یو قرار داشته است؛ جایی که به گفته یک منبع آگاه بالای ۴۵ درجه گرما داشته است.

این منبع آگاه به «هم‌میهن» گفته بود «آتش‌نشانی چندین بار به آنها گفته بود که باید تهویه خوبی

آنها صورت نگرفته است.»

قدرت‌الله محمدی افزوده «پس از حوادثی مانند ریزش ساختمان متروپل، در بررسی‌ها مشخص شد که با کوچکترین اقدامات و با سطحی‌ترین نظارت‌ها نیز می‌توان مشکلات ایمنی چنین ساختمان‌هایی را رفع کرد تا چنین فجایعی رخ ندهد.»

به گفته مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران در «دو سه سال اخیر» برای «۵۴ هزار ساختمان» ارزیابی ایمنی انجام شده است و «۱۲۹ ساختمان بسیار پرخطر» با اقدامات قضایی به «۷۱ ساختمان در سال جاری کاهش» یافته است. این در حالیست که سوده نجفی عضو شورای اسلامی شهر تهران شمار بیمارستان‌های نایمن تهران را هشت عدد عنوان کرده و گفته تعداد دیگری از بیمارستان‌ها نیز دارای «نواقص ایمنی» هستند.

او گفته هشت بیمارستان شامل «رسول اکرم»، «امام»، «لولوگر»، «طرفه»، «سینا»، «بوعلی»، «شهدای یافت‌آباد» و «فیاض‌بخش» به عنوان ساختمان نایمن معرفی شده‌اند.

سوده نجفی افزوده «برخی از بیمارستان‌ها نیز دارای نواقص ایمنی بودند اما نام آنها در این فهرست نیست و خطرات ایمنی از سوی سازمان آتش‌نشانی دریافت کردند که بیمارستان «گاندی» که سال گذشته دچار آتش‌سوزی شد و همچنین بیمارستان «شریعتی» شامل این بیمارستان‌ها هستند.»

مهدی بستانچی عضو هیئت مدیره انجمن ایمنی و مهندسی حریق استان تهران در اردیبهشت امسال اعلام کرده بود که در کل کشور ۱۳۴ هزار ساختمان نایمن داریم همچنین در تهران ۳۳ هزار ساختمان نایمن وجود دارد که وضعیت حدود ۷۱ ساختمان بحرانی است. به عبارتی با وضعیت این ساختمان‌های بحرانی وضعیت مشابه وضعیت پلاسکو و متروپل دارد.

عضو هیئت مدیره انجمن ایمنی و مهندسی حریق استان تهران افزوده بود: «متأسفانه در مورد نمای ساختمان‌ها دستورالعمل مناسب نداریم و بسیاری از کارفرماها و سازندگان ساختمان مسأله ایمنی را کار فانتزی می‌بینند

● مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران گفته در حال حاضر پنج بیمارستان در پایتخت نایمن هستند که اگر تا پایان سال اقدام به ایمن‌سازی نکنند، تخلیه یا پلمب می‌شوند.

● یک عضو شورای اسلامی شهر تهران گفته هشت بیمارستان شامل «رسول اکرم»، «امام»، «لولوگر»، «طرفه»، «سینا»، «بوعلی»، «شهدای یافت‌آباد» و «فیاض‌بخش» به عنوان ساختمان نایمن معرفی شده‌اند.

● مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی تهران گفته از ۵۴ هزار ساختمانی که در تهران مورد ارزیابی قرار گرفته نزدیک ۱۰ تا ۱۵ درصد آنها نمای کامپوزیت دارد که طی ۳ دقیقه می‌تواند با حریق نابود شود.

با آتش‌سوزی هفته گذشته بیمارستان «شریعتی» تهران بار دیگر آمار تکانهنده ساختمان‌های نایمن مورد توجه قرار گرفته است.

هفته گذشته بیمارستان «شریعتی» تهران به دلیل نادیده گرفتن تذکرات ایمن‌سازی، آتش گرفت. کانون حریق اتاقک مخابرات در طبقه همکف یکی از ساختمان‌های این بیمارستان بود و به دلیل بستری نبودن بیماران در آن محدوده، آتش‌سوزی خسارت جانی در پی نداشت.

جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران با انتقاد از بی‌توجهی به توصیه‌ها و خطرات آتش‌نشانی در مورد حادثه بیمارستان «شریعتی» گفت: «این مرکز نیز پیش از این چندین بار مورد بازرسی ایمنی قرار گرفته و موارد نقص ایمنی به مدیران آن اطلاع داده شده بود که متأسفانه توجه چندانی به آن نشده بود.»

آتش‌سوزی این بیمارستان به دلیل رعایت نشدن استانداردهای ایمنی، بار دیگر بحران ساختمان‌های نایمن در پایتخت را مورد توجه قرار داد.

قدرت‌الله محمدی مدیرعامل سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران گفت: «در حال حاضر پنج بیمارستان در پایتخت نایمن هستند که اگر تا پایان سال اقدام به ایمن‌سازی نکنند، تخلیه یا پلمب می‌شوند.»

او به خبرگزاری «ایسنا» گفت این بیمارستان‌ها «تذکرات لازم را دریافت کرده‌اند اما هنوز اقدامات موثری از سوی



## سعید راد بازیگر سینما درگذشت



● سعید راد از بازیگران سینمای قبل و بعد از انقلاب ۵۷ صبح روز شنبه اول مرداد پس از یک دوره بیماری در سن ۷۹ سالگی در تهران درگذشت.

● سعید راد در سال ۱۳۵۰ با نقش آفرینی در فیلم «فاتحین صحرا» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی محمد زرین‌دست وارد دنیای سینما شد و در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷، در ۳۴ فیلم سینمایی به ایفای نقش پرداخت که از مهمترین این کارها می‌توان به «کافر»، «صادق‌گرده»، «تنگنا» و «سفر سنگ» اشاره کرد.

● سعید راد از شهریور سال گذشته به دلیل زمین خوردن دچار شکستگی ستون فقرات شد و با وجود دو عمل جراحی بهبود نیافت. او در این مدت به مشکلات دیگری چون عفونت ریه و بیماری مثانه نیز مبتلا شد و در دو ماه گذشته وضعیت جسمی او وخیم بود.

سعید راد از بازیگران سینمای قبل و بعد از انقلاب ۵۷ صبح روز شنبه اول مرداد پس از یک دوره بیماری در سن ۷۹ سالگی در تهران درگذشت.

احمد سعید حق‌پرست راد معروف به سعید راد متولد ۴ آبان ۱۳۲۶ در تهران است. او دانشجوی انصرافی رشته مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی و از قهرمانان بولینگ ایران بود.

سعید راد در سال ۱۳۵۰ با نقش آفرینی در فیلم «فاتحین صحرا» به کارگردانی، نویسندگی و تهیه‌کنندگی محمد زرین‌دست وارد دنیای سینما شد و در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷، در ۳۴ فیلم سینمایی به ایفای نقش پرداخت که از مهمترین این کارها می‌توان به «کافر»، «صادق‌گرده»، «تنگنا» و «سفر سنگ» اشاره کرد.

این بازیگر در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۳، در ۷ فیلم از جمله «خط قرمز»، «برزخی‌ها»، «دادشاه» و «عقاب‌ها» به ایفای نقش پرداخت اما در اوایل دهه شصت تصویر و فعالیت هنری وی ممنوع شد که به مهاجرت سعید راد از ایران انجامید. وی مدتی در لاهور، پاکستان، هند، کانادا و ایالات متحده آمریکا زندگی کرد و در سال ۱۳۷۸ به ایران بازگشت و پس از سال‌ها دوری از سینما، در فیلمی به نام «دوئل» به کارگردانی احمدرضا درویش ایفای نقش کرد.

او تا سن ۷۲ سالگی به بازیگری در چندین فیلم سینمایی و سریال تلویزیونی از جمله «چشم باد»، «سرزمین مادری»، «ترور خاموش»، «ارثیه پدری» و «گیلدخت» پرداخت. وی برنده تندیس «سپاس» بهترین بازیگر نقش اول مرد در ششمین دوره جشنواره سپاس در سال ۱۳۵۳ برای فیلم «تنگنا» و برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد در سی‌امین جشنواره فیلم «فجر» برای فیلم «گیرنده» در سال ۱۳۹۰ بوده است. سعید راد در نخستین سال‌های جوانی ازدواج کرد که حاصل این ازدواج دو فرزند دختر و پسر است. این ازدواج پس از مدتی به طلاق منتهی شد و همسر و فرزندان سعید راد به کانادا مهاجرت کردند.

سعید راد در دومین ازدواج خود با فاطمه عبدی گلنگشی معروف به «نوش آفرین» خواننده و هنرپیشه معروف پیش از انقلاب ازدواج کرد که این نیز پس از مدتی به جدایی انجامید. سعید راد از شهریور سال گذشته به دلیل زمین خوردن دچار شکستگی ستون فقرات شد و با وجود دو عمل جراحی بهبود نیافت. او در این مدت به مشکلات دیگری چون عفونت ریه و بیماری مثانه نیز مبتلا شد و در دو ماه گذشته وضعیت جسمی او وخیم بود. بیشتر دختر این هنرمند اعلام کرده بود پس از شکستن کمر

داشته باشید. باید باتری‌ها را تعویض می‌کردند که نکرده بودند. با اتصال سیم برق و آتش‌سوزی، دستگاه برق اضطراری از کار می‌افتد؛ دستگاهی که باید به بخش‌های ضروری مثل آسانسور، دستگاه‌های تنفسی و اتاق عمل متصل باشد. تیم‌های بررسی از محل حادثه اعلام کرده‌اند که فن فشار مثبت بیمارستان موقع حادثه، کار نکرده است؛ این بیمارستان دو ژنراتور داشت که هیچ‌یک وارد مدار نشده‌اند، چون اساساً برقی در آنها جریان نداشت.»

وی افزود که آخرین بازدید در سال ۱۴۰۳ صورت گرفته بود و بیمارستان اعلام کرده بود تغییراتی ایجاد کرده، اما هنوز تیم‌های بازرسی آتش‌نشانی این تغییرات را تایید نکرده بودند و «بازرسی‌های آتش‌نشانی از سال ۹۸ به دلیل شیوع کرونا متوقف شد و دوباره از سال ۱۴۰۱ از سر گرفته شد.»

بیمارستان «گاندی» تهران غروب پنجشنبه پنجم بهمن‌ماه ۱۴۰۲ دچار آتش‌سوزی گسترده شد و یک بلوک این بیمارستان در آتش سوخت. این آتش‌سوزی مهیب خسارت جانی در بر نداشت اما خسارت مالی هنگفتی به بار آورده است.

همزمان با عملیات مهار آتش‌سوزی مشخص شد این بیمارستان پیش از این هشدارهایی درباره ایمنی دریافت کرده اما نسبت به آن بی‌اعتنا بوده است.

دکتر پدram عسگری رئیس هیئت مدیره بیمارستان «گاندی» در حالی که همچنان بیمارستان در آتش می‌سوخت در گفتگو با خبرنگاری «ایسنا» گفته بود از صبح جمعه ششم بهمن‌ماه بررسی علت حادثه آغاز می‌شود.

مهدی خسروانی مدیر بحران منطقه ۶ شهرداری تهران که شب آتش‌سوزی در محل حادثه حضور داشت به خبرنگاران گفت که «پیش از این سه جلسه با مسئولان بیمارستان گاندی در خصوص ایمنی داشتیم.»

او با تأکید بر اینکه «مدیریت بحران تهران جلسات زیادی با مدیران بیمارستان گاندی داشت و خطراتی لازم صادر شده بود» گفت که «بیمارستان‌های دی، شریعتی و اکثر بیمارستان‌های مناطق مرکزی تهران حداقل سه خطرات را دریافت کرده‌اند» و «روند ایمن‌سازی برای جلوگیری از بروز حوادث باید با سرعت بیشتری انجام شود.»

جلال ملکی سخنگوی آتش‌نشانی نیز همان شب اعلام کرد که پنج بار به بیمارستان گاندی خطراتی اعلام نمودن داده بودیم؛ «آخرین خطرات مربوط به آبان ماه امسال است. اما متأسفانه به این خطرات توجهی نشده بود. ببینید بیمارستان محلی است که افراد توان‌یاب در آن حاضر می‌شوند. بنابراین باید اصول ایمنی در آن کاملاً و حتی بیشتر از اماکن دیگر مورد توجه باشد، نه اینکه به خطرات ایمنی بی‌توجهی کنند.»

تصویر نامه‌ای که آخرین خطرات آتش‌نشانی به بیمارستان گاندی در تاریخ ۲۳ آبان‌ماه امسال که از سوی خبرنگاری «تسنیم» منتشر شد حاکی از آن بود که این بیمارستان نایمن تشخیص داده شده است.

تیرماه سال گذشته نیز آتش‌سوزی گسترده‌ای در بیمارستان «رسول اکرم» تهران رخ داد و علت آن آغاز آتش‌سوزی بخشی از طبقه دوم ساختمان شماره ۲ و بخش گوش و حلق و بینی عنوان شد.

پیش از این آتش‌سوزی بیمارستان «رسول اکرم» در فهرست بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نایمن قرار داشت که دستور تخلیه آن نیز تا پایان تیرماه از سوی رئیس دانشگاه علوم پزشکی ایران صادر شده بود. از سه ساختمان این بیمارستان، گفته می‌شد که ساختمان شماره ۳ «خطرات بحرانی» دریافت کرده ولی آتش‌سوزی در ساختمان شماره ۲ رخ داد.

در شهریور گذشته، به دلیل اینکه پروتز مورد استفاده به خوبی در کمر وی قرار نگرفته بود، مشکلات بعدی پیش آمد که بعد از مراجعه به بیمارستان، دوباره عمل جراحی انجام و مدت هشت هفته فیزیوتراپی مداوم انجام شد اما با وجود این اقدامات او دیگر توانایی راه رفتن پیدا نکرد.

دختر سعید راد افزوده که به مرور از اواخر سال گذشته، مشکلات دیگری چون عفونت ریه و مثانه نیز به مشکلات راه رفتن سعید راد اضافه شد و او تحت یک عمل جراحی ناموفق قرار گرفت.

روز گذشته هوشنگ گل‌مکانی روزنامه‌نگار و کارگردان سینما در صفحه شخصی خود درباره وضعیت سعید راد نوشته بود: «روز پنجم فروردین که با جواد طوسی به عیادتش رفتیم، بیش از شش ماه از آغاز وضعیت وخیم‌اش می‌گذشت و تازه رضایت داده بود که دخترش به ما خبر بدهد. بس که مغرور است و دلش نمی‌خواست کسی او را در آن حال ببیند. تا پیش از آن، صبح‌ها (سحرخیز بود) روزی یک ساعت می‌دوید، اهل سیگار و مشروب نیست و می‌کوشید سلامت و تناسب اندامش را حفظ کند. به سختی می‌پذیرفت نقش یک پدر را بازی کند و همیشه به کارگردان‌ها اصرار می‌کرد یک سکانس اکشن برایش در نظر بگیرند.»

او در ادامه نوشته بود: «آن روز در یک خانه سالمندان به عیادتش رفتیم و اکنون هم در همانجا بستری است. بعید می‌دانم این را خودش بداند، وگرنه حاضر نیست ساکن یک «خانه سالمندان» باشد. سعید رادی که آن روز روی تخت دیدم، شباهتی با آنچه که حتی از سال‌های اخیرش به یاد داریم نبود. دم نمی‌خواهد وضعیت او را در آن روز توصیف کنم، حتی اگر نتوانم فراموش کنم.»

هوشنگ گل‌مکانی افزوده بود: «پس از آن، چند بار در تماس با آن آسایشگاه حالش را پرسیدم که شاید به عنوان یک پاسخ کلیشه‌ای گفتند «خوب است، بد نیست.» اما هفته گذشته که مسعود کیمیایی و جواد طوسی به عیادتش رفته بودند، از جواد خبر حال سعید راد را گرفتیم. گفت از آن روزی که با هم به دیدارشان رفتیم بدتر است! و حالا با توصیفی که دخترش از حال امروز پدر کرده، معنایش این است که: مگر که دست معجزتی... آرزوی آن معجزه را دارم.»

## شاخص شکاف جنسیتی در سال ۲۰۲۴ ایران در انتهای جدول کشورهای خاورمیانه

مشارکت و فرصت اقتصادی، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا با امتیاز ۴۳/۱ درصد در رتبه هفتم قرار دارند.

مشارکت زنان در نیروی کار منطقه کم است، اما حضور در نقش‌های حرفه‌ای بطور مثبت در حال افزایش است. پیشرفت تحصیلی با امتیاز ۹۷/۲ درصد پیشرفت چشمگیری داشته و نشان‌دهنده برابری جنسیتی گسترده در سواد و ثبت نام در سطوح تحصیلی است. سلامت و بقا در ۹۶/۴ درصد با نسبت جنسی متعادل در هنگام تولد ثابت است، اما شکاف‌های پایدار در امید به زندگی سالم وجود دارد.

عملکرد این منطقه در زمینه توانمندسازی سیاسی در سال ۲۰۲۴ با ۱۱/۷ درصد پایین‌ترین رتبه را دارد، اگرچه شاهد این هستیم که در برابری سیاسی از سال ۲۰۰۶، ۸/۴ درصد افزایش به وجود آمد که این خود مدیون حضور و نمایندگی زنان در نقش‌های وزارتی و پارلمانی در این منطقه است.

هرچند حدود ۸۶/۷ درصد از اقتصادهای منطقه بیش از ۶۰ درصد از شکاف جنسیتی خود را پر کرده‌اند، اما فاصله بین امارات متحده عربی که در رتبه اول منطقه قرار دارد و سودان با رتبه ۱۵، نسبتاً گسترده و ۱۴/۵ درصد است. علاوه بر این، تنها دو اقتصاد از ۱۵ اقتصاد خاورمیانه و شمال آفریقا در رده ۱۰۰ اقتصاد برتر قرار دارند که نشان می‌دهد هنوز با پیشرفت‌های اساسی فاصله بسیاری وجود دارد.

از نظر مشارکت و فرصت اقتصادی، کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا هفتمین امتیاز منطقه‌ای را با ۴۳/۱ درصد به خود اختصاص داده‌اند که نشان‌دهنده تغییر ۱/۸ درصدی نسبت به سال گذشته و بهبود ۳/۱+ درصدی از سال ۲۰۰۶ است.

برابری جنسیتی در نرخ مشارکت نیروی کار در مقایسه با سایر مناطق پایین است و اکثر امتیازات شکاف جنسیتی در این شاخص کمتر از ۶۵ درصد است و در برخی مناطق مثل ایران به ۲۰/۱ درصد می‌رسد. با این حال، نمایندگی زنان در نیروی کار در حال تغییر است برابری جنسیتی در نقش‌های فنی و حرفه‌ای در هفت اقتصاد (مراکش، سودان، تونس، الجزایر، کویت، لبنان و اسرائیل) بالاتر از ۷۰ درصد و بالاتر از میانگین جهانی (۴۰/۵ درصد) است. در عمان ۴۳/۳ درصد، اسرائیل ۴۶/۷ درصد و اردن ۹۰/۳ درصد امکان حضور در نقش‌های قانونگذاری و مدیریت ارشد برای زنان وجود دارد.

در خاورمیانه، ایران در انتهای جدول رتبه‌بندی کشورهای منطقه، در میان پانزده کشور، رتبه چهاردهم را دارد. در این جدول امارات، اسرائیل، تونس، بحرین، اردن، عربستان، قطر، کویت، لبنان، مصر، عمان، مراکش و الجزیره به ترتیب بالاتر از ایران قرار دارند و تنها کشور سودان بعد از ایران رتبه پانزدهم را دارد.

بنا بر اطلاعات منتشرشده، گروهی از اقتصادهایی که کمترین سطح برابری اقتصادی بین زنان و مردان را دارند به ترتیب عبارتند از بنگلادش ۳۱/۱ درصد، سودان ۳۳/۷ درصد، ایران ۳۴/۳ درصد، پاکستان ۳۶ درصد، هند ۳۹/۸ درصد و مراکش ۴۰/۶ درصد.

همه این اقتصادها کمتر از ۳۰ درصد برابری جنسیتی را در درآمد تخمینی بین زنان و مردان دارند. علاوه بر این، سطح برابری در نرخ مشارکت نیروی کار برای همه این چند اقتصاد زیر ۵۰ درصد است که کمترین آن برای ایران با ۲۰/۱ درصد است.



درصد، شکاف مشارکت و فرصت اقتصادی ۶۰/۵ درصد و شکاف توانمندسازی سیاسی ۲۲/۵ درصد بسته شده است. در این گزارش وضعیت خاورمیانه به هیچ عنوان مناسب نیست و بطور کلی در میان کشورهای خاورمیانه، وضعیت ایران تنها از کشور سودان بهتر است. در مقایسه با کشورهای دنیا هم به عنوان مثال وضعیت ایران در زیرشاخص برابری اقتصادی تنها از بنگلادش و سودان بهتر است. اما در زیرشاخص نرخ مشارکت نیروی کار وضعیت ایران تنها با ۲۰/۱ درصد از همه بدتر است.

«گزارش جهانی شکاف جنسیتی سال ۲۰۲۴» مجمع جهانی اقتصاد بر اساس شاخص جهانی شکاف جنسیتی سالانه منتشر شده و وضعیت فعلی و تکامل برابری جنسیتی را در چهار بعد کلیدی بررسی می‌کند. این چهار بعد شامل موارد زیر هستند: مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به تحصیل و آموزش، سلامت و بقا، و توانمندسازی سیاسی. این شاخص از زمان راه‌اندازی در سال ۲۰۰۶ از سوی مجمع جهانی اقتصاد، قدیمی‌ترین مرجعی است که پیشرفت اقدامات اقتصادهای دنیا را برای کاهش شکاف جنسیتی دنبال می‌کند.

امسال هجدهمین ویرایش از شاخص جهانی شکاف جنسیتی، برابری جنسیتی را در ۱۴۶ اقتصاد دنیا بررسی کرده است که می‌تواند مبنایی باشد برای تحلیل تحولات برابری جنسیتی در دو سوم اقتصادهای جهان. شاخص جهانی شکاف جنسیتی امتیازاتی بین صفر تا ۱۰۰ دارد و می‌توان این امتیازات را فاصله طی شده تا برابری (یعنی درصدی از شکاف جنسیتی که بسته شده است) تفسیر کرد.

خاورمیانه و شمال آفریقا با امتیاز برابری جنسیتی ۶۱/۷ درصد در میان تمام مناطق در رتبه آخر قرار دارند. این منطقه از سال ۲۰۰۶ یک مسیر مثبت کلی داشته و امتیاز شکاف جنسیتی خود را ۳/۹+ درصد افزایش داده است. در

● اقتصادهای اروپایی هفت اقتصاد از ۱۰ اقتصاد برتر جهان را در رابطه با برابری جنسیتی به خود اختصاص داده‌اند.

● در خاورمیانه، ایران در انتهای جدول رتبه‌بندی کشورهای منطقه، در میان پانزده کشور، رتبه چهاردهم را دارد.

● این شاخص از زمان راه‌اندازی در سال ۲۰۰۶ از سوی مجمع جهانی اقتصاد، قدیمی‌ترین مرجعی است که پیشرفت اقدامات اقتصادهای دنیا را برای کاهش شکاف جنسیتی دنبال می‌کند.

جدیدترین گزارش مربوط به شاخص شکاف جنسیتی در کشورهای مختلف نشان می‌دهد ایران در انتهای جدول برابری جنسیتی قرار دارد. این شاخص توسط مجمع جهانی اقتصاد و با بررسی فاکتورهایی چون مشارکت و فرصت‌های اقتصادی، دسترسی به تحصیل و آموزش، سلامت و بقا، و توانمندسازی سیاسی محاسبه می‌شود.

گزارش شاخص شکاف جنسیتی به تازگی از سوی مجمع جهانی اقتصاد ارائه شده و در آن ۱۴۶ کشور مورد بررسی قرار گرفتند. دو کشور سودان و ازبکستان برای نخستین بار جزو کشورهای مورد بررسی مجمع جهانی اقتصاد در زمینه شاخص شکاف جنسیتی هستند.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد در حالی که هیچ کشوری به برابری جنسیتی کامل دست نیافته، ۹۷ درصد از اقتصادهای موجود در این نسخه بیش از ۶۰ درصد شکاف جنسیتی در کشور خود را کاهش داده‌اند درحالی که این رقم در سال ۲۰۰۶ شامل ۸۵ درصد اقتصادها می‌شد.

ایسلند با کسب امتیاز ۹۳/۵ درصد بار دیگر در رتبه اول کشورها در رابطه با برخورداری از برابری جنسیتی قرار گرفته است. این کشور در ۱۵ سال گذشته همواره در زمینه فراهم کردن بستری برای برابری جنسیتی پیش‌تاز بوده و توانسته بیش از ۹۰ درصد شکاف جنسیتی خود را کاهش دهد.

گزارش مجمع جهانی اقتصاد همچنین نشان می‌دهد از ۹ اقتصاد موجود در میان ۱۰ اقتصاد برتر، ۸ اقتصاد بیش از ۸۰ درصد شکاف جنسیتی را کاهش داده‌اند.

اقتصادهای اروپایی هفت اقتصاد از ۱۰ اقتصاد برتر جهان را در رابطه با برابری جنسیتی به خود اختصاص داده‌اند. بعد از ایسلند، فنلاند (با ۸۷/۵ درصد دومین)، نروژ (با ۸۷/۵ درصد سوم)، سوئد (با ۸۱/۶ درصد پنجم)، آلمان (با ۸۱ درصد هفتم)، ایرلند (با ۸۰/۲ درصد نهم) و اسپانیا (با ۷۹/۷ درصد دهم) قرار دارند.

سه رتبه از رتبه‌های برتر در رابطه با ایجاد برابری جنسیتی نیز به اقتصادهای آسیای شرقی و اقیانوس آرام تعلق یافته است. نیوزیلند با ۸۳/۵ درصد در رتبه چهارم، آمریکای لاتین و دریای کارائیب یعنی نیکاراگوئه با ۸۱/۱ درصد در رتبه ششم و کشورهای جنوب صحرا آفریقا یعنی نامیبیا با ۸۰/۵ درصد در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند.

کشورهای لیتوانی و بلژیک در اتحادیه اروپا هم به ترتیب در رتبه‌های یازدهم و دوازدهم هستند درحالی که این کشورها پیشتر رتبه هشتم و دوم را داشتند.

بر اساس این گزارش در میان ۱۴۶ اقتصادی که وضعیت شاخص شکاف جنسیتی بررسی شده است، شکاف جنسیتی سلامت و بقا ۹۶ درصد، شکاف پیشرفت تحصیلی ۹۴/۹



# جلسه اضطراری وزارت نیرو در پی بحران کمبود برق انگشت اتهام به سوی مردم با عنوان «مدیریت مصرف»!

تأمین آن هشدار دادند. در حالیکه سالهاست دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی به موضوع ناترازی برق بی‌اعتنا هستند، اکنون راهکار قطع برق را در دستور کار قرار داده است.

از ابتدای شروع فصل گرما، وزارت نیرو با ابلاغ جدول قطع برق شهرک‌های صنعتی از قطعی یک روز در هفته خبر داد. اما بنا بر اظهارات نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران، قطعی برق شهرک‌های صنعتی به دو روز در هفته هم می‌رسد. این در حالی است که بنا بر گزارش‌هایی از مناطق مختلف تهران، منطقه ۶، منطقه ۲ و منطقه ۵ نیز قطعی‌های هرروزه را از هفته گذشته تجربه کردند. به نظر می‌رسد برنامه‌ای برای خاموشی شبکه خانگی نیز تدارک دیده شده که هیچ اطلاعیه‌ای درباره آن صادر نشده است.

بر اساس گزارش روزنامه «دنیای اقتصاد» برق محله‌هایی از منطقه ۶ تهران از روز جمعه دو هفته پیش، هر روز رأس ساعت ۱۲ ظهر به مدت حداقل ۲ ساعت قطع می‌شود. این را می‌توان یک خاموشی منظم، اما بدون اعلام قبلی دانست. موضوعی که بارها از سوی مسئولان تکذیب شده است.

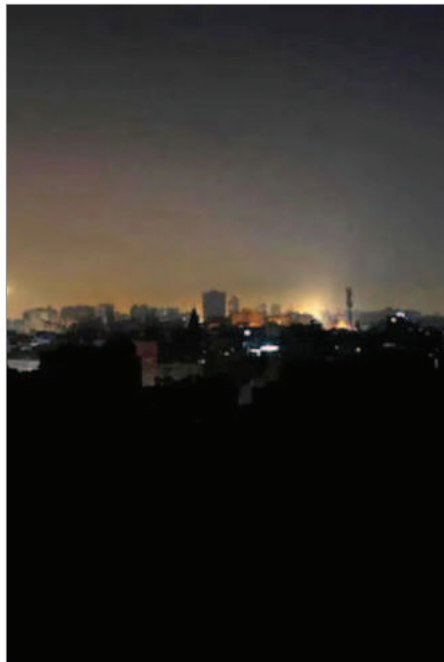
هاشم اورعی استاد برق دانشگاه صنعتی «شریف» (آریامهر) هفته گذشته در گفتگو با وبسایت «رویداد۲۴» گفت افزایش میزان ناترازی برق به زودی به ۲۴ هزار مگاوات می‌رسد و بحران کمبود و قطع برق بدتر خواهد شد.

این استاد دانشگاه گفت «خودتو اینر سال گذشته اعلام کرد که ۱۲ هزار مگاوات ناترازی برق داریم، امسال ۱۸ هزار مگاوات اعلام کردند. با این فرمان سال آینده ۲۴ هزار مگاوات ناترازی خواهیم داشت. ما با ناترازی فزاینده مواجه هستیم. با این وضعیت هر سال وضع‌مان از سال قبل بدتر خواهد شد» وی تأکید کرد که «اگر کسی بگوید من در شش ماه این مشکل را حل می‌کنم، دروغ می‌گوید. حل ناترازی برنامه چندساله می‌خواهد. کوچکترین مشکل ما هم قطع روزانه برق خانگی است؛ قبلاً گفته بودند صنایع هفته‌ای یک روز خاموش کنند، الان هفته‌ای دو روز شده است.»

او همچنین به «خاموشی غیربرنامه‌ریزی شده» اشاره کرد و گفت «صنعت کشور با این وضعیت به سوی تعطیلی کلان می‌رود و زیان آن از قطع برق خانگی خیلی بیشتر است. در برنامه هفتم توسعه سالانه ۸.۵ درصد توسعه صنعتی پیش‌بینی شده اما برق کافی برای آن را نداریم.»

هاشم اورعی معتقد است میزان تولید و عدم توازن با مصرف در حال افزایش است و سالانه ۶ میلیارد دلار برای رفع آن لازم است. او در اینباره گفت «۷۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات مصرف ماست و ظرفیت اسمی ما هم ۹۲ هزار مگاوات است. به علت کهنه بودن تجهیزات و گرما نهایت ۶۶ هزار مگاوات می‌توانیم تولید کنیم. سالانه حدوداً ۵ تا ۷ درصد هم افزایش تقاضا داریم. برای تولید این میزان تقاضا، ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری و دو سال زمان نیاز داریم. نکته اینجاست که ما این ۶ میلیارد را برای یکسال می‌خواهیم و سال بعد از آن هم فرا می‌رسد.»

به گفته این استاد دانشگاه عدم رفع ناترازی برق نه تنها موجب بن‌بست برنامه هفتم خواهد شد، بلکه صنعت کشور را تماماً درگیر تعطیلی خواهد کرد. عدم توجه به ۶ میلیارد نیاز به سرمایه‌گذاری در حوزه برق، کشور را در سال‌های پیش رو با بحران‌های اساسی‌تری مواجه می‌کند که دیگر جای جبران آن دشوار است.



چون فولاد، می‌بایست تدابیری را اتخاذ کنند که ضمن تأمین برق مورد نیاز در استان، صنعت و تولید تعطیل نشود.» در آنسو اما بحران کمبود برق این روزها و با ورود موج جدید گرما به اوج رسیده است بطوریکه قرار است جلسه‌ای اضطراری برای مدیریت بحران برگزار شود. مصطفی رجبی مشهدی در اینباره گفته قرار است جلسه اضطراری با وزیر نیرو، علی اکبر محرابیان، امروز شنبه ۳۰ تیر برگزار شود. او ابراز امیدواری کرده «با تمهیدهایی که از قبل اندیشیده شده، و تصمیم‌هایی که در این جلسه اتخاذ خواهد شد و به طور خاص با همکاری موثر مشتریان عزیز، بتوانیم این دو هفته ویژه را با موفقیت پشت سر بگذاریم.»

علی اکبر محرابیان وزیر نیرو نیز ساعاتی پیش و در صبح شنبه ۳۰ تیرماه دستور قطع برق اداراتی را که نسبت به کاهش مصرف برق خود اقدام نمی‌کنند، صادر کرده است. همچنین شرکت توانیر به تازگی پیامکی مبنی بر اینکه «مصرف برق منطقه شما افزایش یافته» ارسال و توصیه کرده است که مردم از وسایل پرمصرف و غیرضروری استفاده نکنند تا امکان برق‌رسانی به تمام مشتریان منطقه فراهم شود.

وبسایت «تجارت نیوز» نوشته این موضوع نشان می‌دهد توانیر به جای پذیرش بروز بحران کمبود برق، صرفاً انگشت اتهام را به سمت مصرف‌کنندگان گرفته و با راحت‌ترین راهکار ناکارای موجود به میدان آمده است. قطعی برق صنایع و شبکه خانگی بیش از یک ماه است که آغاز شده با وجود این، همواره درخواست مدیریت مصرف مطرح می‌شود. مسئولان نام بحران قطعی برق صنایع و شبکه خانگی را مدیریت مصرف گذاشتند تا این بحران را به عنوان راهکار جا بزنند. ناترازی برق به دلیل عدم سرمایه‌گذاری صحیح و توسعه صنعت برق، سال‌هاست که بحران‌آفرین شده و این بحران هر سال شدیدتر از سال قبل بروز پیدا می‌کند.

کارشناسان بارها با اشاره به آمارهای قابل توجه ناترازی برق، نسبت به افزایش مصرف و نبود زیرساخت‌های لازم به منظور

● در پی موج جدید گرما در دو هفته آینده، سخنگوی صنعت برق از بسیج بخش‌های مختلف صنعت برق در نیروگاه‌ها و شبکه توزیع خبر داده و گفته این نیروها با «فعالیت جهادی» تلاش می‌کنند تأمین برق به صورت پایدار انجام شود.

● علی اکبر محرابیان وزیر نیرو بامداد شنبه ۳۰ تیرماه دستور قطع برق اداراتی را که نسبت به کاهش مصرف برق خود اقدام نمی‌کنند، صادر کرده است.

● شرکت توانیر به تازگی پیامکی مبنی بر اینکه «مصرف برق منطقه شما افزایش یافته» ارسال و توصیه کرده است شهروندان مصرف خود را مدیریت کنند!

● ناترازی برق به دلیل عدم سرمایه‌گذاری صحیح و توسعه صنعت برق، سال‌هاست که بحران‌آفرین شده و این بحران هر سال شدیدتر از سال قبل بروز پیدا می‌کند.

در حالی که سازمان هواشناسی از پیش رو بودن دو هفته گرمای بی‌سابقه خبر داده، شرکت توانیر قرار است جلسه‌ای اضطراری با حضور وزیر نیرو برای یافتن راه حل کنترل بحران کمبود برق برگزار کند. تولید برق در ایران به دلایل زیربنایی کمتر از میزان مورد نیاز است اما دولت انگشت اتهام را به سوی مردم گرفته و آنها را به نداشتن «مدیریت مصرف» متهم کرده است.

مصطفی رجبی مشهدی سخنگوی صنعت برق با اشاره به موج جدید گرما در روزهای آینده گفته «دو هفته بسیار گرم پیش روی کشور قرار دارد و امید است با تأمین برق پایدار و همکاری هموطنان عزیز این روزها را پشت سر بگذاریم. در این رابطه باید گفت به ازای هر یک درجه افزایش دما ۱۸۰۰ مگاوات به میزان مصرف برق کشور افزوده می‌شود.» به گفته سخنگوی صنعت برق «پیش‌بینی شده است طی دو هفته گرم پیش رو حد نصاب‌های جدیدی در مصرف برق ثبت شود، پس می‌تولد که هموطنان عزیز کمک کنند تا قله‌های مصرفی که ایجاد می‌شود را پشت سر بگذاریم.» او از بسیج بخش‌های مختلف صنعت برق در نیروگاه‌ها و شبکه توزیع خبر داده و گفته این نیروها با «فعالیت جهادی» تلاش می‌کنند تأمین برق به صورت پایدار انجام شود.

مصطفی رجبی مشهدی ادعا کرده که «حتی اگر برق به میزان کافی هم وجود داشته باشد، احتمال بروز فشار بیش از حد بر شبکه‌های توزیع و عدم امکان تأمین برق وجود دارد. در نتیجه نیاز است تا هموطنان مشارکت خود را در مصرف بهینه برق افزایش دهند.»

سخنگوی صنعت برق همچنین گفته در طول این دو هفته، ابتدا مشتریان بزرگ صنعتی، عمده مشتریان کشاورزی، سایر مشتریان اداری و بخش عمومی کشور باید برنامه‌های مدیریت مصرف را به طور کامل و دقیق رعایت کنند تا این دوره را پشت سر بگذاریم. مصطفی رجبی مشهدی در حالی از فشار بر صنایع در روزهای آینده خبر داده که در حال حاضر نیز صنایع مختلف با زیان گسترده‌ای به دلیل جیره‌بندی و قطع مکرر برق روبرو هستند.

در همین رابطه وبسایت «تجارت نیوز» از اثرات منفی قطع برق فولادسازان در استان خوزستان بر اقتصاد این استان خبر داده است. «تجارت نیوز» نوشته «به نظر می‌رسد متولیان برق استان بجای پوشش دادن ضعف‌های موجود در تأمین برق در استان با قطع برق صنایع مهمی

## مدیر حوزه‌های علمیه در مورد پزشک‌یان به روس‌ها اطمینان خاطر داد؛ «معمار روابط عمیق با روسیه علی‌خامنه‌ای است»



دیدار علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه با الکساندر ژوکوف معاون دوما

سیاست‌های رهبری» است اما جریان اصلاح‌طلب و همچنین بازوهای خارجی جمهوری اسلامی شامل لابی‌گران و دلال‌های سیاسی غربی تلاش می‌کنند وی را یک «میان‌ه‌رو» جا بزنند که قصد مذاکره و توافق با غربی‌ها را دارد.

به نظر می‌رسد روس‌ها به صورت حداکثری خواستار تضمین از سوی جمهوری اسلامی در مورد سیاست‌های خود در قبال مسکو هستند، هرچند که بسیاری معتقدند خامنه‌ای در عمل ثابت کرده است که نوکر ولادیمیر پوتین است.

مسعود پزشک‌یان ۲۰ تیرماه در دیدار با محمد محمدی گلپایگانی و علی‌اصغر حجازی رئیس دفتر و قائم مقام دفتر علی‌خامنه‌ای گفته بود، «مهمترین کار ما اجرای سیاست‌های رهبر است.»

وی در اولین مقاله رسمی خود پس از نمایش انتخابات در روزنامه انگلیسی‌زبان «تهران‌تایمز» (۲۳ تیرماه) به تشریح چشم‌انداز سیاست خارجی دولت چهاردهم پرداخت و درباره رابطه تهران و واشنگتن نوشت که جمهوری اسلامی تحت فشار آمریکا قرار نخواهد گرفت و در مقابل، روابط نزدیک با روسیه و چین را حفظ خواهد کرد. این در حالیست که محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی که با چراغ سبز علی‌خامنه‌ای به عنوان رئیس «شورای راهبری» چیدن مهره‌های کابینه‌ی پزشک‌یان فعال شده، صراحتاً گفته بود «روسیه، ایران را برای مطامع خود فدای آمریکا می‌کند.» ظریف در فایل صوتی که سه سال پیش از این افشا شد روسیه را متهم کرد که در برجام به ایران خیانت کرد.

مشابه دانست و گفت: «روسیه نیز در حدود دو سال گذشته با حجم گسترده‌ای از تحریم‌ها روبرو شده است اما اقتصاد این کشور همچون ایران در شرایط تحریم در حال توسعه است.»

ژوکوف که بعد از حمله روسیه به اوکراین نام او در فهرست تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت، در ادامه افزود، «روسیه احترام زیادی برای قرآن کریم قائل است و هرگونه بی‌احترامی به کتاب آسمانی مسلمان، جرم محسوب می‌شود.»

### «راه ابریشم معنوی»

وبسایت سفارت جمهوری اسلامی در مسکو درباره این سفر نوشت، اعرافی به دعوت مفتی شیخ راولین عین‌الدین، رئیس اداره دینی مسلمانان روسیه، برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی «راه ابریشم معنوی» به روسیه سفر کرده است.

طبق اعلام برگزارکنندگان، کنفرانس بین‌المللی «راه ابریشم معنوی» عرصه‌ای است برای گفت‌وگو میان رهبران مذهبی و سیاسی و نمایندگان مجامع علمی و اجتماعی، با هدف هماهنگی و یکسان‌سازی مواضع مشترک مبتنی بر ارزش‌های سنتی انسانی، در مقابله با تهدیدهای جهان امروز و صیانت از توسعه‌ی آتی میراث فرهنگی-مذهبی ملت‌ها. این کنفرانس با حضور مقامات کشورهای مختلف در شهر کازان برگزار می‌شود.

هرچند مسعود پزشک‌یان در جریان رقابت‌های انتخاباتی بارها تأکید کرد که مبنای عملکرد دولت او «اجرای

● علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه که گفته می‌شود بعد از مرگ علی‌خامنه‌ای یکی از گزینه‌های احتمالی رهبری است به دعوت مفتی شیخ راولین عین‌الدین، رئیس اداره دینی مسلمانان روسیه، برای شرکت در کنفرانس بین‌المللی «راه ابریشم معنوی» به روسیه سفر کرده است.

● اعرافی در دیدار با الکساندر ژوکوف نائب رئیس دوما روسیه با اشاره به اینکه «ایران و روسیه با برقراری مناسبات عمیق، عصر جدیدی را در مناسبات دوجانبه رقم زده‌اند» برای علی‌خامنه‌ای سنگ تمام گذاشت و گفت: «در کشور ما این مناسبات توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان عالی‌ترین سطح مدیریت و رهبری کشور، طراحی و معماری شده است و دیگر قوا و ارکان کشور نیز اراده جدی بر تخریب معماری جدید مناسبات دارند.»

● وی به ژوکوف اطمینان داد مسعود پزشک‌یان «بر اساس سیاست راهبردی» خامنه‌ای، توسعه مناسبات با روسیه را در دستور کار خواهد داشت.

● بر اساس گزارش وبسایت «حوزه»، ژوکوف نیز در این دیدار گفته «شهید رئیسی یک وطن‌پرست واقعی بود!»

آیت‌الله علیرضا اعرافی مدیر حوزه‌های علمیه که گفته می‌شود بعد از مرگ علی‌خامنه‌ای یکی از گزینه‌های احتمالی رهبری است، در رویدادی کم سابقه به مسکو سفر کرده است.

پایگاه خبری «حوزه» دوشنبه اول مرداد گزارش داد در اولین روز سفر با الکساندر ژوکوف نائب رئیس مجلس روسیه (دوما) دیدار کرده است.

اعراف در این دیدار با اشاره به اینکه «ایران و روسیه با برقراری مناسبات عمیق، عصر جدیدی را در مناسبات دوجانبه رقم زده‌اند» برای علی‌خامنه‌ای سنگ تمام گذاشت و گفت: «در کشور ما این مناسبات توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان عالی‌ترین سطح مدیریت و رهبری کشور، طراحی و معماری شده است و دیگر قوا و ارکان کشور نیز اراده جدی بر تخریب معماری جدید مناسبات دارند.»

مدیر حوزه‌های علمیه همچنین دیدار ولادیمیر پوتین با علی‌خامنه‌ای در تیرماه ۱۴۰۱ را «نقطه عطف» خواند و با تمجید از توافقنامه‌ها میان جمهوری اسلامی و روسیه تأکید کرد، «مطمئن هستیم که دولت جدید ایران نیز بر اساس سیاست راهبردی رهبر معظم انقلاب، توسعه مناسبات با روسیه را در دستور کار خواهد داشت.»

اعراف در ادامه از مواضع روسیه در موضوع فلسطین قدردانی کرد و به تعریف و تمجید از دستاوردهای «انقلاب اسلامی» و مواضع «ضد استعماری» روح‌الله خمینی پرداخت.

بر اساس گزارش وبسایت «حوزه»، ژوکوف نیز در این دیدار گفته «شهید رئیسی یک وطن‌پرست واقعی بود!»

وی همچنین مواضع فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی در مقابله با یکجانبه‌گرایی و افراط‌گرایی و تروریسم را



## «مهندسی زمان» برای تولید «مب» در «طرح B» «پزشکیان خیلی فرقی با رئیسی نمی‌کند»



سلفی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با مسعود پزشکیان / ۳۱ تیرماه ۱۴۰۳

انتخابات» زمینه را برای روی کار آوردن مسعود پزشکیان فراهم کرد تا شاید با تلاش‌های پیدا و پنهان مهره‌هایی مثل محمدجواد ظریف روزنه‌ای برای مذاکره با غربی‌ها بر سر توافقی شبیه برجام باز شود. در مقابل اما برخی دیگر بر این باورند که تنها گزینه نظام برای مقابله با بحران امنیتی که با آن روبروست و موجودیت حکومت را تهدید می‌کند دستیابی به مب است و روی کار آوردن پزشکیان و میداناری ظریف پس از مرگ رئیسی، در واقع «مهندسی زمان» است تا جمهوری اسلامی فرصت کافی برای رسیدن به مب داشته باشد.

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید ۱۸ تیرماه اعلام کرد واشنگتن انتظار هیچ تغییری در رفتار جمهوری اسلامی پس از انتخاب مسعود پزشکیان به عنوان رئیس جمهور ندارد و ایالات متحده آماده‌ی از سر گرفتن مذاکرات هسته‌ای با رژیم ایران با روی کار آمدن دولت جدید به ریاست پزشکیان نیست. فرای اینها با فضای انتخاباتی حاکم بر آمریکا و درگیری دموکرات‌ها با ضعف‌های شخصی دولت بایدن بعید است در کاخ سفید اولویتی برای مذاکره اتمی با جمهوری اسلامی وجود داشته باشد.

اینهمه در شرایطی است که جمهوری اسلامی با فهرستی از نگرانی‌های عمده روبروست که بحران اقتصادی و تلاطم‌های اجتماعی آن را تشدید می‌کند: احتمال فعال شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌ها و احتمال قرار گرفتن سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا از عمده مسائلی هستند که دولت پزشکیان با آن روبروست؛ بازگشت احتمالی ترامپ به قدرت می‌تواند فشارها بر جمهوری اسلامی را به اوج خود بازگرداند. باید یادآوری کرد که کارزار مخالفان دموکراسی‌خواه جمهوری اسلامی برای فشار به دولت‌های غربی جهت فشار بیشتر و سختگیری جدی‌تر علیه حکومت و توقف مباحثات با رژیم ملایان در تغییر معادلات تأثیر قابل توجهی داشته است.

جمهوری اسلامی با طرح این پرسش که «چرا غربی‌ها به فعالیت‌های اتمی ایران گیر داده‌اند؟» گفت «ما روی مبنای اسلامی‌مان نمی‌خواهیم طرف سلاح [هسته‌ای] برویم و الا اگر این نبود، جلوی‌ش را نمی‌توانستند بگیرند! همچنانکه جلوی پیشرفت‌های هسته‌ای ما را تا الان نتوانستند بگیرند!» اینکه جمهوری اسلامی در حال پیشبرد جنبه‌های کلیدی ساخت مب هسته‌ای است قابل انکار نیست. شماری از مسئولان نظام در این ارتباط کاملاً آشکار تهدیدات جدی را بیان کرده‌اند. کمال خرازی مشاور علی خامنه‌ای و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، در مصاحبه با شبکه «الجزیره» که چهارشنبه هشتم ماه مه (۱۹ اردیبهشت) منتشر شد تهدید کرد، «در صورت تهدید موجودیت [جمهوری اسلامی] ایران دکترین هسته‌ای خود را تغییر می‌دهیم.»

در موردی دیگر محمودرضا آقامیری، رئیس دانشگاه «بهشتی» (از متخصصان فیزیک اتمی) فروردین ۱۴۰۳ روی آنتن زنده تلویزیون گفت، «طبق فتوای رهبر انقلاب ساخت مب اتم حرام شرعی است، اما اگر نظر و فتوای ایشان تغییر کند ما توانایی ساخت مب اتم هم داریم. با توانایی‌ای که درحوزه هسته‌ای داریم، ساخت مب اتم برای ما خیلی راحت‌تر از ساختن مب اتم است.»

در دولت رئیسی پس از آنکه حکومت مطمئن شد مذاکره با دولت بایدن بی‌فایده است، محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره کننده اتمی، تهدید به اجرای «طرح B» و توسعه برنامه‌های اتمی کرد. پس از روی کار آوردن پزشکیان نیز مرندی در گفتگو با «راشا تودی» با صراحت گفت، «پزشکیان خیلی فرقی با رئیسی نمی‌کند» و هر دو را «میان‌ه‌رو» دانست؛ آنکه کشته شد «اصولگرای میان‌ه‌رو» بود و اینکه روی کار آورده شد «اصلاح‌طلب میان‌ه‌رو» است!

برخی معتقدند علی خامنه‌ای به خیال خود با «مهندسی

در شرایطی که محمدجواد ظریف سرگرم گزینش اعضای کابینه برای دولت مسعود پزشکیان است، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا در نشست «آسپن» گفت که «زمان گریز هسته‌ای» ایران یعنی زمان مورد نیاز برای تولید مواد با درجه تسلیحاتی کافی جهت تولید سلاح هسته‌ای «اکنون احتمالاً یک یا دو هفته است.»

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی روز شنبه ۳۰ ژوئیه در واکنش به صحبت‌های وزیر خارجه آمریکا در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «این ادعا در ۲۰ سال گذشته بارها مورد استفاده قرار گرفته.» او افزود: «از این ادعا در سال‌های آینده نیز برای اهداف تبلیغاتی استفاده خواهد شد.»

در دولت رئیسی پس از آنکه حکومت مطمئن شد مذاکره با دولت بایدن بی‌فایده است، محمد مرندی پسر پزشک مخصوص علی خامنه‌ای و مشاور تیم مذاکره کننده اتمی، تهدید به اجرای «طرح B» و توسعه برنامه‌های اتمی کرد. پس از روی کار آوردن پزشکیان نیز مرندی در گفتگو با «راشا تودی» با صراحت گفت، «پزشکیان خیلی فرقی با رئیسی نمی‌کند» و هر دو را «میان‌ه‌رو» دانست؛ آنکه کشته شد «اصولگرای میان‌ه‌رو» بود و اینکه روی کار آورده شد «اصلاح‌طلب میان‌ه‌رو» است!

در شرایطی که محمدجواد ظریف سرگرم گزینش اعضای کابینه برای دولت مسعود پزشکیان است، آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا روز جمعه ۱۹ ژوئیه (۲۹ تیرماه) در نشست «آسپن» گفت که «زمان گریز هسته‌ای» ایران یعنی زمان مورد نیاز برای تولید مواد لازم با درجه تسلیحاتی کافی جهت تولید سلاح هسته‌ای «اکنون احتمالاً یک یا دو هفته است.» این ارزیابی کوتاه‌ترین زمانی است که مقامات رسمی آمریکا تا کنون به آن اشاره کرده‌اند اما بلینکن همزمان گفته است «آنها هنوز سلاحی تولید نکرده‌اند.»

مقامات جمهوری اسلامی بر اساس فتوای علی خامنه‌ای مبنی بر «حرام بودن» ساخت و تولید مب اتم ادعا می‌کنند برنامه‌های هسته‌ای رژیم «صلح‌آمیز» است اما رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بارها تأکید کرده غنی‌سازی اورانیوم تا ۶۰ درصد و حتا بیشتر «هیچ توجیه و کاربرد معتبر غیرنظامی ندارد.»

همچنین مقامات اسرائیلی می‌گویند حکومت ایران در پوشش برنامه‌های تحقیقاتی دانشگاهی در حال کار روی آخرین مراحل ساخت مب اتم مربوط به انفجار چاشنی‌ها و حمل آن توسط یک کلاهک است.

وزیر خارجه آمریکا با صراحت اعلام کرد «الان در وضعیت خوبی نیستیم» هرچند دلیل این وضعیت را خروج آمریکا از برجام در دوران ریاست جمهوری دونالد تراکپ عنوان کرد. میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در سازمان‌های بین‌المللی، روز شنبه ۳۰ ژوئیه در واکنش به صحبت‌های وزیر خارجه آمریکا در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشته است: «این ادعا در ۲۰ سال گذشته بارها مورد استفاده قرار گرفته.» او افزود: «از این ادعا در سال‌های آینده نیز برای اهداف تبلیغاتی استفاده خواهد شد.»

هرچند حکومت ایران در ظاهر بر اساس فتوای خامنه‌ای ساخت مب اتم را انکار می‌کند اما خود خامنه‌ای یکشنبه ۲۱ خرداد ۱۴۰۲ در جمع مدیران و کارکنان برنامه اتمی

## ۸۰ درصد شاغلان در ایران مرد هستند

### مشارکت پایین اقتصادی زنان در نتیجه شکاف عمیق جنسیتی

در مقایسه با کشورهای دنیا هم به عنوان مثال وضعیت ایران در زیرشاخص برابری اقتصادی تنها از بنگلادش و سودان بهتر است. اما در زیرشاخص نرخ مشارکت نیروی کار وضعیت ایران تنها با ۲۰/۱ درصد از همه بدتر است. در خاورمیانه، ایران در انتهای جدول رتبه‌بندی کشورهای منطقه، در میان پانزده کشور، رتبه چهاردهم را دارد. در این جدول امارات، اسرائیل، تونس، بحرین، اردن، عربستان، قطر، کویت، لبنان، مصر، عمان، مراکش و الجزیره به ترتیب بالاتر از ایران قرار دارند و تنها کشور سودان بعد از ایران رتبه پانزدهم را دارد. بنا بر اطلاعات منتشر شده، گروهی از اقتصادهایی که کمترین سطح برابری اقتصادی بین زنان و مردان را دارند به ترتیب عبارتند از بنگلادش ۳۱/۱ درصد، سودان ۳۳/۷ درصد، ایران ۲۴/۳ درصد، پاکستان ۳۶ درصد، هند ۳۹/۸ درصد و مراکش ۴۰/۶ درصد.

همه این اقتصادها کمتر از ۳۰ درصد برابری جنسیتی را در درآمد تخمینی بین زنان و مردان دارند. علاوه بر این، سطح برابری در نرخ مشارکت نیروی کار برای همه این چند اقتصاد زیر ۵۰ درصد است که کمترین آن برای ایران با ۲۰/۱ درصد است. آثار نبود فرصت‌های برابر شغلی برای زنان سبب افزایش شمار زنان مشغول به مشاغل کاذب شده است. بر اساس گزارش‌ها به دلیل نداشتن فرصت شغلی شمار زنان دستفروش در معابر عمومی و متروها رو به افزایش است.

پرویز براتی، جامعه‌شناس، درباره افزایش شمار زنان دستفروش به «تجارت نیوز» گفته «قطعاً یکی از مهم‌ترین عوامل روی آوردن زنان به دستفروشی مشکلات معیشتی و اقتصادی است. این مسئله حتی بعد از همه‌گیری کرونا بسیار بیشتر شد و در مطالعات آماری که از سوی دانشجویان جامعه‌شناسی انجام گرفت مشخص شد میزان زنان دستفروش بعد از همه‌گیری کرونا به دلیل مشکلات معیشتی تقریباً بیش از دو برابر افزایش پیدا کرده است.»

این جامعه‌شناس افزوده که «دستفروشی جزو مشاغل کاذب به شمار می‌رود اما وقتی جامعه‌ای با این شدت از تورم و فقر دست به گریبان است نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم مردم معیشت خود را به خاطر قوانین تعطیل کنند. هرچه باشد به قول بسیاری از دستفروش‌ها این کار بهتر از بالا رفتن از دیوار مردم است.»

پرویز براتی معتقد است که «روی آوردن به دستفروشی دلایل بسیاری دارد اما زنان میانسالی که تنها خانه‌داری و فرزندداری را به‌خوبی یاد گرفته‌اند و فرصت آموزش و تحصیل نداشته‌اند حالا که مجبورند به معیشت خانواده کمک کنند، کار دیگری جز دستفروشی پیدا نمی‌کنند.»

او همچنین سیاست‌های جمهوری اسلامی برای افزایش جمعیت و فرزندآوری را مورد اشاره قرار داده و گفته «از طرفی قانون جوانی جمعیت تصویب می‌کنیم و از طرف دیگر می‌بینیم که به دلیل شرایط حاکم بر جامعه، هر روز شمار زیادی از جوانان که پتانسیل فرزندآوری دارند از کشور مهاجرت می‌کنند. وقتی دختران جوان برای تامین مخارج دانشگاه خود مجبورند در مترو دستفروشی کنند، وقتی زنان برای کمک به معیشت خانواده مجبورند پابه‌پای همسر خود در خارج از خانه کار کنند، رسیدن به رویای جوانی جمعیت با تصویب قانون و صدور ابلاغیه رویایی دست‌نیافتنی به نظر می‌رسد.»



است. از سوی دیگر بسیاری از سیاست‌هایی که در جهت به خانه رانده شدن زنان در جمهوری اسلامی تدوین و تصویب و اجرایی شده از سوی اصلاح‌طلبان هدایت شده است. برای نمونه طرح حجاب و عفاف که یک جنبه آن اسقرار گشت ارشاد در خیابان‌ها بود از سوی دولت اصلاح‌طلب محمد خاتمی تدوین و تصویب شد و اجرای آن به دولت محمود احمدی‌نژاد واگذار شد. در شرایطی که سیاست‌های کلی جمهوری اسلامی بر افزایش جمعیت و فرزندآوری متمرکز است و در همین حال وظیفه اصلی زنان را مادر بودن و همسر بودن و فرزندآوری می‌داند و برای زنان شاغل در صورت بارداری و زایمان هیچ بسته‌ی کارآمد حمایتی ندارد، طبیعی است که شکاف جنسیتی عمیق خواهد شد.

در همین رابطه هادی صالحی اصفهانی، استاد اقتصاد دانشگاه ایلیونی اوربانا شمپین آمریکا به روزنامه «اعتماد» گفته «قبل از انقلاب تا حدودی شرایط برای حضور زنان در جامعه رو به افزایش بود اما پس از انقلاب دولت سعی کرد تا تقسیم کار بر اساس جنسیت باشد و نقش زنان در بازار کار محدود شد و حتی زنان تحصیلکرده هم در خانه ماندند و به فرزندآوری تشویق شدند اما پس از چند سال باز هم امکاناتی برای حضور زنان در جامعه فراهم شد به خصوص با افزایش زنان تحصیلکرده این شرایط بیشتر از قبل برای فعالیت زنان در جامعه به وجود آمد.»

هادی صالحی اصفهانی افزوده «بازار کار ایران بسیار شبیه بازار کار در پاکستان و عراق است اما کشوری مانند عربستان با سیاست‌های محمد بن سلمان محدودیت‌های زنان را از ۵ سال پیش تا حدودی کم کرد و موقعیت زنان را تقویت کردند و این مساله باعث افزایش دو برابری نرخ مشارکت زنان در جامعه شد.»

گزارش شاخص شکاف جنسیتی که به تازگی از سوی مجمع جهانی اقتصاد ارائه شده نیز نشان می‌دهد ایران در قعر جدول برابری جنسیتی، حتی در خاورمیانه، قرار دارد. بر اساس گزارش مجمع جهانی اقتصاد، وضعیت خاورمیانه به هیچ عنوان مناسب نیست و بطور کلی در میان کشورهای خاورمیانه، وضعیت ایران تنها از کشور سودان بهتر است.

● در بهار امسال از جمعیت فعال ۲۶ میلیونی ایران در اقتصاد، بیش از ۸۰ درصد مرد و باقی زن بودند.

● در شرایطی که جمهوری اسلامی وظیفه اصلی زنان را مادر بودن و همسر بودن و فرزندآوری می‌داند و برای زنان شاغل در صورت بارداری و زایمان هیچ بسته‌ی کارآمد حمایتی ندارد، طبیعی است که شکاف جنسیتی عمیق خواهد شد.

بر اساس آخرین آمارها در بهار امسال از جمعیت فعال ۲۶ میلیونی ایران در اقتصاد، بیش از ۸۰ درصد مرد و باقی زن بودند. نرخ بیکاری زنان نیز روندی صعودی دارد بطوری که نرخ مشارکت مردان حدود ۵ برابر زنان شده است.

روزنامه «اعتماد» چاپ تهران در گزارشی با اعلام آمارهای پایین نرخ اشتغال زنان در ایران نوشته آنگونه که آمارهای اقتصادی می‌گوید میزان مشارکت اقتصادی زنان در ایران پایین‌تر آمده است، اقتصاددان‌ها بر این باورند که علت اصلی این موضوع به فرهنگ جامعه و سیاست‌گذاری‌های دولت و حاکمیت و قوانین تبعیض‌آمیز ارجحیت مردان بر زنان برمی‌گردد و این موضوع اصلاً ارتباطی به کوچک یا بزرگ بودن کیک اقتصادی ندارد.

در ادامه این گزارش آمده که مشارکت اقتصادی زنان در ایران در مقایسه با کشورهای دیگر بسیار پایین‌تر است و بعضی از تحلیلگران این موضوع را ریشه در سنت می‌دانند که به صورت تاریخی زنان ایرانی کمتر به دنبال شغل رفته و در واقع خانه‌داری را به عنوان یک شغل نگاه می‌کنند.

مرتضی افقه اقتصاددان و استاد دانشگاه جندی‌شاپور اهواز در رابطه با مشارکت پایین اقتصادی زنان به «اعتماد» گفته طی سه سال فعالیت دولت اصولگرایی ابراهیم رئیسی شکاف جنسیتی و کم‌رنگ شدن حضور زنان در جامعه بیشتر هم شده است و ساختارهای حقوقی و قانونی نیز به سمتی پیش رفته که اشتغال زنان برای کارفرمایان هزینه‌برتر هم شده است. البته شرایط حاکم بر ایران ریشه‌دارتر و ساختاری‌تر از سطح فعالیت یک دولت اصولگرا یا اصلاح‌طلب است؛ مرتضی افقه نیز در ادامه سخنانش به این موضوع اشاره کرده و گفته «چند سال قبل دانشجویان دختر من که فارغ‌التحصیل رشته اقتصاد بودند به آگهی‌های استخدامی تک‌جنسیتی (مردان) اعتراض داشتند و می‌گفتند در این آگهی‌ها تنها مردان را برای مشاغل موردنظرشان استخدام می‌کنند.»

این اقتصاددان توضیح داده که در بسیاری از کشورها بر اساس قوانینی که اتخاذ می‌شود بخشی از هزینه‌های اشتغال زنان را دولت‌ها می‌پردازند تا کارفرماها در زمان بارداری زنان بتوانند این هزینه‌ها را بپردازند اما در ایران به دلیل فقدان این قوانین گرایش به استخدام آقایان به خصوص در بخش خصوصی بیشتر است این در حالی است که این شرایط نباید به این شکل باشد اما به دلیل نگاه اصولگرایانه‌ای که حاکم است این وضعیت به وجود آمده است.

به نظر می‌رسد آنچه مرتضی افقه «نگاه اصولگرایانه» خوانده در اصل سیاست‌های کلی ترسیم شده از سوی علی خامنه‌ای و بر پایه ایدئولوژی جمهوری است که در نهایت دولت‌های اصلاح‌طلب نیز در برابر آن تسلیم هستند. برای نمونه مسعود پزشکیان اصلاح‌طلب به عنوان رئیس دولت چهاردهم جمهوری اسلامی بارها و بارها بر اینکه گوش به فرمان علی خامنه‌ای است تأکید کرده و گفته با کلیه سیاستگذاری‌های رهبر جمهوری اسلامی همسو و معتقد



## سه اقدام به خودکشی در ایلام زندگی فلاکت‌بار و بدون امید خانوارهای کارگری

بیمه» اقدام به خودکشی کرد. یکی از کارگران پروژه مسکن ملی شهر ایلام نیز خردادماه ۱۴۰۲ با رفتن بر روی «کرین تاور» در اعتراض به عدم پرداخت معوقات چهار ماهه خود قصد خودکشی داشته است. همکاران و دوستان این کارگر توانستند او را منصرف کرده و نجات دهند.

در اوایل دی‌ماه سال ۱۴۰۱ محمد، کارگر ۳۸ ساله ساکن خلیل‌آباد به دلیل مشکلات معیشتی ابتدا دو فرزندش را کشت و سپس، خود را حلق‌آویز کرد و جان باخت. یکی از کارکنان کنترونویس شرکت آب و فاضلاب شهر لاهیجان تابستان ۱۴۰۱ در اعتراض به اخراج خود، پس از ورود به اداره آب و فاضلاب با بنزین خودسوزی کرد. یک جوان ۳۰ ساله اهل ایلام نیز امرداد ۱۴۰۱ به دلیل مشکلات معیشتی در یکی از خیابان‌های این شهر خودکشی کرد و جان باخت.

اواسط خردادماه ۱۴۰۱ نیز دو کارگر در ماهشهر در اعتراض به اخراج از محل کار خودکشی کردند. همزمان یک کارگر در یاسوج به دلیل ناتوانی در بدهی ۱۰ میلیون تومانی خودکشی کرد.

در حادثه تلخ دیگری در اردیبهشت سال ۱۴۰۱ دو کارگر نانوايي با نام‌های سبوس و کریم در روستایی در شهرستان ممسنی استان فارس به دلیل مشکلات مالی و پس از اخراج از کار به دلیل افزایش هزینه‌های نانوايي، با خوردن قرص برنج خودکشی کردند و جان باختند.

اینها نمونه‌هایی از خودکشی کارگران در ایران است که فقر و فلاکت گسترده شده از سوی جمهوری اسلامی آنها را چنان ناامید و مستأصل کرده که راه دیگری جز پایان دادن به زندگی برای خود نمی‌بینند. در این میان کارگران شاغل نیز وضعیت معیشتی مناسبی ندارند و هر سال بیش از پیش به فقر خط فقر رانده می‌شوند. احسان سلطانی تحلیلگر و پژوهشگر اقتصادی با انتشار نموداری از سقوط ارزش دستمزد نیروی کار در ایران طی سالهای گذشته نوشته «حداقل دستمزد ماهانه نیروی کار به ۱۶۳ دلار در خرداد ماه ۱۴۰۳ رسید، که استمرار روند ۶ سال اخیر است.»

این پژوهشگر اقتصادی نوشته «شوکه‌های قیمت ارز موجب سقوط ارزش دستمزد نیروی کار به حدود ۱۵۰ دلار در ماه، از سال ۱۳۹۷ شده است.»

به عقیده احسان سلطانی «هدف اصلی و کلیدی حکومت از شوکه‌های مستمر قیمت ارز در ۶ سال گذشته و دلاریزه کردن اقتصاد، غارت مردم با درآمد ریالی و هزینه دلاری است، که اگر جز این بود بایستی همانند کشورهای با تورم بالا مانند ترکیه یا آرژانتین دستمزدها به صورت مستمر و متناسب با ارزش پول ملی (در برابر ارزهای خارجی) ترمیم شود.» این پژوهشگر اقتصادی همچنین معتقد است که چشم‌انداز اقتصادی که در دولت چهاردهم دیده می‌شود، به ویژه با رویکردها و دیدگاه‌های کاندیداهای ریاست جمهوری، امیدوارکننده نیست.

احسان سلطانی تأکید کرده که «نه قرار است وضعیت معیشت مردم بهتر شود، که احتمالاً بدتر هم خواهد شد. نه قرار است فساد و غارت اقتصاد کمتر شود، که بیشتر هم خواهد شد. به ویژه این که با شعارهای فریبنده کلیشه‌ای آزادسازی اقتصاد و... قرار است الیگارش‌ها و مافیاهای اقتصادی در چپاول هر چه بیشتر مردم و کشور، آزادتر باشند.»



از دست داده‌ایم، تنها راه امرار معاش، کارگری کردن در پتروشیمی است.»

ساختار رانته و پارتی‌بازی به اشتغال کارگران نیز رسیده بطوری که کارگران می‌گویند «استادکار، نزدیکان خود را برای کارگری انتخاب می‌کند و دیگران هیچ راهی برای پول درآوردن ندارند.»

خودکشی کارگران در ایران به یک پدیده تبدیل شده و هر چند آمارهای رسمی از آن وجود ندارد اما موارد گزارش و رسانه‌ای شده، نشان از فراگیری اقدام به خودکشی کارگران به دلیل بیکاری و فقر حکایت دارد.

تنها در پتروشیمی چوار ایلام طی دو سال دستکم هفت مورد خودکشی کارگران گزارش شده است. یک سال پیش در چنین روزهایی حیدر محسنی کارگر متأهل و دارای دو فرزند با ۱۸ سال سابقه کار در پتروشیمی چوار ایلام پس از دریافت حکم اخراج، خود را حلق‌آویز کرد و جان باخت.

در روزهای ۱۶ و ۱۷ امرداد ۱۴۰۱ علی‌محمد کریمی و محمد منصوری، دو کارگر جوان این شرکت پس از اخراج از کار «به دلیل مشکلات خانوادگی و اقتصادی» خودکشی کرده و به زندگی خود پایان داده بودند.

محمد منصوری ۳۲ ساله و پدر دو کودک شانزدهم امرداد ۱۴۰۱ خود را در خانه حلق‌آویز کرده بود و علی محمد کریمی نیز بعد از گذشت ۲۴ ساعت از حادثه اول، خود را به ضرب گلوله از پای درآورد. در روزهای ابتدای دی‌ماه ۱۴۰۱ نیز یک کارگر پیمانکاری دیگر پتروشیمی چوار ایلام با نام آرش تبرک پس از اخراج با خوردن قرص برنج خودکشی کرد و جان باخت. روز دوشنبه ۲۶ تیرماه ۱۴۰۲، یک کارگر ساختمانی به نام علی آخوندی ۲۴ ساله و ساکن زاهدان به علت فقر مالی خودکشی کرده است. این کارگر جوان متأهل بوده و یک پسر ۴ ساله داشته است.

چند روز پیشتر در تیرماه ۱۴۰۲ نیز قدرت صدیق کارگر ۵۸ ساله شرکت قطار رجا بعد از اخراج از سوی مدیریت با پریدن روی ریل قطار و برخورد با لکوموتیو به زندگی‌اش پایان داد. به گزارش منابع کارگری، این کارگر با بیش از ۲۰ سال سابقه کار و در پی اخراج توسط شرکت و «عدم رد کردن

یکی از کارگرانی که طی هفته گذشته خودکشی کرده کارگر بیکار شده‌ی پیمانکاری «پتروشیمی ارغوان گستر» است که ۲۷ تیرماه با ریختن بنزین به روی خود قصد داشت خودکشی کند.

کارگر دیگری که قصد داشته شبانه در قبرستان جان خود را بگیرد، جوانی ۲۹ ساله است. این کارگر حقوق کارگری‌اش را برای مادر بیمار و برادر معلولش خرج می‌کرده است.

سومین خودکشی نیز اقدام به خودکشی همسر یکی از کارگران اخراج شده کارخانه بوده است. کارگران گفتند که بیکاری همسر و فقر و ناتوانی در تهیه نیازهای اساسی زندگی دلیل به خودکشی نافرجام این زن بوده است.

در شهرستان «چوار» در ایلام تنها در طول یک هفته، سه نفر به دلیل فقر و فلاکت اقدام به خودکشی کردند. دو نفر از آنها کارگران یک شرکت پیمانکاری پتروشیمی چوار بودند و نفر سوم همسر یکی دیگر از کارگران اخراج شده بوده است.

یکی از کارگرانی که طی هفته گذشته خودکشی کرده کارگر بیکار شده‌ی پیمانکاری «پتروشیمی ارغوان گستر» بود که ۲۷ تیرماه با ریختن بنزین به روی خود قصد داشت خودکشی کند. او اکنون به دلیل عفونت شبکیه چشم و عفونت لوزه‌هایش به درمان نیاز دارد. همکارانش می‌گویند برای ۸۱۲ هزار تومان پول قطره چشم‌اش، از دوستان و آشنایان تنها ۴۸۳ هزار تومان برایش جمع‌آوری کرده‌اند.

این کارگر در یکی از روستاهای اطراف «چوار» زندگی می‌کند و پس از بیکاری حتی برای تأمین یک وعده غذایی روزانه هم به کمک نیاز دارد.

کارگر دیگری که قصد داشته شبانه در قبرستان جان خود را بگیرد، جوانی ۲۹ ساله است. این کارگر حقوق کارگری‌اش را برای مادر بیمار و برادر معلولش خرج می‌کرده و پول یارانه هم به حساب نانوايي محل واریز می‌شده چرا که نان را به صورت نسبه می‌خریده و نانوا هر ماه با مبلغ یارانه، هزینه نان فروخته شده را حساب می‌کردند؛ به گفته کارگران، پدیده خرید نان نسبه و تسویه با کارت یارانه در چوار و روستاهایش فراگیر است!

سومین خودکشی نیز اقدام به خودکشی همسر یکی از کارگران اخراج شده کارخانه است. کارگران گفتند که بیکاری همسر و فقر و ناتوانی در تهیه نیازهای اساسی زندگی دلیل خودکشی نافرجام این زن بوده است.

خبرگزاری «ایلنا» با انتشار این خبر نوشته حدود ۱۲۰ نفر از کارگران پیمانکاری این پتروشیمی، در ۴۰ روز گذشته، با نزدیک شدن به پایان پروژه راه‌اندازی و رسیدن موعد فعالیت خط تولید کارخانه، اخراج شده‌اند. مدیران این مجموعه به کارگران گفته‌اند که «پروژه ساخت تمام شده و دیگر به کارگران نیازی نیست و ظرفیت جذب وجود ندارد.»

کارگران اما معتقدند این ادعا تنها بهانه‌ای برای اخراج آنها بوده چرا که در طی ماه‌های گذشته شماری کارگر غیربومی در این پتروشیمی استخدام شده‌اند. کارگران اخراج شده به «ایلنا» گفته‌اند که «برای ما که زمین‌های کشاورزی‌مان را در همجواری با پتروشیمی

# اطلاعات ضد و نقیض وزارت بهداشت در مورد تب دنگی افزایش آمار مبتلایان در نبود آمار دقیق از تعداد شهرهای آلوده

بیش از ۱۰ استان درگیر تب دنگی  
به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی تبریز پشه آندس در شهرستان خداآفرین از توابع استان آذربایجان شرقی مشاهده شده است.  
یکی دیگر از استان‌های درگیر با بیماری تب دنگی استان اصفهان اعلام شده است.

به گفته سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، در این استان اصفهان تا کنون تنها یک مورد مثبت قطعی وجود داشته و بیمار پس از شناسایی درمان لازم را دریافت کرده و مشکل خاصی ندارد.

پژمان عقدک روز شنبه ۳۰ تیر به خبرگزاری تسنیم گفت: «این فرد بیمار راننده بوده و به مرز پاکستان سفر داشته است که در آنجا مورد گزارش قرار گرفته و علائم را بروز داده است.»

به گفته وی، بیش از ۲۰ مورد مشکوک به ابتلا در استان اصفهان وجود داشت که در روزهای اخیر به استان‌های پرخطر در شمال و جنوب کشور سفر کرده و علائم بیماری را داشتند اما پس از انجام تست‌های تشخیصی، تنها یک مورد مثبت قطعی مشخص شد.

پشه آندس همچنین به استان قزوین رسیده است که با در نظر گرفتن این استان تعداد استان‌های آلوده به این بیماری ۱۰ استان برآورد می‌شود.

به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی قزوین پشه آندس به عنوان عامل انتقال بیماری تب دنگی در یکی از شهرهای این استان مشاهده شده است.

عبدالله دیدبان روز شنبه ۳۰ تیر با اعلام این خبر گفت: «البته وجود پشه مذکور تا زمانی که آلوده به ویروس نباشد به معنی وجود بیماری نیست و بجز موردی که در سفر به خارج از کشور مبتلا و به ایران بازگشته بود در حال حاضر ابتلاء افراد به بیماری تب دنگی در استان گزارش نشده است.»

در استان «خراسان رضوی» نیز یک مورد مثبت تب دنگی مشاهده شده است.

معاون بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه خراسان روز ۲۷ تیر از شناسایی یک مورد مثبت تب دنگی در جمعیت تحت پوشش این دانشگاه خبر داد.

**۱۶ مورد ابتلا به تب دنگی در هرمزگان نیز تایید شده است.**

به گفته رئیس دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، از ابتدای اردیبهشت ماه امسال تاکنون بیش از ۲ هزار تست انجام شده است که تنها ۱۶ مورد مثبت ابتلا به تب دنگی در استان قطعی شده است.

غلامعلی جاودان در ۲۴ تیرماه با اشاره به شناسایی این پشه در استان از چهار سال پیش توضیح داده بود: «تا کنون با اقدامات انجام شده، طغیان بیماری را نداشتیم.»

به گفته وی، در حال حاضر در استان هرمزگان پشه آندس وجود دارد ولی تا کنون هیچ‌یک از پشه‌های صید شده ناقل بیماری نبوده و تمامی موارد ابتلا به جز یک مورد همگی سابقه سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس را داشتند.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی اردبیل پیشتر به خبرگزاری مهر گفته بود: «پای پشه آندس به اردبیل باز شد تا



می‌شود

روز شنبه ۳۰ تیر معاون بهداشت وزارت بهداشت در گفتگویی تلویزیونی اعلام کرد: «از دو ماه گذشته شاهد تخم‌ریزی پشه آندس در برخی از مناطق کشور هستیم که احتمال دارد این تخم‌ها به نقاط دیگر از جمله، تهران هم آورده شوند.»

به گفته حسین فرشیدی، «تا زمانی که هوا خشک است و بارندگی نداریم، هیچ مشکلی از جانب تخم‌های پشه آندس نداریم. اما اگر باران ببارد، کار ما سخت خواهد شد.»

وی توضیح داد: «این احتمال وجود دارد که بارندگی باعث شود پشه آندس سر از تخم در آورد. درواقع، اگر پشه آندس آب پیدا کند، ممکن است شرایط سخت شود. به احتمال خیلی زیاد در پاییز که فصل بارندگی است، پشه آندس زیاد شود. البته اگر پشه آندس هم باشد، اما بیمار نداشته باشیم؛ بیماری منتقل نمی‌شود.»

## انتقال تب دنگی در بندر لنگه

رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت نیز روز یکشنبه ۳۱ تیر با بیان اینکه هیچ موردی مبنی بر ابتلا به «تب دنگی» در شهر تهران گزارش نشده، به خبرگزاری ایسنا گفت: «حدود یک ماه پیش، بیماری تب دنگی در دانشگاه‌های علوم پزشکی «شهید بهشتی» و «ایران» شناسایی شد، اما این موضوع به معنی ابتلا به تب دنگی در شهر تهران نیست. موارد شناسایی شده جزو موارد وارداتی بودند.»

به گفته دکتر شهنام عرشی در حال حاضر، انتقال بیماری تب دنگی در بندر لنگه استان هرمزگان وجود دارد.  
وی توضیح داد: «یک مورد فوتی تب دنگی، بیش از ۸۰ سال سن داشت و در امارات به این بیماری مبتلا شده بود.»

● معاون فنی مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت روز شنبه ۳۰ تیر اعلام کرد: «تا روز چهارشنبه ۲۷ تیر ماه، ۱۵۱ بیمار مبتلا به تب دنگی در کشور شناسایی شدند که از این تعداد ۱۲ مورد انتقال محلی بوده است؛ یعنی این افراد سابقه سفر نداشتند و در داخل کشور آلوده شده‌اند.»

● «تا کنون استان‌های هرمزگان، فارس، خوزستان، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، سیستان بلوچستان، اصفهان و گیلان به تب دنگی آلوده شدند.»

معاون فنی مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت از درگیر شدن ۹ استان از جمله استان تهران به ویروس بیماری تب دنگی خبر داد اما به فاصله کوتاهی وی در گفتگویی دیگری ورود تب دنگی به استان تهران را تکذیب کرد و گفت فقط یک بیمار شناسایی شده است.

معاون فنی مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت روز شنبه ۳۰ تیر اعلام کرد: «تا روز چهارشنبه ۲۷ تیر ماه، ۱۵۱ بیمار مبتلا به تب دنگی در کشور شناسایی شدند که از این تعداد ۱۲ مورد انتقال محلی بوده است؛ یعنی این افراد سابقه سفر نداشتند و در داخل کشور آلوده شده‌اند.»

به گفته بابک عشرتی، از این تعداد ۱۳۰ نفر از کشور امارات، ۷ مورد از پاکستان، یک مورد از عمان و یک مورد از بنین آفریقا مبتلا شده بودند.

این مقام مسئول در وزارت بهداشت تاکید کرد: «تا کنون استان‌های هرمزگان، فارس، خوزستان، بوشهر، تهران، خراسان رضوی، سیستان بلوچستان، اصفهان و گیلان به تب دنگی آلوده شدند.»

پس از انتشار این خبر از سوی خبرگزاری مهر، بابک عشرتی و همزمان چند تن دیگر از مسئولان وزارت بهداشت، در گفتگو با خبرگزاری‌های دولتی ورود تب دنگی به تهران را تکذیب کردند.

معاون فنی بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت مدت کوتاهی پس از انتشار خبر ورود تب دنگی به تهران به نقل از وی از سوی خبرگزاری مهر در گفتگو با خبرگزاری فارس ادعا کرد: «تا کنون موردی از ابتلا به تب دنگی در تهران گزارش نشده و تنها مورد شناسایی شده فردی بوده که از یکی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به تهران آمده. از شناسایی این فرد نیز زمان زیادی از آن می‌گذرد.»

به گفته وی، «واقعیت ماجرا این است که یک نفر که سابقه سفر به امارات داشته و در آنجا به بیماری مبتلا شده، حدود یک ماه پیش در تهران شناسایی شده است بنابراین مورد ابتلا محلی در تهران نداشته‌ایم.»

عشرتی توضیح داد: «در حال حاضر حدود ۱۵۰ مورد شناسایی شده در کشور داریم که فقط ۱۱ نفر سابقه سفر نداشته‌اند که در استان هرمزگان شناسایی شده‌اند. مابقی این افراد سابقه سفر به کشورهای حاشیه خلیج فارس خصوصاً امارات را داشته‌اند.»

وی ادامه داد: «در ۴۰ شهر کشور پشه آندس شناسایی شده و بیشترین گزارش نیز در استان فارس است که افراد نیز در کشورهای دیگر مبتلا شده بودند.»  
احتمال افزایش پشه آندس در پاییز؛ باران ببارد کار سخت



## کمبود متخصصان عفونی و بحران درمان بیماری‌های عفونی در ایران



آینده نه چندان دور را نداشتن متخصص عفونی دانست و تأکید کرد: «سختی کار، عدم حمایت‌های دولتی، درآمد کم، پر خطر بودن مریض‌ها و احتمال مرگ از جمله عواملی است که انگیزه و گرایش افراد را به تحصیل در رشته‌های عفونی کمتر کرده است.»

به گفته رضانی با گذشت زمان، بازنشسته شدن بسیاری از متخصصان عفونی، انصراف برخی از افرادی که در حال گذراندن تخصص عفونی خود هستند و مهاجرت نیروهای توانمند، آینده بیماری‌های عفونی را با بحران مواجه خواهد کرد. در حال حاضر کمتر از ۴۰۰ متخصص عفونی در کشور وجود دارد و با توجه به هشدارهای سازمان جهانی بهداشت نسبت به آینده بیماری‌های عفونی در جهان نیاز است این تعداد افزایش پیدا کند.

وی با اشاره به اینکه علاوه بر درمان برای تشخیص، پیشگیری و کنترل بیماری‌های عفونی به متخصصان عفونی نیاز است، توضیح داد: «یکی از مشکلات پزشکان عفونی محدودیت در اطلاع از وضعیت بیمار، برای تجویز اقدامات درمانی است. پزشکان عفونی برای نوشتن نسخه‌های شامل بیمه برای چک کردن وضعیت داخلی، آزمایش، ام آر آی و... باید بیمار را به متخصصان داخلی ارجاع دهند. با توجه به سیستماتیک بودن بیماری‌های عفونی و احتمال درگیری سایر اعضای بدن، ایجاد محدودیت برای پزشکان عفونی باعث به تعویق افتادن اقدامات درمانی، سرگردانی بیمار، گسترش بیماری عفونی و افزایش هزینه‌های درمان می‌شود.»

وی همچنین گفت که تغییرات اقلیمی مثل گرم شدن زمین، بارندگی‌های غیرمنتظره و همچنین افزایش بی‌رویه شهرنشینی و زندگی صنعتی باعث شده است جامعه بیشتر از قبل به سمت عوامل عفونی پیش رود و هر لحظه احتمال طغیان یک بیماری عفونی وجود دارد.

● «بازنشسته شدن بسیاری از متخصصان عفونی، انصراف برخی از افرادی که در حال گذراندن تخصص عفونی خود هستند و مهاجرت نیروهای توانمند، آینده بیماری‌های عفونی را با بحران مواجه خواهد کرد. در حال حاضر کمتر از ۴۰۰ متخصص عفونی در کشور وجود دارد و با توجه به هشدارهای سازمان جهانی بهداشت نسبت به آینده بیماری‌های عفونی در جهان نیاز است این تعداد افزایش پیدا کند.»

● بر اساس آمارها ۹۱ شهرستان بدون پزشک متخصص هستند. این یعنی اگر فردی بیمار شود یا باید سختی سفر را تحمل کند یا درمان را عقب بیندازد و عواقب جبران‌ناپذیری را به جان بخرد.

● «تغییرات اقلیمی مثل گرم شدن زمین، بارندگی‌های غیرمنتظره و همچنین افزایش بی‌رویه شهرنشینی و زندگی صنعتی باعث شده است جامعه بیشتر از قبل به سمت عوامل عفونی پیش رود و هر لحظه احتمال طغیان یک بیماری عفونی وجود دارد.»

دبیر انجمن عفونی ایران با بیان اینکه کمتر از ۴۰۰ متخصص عفونی در کشور وجود دارد هشدار داد: «در آینده‌ای نزدیک با کمبود متخصصان عفونی روبرو خواهیم بود.»

آمیتیس رضانی روز شنبه ۳۰ تیرماه به وسایت رکتا گفت: «در حال حاضر حدود ۴۰ الی ۶۰ درصد از ظرفیت‌های پذیرش متخصصان عفونی تکمیل نمی‌شود. در بسیاری از مواقع رتبه‌های برتر ظرفیت را تکمیل نکرده و رتبه‌های پایین‌تر این رشته را پر می‌کنند.»

وی با اشاره به عدم استقبال از رشته‌های عفونی و مشکلات متخصصین این رشته‌ها و احتمال افزایش ابتلا به بیماری‌های عفونی در آینده، یکی از معضلات کشور در

دنگی را به صدا درآورد.»

به گفته علی محمدیان اردی دو روز پیش، اولین شناسایی پشه را در شهرستان مرزی بيله سوار شاهد بودیم که این به منزله شیوع بیماری تب دنگی نیست بلکه اگر مراقبت‌ها انجام شود این پشه ناقل بیماری نخواهد بود.

وی توضیح داده بود: «در ۸۰ درصد گزش پشه تب خفیف و ملایمی رخ می‌دهد و در پنج درصد عوارض آن شدید و تنها در یک درصد گزش پشه آندس می‌تواند منجر به شوک عصبی، خونریزی و کشندگی شود.»

بر اساس آمارهای مورد ادعای وزارت بهداشت جمهوری اسلامی تا ۲۴ تیرماه تعداد مبتلایان تب دنگی در کشور ۱۴۹ نفر اعلام شده بود. وزارت بهداشت همچنین در همان زمان، از مرگ بیمار در پی ابتلا به تب دنگی خبر داد.

در آن زمان رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت گفته بود ۴۰ شهر در معرض بیماری قرار دارند و سه استان شمالی یعنی گیلان، مازندران و گلستان و استان‌های جنوبی از خوزستان تا سیستان و بلوچستان مواردی از بیماری را داشته‌اند.

سرپرست دانشکده علوم پزشکی چابهار گفته بود به نظر می‌رسد از اواخر مردادماه و در شهر یورماه، کشور با اپیدمی این بیماری مواجه می‌شود.

اینهمه درحالیست که عضو هیات علمی انستیتو پاستور ایران هشدار داده و گفته است که شهرهای پرخطر سفر نکنید!

آرتمیس رضانی ۲۷ تیرماه به روزنامه دنیای اقتصاد گفته بود: «با توجه به گسترش آندس در گیلان و بخش‌هایی از مازندران امکان اینکه این پشه همراه مسافران به تهران بیاید، زیاد است.»

به گفته این متخصص بیماری‌های عفونی پشه آندس در طلوع و غروب خورشید خونخواری می‌کند.

حسین فرشیدی، معاون بهداشتی وزیر بهداشت نیز ۲۵ تیرماه در همین ارتباط گفته بود: «تب دنگی در صورت همه‌گیری از کرونا خطرناک‌تر خواهد بود.»

وی در مورد این بیماری توضیح داده بود: «هربار اگر مبتلا شویم، بار بعدی سخت‌تر و شدیدتر می‌شود. در حالی که در کرونا این مشکل وجود نداشت.»

در همین ارتباط رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، در مورد همه‌گیری تب دنگی از اواخر مرداد در ایران هشدار داده و از سه مورد فوتی بر اثر این بیماری خبر داده بود.

به گفته شهنام عرشی، رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت، ۴۰ شهر ایران در خطر ابتلا به تب دنگی قرار دارند.

عرشی با اعلام اینکه در سه استان شمالی گیلان، مازندران و گلستان و همچنین استان‌های جنوبی خوزستان و سیستان و بلوچستان مواردی از بیماری مشاهده شده، گفته بود: «این ۷ استان به‌صورت بالقوه در معرض پشه «آندس» هستند که عامل انتقال این بیماری محسوب می‌شود.»

این مقام وزارت بهداشت توضیح داده بود: «درحال حاضر بیشترین نگرانی در خصوص این بیماری از سوی مسافرانی است که از امارات، افغانستان و پاکستان به ایران سفر می‌کنند.»

تب دنگی از جمله بیماری‌هایی است که در تمام طول سال امکان ابتلا به آن وجود دارد و هر ۲ تا ۵ سال به‌صورت دوره‌ای شیوع گسترده آن رخ می‌دهد. به اعتقاد برخی کارشناسان، تغییر اقلیم و تغییرات آب و هوایی در مناطق مختلف جهان، شیوع بیماری را گسترده‌تر کرده است.

## مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی:

# ارتباط مستقیم محدودیت در فضای مجازی با خشم انباشته شهروندان

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته تداخل وظایف تصمیم‌گیران و تعدد یا تصدی‌گری بی‌ضابطه نهادهای تصمیم‌گیر می‌تواند منشاء بخشی از نابسامانی‌های فضای مجازی باشد.

● این گزارش افزوده با افزایش حضور مردم در فضای مجازی، فهم مشترک میان مردم نیز بیشتر می‌شود که در نهایت، پایداری اجتماعی را بالا می‌برد.

● در بخش دیگری از این گزارش آمده پژوهش‌های مختلف بین‌المللی تأیید می‌کند که با محدودیت یا اشکال در دسترسی به فضای مجازی، میزان خشم کاربر بیشتر می‌شود.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی از ارتباط مستقیم محدودیت در فضای مجازی با خشم انباشته شهروندان در ایران خبر داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با عنوان «پویایی‌شناسی مسائل و نابسامانی‌های فضای مجازی در ایران» و با مطالعه متغیرهای اصلی اثرگذار بر نابسامانی‌های فضای مجازی به این یافته رسیده که امکان حضور در این فضا برای درصد بالایی از مردم وجود دارد، اما کیفیت پایین اینترنت، وجود اختلال، محدودیت در اینترنت و سرعت پایین آن و همچنین ضعف در امنیت الکترونیکی، حضور در اینترنت را با مشکل مواجه می‌کند.

در این گزارش آمده که تداخل وظایف تصمیم‌گیران و تعدد یا تصدی‌گری بی‌ضابطه نهادهای تصمیم‌گیر می‌تواند منشاء بخشی از نابسامانی‌های فضای مجازی باشد.

برای نمونه آمده که در حوزه فیلترینگ مشاهده می‌شود که هرچند نهاد و ساز و کار مشخصی برای فیلترینگ وجود دارد، اما پیچیدگی و اهمیت این موضوع، باعث ورود نهادهای دیگری در تصمیم‌گیری در این حوزه می‌شود که سردرگمی‌ها و پیچیدگی‌های آن را چند برابر می‌کند.

همچنین در ارتباط با سند صیانت از کودکان و نوجوانان در فضای مجازی تصدی‌گری بی‌ضابطه دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی به‌عنوان یکی از چالش‌های موجود در چرخه تولید محتوا و خدمات بومی در زیست‌بوم فضای مجازی کودک و نوجوان مطرح شده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با اشاره به نتایج نظرسنجی ایسپا در بهمن‌ماه سال ۱۴۰۲ نوشته ۴۶/۵ درصد ایرانیان از اینستاگرام؛ ۳۵/۳ درصد از واتساپ؛ ۳۴/۶ درصد از تلگرام؛ ۲۵/۲ درصد از اینستاگرام؛ ۲۴/۱ درصد از روبیکا و ۸/۷ درصد از بله استفاده می‌کنند و میزان استفاده از سایر پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی کمتر از ۷ درصد است.

جهان جایگاه بسیار ویژه و بالای داشته و از لحاظ جایگاه اجتماعی و درآمدی نیز بسیار بالاتر از ایران است»

**بحران کمبود متخصص بیهوشی در سال آینده به اوج خود می‌رسد**

در ۱۹ آذر ۱۴۰۲ دبیر کارگروه پزشکان طرحی ضریب K نظام پزشکی با بیان اینکه بحران کمبود متخصص بیهوشی در سال ۱۴۰۳ به اوج خود می‌رسد تأکید کرده بود: «فارغ‌التحصیلان بیهوشی سال آینده حدود ۸۰ نفر هستند در صورتی که فارغ‌التحصیلان امسال و سال گذشته و دو سال قبل بالای ۱۵۰ نفر بودند. ورودی بیهوشی برای امسال حدود ۸۰ نفر است در صورتی که ظرفیت اعلامی وزارت بهداشت برای این رشته بیش از ۳۸۰ نفر بوده است. وزارت بهداشت چه فکری برای رفع این معضل دارد؟»

علی سلحشور توضیح داده بود: «تعرفه اکثر اعمال جراحی بسیار پایین است. قبل از پرداختن به این موضوع لازم است توضیح دهم که پزشکان در سیستم دولتی به صورت تمام وقت و غیر تمام‌وقت مشغول هستند بسیاری از جراحان تمام وقت کار می‌کنند ولی به محض اینکه جراح و پزشک متخصص، مطب بزند به عنوان غیرتمام وقت محسوب می‌شود.»

**کمبود پزشک به متخصصان بیماری‌های کودکان رسید**  
کمبود پزشک متخصص در شهرستان‌ها سبب مراجعه کودکان بیمار از دیگر شهرها به تهران و محدودیت دسترسی به تخت‌های بستری شده است.

در دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» از ۴۰ رزیدنت پذیرفته‌شده اطفال، ۵۰ درصد همان ابتدای کار انصراف دادند و این انصراف‌ها ادامه دارد.

پزشکان در مراکز دولتی ۱۵ تا ۲۰ هزار تومانی برای ویزیت‌های تخصصی می‌گیرند و یک جراحی حیات‌بخش هم برای آنها چیزی بیشتر از ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار تومان درآمد ندارد.

روزنامه «هم‌میهن» چاپ تهران با انتشار گزارشی در آبان ۱۴۰۲ به کمبود پزشک متخصص کودکان پرداخته و نوشته بود که کمبود پزشک متخصص در شهرستان‌ها سبب مراجعه کودکان بیمار از دیگر شهرها به تهران و محدودیت دسترسی به تخت‌های بستری شده است.

این گزارش با بیان اینکه مسئولان استانی کمبود این پزشکان را از مشکلات جدی حوزه سلامت در مناطق خود اعلام می‌کنند نوشته بود که بر اساس اعلام مرکز پژوهش‌های مجلس، از سال ۹۶ تا کنون میزان فارغ‌التحصیلان متخصص اطفال در کشور به زیر یک درصد رسیده و از طرف دیگر مسئله مهاجرت پزشکان هم به ماجرای کمبود متخصص اطفال در کشور دامن زده است.

روزنامه «هم‌میهن» با ارائه آماری از دانشجویان متخصص نوشته بود که در دانشگاه علوم پزشکی «بهشتی» از ۴۰ رزیدنت پذیرفته‌شده اطفال، ۵۰ درصد همان ابتدای کار انصراف دادند و این انصراف‌ها ادامه دارد.

گزارش دیگری که شهریور سال گذشته منتشر شده بود نشان می‌داد که در سازمان نظام پزشکی حدود ۸۵ هزار پزشک عمومی شماره نظام پزشکی دارند اما از این میان فقط حدود ۴۰ هزار نفر پروانه کار و طبابت دارند و حدود نیمی از آنها اساساً در شغل خود فعال نیستند. هم‌زمان اما کمبود ۱۸ هزار پزشک در شبکه نظام ارجاع و پزشک خانواده و خانه‌های بهداشت اعلام شده و مشخص شده بود که حدود ۲۰ هزار پزشک عمومی هم کار پزشکی انجام نمی‌دهند.

در همین ارتباط خبرگزاری دانشجو نیز چندی پیش با انتشار گزارشی اعلام کرد که بر اساس آمارها ۹۱ شهرستان بدون پزشک متخصص هستند. این یعنی اگر فردی بیمار شود یا باید سختی سفر را تحمل کند یا درمان را عقب بیاورد و عواقب جبران‌ناپذیری را به جان بخرد.

به گفته محمد رئیس‌زاده، رئیس کل سازمان نظام پزشکی ایران، خطر عقب‌گرد به ۴۰ سال قبل و وارد کردن پزشک از سایر کشورها و به تبع، عزیمت بیماران به خارج در کمین ایران است.

حسین‌علی شهریاری رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز در خرداد ۱۴۰۲ آمار پزشکان و پرستاران مهاجرت کرده در دو سال اخیر را حدود شش هزار نفر اعلام کرده و گفته بود: «آنها مشغول انجام کار تخصصی و فوق تخصصی خود در آمریکا و اروپا هستند.»

در بهار ۱۴۰۰ رصدخانه مهاجرت ایران نیز پیمایشی از پزشکان و پرستاران انجام داد، این پیمایش، نشان از تمایل ۴۵ درصدی این جامعه آماری نسبت به مهاجرت داده بود که از این آمار تأثیر عوامل بیرونی یعنی شرایط کلی کشور ۷۱ درصد، عوامل درونی یعنی مسائل شخصی و فردی ۶/۱۶ درصد و همچنین تأثیر تحولات اقتصادی کشور مانند تورم و تحریم‌ها به ترتیب ۷۳ و ۶۳ درصد است.

**بحران کمبود پزشک متخصص**  
در همین ارتباط دو ماه پیش رضا لاری‌پور سخنگوی نظام پزشکی در گفتگو با روزنامه شرق به انجام تحقیقی در اواخر دهه ۸۰ در دانشگاه علوم پزشکی مشهد اشاره کرده بود که نشان می‌داد تب تخصص‌گرایی بین فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی ۹۴ درصد بوده است.

وی در ادامه توضیح داده بود: «امروز شاهد این هستیم که در برخی از رشته‌های تخصصی صندلی‌های خالی دوره دستیاری وجود دارد. پزشکان دوست ندارند وارد رشته‌های بیهوشی، طب اورژانس، اطفال و بعضاً فوق تخصص برخی رشته‌ها مثل جراحی قلب و اطفال شوند.»

سخنگوی نظام پزشکی تأکید کرده بود: «وظیفه ما این است که اعلام کنیم صندلی‌ها خالی مانده. اگر شرایط برای ماندن پزشکان ایجاد نشود ممکن است مجبور شویم در آینده‌ای نه چندان دور، برای درمان نزد پزشکان ایرانی در سایر کشورها برویم.»

از سوی دیگر رئیس انجمن بیهوشی ایران در ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ با هشدار درباره مشکلات ناشی از کمبود نیروی متخصص بیهوشی در سال‌های آینده به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «طی نیم قرن گذشته در ایران پدیده جراح سالاری موجب شده که سایر رشته‌های پزشکی به عنوان رشته درجه دو دیده شوند و اهمیت سایر رشته‌ها مورد توجه قرار نگیرد.»

**۷۰ درصد ظرفیت رشته بیهوشی خالی مانده**  
رئیس انجمن بیهوشی قلب ایران ۲۸ اسفند ۱۴۰۲ با اشاره به کمبود متخصص بیهوشی در کشور گفته بود: «در حدود ۳ سال گذشته اقبالی به رشته بیهوشی نبوده و بیش از ۷۰ درصد ظرفیت رشته بیهوشی در دوره دستیاری خالی مانده است.»

به گفته علیرضا جلالی فراهانی، «در حال حاضر در تعدادی از بیمارستان‌های شهر تهران دچار بحران متخصص بیهوشی هستیم که می‌تواند عوارض جدی را برای سلامت کشور به همراه داشته باشد.»

وی اشتیاق به مهاجرت در بین متخصصین بیهوشی را بیشتر از دیگر رشته‌های پزشکی دانسته و توضیح داده بود: «به این دلیل که این رشته در بسیاری از کشورهای





در ادامه توضیح داده شده که سه مورد اول پیام‌رسان‌ها و رسانه‌های اجتماعی که بیشترین کاربران ایرانی در آن حضور دارند، همگی پیام‌رسان یا رسانه اجتماعی خارجی و غیربومی هستند که در ایران فیلتر شده‌اند. این موارد روی انگیزه استفاده از فیلترشکن و نصب آن اثرگذار است و به محدودیت دسترسی به اینترنت اشاره می‌کند. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی همچنین افزوده که با افزایش حضور مردم در فضای مجازی، فهم مشترک میان مردم نیز بیشتر می‌شود که در نهایت، پایداری اجتماعی را بالا می‌برد. در یک رابطه خطی، با افزایش حضور مردم در فضای مجازی، فهم مشترک میان مردم نیز بیشتر می‌شود که در نهایت، پایداری اجتماعی را بالا می‌برد و در پیوند با دینامیک فرهنگ عمومی قرار می‌گیرد. در اینجا، فهم مشترک، مفهومی برآمده از تجارب پایداری است که در یک زمینه معنایی مشترک در افراد به وجود آمده و پایداری اجتماعی نیز «ناظر بر نیازهایی است که از ضرورت حفظ برخی ساخت‌های اجتماعی و سنن و میراث فرهنگی برمی‌خیزد.

همچنین، این افزایش حضور در فضای مجازی، در کنار متغیر دیگری به نام نیاز به دیده شدن، اشتراک‌گذاری محتوا را افزایش می‌دهد که روی دو متغیر آثار اینفلوئنسرها و شیوع محتوای نامناسب و خلاف واقع اثرگذار است و ارتباط مثبتی با آنها دارد.

این گزارش افزوده که در صورتیکه امکان دسترسی به محتوا کاهش پیدا کند، انگیزه استفاده از فیلترشکن بیشتر می‌شود و کاربران بیشتری آن را نصب می‌کنند که در یک رابطه حلقه‌ای، در نهایت باعث افزایش دسترسی به محتوا می‌شود. در این حلقه، متغیر هزینه فیلترشکن که خود، تحت تأثیر پیشرفت فناوری است، روی نصب فیلترشکن تأثیر می‌گذارد. همچنین نصب بیشتر فیلترشکن علاوه بر اینکه دسترسی به محتوا را افزایش می‌دهد، در یک ارتباط منفی با متغیر هزینه جرائم و تخلفات ارتباط قرار دارد.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در ادامه نوشته علاوه بر متغیر نصب فیلترشکن، متغیر هزینه جرائم و تخلفات متأثر از متغیرهای دیگری چون کیفیت قانون، امکان حکمرانی داده و حاکمیت قانون است. متغیر امکان حکمرانی داده، متأثر از دینامیک مدیریت داده است و درعین حال، روی متغیر انگیزه محدودسازی در حاکمیت اثر می‌گذارد. دو متغیر کیفیت قانون و حاکمیت قانون نیز متأثر از دینامیک نظام قانونگذاری هستند. ازسوی دیگر، هرچه محدودیت دسترسی کاربران بیشتر شود، دسترسی کاربران به محتوا و آزادی انتشار نیز کمتر می‌شود و درعین حال، باعث می‌شود که سهم گردش داده در داخل بیشتر شود که در پیوند با دینامیک مدیریت داده است. همینطور محدودیت بیشتر در دسترسی باعث خشم انباشته بیشتری می‌شود که در پیوند با دینامیک سلامت است و می‌تواند شیوع محتوای نامناسب و خلاف واقع را بالا ببرد.

در بخش دیگری از این گزارش آمده پژوهش‌های مختلف بین‌المللی تأیید می‌کند که با محدودیت یا اشکال در دسترسی به فضای مجازی، میزان خشم تجربه شده کاربر بیشتر می‌شود.

شیوع محتوای نامناسب و خلاف واقع در فضای مجازی، کیفیت و نوع محتوای موجود در این فضا را کاهش می‌دهد و بر دینامیک خانواده و دینامیک سلامت نیز اثر منفی دارد. همزمان، با افزایش شیوع چنین محتوایی، انگیزه محدودسازی در حاکمیت بیشتر می‌شود که در یک ارتباط

«CrUX» در رتبه ۹۰ از ۱۰۰ قرار گرفته است. در این گزارش برای سنجش دقیق‌تر وضعیت فیلترینگ از دی ۱۴۰۲ تا ابتدای خرداد ۱۴۰۳، ۳۰۰ دامنه اینترنتی (انتخاب‌شده براساس SimilarWeb) را از پایگاه داده‌ی ooni.com بررسی شده بود. طبق این بررسی مشخص شده بود که اینترنت ایران در دی ۱۴۰۲، بطور میانگین ۱۳۷ دامنه‌ی دارای محدودیت (بالای ۵۰ درصد اختلال) داشته است. از این نظر تغییر معناداری نسبت به مدت مشابه سال گذشته در اینترنت کشور رخ نداده است.

همچنین در بررسی ۵۰۰۰ وب‌سایت پربازدید کاربران ایرانی در CrUX مشخص شده بود که حداقل ۷۳۰ وب‌سایت بطور مستقیم فیلتر شده و دامنه اصلی آن‌ها به آی‌پی‌های فیلترینگ Resolve می‌شود. بسیاری از وب‌سایت‌ها که از طریق فیلتر شدن آی‌پی، زیردامنه‌ها، CDN‌ها و... مسدود شده‌اند را نیز باید به این فهرست اضافه کرد.

انجمن تجارت الکترونیک ایران اشاره کرده بود که شبکه‌های اجتماعی توئیتر، اینستاگرام، تلگرام، واتساپ، فیس‌بوک، یوتیوب، توئیچ و پینتست در ایران فیلتر است و از این نظر ایران همراه چین و ترکمنستان در صدر کشورهای با محدودیت حداکثری در شبکه‌های اجتماعی قرار دارد.

بخش دیگری از این گزارش نوشته بود که کاربران ایرانی برای استفاده از اینترنت، بیش از همیشه از فیلترشکن استفاده می‌کنند؛ این ادعا بر اساس آخرین گزارش ایسپاست که نشان می‌دهد ۸۳.۶ درصد از کاربران اینترنتی از فیلترشکن استفاده می‌کنند. در گزارش مشابهی «دیتاک» نشان می‌دهد که پس از کاهش مقطعی استفاده از اینستاگرام در شهریور ۱۴۰۱، تا اسفند ۱۴۰۲، بیش از ۹۰ درصد کاربران به این شبکه‌ی اجتماعی بازگشتند.

انجمن تجارت الکترونیک تأکید کرده بود که در چنین شرایطی بطور خلاصه می‌توان دو بُعد از آسیب کلی به اینترنت کشور را پررنگ کرد. نخست، تحریم‌های فناوری گسترده، پرهزینه و به شدت علیه مردم ایران است و در عمل استفاده از سامانه‌های «تحریم‌شکن» راهکارهای موثری نیستند.

حلقه‌ای می‌تواند منتهی به اقدام به محدودیت دسترسی به محتوا شود. این اقدام، ظرفیت افزایش خشم انباشته و در نهایت، شیوع بیشتر محتوای نامناسب و خلاف واقع را دارد. پژوهش‌های مختلف بین‌المللی در ارتباط با بروز خشم در رابطه با مسدودسازی دسترسی به فضای مجازی وجود دارد که تأیید می‌کند که با محدودیت یا اشکال در دسترسی به فضای مجازی، میزان خشم تجربه شده کاربر بیشتر می‌شود.

انجمن تجارت الکترونیک تهران نیز نیمه تیرماه امسال در گزارش جدیدی اعلام کرد سیستم فیلترینگ به بزرگترین عامل ایجاد کندی مستمر و مانع بزرگی برای افزایش سرعت اینترنت بدل شده است.

در این گزارش در سه شاخص اختلال، محدودیت و سرعت دسترسی آزاد به اینترنت، آخرین اطلاعات پایگاه‌های داده OONI و گوگل CrUX را بررسی و برای اطمینان اطلاعات با سایر پایگاه‌ها از جمله رادار کلادفلر مقایسه شده بود.

بر این اساس ایران در میان ۱۰۰ کشور مورد بررسی در این گزارش در شاخص دسترسی آزاد به اینترنت در انتهای جدول قرار گرفته است.

انجمن تجارت الکترونیک ایران تأکید کرده بود که ایران پس از ترکمنستان، کنگو، سودان و کوبا در جایگاه پنجمین کشور در عدم دسترسی آزاد به اینترنت قرار دارد و اگر کشورهای بدون اطلاعات کافی در رابطه با محدودیت را حذف کنیم، اینترنت ایران در صدر کشورهای دارای محدودیت در دسترسی آزاد به اینترنت قرار می‌گیرد.

در این گزارش آمده بود وضعیت کیفیت اینترنت آزاد در ایران نسبت به گزارش قبلی در زمستان ۱۴۰۲، تفاوت چشمگیری نداشته است و همچنان باید اینترنت کشور را با سه گزاره‌ی پر اختلال، محدود و کند توصیف کرد.

از سوی دیگر ایران و چین وضعیت مشابهی در رده‌بندی‌های محدودترین کشورهای دنیا در زمینه آزادی اینترنت را داشتند، اما در شاخص‌های مرتبط با سرعت و اختلال، چین با رتبه‌ی ۶۱ از ۱۰۰ در گزارش «کلادفلر» و ۸۷ از ۱۰۰ در گزارش «CrUX»، در کل وضعیتی بهتر از ایران دارد. ایران در گزارش «کلادفلر» در رتبه ۹۷ و در گزارش

## هشدار درباره افزایش جمعیت زیر خط فقر در ایران هزینه مسکن «آبربحران» خانوارهای حقوق‌بگیر



مقامات حکومتی اعتراف می‌کنند چهار دهک پایین درآمدی ایران نه تنها در شرایط فعلی هیچوقت امکان خرید یک خانه بسیار کوچک را هم تا آخر عمر ندارند بلکه حتی توان پرداخت اجاره‌خانه را هم ندارند.

ابوالفضل نوروزی مدیرکل دفتر اقتصاد مسکن وزارت راه و شهرسازی بطور میانگین حدود ۳۱ درصد از مردم ایران مستأجر و بقیه مالک‌اند و ۸ درصد هم در خانه‌های سازمانی زندگی می‌کنند و در شهر تهران ۵۱ درصد شهروندان مستأجران هستند.

این آمارها به این معناست که یک سوم از جمعیت کشور و بیش از نیمی از جمعیت تهران برای تأمین هزینه اجاره‌بها با مشکلاتی جدید روبرو هستند.

وبسایت «اقتصاد۲۴» در گزارشی به وضعیت مستأجران و چشم‌انتظاری آنها برای اقدامات احتمالی دولت جدید جمهوری اسلامی پرداخته است. در این گزارش آمده شاید اولین اقدام دولت باید این باشد که یک نقشه راه و یک برنامه بلند مدت برای مسکن طراحی و تنظیم و مشخص شود در یک چشم‌انداز طولانی و ۲۰ ساله بر اساس سند ملی مسکن باید چه مسیری در پیش گرفته شود. کما اینکه دولت‌ها هرچند امید به روش‌های فوری و کوتاه مدت دارند، اما عملاً دولت رئیس‌ی با همه وعده‌ها نشان داد که راه کوتاه مدتی برای این بازار آشفته وجود ندارد.

همچنین در بازار مسکن اجاره ای نیز باید خط‌هایی که در سال‌های گذشته رخ داده، جبران شود، هر چند مصوبه‌های متعددی از جمله مصوبه سران قوا و مصوبه شورای عالی مسکن در این حوزه تصویب شدند، ولی ضمانت اجرا نداشتند که باید نظارت جدی تری بر این‌گونه اقدامات اعمال شود، چرا که معیشت خانواده‌های مستأجر که ۴۰ درصد از جمعیت شهری را شامل می‌شوند ←

اجرای برنامه‌های حمایتی از آنها کردند؛ اگرچه هیچ‌کدام از کاندیدها بطور مشخص نگفتند برای کاهش نرخ فقر چه برنامه‌ای دارند.

این گزارش افزوده مسعود پزشکیان، پیروز این دور از انتخابات ریاست جمهوری نیز در یک از برنامه‌های انتخاباتی با انتقاد از برخی سیاست‌های فعلی از بدتر شدن وضعیت جمعیت زیر خط فقر گفت. حالا باید دید او با سکانداری دولت چهاردهم می‌تواند راه را برای کاهش نرخ فقر باز کند؟

در این گزارش آمده که «هیولای فقر روزبه‌روز فربه‌تر می‌شود. در سال‌های اخیر بسیاری از کسانی که از طبقه متوسط بودند به زیر خط فقر سقوط کردند و آنها که زیر خط فقر بودند بیش از پیش به حاشیه رانده شدند. حالا بازوی پژوهشی مجلس در گزارشی هشدار داده که نرخ خط فقر در کشور در حال افزایش است.»

یکی از مهمترین فاکتورهایی که به ویژه در کلانشهرها در افزایش جمعیت فقیر تأثیر داشته، افزایش قیمت مسکن و اجاره‌بهای مسکن در سال‌های گذشته بوده است.

دولت سیزدهم در حالی بازار مسکن را با متوسط بهای ۳۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برای هر مترمربع تحویل گرفت که در بهار سال جاری، میانگین رقم هر مترمربع مسکن در شهر تهران از مرز ۸۵ میلیون تومان عبور کرد!

برنامه‌های دولت‌های مختلف اصلاح‌طلب و اصولگرا در ربع قرن گذشته برای ساماندهی به بازار مسکن و ساخت مسکن ارزان با شکست روبرو شده است. طی سال‌های گذشته تورم در بازار اجاره‌بهای مسکن هر ساله تا بیش از صد درصد هم افزایش یافته است. در آسوی درآمد‌ها با افزایش اندکی روبرو شده و خانوارهای مستأجر ناچار شده‌اند سهم بیشتری از درآمد خود را برای پرداخت اجاره‌بها هزینه کنند.

● مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش خود تأکید کرده که نرخ فقر متوسط کشور از سال ۱۳۹۶ به بعد افزایش چشمگیری داشت و از حدود ۲۰ درصد به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسید.

● بر اساس این گزارش، در سال پایانی برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰) از میان جمعیت سه دهک پایین درآمدی حدود ۷۵ درصد فاقد هرگونه پوشش حمایتی مشخص بودند.

● دولت سیزدهم در حالی بازار مسکن را با متوسط بهای ۳۱ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برای هر مترمربع تحویل گرفت که در بهار سال جاری، میانگین رقم هر مترمربع مسکن در شهر تهران از مرز ۸۵ میلیون تومان عبور کرد!

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی هشدار داده با ادامه موج تورم در ایران، روند افزایش جمعیت زیر خط فقر ادامه یابد. آخرین داده‌های رسمی از نرخ فقر در ایران نشان می‌دهد نرخ فقر متوسط کشور از سال ۱۳۹۶ به بعد افزایش چشمگیری داشته و از حدود ۲۰ درصد به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با عنوان «ارزیابی سیاست‌های حمایتی از گروه‌های اجتماعی» تأکید کرده شکاف فقر در ایران طی سال‌های گذشته همواره رو به افزایش بوده است. در این گزارش آمده که نرخ فقر متوسط کشور از سال ۱۳۹۶ به بعد افزایش چشمگیری داشت و از حدود ۲۰ درصد به ۳۰/۴ درصد در سال ۱۴۰۰ رسید.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، در سال پایانی برنامه ششم توسعه (۱۴۰۰) از میان جمعیت سه دهک پایین درآمدی کشور که جامعه هدف اصلی نیازمند به پوشش حمایتی است، حدود ۷۵ درصد فاقد هر گونه پوشش حمایتی مشخص بودند.

در ادامه گزارش این مرکز آمده که با ادامه موج تورمی در ایران، پیش‌بینی می‌شود روند افزایش جمعیت زیر خط فقر ادامه یابد. همچنین فاصله کاهش‌یافته فاصله افراد بالای خط فقر تا خط فقر در این سال‌ها، امکان سقوط طبقات متوسط اقتصادی را به وضعیت فقر مطلق افزایش داده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی پیشتر نیز در گزارشی از وضعیت فقر در ایران نوشته بود که شکاف فقر که فاصله فقرا تا خط فقر را اندازه‌گیری می‌کند، در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ به بالاترین مقدر خود یعنی ۲۷ درصد رسید.

این مرکز پژوهشی تأکید کرده بررسی مصارف خانوار در سال‌های گذشته کاهش در رفاه خانوارها را تأیید می‌کند. برای مثال نگاهی به مصرف خوراک خانوار سه اتفاق را بطور همزمان نشان می‌دهد: اول افزایش سهم خوراک از کل هزینه خانوار، دوم: کاهش کل خوراک خانوار (یعنی همان کاهش کالری دریافتی) و سوم کاهش کیفیت کالری دریافتی خانوار.

«وبسایت اکوایران» با اشاره به گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نوشته وضعیت جمعیت زیر خط فقر راه خود را به شعارهای انتخاباتی امسال هم باز کرد و برخی کاندیدها با اشاره به گروه‌های آسیب‌پذیر از لزوم



تحت شعاع وضعیت نامتعرف این بازار قرار داده است.

به گزارش «اقتصاد ۲۴» تلاش در رابطه با سامان‌دهی بازار مسکن به گونه‌ای که برخی نوسان‌ها و قیمت‌گذاری‌ها و شایعه‌پراکنی‌ها نتواند روی آن تأثیری بگذارد از اقدامات حائز اهمیتی است که هر چند دولت سیزدهم قصد اجرای آن را داشت، ولی عملاً نتوانست تا حد زیادی پیش برود و باید دولت چهاردهم به آن توجه شود.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی پدیده اجاره گروهی واحدهای مسکونی را مورد بررسی قرار داده و نوشته «حدود ۷۵ درصد از درآمد ماهانه نسل Z شاغل در پایتخت، توسط «اجاره‌بها» بلعیده می‌شود و خیلی از این دسته شاغلان برای دورزدن این «ابرهزینه»، به شکل گروهی- دو یا سه مستاجری- سکونت دارند تا سهم هزینه اجاره را به حداکثر ۳۰ درصد برسانند.»

در این گزارش آمده که نسل Z سهم بالای ۴۰ درصد از نیروی کار خیلی از شرکت‌های رو به رشد را به خود اختصاص داده که البته نقش آنها در شرکت‌های نوآور به مراتب بیشتر است. این گروه از نیروی کار در مواجهه با تورم مسکن مجبور به حذف دومینیوی ۷ فاکتور هزینه‌ای از سبد مصرف است. از نگاه کارشناسان، تداوم این روند باعث «مهاجرت به مبدأ» یا تشدید مهاجرت به خارج از کشور خواهد شد.

در ادامه آمده که بخشی از این جوانان که به تناسب اشتغال ملزم به زندگی در تهران شده‌اند؛ به دلیل هزینه بالای اجاره‌بها به شکل گروهی در آپارتمان‌های کوچک زندگی کرده و به‌رغم تخصص و اشتغال در شرکت‌های استارت‌آپی و دریافت حقوق متوسط، امکان اجاره خانه مستقل را ندارند. در این شرایط افزایش مستمر اجاره‌بها باعث شده تا بخشی از این نسل به افزایش تعداد نفرات در خانه‌های خود روی آورند؛ به‌نحوی که تعداد افراد ساکن در یک خانه ۶۰ تا ۷۰ متری و دارای یک اتاق خواب از ۲ نفر در سال‌های گذشته به ۴ نفر برای امسال در حال افزایش است.

این گزارش افزوده که تقاضای بالای مسکن در شهرهای بزرگ که بخشی ناشی از تورم بالا و بخش دیگر به دلیل جذابیت مسکن به عنوان یک دارایی سبب شده است تا قیمت مسکن شدیداً افزایش یابد به نحوی که برای جوانی با درآمد متوسط ۵۰ سال طول می‌کشد تا صاحب خانه شود. این موضوع باعث می‌شود تا شاهد بالا بودن رقم اجاره‌بها باشیم بطوری که فراتر از استطاعت جوانان است. این امر جهت تأثیری که بر رشد اقتصادی می‌گذارد و هم به دلیل پیامدهای اجتماعی آن بسیار بااهمیت است. نکته مهمی که در این زمینه شاهد آن هستیم این است که متاسفانه افرادی که متعلق به دهک‌های پایینی هستند بیشتر در معرض فشار افزایش هزینه‌های ناشی از تورم هستند.

«دنیای اقتصاد» تأکید کرده که بحران گرانی مسکن در کشور باعث شده تا بخشی از جوانان توانمند به فکر مهاجرت باشند؛ این رویه در بلندمدت به زیان فعالیت‌های استارت‌آپی تمام می‌شود؛ چرا که نیروی توانمند و کارآی خود را ازدست می‌دهند. این در حالی است که امروز استارت‌آپ‌ها نقش مهمی در رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. در شرایطی که چالش مسکن در کشور ریشه در متغیرهای کلان اقتصادی دارد؛ رفع این بحران نیز تنها از طریق اصلاحاتی در سطح کلان میسر است و نباید با آن برخوردی در سطح مشکلی داشت که به دلیل عدم‌انصاف این یا آن فرد حادث شده است.

## شش ماه و یک روز زندان برای آموزگاری که درباره مسموم ساختن دانش‌آموزان اظهار نظر کرد!



محمد حبیبی

● محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران به اتهام «تبلیغ علیه نظام» به دلیل اظهار نظر در رابطه با مسموم ساختن سازمانیافته دانش‌آموزان به شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شده است.

● این پرونده در حالی برای محمد حبیبی گشوده شد که او پیشتر با همین اتهام و در پرونده‌ای مشابه محاکمه شده بود!

● محمد حبیبی در واکنش به حکم صادرشده در شبکه «ایکس» نوشت: همانطور که در دادگاه گفتم دفاع از حقوق دانش‌آموزان یکی از وظایف اصلی هر فعال صنفی معلم است.

محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران و سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران به شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شد.

محمد حبیبی فعال صنفی آموزگاران با انتشار حکم دادگاه در شبکه «ایکس» نوشته «در پرونده‌ای که در اعتراض به مسمومیت‌های سریالی دانش‌آموزان تشکیل شده بود، به شش ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شدم.»

محمد حبیبی گفته «همانطور که در دادگاه گفتم دفاع از حقوق دانش‌آموزان یکی از وظایف اصلی هر فعال صنفی معلم است. از وکیل رامن صفرنیا بابت کمک و همراهی همیشگی سپاسگزارم.»

بر اساس حکم صادرشده شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان شهریار، محمد حبیبی را از جمله به دلیل اظهاراتش در فضای مجازی به «تبلیغ علیه نظام» متهم کرده است.

جلسه دادگاه رسیدگی به اتهام محمد حبیبی در تاریخ نهم تیرماه ۱۴۰۳ برگزار شده بود. پیشتر در نخستین روزهای تیرماه امسال فعالان صنفی گزارش دادند که محمد حبیبی برای دفاع درباره اتهام «اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی کشور» به شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شهریار احضار شده است.

این پرونده در حالی برای محمد حبیبی گشوده شد که او پیشتر با همین اتهام و در پرونده‌ای مشابه در رابطه با اظهار نظر درباره مسموم ساختن سازمانیافته دانش‌آموزان محاکمه شده بود!

محمد حبیبی اواسط فروردین ۱۴۰۲ توسط مأموران امنیتی در محل کار خود بازداشت و اواخر اردیبهشت‌ماه همان سال با قرار وثیقه از بند ۲۰۹ زندان اوین آزاد شد. کیفرخواست این فعال صنفی در این پرونده اوایل اردیبهشت ۱۴۰۲ صادر و پرونده وی به دادگاه انقلاب شهریار ارجاع شد.

مسموم ساختن دانش‌آموزان در مدارس عمدتاً دخترانه از نهم آذر ۱۴۰۱ در قم آغاز شد و ماه‌ها در سراسر ایران جریان داشت. این رویداد سبب مسموم شدن هزاران دختر و پسر دانش‌آموز در سطح کشور شد و با وجود ادعای نهادهای امنیتی و انتظامی برای پیگیری این ماجرا، هیچوقت نتایج تحقیقات این نهادها اعلام نشد و در نهایت کل ماجرای تروریستی گسترده در سطح کشور را به «هک بدبو» مرتبط دانستند. نجات بهرامی یکی از مقامات پیشین وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با «کیهان لندن» مسموم ساختن دانش‌آموزان را اقدامی از سوی جریانی در درون حکومت اعلام کرده بود.

تیرماه امسال وقتی بار دیگر محمد حبیبی برای پرونده‌ای

مشابه احضار شد، با انتشار مطلبی در شبکه «ایکس» این احضار را «غیرقانونی» خواند و نوشت: «برای پرونده‌ای که یکبار محاکمه شده‌ام، به دادگاه احضار شده‌ام.» این فعال صنفی فرهنگیان در ادامه نوشته «در حالی که عاملان آن حوادث هرگز بازخواست نشده‌اند، امثال من، ضیا نبوی و هستی امیری باید تاوان اعتراض بحق‌مان را بدهیم.»

محمد حبیبی پیشتر در تاریخ دهم اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱، در ارتباط با پرونده‌ای دیگر توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت و در تاریخ نوزدهم بهمن‌ماه همان سال، از زندان اوین آزاد شده بود. جلسه دادگاه رسیدگی به اتهامات محمد حبیبی در این پرونده در مهرماه ۱۴۰۱ در دادسرای اوین برگزار شد. محمد حبیبی در آبان ماه ۱۴۰۱ توسط شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران از بابت اتهام اجتماع و تبانی به سه سال و هفت ماه، بابت اتهام تبلیغ علیه نظام به یک سال حبس، دو سال محرومیت از فعالیت و عضویت در گروه‌ها و منع خروج از کشور محکوم شده بود.

پرونده جدید علیه محمد حبیبی آتهم در رابطه با پرونده‌ای که یکبار پیشتر در آن محاکمه شده نشان از تشدید فضای سرکوب در کشور در آستانه انتخابات نمایشی ریاست جمهوری اسلامی دارد که قرار است هشتم تیرماه برگزار شود.

محمد حبیبی پس از آنکه به محمد فاضلی مشاور فرهنگی مسعود پزشکیان که فعلاً فقط نامزد انتخابات نمایشی است انتقاد کرد، به قوه قضاییه احضار شده است!

محمد فاضلی در جریان یک مناظره تلویزیونی هنگامی با توضیحاتی از سوی مشاوران سعید جلیلی درباره آنچه «اخراج از دانشگاه» خوانده روبرو شد، قهر کرد و با غضب میکروفون را بر زمین کوفت و استودیو را ترک کرد.

محمد حبیبی با کنایه به بیانیه حمایتی محمد فاضلی از شرکت در انتخابات نوشته بود: «سخت بود آقای محمد فاضلی؟ دفعه بعد که خواستی بیانیه روزه‌گشایی بدهی، به هزاران معلم و دانشجو و کارگری فکر کن که بازداشت شدند، کتک خوردند، حبس کشیدند، تحقیر شدند و اخراج شدند. به آن بازنشسته‌ای که در مقابل چشمان همسرش، دستش را شکستند. به دخترانی که هر روز سرکوب می‌شوند.»

## سه اقدام به خودکشی در ایلام؛ زندگی فلاکت بار و بدون امید خانوارهای کارگری

یکی از کارگرانی که طی هفته گذشته خودکشی کرده کارگر بیکارشدی پیمانکاری «پتروشیمی ارغوان گستر» است که ۲۷ تیرماه با ریختن بزین به روی خود قصد داشت خودکشی کند. کارگر دیگری که قصد داشته شبانه در قبرستان جان خود را بگیرد، جوانی ۲۹ ساله است. این کارگر حقوق کارگری اش را برای مادر بیمار و برادر معلولش خرج می کرده است. سومین خودکشی نیز اقدام به خودکشی همسر یکی از کارگران اخراج شده کارخانه بوده است. کارگران گفتند که بیکاری همسر و فقر و ناتوانی در تهیه نیازهای اساسی زندگی دلیل به خودکشی نافرجام این زن بوده است.

احمدرضا رادان:

## سال ۱۴۰۲ دست کم ۹۲ مأمور نیروی انتظامی کشته شدند

طبق اعلام فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۲ دست کم ۹۲ نفر از مأموران نیروی انتظامی «در راه امنیت» کشته شدند. سردار پاسدار احمدرضا رادان روز یکشنبه اول مرداد ۱۴۰۳ در دیدار با نماینده علی خامنه ای در استان سیستان و بلوچستان با اعلام این آمار گفت: «دعای حضرت امام شامل حال انتظامی شده و باب شهادت در این ارگان باز است.» طبق اعلام ستاد فرماندهی انتظامی در سال ۱۴۰۰ حدود ۵۳ نفر از پرسنل نیروی انتظامی هنگام مأموریت کشته شدند. در سال ۱۴۰۱ نیز در جریان خیزش ضدحکومتی تلفات میان نیروهای امنیتی افزایش پیدا کرد و حدود ۱۲ تا ۱۴۰ نفر از پرسنل کشته شدند.

## افسردگی و خودکشی در سالمندان ایرانی: آماری نگران کننده

بر اساس آمار، حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد از سالمندان مبتلا به



افسردگی در ایران ممکن است به خودکشی فکر کنند. اگرچه نرخ خودکشی واقعی در این گروه سنی پایین تر است، این موضوع همچنان نگران کننده است، به ویژه با توجه به سرعت پیر شدن جمعیت ایران. «تنهایی و انزوا، مشکلات سلامتی، از دست دادن استقلال، کمبود حمایت اجتماعی و معیشتی» از جمله عوامل متعددی است که می تواند در بروز افسردگی و افکار خودکشی در سالمندان نقش داشته باشند.

## ۸۵ درصد کودکان خیابان تهران، اتباع خارجی هستند

سیدعلی کاظمی، دبیر مرجع ملی حقوق کودک، در سخنرانی خود در آیین افتتاحیه کارگاه هم اندیشی، هم افزایی و برنامه ریزی در موضوعات راهبردی برای اطفال و نوجوانان، اعلام کرد که تا ۸۵ درصد از کودکانی که در خیابان های تهران حضور دارند، از اتباع خارجی هستند. وی با اشاره به اهمیت توجه به حقوق کودکان اتباع، گفت: «بر این اساس نیاز داریم که سیاست گذاری های حقوقی اتباع مورد توجه قرار گیرد.»

## سقوط یک هواپیما با ۲۳ سرنشین در فرودگاه نپال؛ فقط خلبان زنده ماند

سقوط یک فروند هواپیمای مسافربری حوالی فرودگاه بین المللی «تریپووان» در کاتماندو پایتخت نپال دست کم ۲۲ نفر کشته شدند. این هواپیما که متعلق به شرکت هواپیمایی «سوریا نپال» بود روز چهارشنبه سوم امرداد اندکی پس از برخاستن بنا به دلایل نامعلوم دچار سانحه شد. منابع بین المللی گزارش دادند تنها خلبان این پرواز زنده مانده است. رئیس فرودگاه به بی بی سی گفته «هواپیما به محض بلند شدن، به راست چرخید، [در حالی که باید] به چپ می چرخید.» هفده نفر از کشته شدگان نپالی هستند و یک نفر یمنی است که به عنوان مهندس کار می کرد.

## سرکوب زنان به بهانه «حجاب» ادامه دارد؛ وعده فروشی دروغین پزشکيان و حامیانش!

جانشین فرمانده فراجا: ما در حوزه عفاف و حجاب وظیفه قانونی و تکلیف شرعی داریم، بنابراین طرح نور تعطیل بردار نیست، چرا که امر به معروف و نهی از منکر را نمی توان تعطیل کرد. غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی پیشتر مدعی شده



بود پزشکيان «مطابق هماهنگی هایی که ایشان با مقامات کشور انجام دادند، قرار است لایحه ای به مجلس بفرستد که جلوی شدت غیرمنطقی لایحه عفاف و حجاب را بگیرد. اصلاح طلبان در حالی می کوشند از مسعود پزشکيان یک چهره مخالف با حجاب اجباری نشان دهند که او از جمله مقامات موثر در تحمیل حجاب اجباری به زنان و از مدافعان افراطی تفکیک جنسیتی است.

## بسته شدن مرکز اسلامی فرانکفورت توسط پلیس آلمان

به دنبال تصمیم وزارت کشور آلمان مبنی بر بازرسی و بستن «مرکز اسلامی هامبورگ» که تحت نظارت جمهوری اسلامی مدیریت می شده و بیش از پنجاه زیرمجموعه آن در شهرهای مختلف این کشور، مرکز اسلامی فرانکفورت نیز صبح چهارشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ بسته شد. ایرانیان مخالف رژیم از سالها پیش برای بسته شدن این مراکز که محل گسترش افکار اسلامگرایی و فاشیسم مذهبی بودند تلاش و اعتراض می کردند. امروز همزمان با بسته شدن این مرکز در فرانکفورت، شماری از ایرانیان نیز در محل حضور یافته و به شادی پرداختند. این ویدئو توسط بامداد اسماعیلی خبرنگار در آلمان در رسانه های اجتماعی پخش شده است.

## تقدیر شاهزاده رضا پهلوی از اقدام دولت آلمان برای منع فعالیت «مرکز اسلامی هامبورگ» و تشویق دولت های غربی به اقدام مشابه برای حفظ امنیت ملی خودشان

وزارت کشور آلمان روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ در بیانیه ای شدید و قاطع فعالیت «مرکز اسلامی هامبورگ» و بیش از پنجاه زیرمجموعه آن را در شهرهای مختلف این کشور ممنوع اعلام کرد و با اعزام پلیس به این مراکز، اسناد و مدارک و اموال آنها را ضبط نمود.

شاهزاده رضا پهلوی در پیامی به همین مناسبت نوشت: «جمهوری اسلامی از بدو پیدایش، شبکه ای فراگیر از مراکز اسلامی، مساجد، موسسات خیریه، و نهادهای فرهنگی و آموزشی را در سراسر اروپا، کانادا، آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و ایالات متحده ایجاد کرده، و با سوء استفاده از چارچوب ها و قوانین دموکراتیک کشورها، بطور سیستماتیک، این شبکه را برای جاسوسی، تبلیغ ایدئولوژی نفرت و خشونت، و حتی ترور هدفمند مخالفان سیاسی به کار گرفته است. من از دولت آلمان برای اقدام قاطع اش در منع فعالیت



«مرکز اسلامی هامبورگ» و مراکز زیرمجموعه آن در سراسر این کشور که مستقیماً زیر نظر علی خامنه ای اداره می شدند، تقدیر می کنم. همچنین از دیگر دولت های غربی می خواهم که با الگو گرفتن از آلمان، اقدامات مشابهی را علیه نهادهای وابسته به جمهوری اسلامی انجام دهند؛ که چنین اقداماتی، از امنیت ملی آنها محافظت خواهد کرد و نیز مورد حمایت گسترده ایرانیان ساکن این کشورها است.»



## جمهوری اسلامی دادگاه کیفری «قاتلان سلیمانی» را برگزار می‌کند!

### محکومان باید ۳۳ میلیارد دلار غرامت بدهند!

اصغر جهانگیر سخنگوی قوه قضائیه جمهوری اسلامی روز سه‌شنبه دوم مرداد در یک کنفرانس خبری اعلام کرد صدور کیفرخواست برای ۷۳ نفر از متهمان پرونده کشته شدن سلیمانی از جمله ترامپ و پمپئو انجام شده و دادگاه کیفری آنها ۱۷ شهریورماه برگزار می‌شود. او توضیح داد، هر کدام از خواندگان پرونده نیز به پرداخت ۵ میلیون دلار محکوم شدند. به گفته این مقام قوه قضائیه «در این پرونده حدود ۳ هزار و ۳۰۰ نفر از اقشار مختلف مردم شکایت داشتند!» بر اساس حکم صادره دادگاه‌های جمهوری اسلامی متهمان پرونده ترور سلیمانی از جمله دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری سابق آمریکا و نامزد کنونی انتخابات این کشور مجموعاً به پرداخت ۱۶ میلیارد و ۵۹۰ میلیون دلار محکوم شدند. همچنین دادگاه حکم به «پرداخت غرامت تنبیهی به نحو تضامنی به میزان دو برابر خسارت مادی و معنوی وارده به میزان ۱۰ میلیون دلار» برای هریک از مدعیان پرونده که مجموعاً ۳۳ میلیارد و ۱۸۰ میلیون دلار می‌شود داد!

### دولت فربه‌تر شد!

میثم لطیفی رئیس سازمان اداری و استخدامی اعلام کرده در طول سه سال فعالیت دولت رئیسی ۴۰ هزار نفر به کارمندان دولت افزوده شد. او گفته تعداد کارکنان دولت در ابتدای دولت سیزدهم ۲ میلیون ۲۴۵ هزار و ۶۲۴ نفر بود که امروز تعداد کارکنان دولت به ۲ میلیون و ۲۸۰ هزار و ۸۷۵ نفر رسید. این در حالیست که سال‌هاست کارشناسان از ضرورت کوچک شدن دولت سخن می‌گویند و این موضوع در برنامه‌های توسعه‌ای جمهوری اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

## تجمع اعتراضی کارگران شرکت «کشت و صنعت مغان»



ده‌ها نفر از کارگران شرکت «کشت و صنعت مغان» روز سه‌شنبه دوم مردادماه در اعتراض به پایین بودن میزان حقوق ماهانه و ناکارآمدی مدیرعامل این شرکت دست به اعتراض زدند. این مجتمع با پیگیری‌های ابراهیم رئیسی از مهرماه سال ۱۳۹۹ به اسم خصوصی‌سازی با رانت به مدیران و رانتخواران ولایت‌مدار اردبیل واگذار شده بود.

## برگزاری ۲۱۰۰ جلسه و ۱۰۰۰ تصمیم در شورای امنیت کشور درباره تجمعات مردمی طی سه سال!

سردار پاسدار احمد وحیدی وزیر کشور دولت رئیسی گفته طی سه سال گذشته برای مدیریت تجمعات شهری، ۱۲۹ نشست شورای امنیت کشور با بیش از ۲۱۰۰ جلسه برگزار و بیش از ۱۰۰۰ تصمیم گرفته شد. وزیر کشور جمهوری اسلامی اعتراضات جنبش ملی ۱۴۰۱ را «جنگ ترکیبی» و «از پیچیده‌ترین طرح‌های فنی» عنوان کرده و گفته نظام از آن عبور کرد. او افزوده «با طراحی گسترده‌ای که انجام شد توانستیم در سال ۱۴۰۲ مانع اقدامات مشابه دشمنان شویم.» سردار پاسدار احمد وحیدی اعلام نکرده که «برای حفظ نظام» و سرکوب اعتراضات مردم چند شهروند را بطور سازمانیافته بازداشت، زخمی، کشته و یا اعدام کرده‌اند!

### ادعای وزیر دفاع جمهوری اسلامی:

## «افزایش چهار برابری صادرات محصولات نظامی طی سه سال»

محمدرضا قرایی آشتیانی وزیر دفاع جمهوری اسلامی در جلسه با اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی که سه‌شنبه دوم مرداد برگزار شد گفت در طول سه سال (دولت ابراهیم رئیسی) حد فاصل سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۳ صادرات محصولات نظامی چهار برابر شده است. در این جلسه ادعا شد که قرار است به زودی حقوق بازنشستگان نیروهای مسلح دو برابر شود.

## فعال شدن استارلینک در غزه با همکاری امارات و اسرائیل

ایلان ماسک سرمایه‌گذار و کارآفرین معروف و مدیرعامل و مهندس ارشد فنی اسپیس‌ایکس که فعالیت



ماهواره‌های استارلینک در ارتباط با اینترنت آزاد و جهانی در زیرمجموعه‌ی آن انجام می‌شود و چندی پیش رسانه اجتماعی «توییتر» را نیز خرید و آن را به «ایکس» تغییر نام داد، سه‌شنبه ۲۳ ژوئیه در پیامی کوتاه در «ایکس» خبر داد که «استارلینک در یک بیمارستان غزه با پشتیبانی دفتر پزشکی دولت امارات و همکاری دولت اسرائیل فعال شده است.»

## ثبت رکوردهای تازه در مصرف برق؛ ماجرای تعطیلی تهران چه بود؟

به گفته سخنگوی صنعت برق ایران تقاضای مصرف برق کشور در دوم مردادماه مجدداً جابجا شده و عدد ۷۸ هزار و ۱۰۶ مگاوات در تاریخ صنعت برق کشور ثبت شد. مدیرعامل شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ روز چهارشنبه اعلام کرد که با توزیع ۱۰۲ میلیون کیلووات ساعت انرژی در شبانه روز، حد نصاب تامین برق شهر تهران در تاریخ صنعت برق شکسته شد. استانداری تهران صبح چهارشنبه پایتخت را تا صبح شنبه تعطیل اعلام کرد اما بعد از آنکه مقامات وزارت نیرو گفتند این تعطیلی ربطی به موضوع «کمبود برق» ندارد، استانداری تهران در اطلاعیه‌ای جدید از کاهش ساعات کار تهران در روز پنجشنبه خبر داد! یک کارشناس اقلیم و هواشناسی با انتقاد از عملکرد دولت گفته روزهای شنبه و یکشنبه را تعطیل کنید چون پای جان مردم در میان است.

## حضور پررنگ ورزشکاران پناهجوی ایرانی در تیم پناهندگان المپیک ۲۰۲۴

تیم پناهندگان المپیک ۲۰۲۴ با ۳۷ ورزشکار از ۱۱ کشور مختلف در بازی‌های المپیک تابستانی ۲۰۲۴ پاریس شرکت می‌کند. در این تیم ۱۴ ورزشکار ایرانی حضور دارند که ۳۸ درصد از کل اعضای تیم را تشکیل می‌دهند. ورزشکاران ایرانی تیم پناهندگان المپیک عبارتند از: امید احمدی صفا (بوکس)، متین بالسنی (شنا)، محبوبه ژرفی (جودو)، سعید فضل‌الله (کانوی سرعت)، یکتا جمالی (وزنه‌برداری)، ایمان مهدوی (کشتی آزاد)، کسری مهدی‌پورنژاد (تکواندو)، دینا پوریونس (تکواندو)، امیر رضانژاد (کانو اسلalom)، محمد رشنوژاد (جودو)، سمن سلطانی (کانوی سرعت).



هادی تیران‌ولی‌پور (تکواندو)، جمال ولی‌زاده (کشتی فرنگی)، درسا یاوروی‌فا (بدمینتون) تیم پناهندگان المپیک برای اولین بار در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ ریو تشکیل شد و هدف آن جذب ورزشکاران با استعداد است که به دلیل شرایط غیرانسانی از میهن خود مجبور به مهاجرت شده‌اند و امکان افتخارآفرینی برای کشور خود از آنها سلب شده است.





### عکس هفته | فعالیت «مرکز اسلامی هامبورگ» در یک اقدام بی‌سابقه ممنوع اعلام شد

چهارشنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۲۴ برابر با ۳ مرداد ۱۴۰۳ «مرکز اسلامی هامبورگ» معروف به «مسجد آبی» و بیش از پنجاه زیرمجموعه‌ی آن به دلیل فعالیت خلاف قانون اساسی آلمان و تبلیغات ضد دموکراسی و حقوق بشر بسته و تمامی اموال آنها توقیف شد. این مرکز سال‌ها تحت نظر پلیس و دستگاه امنیتی آلمان قرار داشت.